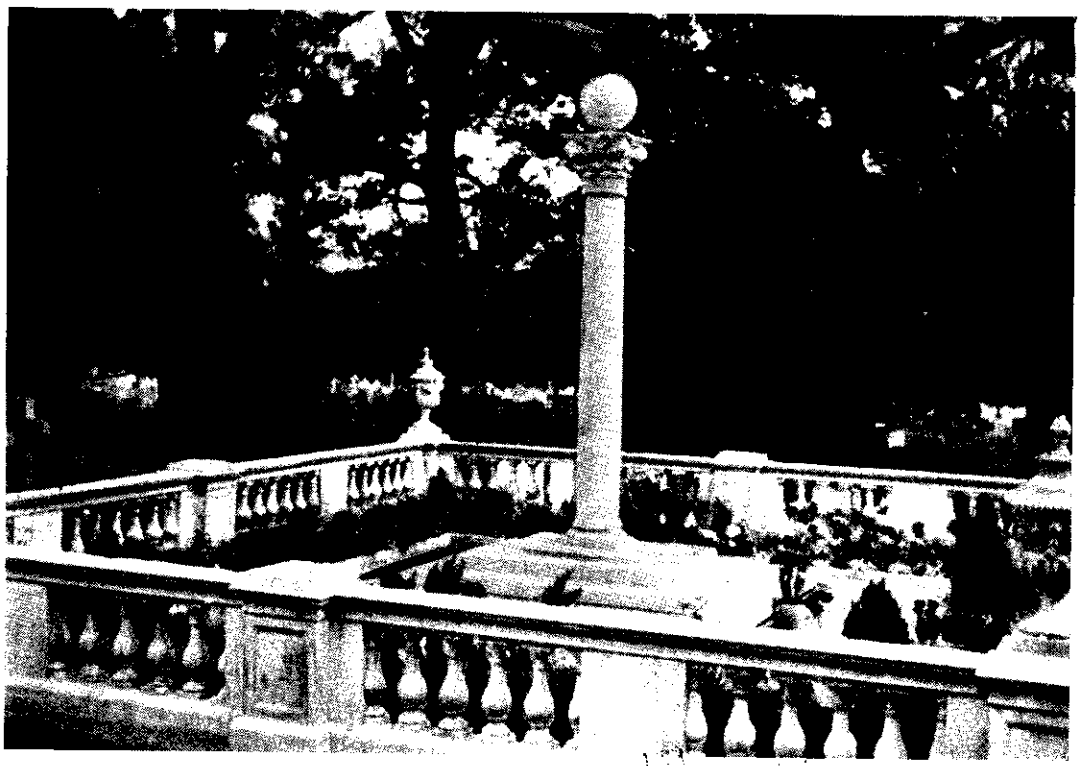

مخصوص جوانان بهائی است

آهنگ بدیع

شماره مخصوص بیاد حضرت ولی امرالله و اخاتراب مرقده الفداء

شماره هشتم - نهم - دهم

سال پانزدهم - شماره مسلسل ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷

شهرالقدره - شهرالقول - شهرالمسائل - شهرالشرف - ۱۱۷ بدیع

آبان - آذر - دی ۱۳۳۹ شمسی

نوامبر - دسامبر ۱۹۶۰، ژانویه ۱۹۶۱ میلادی

فهرست مطالب

شمارهٔ صفحه

۱- قسمتی از الواح مبارکه وصایا ۲۰۴

۲- سرآغاز ۲۰۵

۳- اولین توقیع مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنافداه ۲۰۸

۴- پیام حضرت امة البهاء روحیه خانم ۲۱۰

۵- افتتاح الواح مبارکه وصایا ۲۱۲

۶- نیازی بآستان حضرت شوقی افندی ۲۱۶

۷- بیست و پنج سال در ظل ولایت امرالله ۲۲۳

۸- باغ میثاق ۲۳۴

۹- نامه ای از ایادی امرالله جناب سمندری ۲۳۷

۱۰- بیانات حضرت امة البهاء روحیه خانم در کنفرانس کامپالا ۲۴۱

۱۱- شرح صعود مبارک ۲۵۰

۱۲- اولین ابلاغیه هیئت مجلله ایادی امرالله علیهم بهاء الله ۲۶۹

۱۳- دیدی باما چه کرد ... «شعر» ۲۷۳

۱۴- بنای مرقد مبارک ۲۷۵

فهرست مطالب

شماره صفحه

۱۵- احساسات یک زائر	۲۷۷
۱۶- مشروحات دوره ولایت امر	۲۸۰
۱۷- ساعتی بیاد محبوب	۲۸۲
۱۸- نامه جناب دکتر لطف الله حکیم علیه بهاء الله	۲۸۴
۱۹- بیاد دوست «شعر»	۲۸۹
۲۰- جهاد جهانی روحانی	۲۹۰
۲۱- آخرین توقیع مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه	۲۹۵
۲۲- آثار مبارکه حضرت ولی امرالله ارواحنا لتربته الفداء	۳۰۰
۲۳- در صعود مولای حنون «شعر»	۳۰۹
۲۴- روز موعود فرا رسید	۳۱۰
۲۵- بیاد حضرت ولی امرالله «شعر»	۳۱۸
۲۶- بشارت پیران در حدیث دیگران	۳۱۹
۲۷- بیاد محبوب «شعر»	۳۳۱
۲۸- آهنگ بدیع و خوانندگان	۳۳۲

شرح عکس ها را در آخرین صفحه ملاحظه فرمائید

تقدیم بآستان مقدس حضرت ولی امرالله غفر ممتاز دوحه بقا

شرح صحیفه غم ما گر مقبول است

معذور دار در شب بیدا نشسته ایم

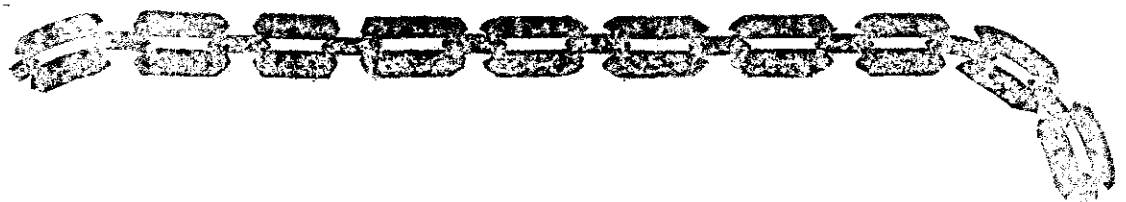

حمد لمن صان هيكل أمره بدرع البيان عن سهام الشبهات وحمى حمى شريعته السمحاء
ورقى محجته البيضاء بجنود عهوده من هجوم عصبة ناقضة وثلة هادمة
للبنيان وحرس الحصن الحصين ودبه المبين برجال لا تأخذهم لومة لائم ولا
تلهيهم تجارة ولا عزة ولا سلطة عن عهد الله وميثاقه الثابت
بآيات بينات من أثر القلم الأعلى في لوح حفيظ. والتحية والثناء والصلاة
والبهاء على أول غصن مبارك خضل نضير ريان من لسدرة المقدسة الرحمانية
منشعب من كلتي الشجرتين الربانيتين. وأبدع جوهرة فريدة عصماء تلألأ من خلال
البحرين المتلاطمين. وعلى فرع دوحة القدس وأفنان سدرة المنتهى
الذين ثبتوا على الميثاق في يوم التلاق وعلى أيادي أمر الله الذين نشروا
نفحات الله وتطقوا بحجج الله وبلغوا دين الله وروجوا شريعة الله
وانقطعوا عن غير الله وزهدوا في الدنيا واحتجوا ببرهان محبة الله
بين الضلوع والاحشاء من عباد الله وعلى الذين آمنوا واطمأنوا وثبتوا
على ميثاق الله واتبعوا النور الذي يلوح ويضيء من فجر الهدى
من بعدي الا وهو فرع مقدس مبارك منشعب من الشجرتين المباركتين
طوبى لمن استظل في ظله الممدود على العالمين.

از آثار مبارکه حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه

ای منادیان و برگزیدگان جمال کبریا و پیروان حضرت عبدالبهاء برادران حقیقی و خواهران روحانی متجاوز از
دو سال است که کوکب میثاق آن نجم مشعشع دری الهی آب حنون و مولای شفوق حضرت عبدالبهاء آهنگ ملأ اعلی
نمود و چون برق در پس پرده غیب پنهان و متواری گشت اهل بهاء اطفال بینوا را دفعة واحده در غمرات اکدار و ظلمات
این خاکدان ترابی یتیم و نالان گذاشت و عشاق آن روی دلارام را در این جهان پرمحن و آلام بنار حرقت و فرقتش بگداخت
بساط احزان را کاملاً بگسترانید و دیده عنصری را الی الابد از مشاهده روی و موی نازنینش محروم و مأیوس کرد حکمت بالغه
چنین اقتضا نمود و مشیت قاهره الهیه بر این قرار گرفت ولی روح مقدسش که از هشتاد سنه متاعب لاتحصی و مشقات گوناگون
خسته و آزرده شده بود حال شاد و آزاد در اعلی غرف جنان ساکن بر یمین رب الملکوت جالس و باین خسته دلان متوجه
و از رفرف اعلی باهل بهاء در ملک ادنی باین خطاب و ندا ناطق و مذکر :

ای عزیزان من محزون مشوید افسرده مگردید خاموش منشینید و خود را پریشان و مأیوس مکنید من با شما هستم و شما را
در حصن رعایت و کنف حمایتم گرفته در هر آنی تأیید و توفیقی جدید نمایم وفا بامر بهاء نمائید و تا نفس اخیر مانند

صحیفه ای‌که درآن شرح هجربارنویسم
زگریه شسته شودگر هزاربار نویسم
امان نمید هدم گریه آ نقدرکه بیامی
بخاکپای تواز چشم اشکبار نویسم

دردوران پانزده ساله انتشار آهنگ بدیع هرگز باچنین حسرت واندوه سرآغازی ننوشته ایم .

بیاد محبوبی ازدست‌رفته نوشتن همیشه سخت وجانکاه است وشرح هجران دوست گفتن همواره توام با اشک وآه .

سه سال قبل درموسم پائیز ولی امر عزیز ما دیده از جهان‌فرو بست. دراین سه سال‌براحوال وقلوب یارانش درسراسر جهان چها گذشته است بماند . تأثّراهل بهاء ازصعود آن مولای بیهمتا نه چندان وچنان است که‌بیان و بنان شرح آن تواند کرد . دلی نیست که ازفراغش داغ دار نباشد ودیده ای نیست که در هجرانش اشک حسرت‌نبارد .

بچه مشغول کنم دیده ودل راکه مدام
دل ترامیطلبد دیده ترامیجوید

فداکاریها وازخودگذشتگی هائی که ولی امرمحبوب ادر دراوران حیات پرانسوارش برای بسط واعتلای امرالله در سراسرجهان ازخویشتن بروزداد اثری چنان عمیق درقلوب واذهان یارانش برجای گذارده است که بمرور اعصارود هورازخاطرها محو نخواهد گردید .

نگاهی بمجهودات ومشروعات دوره ۳۶ ساله ولایت امر رازاین فداکاریها و ازجان گذشتگیها راآشکارخواهد ساخت .

اززمان اعلان ولایت امرتاساعاتی قبل ازصعود لحظه ای ازکوشش وفعالیت وارشاد وهدایت یاران خویش نیاسود . درآخرین شب حیات چندان باحال کسالت ودون دقیقه ای استراحت درراه تهیه نقشه هاوطرحهای جهانی برای پیشرفت واعتلای آئین الهی فعالیت کردکه سرانجام درنیمه شب قلب مطهرش ازحرکت بازایستاد .

اکنون سه سال ازآن شب غم انگیز میگذرد . سه سالی که هر روز آن چون قرنی برماگذشته است . سه سالی که درهرروزآن بیشتروبهتربارزش وعظمت فداکاریها و مجهودات مولای عزیزمان پی برده ایم .

امروز دیگرهمه میدانیم که ولی امرعزیزما جوانی آسایش سلامت وبالاخره جان و حیات خودرافدای پیشرفت واستقرارامرالله درسراسرجهان نمود . امروزدیگرهمه میدانیم که آرزوئی جز تقدم واعتلای آئین نازنین الهی در دل پاک مولای محبوب ماموج نمیزد همه اینها رامیدانیم ولی درمقابل آن فداکاریهاوبرای تحقق این آرزوهاچه کرده ایم وچه میخواهیم بکنیم ؟

دراین سه سال جامعه بهائی درسراسرجهان الحق نشان داده است که ارزش آن فداکاریهاوازجان گذشتگی های مولای عزیزش رانیک میداند . شاهدصدق این مدعا پیشرفت سریع اهل بهابسوی اهداف نقشه دهساله جهاد جهانی کبیراکبر است .نقشه ایکه تا آن حد مورد توجه وعنایت خاص مولای عزیز بود .

جامعه بهائی دراین سه سال نگذاشته است که مجاهدات وفداکاریهای ولی امر محبوبش درسبیل استقرار امرالله درسراسرجهان بهدر رود . اهداف نقشه یکی پس از دیگری بمرحله عمل درآمده است . اندگی کوشش وفعالیت بیشترسبب تحقق جمیع نوایای مولای مهربان نیز خواهد شد . دیگر زمان بهره گرفتن ازکوششهاوفعالیتها ده ساله نزدیک است . بهترین ودلنشین ترین جواب مابندای محبوب اینستکه در اجرای آنچه که ازنقشه وطرح موردعلاقه اوباقیمانده است بجان بکوشیم .

غم خوردن گریستن و نوحه کردن در رثای مولای عزیزمان هیچکدام به تنهائی نمی تواند دلیل عشق وعلاقه ومحبت ما بآن وجود نازنین باشد . فقط و فقط اعمالی که بتواند موجبات شادی وسرور روح مقدس آن سرور ربانی را درملکوت ابهی فراهم سازد نشانه بارز محبت و وداد و صفاووفای ما درپیشگاه او خواهد بود .

باری مقصد ما ازتهیه این مجموعه آن نبود است که با یادآوری خاطره صعود مولای عزیز برغم واندوه یاران بیفزائیم ویاخدمات وفداکاریهای ۳۶ ساله ولی امر عزیزمان را یکایك برشماریم . آرزوی ما همیشه در دوره جدید انتشار آهنگ بدیع آن بود که بتوانیم شماره ای ازآهنگ بدیع را بیاد بود ولی امر محبوبمان اختصاص دهیم تا آنانکه میخواهند براثر اقدام مقتدای خویش گامی در راه خدمت بامرمبرد ارند بخط مشی آن هیکل نازنین ناظرباشند ولی هربارخویشتن رادراین میان آنقدرخرد و بیمقدار یافتیم که یارای دست زدن باین مهم رادرخود ندیدیم تا آنکه بمصداق " مور که پای ملخ پیش سلیمان برد " عزم خویش جزم نمودیم وبا استمداد از ساحت قدس مولای عزیز و یاری وهمکاری جمعی ازدوستان ارجمند ودانشمند این شماره فراهم آمد .

ما اذعان میکنیم که این مجموعه بهیچوجه لایق پیشگاه محبوب نیست . آنچه که دراین مجموعه از فداکاریها و مجهودات مولای عزیز دردوران ۳۶ ساله ولایت امر آمده است قطره ای ازدریاو ذره ای ازآفتاب است .

بهرحال آنچه که مار اجرأت داد تا این مجموعه را به آستانش تقدیم نمائیم استظهار بمراتب لطف و مرحمت وبنده نوازی او بوده وبس و امید ما این است که این بضاعت مزجاة در ساحت قدسش بطراز قبول مزین گردد " و لیس هذا من فضله العزیز " .

اولین توقیع مبارک حضرت ولی امرالله روحی فداه

هـــوالله

احبای حقیقی حضرت عبدالبهاء را در عبودیت آستانـــــش
سهیم وشریکم ودر این مصیبت‌جانسوز یعنـــی فـــرقـــت
وحسرت جمـــال بیمثـــالش هـــر آنـــی مونس‌و ندیم هـــر
چنـد هیکـل بشری مولای حنونمـــان از دیده عنصری متواری
گشـــت ولی چون سحـاب از وجـه شمس‌مرتفع شد اشـراق
تائیـــداتش قویتر وعون وصون و حمایتش اکمـــل و شدیـــد
تـــر از قبـــل خواهـد بود حال باید همگی بقوه خلاقیت
کلماتش نظـــر نمائیـم ومنتظر تائیدات خفیه‌اش شویـــم و وعـده
های صـــریح که از فـــم و قلم مبارکش‌صادر گشته بیاد آریم
و بنهایت جدیت و شور و اطمینان و حکمت و توجه و محویـــت
و انقطاع و همت و ثبات قدم بمیدان خدمت گذاریـــم حصـــن
حصین امرالله را محافظـــه کنیم وتعالیم جانپرورش را تعمیـــم
و ترویج دهیـــم . امیـد وطیـــداین بنده شرمنده آن اســـت
کـــه بمنون و تائیدحضرت عبدالبهاء روحی لرمسه الاطهر فـــدا

وباثر ادعیه احبایش که ازقلوب محترقه صافیه منیرشان صادر است موفق بخدمتی گردد تا کسب استعداد وقابلیت
این عنایات مبذوله را نماید وتعاون وتعاضد یاران ومشورت دوستان وصلاح دید بیت العدل عمومی
که بنص قاطع مرجع کل امور است موفق باجرای نصایح و وصایای مبارکه شود از یاران
باوفایش لازال مستدعیم که دعا نمایند تا بر این عزه ثابت مانم تا انشاء الله بفرموده یاران
این نهال ضعیف تا لایق قوتی یابد و کسب استحقاق نماید و بشمر رسد و باین جهت مبارک
سرور وفرح قلوب یاران شود آرزوئی جز خدمت امرش نداشته ونخواهم داشت انشاء الله بسونه وهدایته
امور بمشورت عائله مقدسه وحضرات افنان در ارض مقصود با حسن وجوه مرتب و منظم خواهد گشت و
تمهیدات لازمه کامله از برای انتخاب وتاسیس بیت العدل عمومی پس از منشورت ودقت تام ابلاغ یاران
خواهد شد آنوقت کل بالمباشره قیام بخواهیم نمود
و بقوه ملکوتیش متحدا متفقا امرالله را از هجوم اعداء حفظ خواهیم کرد وحدت بهائی را
محافظه خواهیم نمود روابط در بین مراکز امریه را مستحکم داشت و بسر ترویج تبلیغ
در شرق وغرب عالم الی حین انعقاد کونشید تا عاقبت در ملکوت ابهی باجروثواب عظیم نائل
گردیم و به نعمت فوز بلقایش فائز شویم حقیق یا الهی آمال ارقائک المتحیرین لفراقک برحمتک
و فضلک .

بنده آستانش شوقی

۱۹ ك ۱۹۲۲/۲/۲

پیام
حضرت امة البهاء روحیه خانم

چندی قبل هیات تحریریه آهنگ بدیع از ایادی امرالله حضرت امة البهاء روحیه خانم استدعا نمود شرحی برای درج در شماره مخصوص حیات مولای بیهمتا حضرت ولی امرالله مرقوم فرمایند.
اکنون جای بسی سرور و سپاس میباشد که حضرتشان این مسئول را اجابت فرموده و با ارسال رقیمه کریمه ذیل این هیات را مباهی و مفتخر فرمودند.
از عموم خوانندگان عزیز تمنی داریم امعان نظر کامل بدقائق و مسائل مطروحه در آن فرموده و بهره کامل برگیرند.

مجله آهنگ بدیع ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۰

دوستان بسیار عزیز رقیمه آن عزیزان واصل گردید خواسته بودید که ازبرای مجله شما چیزی نوشته ارسال دارم بخاطرم آمد ارمغانی بهتر ازبیان آمال و آرزوهای قلبی حضرت ولی امرالله که دائما دردل وجان درباره جوانان میپروراند نخواهد بود. چه بسیار مواقع که هیکل اطهر راجع بجوانان میفرمودند که مستقبل امر در دست آنان است و جوانانند که بالمآل ناشرین نفحه مسکیه الهیه و خدام ادارات نظم بدیع خواهند گشت ومتتابعا آنانرا تشویق میفرمودند که در الواح و کتب امریه تمعن و تفرس تام نموده به معرفت امریکه بآن خدمت مینمایند کاملا نائل شوند و هیکل اقدس نیز دائماجوانانرا تحریص بر قیام بهجرت فرمودند تا آنان نیز سهم عظیم خود را درجهاد کبیر اکبر الهی انجام فرمایند.

با آنکه جوانان درحیات وخدمت ممکن است قلیل التجربه باشند ولی چه بسیار که سبکبار بوده برای حرکت وانتقال حاضر تراز دیگرانند زیرا متقدمین در حیات در اماکن خود تاسیس مراکز تجاری و تشکیل عائله و سیعه نموده و برای نقل همین مسئولیتها قادر برحرکت نمیباشند و چه بسا که گرفتار پیری و ناتوانی اند و باآنکه صمیمانه عاشق خدمت و هجرت هستند ولی دیگر حرکت برای آنان بسیار دشواراست اما جوانان که هنوز زیر بار سنگین این امور نرفته اند آزادتر وبرای پرواز درمعارج خدمت مهیا ترند هیکل مبارکچقدر از جوانان رجا فرمودند که خودرا باهداف معینه نقشه الهی برسانند ودر خدمات عظیمه امریه صمیمانه شرکت جویند.

ونیز آن وجود مقدس را آرزو چنان بودکه جوانان برای جمیع قدوه حسنه گردند و زندگانی شخصی آنان آئینه تمام نمای تعالیم الهی شود و در جمیع شئون و اطوار مظاهر اخلاق و آداب مقدسه الهیه باشند دراین هنگام بی اندازه میل دارم مطلبی راکه سالهاست درخاطر دارم باشمادرمیان گذارم میدانید با

آنکه از اعماق قلب و روان آرزومند زیارت کشور مقدس ایران هستم تابحال موفق بآن نشده ام اما بعد از مذاکره زیاد بازائرین عزیز وتبادل اخبار وآراء با ایادی مقیم ارض اقدس — دانسته ام که چه بسیار مواقع احبای الهی مراسم ازدواج برپا میدارند و جوانان عزیز زیر بار مصارف عظیمه ای رفته بتظاهر و تجمل بی اندازه ای میپردازند گمان میکنم درچنین مواقع است که جوانان غیور فرصتی می یابندکه سرمشق حقیقی برای احبای الهی وکلیه ابناء وطن خود گردند ملاحظه فرمائیدکه چقدرموزث شعف و سرور است اگر دیده شود که جوانان بااصرار تمام از اولیای خود بخواهند که مراسم ازدواج با سادگی تمام برگزار شود واگر عروس و داماد حاضر بهجرتند آنچه را که عائله شان مایلند برای جشن عروسی کریمانه صرف نمایند بآند و بدهند تا درسبیل خدمت بامرالله بمصرف رسانند و یا اقلا باسم آنان بسرمایه توکیل تقدیم شود تامهاجرین دیگر بتوانند برای تبلیغ و وصول باهداف دراین مواقع بحرانی حرکت نمایند آیا این عمل بیشتر مورد توجه ورضا و قبول حق جل جلاله است و یا آنکه بتجمل و تظاهر برداخته پذیرائیهای عظیمه نمایند ؟ البته این اقدام جالب برکات الهیه برای هر ازدواجی خواهدبود .

بخاطردارم برای اولین بارکه شنیدم جمال اقدس ابهی مهریه را محدودبه ۱۹ مثقال نقره در قراء و ۱۹ مثقال طلا درمدن فرموده ونیز بیان داشته اندکه خوشا بحال کسیکه بواحد اول قناعت نمایدچقدر این حکم الهی که امر بر بساطت است در قلب من موثرواقع افتاد اشاره ای از محبوب عالمیان کافی است که مسیر حیات ما راالی الابد معین سازد تاچه برسد باوامر موکده نازله از قلم اعلی چقدر عروسی حضرت عبدالبهاء در مدینه عکا درایام سجن در کمال سادگی بودو چقدر عروسی هیکل اطهر حضرت ولی امرالله درنهایت بساطت برگزار شد فقط لوازم ضروریه حاضر بودو بس و وجود مبارك ابدا گرد تبذیر نرفتند تظاهرنفرمودند و حتی اجازه پذیرائی اعطاء نشدالبته طرق وغیره دیگری نیز موجوداست که جوانان عزیز میتوانند از مصارف عظیمه غیر لازمه در کمال بزرگی وبزرگواری صرف نظر فرموده ودر راه بر آوردن آرزوهای دائمی مولای حنون خود تمرکز داده بمصرف رسانند . این آرزوی — قلبی من است که جوانان عزیز ایران باعلی ذروه خدمت واصل ودر کلیه میادین سر مشق عظیمی برای جمیع احبای جهان گردند . حضرت باب مظهر ظهور الهی جوان بودند حضرت شوقی افندی هنگامی که بار امانت ولایت امر را بردوش گرفتند جوان بودند و اکثر شهدای امر جوان بودند بسیاری از فاتحین که بیش از صدکشور را در نطاق نفوذ امرالله آوردند جوان بودند . این میدان فی الحقیقه میدان جوانان است پس ای قهرمانان الهی بر مراکب خود سوار شوید .

افتتاح الواح مبارکه وصایا

نوشته: محمود مجذوب

در ایامی که حضرت شوقی افندی غصن ممتاز دوحه بقاء مراحل طفولیت وصباوت را میگذرانیدند و درزمانیکه حضرت عبدالبهاء گرفتار طوفان نقض و مخالفت و جفای برادران حسود و بی وفا و در خطر عظیم بودند و بفرموده مبارک "امید دقیقه ای حیات مفقود" بود الواح وصایای مبارک از قلم معجز شیم حضرتش در سالهای ۱۳۲٤ و ۱۳۲۵ هجری قمری بمرور ایام و درسه قسمت عز نزول یافت درحالیکه قلب اطهرش بواسطه افروخته شدن آتش غل و حسد ونقض عهد برادران سست عنصر بغایت محزون و مغموم و بحلت دسائس و وساوس آنان مسجون ومحصور بودند.

آنچه مسلم است و ازمضامین الواح مبارکه وصایا نیز استنباط میشود آن است که این رق منشور بمرور ایام تکمیل گردیده است.

قسمتهائی از الواح مقدسه وصایای حضرت عبدالبهآ جل اسمه الاعلی

ای یاران مهربان بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان و افنان سدرهٔ مبارکه و ایادی امرالله و احبای جمال ابهی توجه بفرع دو سدره که از دو شجره مقدسه مبارکه انبات شده و از اقتران دو فرع دو حقیقت رحمانیه بوجود آمده یعنی شوقی افندی نمایند زیرا آیة الله و غصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احبای الله است و مبین آیات الله . . .

و ولی امرالله و بیت عدل عمومی که بانتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداء است آنچه قرار دهند من عندالله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصاهم فقد عصی الله و من عارضه فقد عارض الله و من نازعهم فقد نازع الله و من جادله فقد جادل الله و من جحده فقد جحد الله و من انکره فقد انکر الله و من انحاز و افترق و اعتزل عنه و اجتنب و ابتعد عن الله علیه غضب الله علیه قهر الله و علیه نقمة الله . . .

اما بیت عدل الذی جعله الله مصدر کل خیر و مصونا من کل خطاء باید با انتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود و اعضاء باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بر دین الهی و خیرخواه جمیع نوع انسانی باشند و مقصد بیت عدل عمومی است یعنی در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نماید این مجمع مرجع کل امور است و مؤسس قوانین و احکامی که در نصوص الهی موجود نه و جمیع مسائل مشکله در این مجلس حل گردد ... این بیت عدل مصدر تشریع است و حکومت قوه تنفیذ تشریع باید بیوندد تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریع شود تا از ارتباط و التیام این دو قوت بنیان عدل و انصاف متین و رزین گردد و اقالیم جنة النعیم و بهشت برین شود .

ای یاران عزیز الآن من در خطری عظیم و امید مساعدتی از حیات مفقود و ناچار بتحریر این ورقه پردازم خطاً لامر الله و صیانه لدینه و حفظاً لکلمه و صوناً لتعالیمه این نفس مظلوم قسم بجمال قدم بانفسی ملال نداشته و ندارم و کدری در دل نگرفتم و کلمه جز ذکر خیر نخواهم ولکن تکلیف شدید دارم و ناچار و مجبورم که خط و صون و وقایه امر الله نمایم

لهذا در نهایت تحسر و اسف وصیت مینمایم که امر الله را محافظه نمائید و شریعة الله را صیانت کنید
و از اختلاف نهایت استیحاش بفرمائید . اساس عقائد اهل بهاء روحی لهم الفداء حضرت
رب اعلی مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه و مبشر جمال قدم حضرت جمال ابهی روحی لاحبائه
الثابتین فداه مظهر کلیه الهیه و مطلع حقیقت مقدسه ربانیه و ما دون کل عباد له و کل بامره یعملون
مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق
و یا باکثریت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است من تجاوز عنه فهو من حب الشقاق و اظهر النفاق
و اعرض عن رب المیثاق ... هر چه تقرر یابد همان ما تنزل نص است و چون بیت عدل واضع قوانین
غیر منصوصه از معاملات است ناسخ آن مسائل نیز تواند بود یعنی بیت عدل الیوم در مسئله ای قانونی
نهد و معمول گردد ولی بعد از صد سال حال عمومی تغییر کلی حاصل نماید اختلاف از زمان حصول یابد بیت عدل
ثانی تواند آن مسئله قانونیه را تبدیل بحسب اقتضای زمان نماید زیرا نص صریح الهی نیست واضع بیت عدل ناسخ نیست بیت عدل

در این الواح مقدسه مبارکه که حضرت ولی مقدس امرالله آنرا متمم کتاب مستطاب اقدس دانسته اند حضرت مولی الوری اولا پس ازخطابی غراء به سرگونیها ومصائب و بلایای وارده بر جمال قدم جل اسمه الاعظم وطغیان ونافرمانی و بیوفائی برادر حسود آنحضرت یعنی میرزا یحیی اختصارا اشاره میفرمایند وسپس اعمال قبیحه واقدامات مذمومه مرکز نقض و تطب شقاق میرزا محمد علی و سایر برادران عنود و حقود را توضیح فرموده وعلت سقوط وانفصال غصن اکبر را ازشجره مبارکه توجیه میفرمایند و ذلت وخسران عظیم و مبین او واعوانش را صریحا وعده میدهند و بعد افنان واغصان سدره مبارکه وحضرات ایادی امرالله وجمهور اهل بهاء را پس ازصعود مبارکشان بنشر نفحات الله و تبلیغ امرالله و صیانت شریعت الله دعوت و وصیت میفرمایند وسپس با کلماتی محکم ومتین و غیر قابل تاویل تکلیف اهل بهارا پس از صعود روشن وحضرت شوقی افندی غصن ممتاز دوحه رحمانیه را بعنوان "آیت الله و غصن ممتاز و مرجع جمیع اغصان وافنان وایادی امرالله و احباء الله ومبین آیات الله " تعیین ومعرفی مینمایند و باین وسیله ابواب اختلاف وانشقاق و خود سری را بالکل مسدود میفرمایند واختیارات ولی امرالله و وظیفه جمهور مومنین را نسبت بحضرتش مشخص ومعلوم میدارند و آنگاه رکن دیگر از ارکان نظم بدیع جهان آرای الهی یعنی بیت العدل اعظم را تشریح و وظائف و اختیارات ومقام بیت العدل و نحوه انتخاب اعضای آن اعظم قوه تقنینیه عالم و آخرین ملجاء و پناه جامعه بشری را توضیح میفرمایند ودر لوح مبارک دوم از الواح وصایا اهل بهاء را باجتناب و دوری از ناقضین وناکثین عهد و میثاق الهی مامور مینمایند و بالاخره در آخر لوح مبارک سوم مجددا یاران باوفای خودرا توصیه بمواظبتو مراقبت و اطاعت از ولی مقدس امرالله وجلب رضایت حضرتش مینمایند واعراض و انکار ولی امرمنصوص ومعصوم را در ردیف طغیان و عصیان برخداوندعزیزمنان میشمارند و بالاخره این رنه ملکوتی را با این کلمات مقدسه خاتمه می بخشند " نفسی را حق رائی و اعتقاد مخصوصی نه باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت العدل نمایند وماعداهما کل مخالف فی ضلال مبین و علیکم البهاء الابهی عبدالبهاء عباس "

قبل از آنکه صعود آن محبوب عزیزو بی همتای اهل بها بنا بحکمتهای بالغه الهیه در ۲۸ ربیع الاول سنه ۱۳٤۰ هجری مطابق با ۲۸ نوامبر سنه ۱۹۲۱ میلادی در حیفا اتفاق افتد آن معدن حکمت و وفا الواح مبارکه وصایای حضرتش را در پاکتی سربسته نهاده و با مهر و امضای مبارک ممهور وممضی فرموده ودر روی پاکت مرقوم میفرمایند " امانت غصن ممتاز شوقی افندی علیه بهاء الله الابهی "و سپس آن پاکت سر بسته را بخواهر مهربرور وعزیز خود بقیه البهاء حضرت ورقه مبارکه علیامرحمت مینمایند زیرا حضرت شوقی افندی بهنگام صعود و غیبت عنصری محبوب ومولای خود در انگلستان بتحصیل اشتغال داشتند . پس ازحدوث فاجعه عظمی ومصیبت کبری یعنی صعود حضرت مولی الوری بملکوت ابهی این اعلان در یوم دوشنبه ۲۸ ربیع الاول سنه ۱۳٤۰ هجری قمری از طرف عائله مبارکه ومنتسبین منتشر گردید :

" خاندان عبدالبهاء خصوصا وبهائیان عموما خبر رحلت او را بشما میدهند او درشب گذشته رحلت نموده وفردا ساعت ۹ جنازه او تشییع می شود از منزلش بسوی مقام ازراه کوه کرمل "

و همچنین خانم اهل بهاء حضرت ورقه علیا

که درآتش فراق وهجران میسوخت و میگداخت این تلگراف را بعالم بهائی مخابره فرمودند :

" قد صعد الی ملکوت الابهی عبد البهاء ورقه علیا "

در اینجا باید گفت که حسن تدبیر و کفایت و لیاقت حضرت ورقه مبارکه علیا در زمان صعود حضرت عبد البهاء ودرمراسم تشییع جنازه مولای اهل بهاء و سرپرستی عائله مبارکه و حفظ ارتباط با دنیای بهائی تا افتتاح الواح وصایا و حتی در ایام غیبت ومسافرت اول و دوم حضرت ولی مقدس امرالله دراوائل دوره ولایت عظمی بسیار مهم وقابل توجه است با توجه باینکه آن معدن حب و وفا در سنی متجاوز از هفتاد بسر میبردند ودرآتش حرمان و هجران محبوب دل وجان خودبآ وفغان دمساز بودند و فی الحقیقه ید قدرت و حکمت بالغه الهی آنخانم اهل بها را برای چنین ایام خطیره و تاریخی ذخیره نموده بود تا الواح وصایا مفتوح و تکلیف اهل بهاء معلوم گردد چنانچه حضرت ولی نازنین امرالله در نامه نصیحت آمیزی که از لندن برای خواهر خود روح انگیز پس ازصعود مبارک مرقوم فرموده اند چنین میفرمایند " اعتقاد من اینست که خداوند چندی حضرت عمه خانم راقوی نگه خواهد داشت تابعضی ازکار های حضرت مولائی راکه هیچکس جز عمه خانم از عهده آن بر نمیآید انجام دهد " .

باری خبر صعود مولا و محبوب بیهمتای اهل بهاء بسمع مومنین درسراسر دنیارسید و حضرت ولی مقدس امرالله نیز درلندن از این واقعه مولمه درحالیکه در منزل تیودر پسول تشریف داشتند مطلع گشتند . از استماع این خبر وحشت اثر حال مبارک چنان منقلب وصحت جسمانی هیکل اطهر بحدی در خطر می افتدکه بلا فاصله تلفنا لیدی بلامفیلدرا از این قضیه مستحضرمی نمایند و هیکل مبارک سه روز درمنزل مشار الیها بستری شده درحالت ناخوشی وانقلاب روحی بسر میبرند تا آنکه بتدریج کسب آرامش و صحت میفرمایندو باحضور جمعی ازدوستان در منزل لیدی بلامفیلد بتلاوت الواح وآیات میپردازند و سپس برای تسکین آلام درونی استراحت مدتی باتفاق دکتر اسلمنت بورن مورث تشریف میبرندتا وسائل حرکت بحیفا با اولین وسیله فراهم شود . در همین اوقات تلگرافی ازحضرت ورقه علیا دریافت میفرمایند مبنی بر اینکه مسئولیت عظیم و خطیری در حیفا منتظر ایشان است وباید هرچه زودتر حرکت فرمایند لذا باتفاق لیدی بلامفیلد بارض اقدس نزول اجلال میفرمایند ودیده اهل بها را بقدوم خود روشن ومنیر مینمایند .

چهل روز پس از صعود مولا ومقتدای اهل بهاء بار دگر قیامت عظمی در مدینه حیفا برپا میشود و جمعی از اهالی به بیت مبارک روی آورده مجلس تذکار بر پامینمایند مجددا خطابه وادبیه و شعرا قصائد وخطبه هائی انشاء وایراد میکنند و جم غفیری نیز از خوان نعمت آن منعم حقیقی بهره مند میگردند . اما حضرت ولی امرالله بعلت هموم وغموم مستولیه و تاثرات قلبیه درآنروز حضور نداشتند . بالاخره در روز هفتم ژانویه ۱۹۲۲ میلادی ضمن یك احتفال تاریخی الواح وصایا از طرف حضرت ورقه مبارکه علیا ممهورا بمجلس برده شدو درحضور جمعی از اغصان وافنان و منتسبین و مسافرین و مجاورین قسمتی بوسیله جناب میرزا یوسف خان وجدانی علیه بهاء الله و بقیه توسط آقامحمد تقی اصفهانی تلاوت گردید و تکلیف اهل بهاء

و آینده امرالله صریحا تعیین وحضرت شوقی افندی ربانی کتبا و واضحا بعنوان ولی امرالله و مولای اهل بهاء و مبین آیات الله تعیین و شناخته شدند .

حضرت ورقه علیا بلافاصله خبر بهجت اثر افتتاح الواح وصایا وتعیین و تنصیص ولی امرالله را تلگرافیا باحبای ایران ابلاغ و بشارت ارسال آنرا نیز فرمودند متن تلگراف — حضرت ورقه علیا آن خانم اهل بهاء چنین است " طهران دواچی کتاب وصیت مبارک ارسال شد شوقی افندی مرکز امر ورقه علیا "

زیارت این تلگراف بقیة البهاء شقیقه حضرت عبدالبهاء و سپس افتتاح و تلاوت الواح مبارکه وصایا مرهمی بر قلوب مجروحه یاران — راستان نهاده و آتش فرقت مولای حنون را — تا حدی تخفیف و تسکین بخشید و کل وظیفه خود را دانستند که باید بعبودیت وخدمت آستان جمال اقدس ابهی بیش از پیش قیام کنند بخصوص که اولین اثر قلم معجز شیم حضرت شوقی افندی بافتخار یاران الهی نازل و نفحات جان پرور آن قلوب مشتاقان را — باهتزاز آورد . از آن پس دیگر کاس عنایت بدور آمد و الواح وتوقیعات و تلگرافات منیعه مقدسه از کلک گهر بارو مشگل گشای آن محبوب و مقصود عاشقان عز نزول میافت وهدایت الهی چون غیث هاطل بر کل نازل مینمود و تکلیف اهل بهاء را در هر موردی روشن و مسلم میفرمود . ابواب عنایت و هدایت تا آخر ایام هیکل مبارک بر وجه اهل بهاء مفتوح بود و براهنمائی های آن دلبر یکتا و سپهسالار جند هدی در مدت سی وشش سال دوران ولایت عظمی فتوحات وانتصارات عظیمه عجیبه در اقطار شاسعه جهان نصیب علمداران لشگر حیات و جنود نجات و سالکین سبیل حب و وفا گردید اکنون نیز نقشه ملکوتی آن مولای عزیز و فرامین صادره ازکلک اطهر و نصایح و مواعظ و حقایق مودعه در توقیعات منیعه اش راهنمای جامعه جهانی بهائی ودلیل راه مجاهدین ومبارزین و ناصرین امرالهی در میادین خدمت و مجاهدت میباشد و بیشک هر قدر بمرور ایام افزوده شود عظمت مقام ولی مقدس امر جمال ابهی و جلالت دوره سی و شش ساله ولایت عظمی مکشوف تر وارزش و اهمیت آثار مبارکه و تاسیسات ومشروعات و اقدامات مهمه آنحضرت واضحتر خواهد گردید .

در خاتمه از آستان مقدس مولای عزیزی که لحظات مکرمتش همواره شامل حال بوده وهست مسئلت مینمائیم که شمول تائیداتش را از ما بندگان ناتوانش دریغ نفرماید و چراغ — هدایتش را در این ظلمتکده تراب فرا راه ما نهد تا انشاء الله و اراد بتوفیق خدمتی که شایسته وسزاوار تقدیم بدرگاه جمال اقدس ابهی است نائل گردیم و بکسب رضایش مؤید شویم انه سمیع مجیب انتهی

طهران ۱۱ — ۵ — ۳۹

نیازی بآستان حضرت شوقی افندی

ترجمه دکتر پرویز روحانی

چگونه میتوانم لغاتی را بیابم که تمام احساسات قلبیم را نسبت بمولای محبوب بیان کند؟ احساس میکنم برماست که خود را چنان از روح فعالیت و نوایای مقدسه آن مولای بیهمتا ممتلی سازیم تا ما را درانجام وظائف خطیره خویش درطی پنج سال آینده جهاد مشعشع روحانی و مبهائی که بدست مبارکش نقشه آن ترسیم شده یاری بخشد و به تحقق بخشیدن بتمامی آمال مقدسه اش موفق و مویدنماید .

انجام و اجراء موفقیت آمیز این نقشه جلیله یادگار جاویدانی است که ما میتوانیم بیاد مبارك بنا نمائیم .

زمانیکه برای نخستین بارازصعود مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء مطلع شدم مؤمنی جوان بودم

خطابه غرائی که توسط ایادی امرالله امیلیا کالینز علیهابهاء الله درکنفرانس بین القارات شهر فرانکفورت آلمان که از تاریخ ۲۵ تا ۲۹ جولای ۱۹۵۸ منعقد بود ایراد شده توسط محفل مقدس روحانی ملی بهائیان آمریك تحت عنوان " نیازی بآستان شوقی افندی "طبع ومنتشرگردید که ترجمه آن از نظراحبای رحمن میگذرد .

معزی الیها درکنفرانس مذکور بعنوان نماینده منتخب حضرت ولی امرالله ارواحنالثربته الفداء شرکت فرمودند .

پس از آگاهی بر مفاد وصیت نامه حضرتش یک بار قلب و روحم بجانب غصن برومند و جوانی متوجه شد که توسط مرکز عهد الهی بمنظور حفظ و صیانت وهدایت امر جمال مبارك انتخاب شده بود از آن پس بارها دعا کردم وندبه نمودم که پروردگار بزرگ مرا موفق فرماید تا سبب فرح و سرور حضرتش گردم .

در سال ۱۹۲۳ برای اولین بار مولای محبوبمانرا در حیفا زیارت نمودم جوانی بودند سرشار از تصمیم واراده غالبه الهیه که قلب مبارکشان مملو از شوق واشتیاق ایمان وایقان و فدا کاری نسبت بامر حضرت رحمن بود .

همه مادرطی سالیانی چند با اعجاب و خلوصی روز افزون وبا تعظیم وتمجید فراوان نسبت بحضرتشان نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله را که با صبر وحزمی تمام در سراسر جهان آنرا بسط دادند ناظر بودیم . ولی ای دوستان این فداکاری بقیمت ایثار حیات مبارکشان تمام شد در سال ۱۹۵۱ زمانیکه مولای محبوب ما عده‌ای ازیاران را صلا فرمود شما بخدمت آستانش در حیفا قیام نمائید اندك اندك بآنچه حضرتش تحمل میکرد مطلع شدم . وجه منورش بشدت غمگین بود روح مبارکش در اثر ابتلائات ناشیه از رفتار منتسبین بیوفائی که امر مقدس و وجود نازنین ولی امرالله را فدای امیال شخصی خویش کرده بودند بسختی افسرده ویژه‌ره بود .

باصداقت کامله میتوانم بگویم که ماخادمان درگاهش طی سالیان دراز که در مرکز جهانی بهائی خدمت مینمودیم بندرت تبسم هیکل مبارك را مشاهده میکردیم . بسیار از اوقات از محن وبلایا که حضرتش تحمل فرموده بودند سخن میراندند من از جزء جزء مصائب وارده بر هیکل مبارك وحضرت عبدالبهاء دقیقا واقف نیستم ولی مشکل میتوانم باور کنم که آن محن و بلایا خردکننده‌تر و جانگداز تراز مصائب شوقی افندی بوده اند .

ولی محبوب ما عمیقاً وفطرةً متواضع بودند زمانیکه امر الهی گرفتار مصائب ومشکلاتی میشد بمثابه شعله آتش بدفاع از آن قیام میفرمودند و در کمال تحمل چون سلطانی مقتدر با هیمنه و جلال صحبت میداشتند . اما ازجنبه بشری در مقام فنای مطلق بودند وهر گونه ستایش ونیایش مارا بشدت نهی فرموده وانظار جمیع را بهیاکل مقدسه امر جمال یزدان معطوف میساختند .

ما همه میدانیم که چگونه حضرتش اجازه نفرمودند عکسی ازجمال منیرش تهیه و یا شخصی را آن حفظ نماید برعکس احبا را تشویق میفرمودند که شمایل مبارك حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فداه را زینت اطاقهای خود گردانند و هیچگاه اجازه نمیفرمودند از البسه مبارکه واشیاء شخصی حضرتش چیزی بکسی داده شود مبادا بعنوان اشیاء متبرکه تلقی گردد ایشان هر گونه پرستش فردی را مطرود میداشتند ولکن جلوگیری از فوران نار حب و عشق بیکرانی که قلوب یاران او را میگداخت بسختی امکان پذیر مینمود .

حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه میفرمایند (یاران با وفای عبدالبهاء باید فرع دوشجره مبارکه و ثمره نوسدره رحمانیه شوقی افندی را بنهایت مواظبت نمایند که غبار کدر وحزنی بر خاطر نورانیش ننشیند و روز بروز سرور وروحانیتش زیاده گردد ــ انتهی) نه منتسبین بیوفایش نه مردم جهان ونه متاسفانه ما بهائیان نورانیت فواد وخاطر منیرش را حفظ ننمودیم پس از سالها غم واندوه وتحمل ابتلائات از قبل منتسبین وپس از انفصال کامل از آنان

بارقه امید ونشاطی در آسمان حیات مبارکش درخشیدن گرفت . پیشرفت سریع نقشه دهساله وحصول قسمت اعظمی از اهداف عالیه این جهاد کبیر اکبر سبب انبساط خاطر و فرح روح مقدسش گشت چگونه میتوانم حالت چشمان مبارکش را زمانیکه برای اعلان فتح جدیدی بمسافر خانه تشریف میآوردند توصیف کنم . این چشمان درخشان با نور و حرارت عجیبی میدرخشید و وجه صبیحش با تبسم لطیفی میشکفت بسیاری از اوقات دستور میفرمودند یکی از نقشه ها را روی میز نهار خوری بگسترانند و دراین موقع انگشت مبارکش با قدرت وتصمیم وارادهٔ بی منتهی نقطه مفتوحه جدیده را حظیره القدس خریداری شده اخیر و یا زمین جدیدی که آثار مبارکه امریه بآن ترجمه شده بود نشان میداد . بدون اندکمبالغه میگویم که تنها پیشرفت نقشه جهاد کبیر اکبر بود که حضرتش را ترغیب به ادامه آنهمه کار طاقت فرسا مینمود زیرا ایشان بتمام معنی خسته ورنجور گشته بودند در سال اخیر حیات مبارکشان بزائرین و مجاورین ضمن شکایت از ثقل فادحی که تحمل مینمودند فرموده بودند :

((دوران تصدی من بیش از دوران تصدی حضرت عبدالبهاء بطول انجامید .))

ولی هیچیک از ما نمیتوانست پیش بینی کند که این کلمات حاکی از قرب صعود حضرتشان باشد هیچیک از ما نمیدانست که پس وشش سال زحمت ومشقت کار مداوم و غم واندوه و فداکاری وجانفشانی بکلی وجود مبارکش را گداخته و قلب اطهر دراثر ناملایمات چگونه درسوز وگداز بود . از اوان کودکی حساسیت وتحمل رنج از خصوصیات ذاتیشان بود واین خصوصیات در طی بلوغ ودوران ولایت امر رو بتزاید بود .

دوستان الهی باید بدانند که حضرت شوقی افندی متعاقب صدمه شدید روحی که ازصعود حضرت مولی الوری بایشان وارد شد امر مهم دیگری نیز روح مبارکشان را بمنتهی درجه متاثر ساخت و این هیجان اخیر در انتخاب حضرتشان بعنوان ((ولی امرالله)) بود ایشان در وران سی وشش سال ولایت امرمثابه شجره طیبه ای بنهایت بلوغ روحانی خویش رسیدند وفواکه و اثمارمبارکه بیشماری ببار آوردند ولی اینها ببهای قربانی شدن وجود مبارکشان تمام شد . بهائی که هرگز بمحاسبه در نخواهد آمد .

بیائید برای لحظاتی چند مختصرا بعضی از خدماتی را که حضرت شوقی افندی بامر مبارک حضرت بهاء الله روح العالمین له الفدا فرمودند بخاطر آوریم :

زمانیکه صعود جانگداز مرکز میثاق واقع شد مقام مقدس اعلی مرکب از شش اطاق محاط بقطعه کوچکی از زمین حول آن بود قصر بهجی وقسمت اعظمی از اراضی اطرافش باستثنای روضه مبارکه فوق العاده محدود بود ومسافرخانه (یکی اجاره) دردست ناقضان و یا اعوان آن بود معهذا بعنوان رئیس دیانتی جدید شناخته نشده بلکه بعنوان یك شخصیت برجسته اسلامی ویك رجل مقدسی محسوب میگشتند .

ولی جوان مخلع بخلعت جوانی وآزادی و مسلح بقدرتی که جد بزرگوارش باو عنایت فرموده بودبا یك ضربت تمام تعلقاتی راکه بظاهر امر بهائی را بدیانت اسلام می پیوست از هم گسست و از حضور در مسجد امتناع ورزید حضرت شوقی افندی با آن رقت محضه قلبیه وحساسیت مطلقه ای که داشتندعلاوه بر

غم واندوهی که از صعود مرکز میثاق داشتند مباشرت به تنفیذ واجرای نوایای مقدسه حضرت عبدالبهاء نمودو باتوجه باشاره مبارکشان کـه فرموده بودند . پس از من جمیع حجبات — خرق خواهد شد یکباره تمام تعلقات امرالهی از سایر ادیان قطع واستقلال شریعت جمـال مبارك را اعلام فرمودند .

نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاءالله میبایست پس ازصعود مثل اعلای امر مقدس — بهائی تحت رهبری ((قهرمان عدل الهی)) تکوین یابـد .

مرکز میثاق در ایام حیات مبارکشان بـا چشمانی مشتاق بمقام مقدس اعلی نظرافکنـده و فرموده بودند .((نشد مقام اعلی تمام شود انشاء الله تمام خواهد شد))

حضرت ولی امرالله در همان سالهای اولیه ولایتشان سه حجره بمقام مقدس افزودند تـا ساختمان بصورت بنائی نه اطاقه درآمد درجشن مئوی مبعث حضرت باب روح ماسواه فداه ماکت مقام اعلی در معرض نمایش گذاشته شدبـس از آن هرسال حدائق حول مقام بدستورمبارك توسعه داده شد ودرحالیکه طراحی حدائـق تا کوچکترین جزئیات از خود ایشان بودباصبر و ابرام فوق العاده قطعات اراضی مجاورمقام را خریداری و شخصا معاملات اجرائی رانظارت میفرمودند و دراین طریق بر یکایك مشکلات وموانع فائق وغالب گشتند .

همچنین قصر مبارك حضرت بهاء الله جـل ذکره الاعلی را از دست ناقض عهد ومیثاق الهی میرزا محمد علی خارج وآنرا تبدیل بموزه ومکانی مقدس فرمودند جمیع املاك ومتعلقات بهائیـرا از پرداخت مالیات بلدی وحکومتی معاف فرمودند ازدواج بهائی را بعنوان نکاح قانونی شناساندند و حقیت عمومیت وجامعیت امر بهائی رانخست بتصدیق حکومت بریطانیا وسپس بنحوی محکمتر بتصویب دولت اسرائیل رسانیده و معـلوم داشتند کـه مقامات مقدسه ومرکز جهانـی این دیانت مقدس در عکا وحیفاست و شخـص ایشان بعنوان رئیس و قائد این امر حائـز مقامی اعلی واعظم از سایر مقامات دینی و — روحانی آندیارند .

هیکل مبارك شخصا بنای یادبود مرقـد ورقه مبارکه علیا و مخدره کبری ووالده ماجده حضرت عبدالبهاء غصن اطهر برادرمهربرورشان و حرم مکرمه آنحضرت را طرح وبنا فرمودنـد و نیز هیئت عمومی وقسمتهای مختلفه محفظـه آثار بین المللی بهائی را تعیین وجزئیات آن را تصویب نمودند اغلب تغییراتی در جزئیات — بنا اعمال میفرمودند تا بنحو مطلوب درآیـد

محل تاسیس این بنای عظیم را دقیقـا در روی زمین مشخص و ابعاد دیوارهاوپلـه ها و حدائق حول آن را یکیك معین فرمودند در این بنای مقدس کلیه آثار مقدسه نفیسه عالم بهائی جمع آوری شده و ازاین لحاظ درتاریخ ادیان بینظیر ومثیل است .

حضرت شوقی افندی با مراجعه مستقیم به روساء دولتی قصر مزرعه را بعنوان مقامـی مقدس جهت زیارت زائرین بهائی تخصیص — فرمودند حال آنکه حکومت اسرائیل دراوان — تاسیس آنرا جهت تشکیل سازمانهای دیگـری در نظر گرفته بود تصمیم قطعی ایشان ابتیاع زمین مشرق الاذکار کوه مقدس کرمل را در محلی که حضرت مولی الوری تعیین فرموده بودنـد ممکن ساخـت .

در مدت سی وشش سال ولایت امر سیـل ترجمه های عالیه وتواقیع منیعه وآثار بدیعـه حضرتش چون غیث هاطل با شدتی کامـل بلسانی بس فصیح پر از قدرت و صحت و

عمق والهام بتمام نقاط کره ارض جاری شد . دستهای مبارک قدرت محرکه جامعه بهائی بود و در کلیه امور اعم از جزئی وکلی تا کمال مطلوب حاصل نمیشد استراحت ننموده وآسایش نمی طلبید چه بسیار دستکشهاکه بر اثرکثرت کارهای مبارک سائیده و فرسوده شده بکنار گذارده شد ولی کار پیشرفت امر بهائی بدون وقفه وانقطاع تا آخرین شب حیات مبارک ادامه داشت .

نظم بدیع الهی که مقدمات وتمهیدات اصلیه اش وسیله حضرت بهاء الله تدارک گشته و دامنه قصر مشیدش توسط مرکز میثاق الهی توسیع یافته بود باهتمام ولی مقدس امرالله در کمال اتقان استقرار یافت در موقع صعود مرکز عهد ومیثاق تنها معدودی محافل روحانیه در اقطار عالم بخدمت امرالله مشغول وفقط یك محفل روحانی ملی در مرحله ابتدائی وجنینی فعالیت مینمود .

بانی این نظم عظیم که بتقدیر حی قدیر با قدرت بینظیرش در سازمان دادن جوامع بشری و حکمت وعالم بی منتهائی که ازحکومت الهی بایشان عنایت شده بود با بصیرت کامله باوضاع و احوال جهان این بنای متین را بنیان واعمده قویه بین عدل اعظم یعنی محافل مقدسه ملیه را استوار وشورای بین المللی بهائی را که نموداری ازبیت العدل اعظم الهی است تاسیس فرمودند .

ایشان تعادل کامله ای بین دونوع سازمان موجوده در جهان که یکی در نهایت سستی تاسیس یافته و بسبب نفوذ فردی افراد بانجام وظائف محوله قادر نیست و دیگری بعلت قوانین ومقررات لا تعدولاتحصی و توضیحات بیجا در جزئیات امر دچار بدبختی غیر قابل تصوری است بوجود آوردند ایشان نظم بدیع الهی را که مآلا جانشین انظمه فعلی دنیا خواهد شد تاسیس فرموده و بلافاصله آنرا مجری داشتند .

احباء عزیز الهی رابخدمت در ظل نقشه هفتساله اول نخستین مرحله اجرای فرمان تبلیغی حضرت بهاءالله یعنی تنهاوسیله فتح روحانی کره ارض دعوت فرمودند .

از آن ببعد نقشه هامتوالیا ترسیم واجرا گردید پیروان حضرت بهاء الله که از اجناس مختلف متشکل ودر نقاط مختلف متفرق بودند تدریجا تحت لواء واحدجندعظیم الهی درآمدند و محافل روحانیه ملیه بهدایت آنان قیام کردند مهاجرین عزیز الهی که بفرموده حضرتش پیش قراولان جند هدایتند یکباره بفتح مدن وقری مبادرت فرمودند چنانچه در پایان نیمه اول نقشه جهاد کبیر اکبر هیکل مبارك شاهدوناظر جامعه جهانی غیور و قوی پیروان حضرت رب البریه که قسمت اعظم آمال مبارکه رادر این نقشه جدیده بانجام رسانیده بودند گردیدند .

هدایائی که ایشان بجامعه بهائی عنایت فرمودند بلسان انگلیسی عبارتند از :

۱ ــ ترجمه منتخباتی ازآثار مبارکه حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی .
۲ ــ ترجمه تاریخ نبیل زرندی
۳ ــ ترجمه کتاب مستطاب ایقان
٤ ــ ترجمه کلمات مبارکه مکنونه (فارسی وعربی)
٥ ــ ترجمه لوح ابن ذئب .

ترجمه جمیع این آثار از نظر اسلوب عالیترین و قویترین نوع ممکن میباشد و به فصیح ترین عبارات جوهر تعالیم اسانی امرمبارك را در دسترس جهان غرب قرار دادند .

ضمنا آثار مبارکه دیگری بشرح زیر ازایشان موجود است :

۱ ــ توقیعات مربوط به نظم جهانی .

۲ ــ هدف نظم بدیع جهان آرای الهی
۳ ــ دور بهاء الله
٤ ــ ظهور مدنیت جهانی حضرت بهاء الله (که اکنون بنام نظم جهانی حضرت بهاء الله بمطبع رسیده است)
٥ ــ ظهور عدل الهی
٦ ــ روز موعود فرا رسید (قد ظهر یوم المیعاد)

مضافا تلگراف های مهمین و پیامهای خصوصی عدیده از کلک اطهر صادر گشته که هر یک نشئه ای خاص بدل وجان وروحانیان بخشیده ــ گذشته از این آثار متعالیه متعدده عالیترین و نفیس ترین اثر مبارک شاهکاری است از تحلیل وقایع عظیمه قرن اول دوراعظم که بصورت کتاب نیست GOD PASSES BY شرف صدور یافت (گاد پاسز بای ــ توقیع منیعی است که از یراعه اطهر درموضوع وقایع عظیمه و حوادث جسیمه تاریخیه از اعظم الهی در قرن اول دور اول کور مقدس بهائی صادرشده نام این توقیع ترکیب زیبائی است ساخته و پرداخته حضرت ولی مقدس امرالله ودر زبان انگلیسی بی سابقه است)

آثار عظیمه ونفیسه دیگری از حضرت ولی امرالله ارواحنا له الفدا بزبانهای فارسی وعربی موجود است که تاکنون احبای عزیز آنها را ــ زیارت فرموده اند و میدانند که این آثار مهیمنه خارج از احصاست لیکن بجاست که نام مهمترین آنها را بخاطر آریم :

۱ــ لوح مبارک ۹۵ بدیع
۲ ــ لوح مبارک ۹۷ بدیع
۳ ــ لوح مبارک قرن (۱۰۰ بدیع)
٤ ــ لوح مبارک ۱۰۵ بدیع
٥ ــ توقیع منیع ۱۱۰ بدیع
٦ ــ توقیع منیع ۱۰۸ بدیع
۷ ــ تواقیع منیعه ۱۱٤

و بالاخره توقیعات متعدده ای که بانتظار محافل مقدسه ملیه و محلیه وافراد بهائی که در جمیع این آثار متعالیه نکات تاریخیه امریه اصول عقاید بهائیه و عناصر متشکله نظم بدیع جهان آرای الهی مبسوطا تشریح وتبیین گردیده وقسمتی از آنها بصورت مجلداتی چند طبع گشته است

آن طلعت قدسی با بصیرت کامله الهیه امرالهی را بباور عموم در نظرگرفته حال وآینده را تسمت واحدی از نمای جهان عظیمی مشاهده میفرمودند ایشان نه تنها احکام وتعالیم الهیه را در کمال توازن وتناسب بجامعه بشری ارائه فرمودند بلکه با قوی تاریخی خویش تمام آثار گرانبهای عالم بهائی رادر محفظه آثار جمع آوری فرمودند که در ادوار گذشته الهیه بی سابقه بوده است .

ضمنا در خرید اماکن متبرکه که بقدوم اطهر حضرت باب وجمال اقدس ابهی وقهرمانان دلیر و شهدای بی نظیر امرالهی مشرف گشته نظارت فرموده محل تولد جمال مبارک درطهران منزل جناب وزیر نوری مرتاکر(مازندران) زندان سیاه چال که مهبط اولین پرتو عنایت الهیه و نخستین پیام ماموریت ربانیه بر قلب جمال قدم است ــ بیت مسکونی مبارک در ــ اسلامبول و یکی از بیوت مقدسه در ادرنه قلعه ماه کوه محل نزول کتاب مستطاب بیان حجره حضرت باب در بوشهرو بسیاری نقاط متبرکه دیگر را که بشرف قدوم اطهر ایشان و پیروان جانفشان امرش مشرف گشته ابتیاع فرمودند تحت رهبری و تعلیمات کامله ایشان مجموعه کاملی از عکسهای مختلفه صدمانقطه متبرکه منتسب به عصر رسولی امر نازنین الهی تهیه وضبط شده .

ایشان احبای موطن جمال مبارک را به

تالیف شرح وقایع تاریخیه مربوطبایام اولیه امرالهی در ایران تشجیع و امرجمع آوری و استنساخ الواح مقدسه جمال اقدس ابهی و مرکز میثاق را بمحفل روحانی ملی بهائیان ایران محول و بدین ترتیب میراث بی عدیلی بجهت از خود بیادگار گذاردند .

اخلاق ایشان ذاتا وفطرتا بانی وموسس بودند ساختمان اولین مشرق الاذکار امریك ام المعابد غرب را که بعلت آنکه حجر زاویه اش بید مبارك حضرت عبدالبهاء نهاده شده ودرنوع خود وحید وفرید است تکمیل نمودند . دستور بنای معابد ارض اقدس ــ ارض طاء ــ استرالیا اروپ و افریك را صادر وطرح هر یك راانتخاب و طرق عملی مبادرت بساختمان این ابنیه جلیله را ارائه فرمودند ــ محل حظائر قدس ملیه را تعیین واوقاف ملیه را تاسیس والسنه مختلفه ای را که میبایست آثار امریه بآنها ترجمه گردد تسمیه وشخصا مهاجرین عزیز را به هجرت و انجام نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء تشویق و ترغیب فرمودند ولی حاشا که بتوان مدعی شد در این مختصر شرح کامل خدمات ولی مقدس بیان گشته ایشان موجباتی فراهم آوردند که هر یك ازمومنین و مومنات بیقین مبین احساس مینمود که قلبی رئوف و مهربان برای او می طپد و قاضی آسمانی بر او فرمانروائی و قضاوت مینماید .

و کاملا درك میکرد در پیشرفت امرالهی موثر بوده ودرخدمت بجامعه انسانی سهمی بسزا داشته و وظایفی بر عهده دارد واز اینکه عضوی از اعضاء جامعه بهائی است مباهات مینمود .

بیائید هر گزاین حقیقت را فراموش ننمائیم وهیچگاه این منظره اعلی را از نظر دور نداریم که چه وحدت واقعی بعنوان حقیقت مطلقه بجامعه امر بخشیدندو چه مهر و وفائی نسبت بامر محبوبمان در قلوب انبات فرمودند .

کار ایشان در جهان ظاهر تمام شده ولی .... وظیفه ما هنوز تا تمام است ما همه باعتباری وراث حضرت شوقی هستیم میراث ما وظائف و امور محوله مصرحه در نقشه عظیم اوست که آنرا عملی سازیم .

ما باید هر یك سهم خود رادر جهاد کبیر اکبر ابقاء نمائیم . اینست یادبود عظیمی که میتوان بنام مبارك ولی مقدس امرالله برپا ساخت بیائید به نیروی عشق حقیقی خویش محبت حضرتش را بخود جلب کرده وتائیدات لاریبیه اش را شامل مجهودات خود سازیم بیائید تا وجود مبارکش را مایوس نکنیم زیرا حضرتش هرگز ما را مایوس نفرموده بیائیدتا هر گز فراموشش ننمائیم زیرا او هرگز مارا فراموش نفرمود . پایان

از لوح منیع مبارک قرن

« ... تبارک هذا القرن الأبدع البدیع الذی فیه نزل الناموس الأکبر و رش البحر الأعظم علی الأمم و نفخ روح الحیوان فی جسد العالم و جرت سفینة الأحکام و نصب میزان العدل و نزلت ادر شلیم الجدیدة من السماء و صدر الکتاب المقدس الأقدس من یراعة مالک الأنام الرق المنشور السفر القدیم الصحیفة العلیا و المرجع الأعلی و الحجة العظمی و فرات الرحمة بین البریة و شکوة الفلاح فی ملکوت الابداع قسطاس الهدی بین الوری و برهان الرحمن لمن فی الارضین و السموات .

تبارک هذا القرن الابدع البدیع الذی فیه نصبت دعائم قصر المشید و نظمه البدیع ولید شریعة السمحاء الذی بشر بظهوره ذکر الله الأکرم و باب الله الأعظم فی کتابه المبارک المجید و صرح بموسسه الفرید فی کتابه المقدس الاقدس و بین اصوله و شرح فروعه عصن الله الاعظم المنصوص من القلم الأعلی مرکز عهد الله و میثاقه فی کتاب وصیته باثر من قلمه المبارک المقدس الشریف .

تبارک هذا القرن الأبدع البدیع الذی فیه تتابعت البشارات العظمی الصادرة من القلم الاعلی و المؤیدة

به براعة مركز عهده الادنى والنقطة بقرب تأسيس المدينة الالهية والسلطنة الازلية وظهور
ملكوت الله وسطوع انوار الصلح والوئام بين الانام ونصب سرادق العدل في قطب الآفاق
وارتفاع اعلام استقلال الشريعة السمحاء وتوثيق عرى الاتحاد والاتفاق والاخوة البشرية والوحدة
الاصلية بين العموم من كافة الاجناس والاوطان والطبقات والاديان وبلوغ العالم الى
درجة الكمال بحيث تبدل الارض غير الارض وتصبح قطعة من الفردوس تنعكس فيها انوار الملأ
الاعلى اذا ترى الارض جنتك الابهى يومئذ يفرح المؤمنون ... »

بیست و پنج سال در ظل ولایت امرالله

بقلم حضرت امة البهاء روحیه خانم

بیست وپنجسال پیش عالم بهائی دچار یك زلزله عظیمی شد حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق سرالله الاکرم بغتتا صعود فرمود دوستان وپیروان خود را که منتظر این فاجعه هولناك نبودند مبهوت وحیران برجای گذاشت بهائیان شرق وغرب که درچنین حیرت و حسرت گرفتار شده بودند سعی نمودند افکار وقوای خود را درنقطه واحده تمرکز دهند قلبا باین امر جدید ومظهرظهور الهی و نظم جهان آرایش که ولید شریعت ابهی بود ایمان داشتیم و میدانستیم که وظایف عظیمه در پیش داریم ولی احساس میکردیم که کاملا یکه وتنهاباقی مانده ایم وفشار مسئولیت سنگین وظایف آینده را بر قلوب غمزده خود مشاهده میکردیم چوپان ما کجا است ؟ آهنگ آن محبوب یکتا که از نفس مظهر حق سرچشمه گرفته بود وگوش ما با آن بس آشنائی داشت یکباره خاموش شد آری تعالیم برجای بود آن میراث مرغوب چون آزمایشگاهی کاملا مجهز و از برای هر منظوری آماده بود ولی کجا است آن کیمیا گری که بتواند فلزات پست را بطلا تبدیل کند کجا است آن شنونده ای که بسوالات ما جواب گوید و مارا در استفاده از این آزمایشگاه راهنمایی باشد در این هنگام بود که الواح وصایای حضرت مولی الوری تلاوت شد و با یك احساس خوشی همگی آگاه شدیم که گرچه امواج بلا وفراق از هرطرف ما را احاطه کرده است ولی حضرت عبدالبهاء ما را بخود وانگذاشته بود فلك پیمان خویش را بما اعطا فرموده بود تا بتوانیم درآن بسلام آمنین وارد شویم .

چه ممنون وشاکر بودیم هنگامیکه مشاهده نمودیم آن طلعت جوان از خلال آن الواح بمثابه پدیدار شده حضرت عبدالبهاء این عطیه کبری را بثمره دو سدره منتهی و گوهر دو بحر متلاطم اسنی ملقب فرموده این خلق بدیع بخلعت بینظیر مقام موروثی تبیین کلمات الهی وصایت آئین ربانی و ریاست بدون عزل بیت عدل عمومی مخلع گشته الواح وصایای حضرت عبدالبهاء از چندین جهت مکمل و متمم کتاب مستطاب اقدس است که در این الواح مبارکه طریقه انتخاب و وظایف و اختیارات و حاکمیت بیت عدل عمومی مشروحا بیان شده و نیز موضوع شایان توجهی که در گنجینه سنن واحکام الهی مسکوت مانده بود و توجه هر صاحبنظر بصیر رافورا بخود جلب مینمود تصریح و تبیین گشته است حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس یك نوع مالیات اختیاری بدیعی وضع فرموده اند و اهمیت این عایدات را با تسمیه آن باسم حقوق الله کاملا آشکار میفرمایند ولی ابدا تصریح نمیفرمایند که عایدات مذکور به که راجع است و چون عایدات بیت عدل عمومی صریحا بیان شده و حقوق الله در ضمن آن محسوب نگردیده البته این اشکال پیش آید که حقوق الله به که راجع است الواح وصایای حضرت عبدالبهاء این معما را حل و این مجهول صریح را که حضرت بهاء الله نا تمام گذاشتند معلوم و روشن میفرماید موضوع جالب توجه دیگر آنکه حضرت عبدالبهاء از مدتها قبل از صعود مبارکشان نه تنها مندرجات الواح وصایا را در نظر داشته اند بلکه عملا نیز بتدوین آن اقدام فرمودند الواح وصایا مشتمل بر سه قسمت است که هر یك از قسمتهای آن در زمانی نازل شده وبه مهر وامضای مبارك مزین گشته است حضرت شوقی افندی هنگامیکه جوانی بیش نبودند یعنی دردوران سخت و خطرناك زندگانی حضرت عبدالبهاء در مدینه عکا به سمت وصی حضرت عبدالبهاء درطی قسمت اول وصیت مبارك معین شده بودند این تصمیم مبارك بعدها در قسمت سوم وصایای مبارکه با لحنی شدید تر تائید وتاکید گشته بعلاوه حضرت عبدالبهاء در دوره طفولیت اولین ولی امرالهی آن لوح عظیم را در موضوع ولادت طفلی که در آتیه بانجام امور عظیمه نائل خواهدآمد نازل فرمودند هنگامیکه منشی مبارك دکتر یونس خان سئوال میکند آیا مقصود طفل واقعی جسمانی بود و یارمزی روحانی است حضرت عبدالبهاء میفرماید که منظور طفل حقیقی است که ارتفاع امر الهی بدستاو خواهد بود بنا ببر این ملاحظه میکنیم که با صعود حضرت عبدالبهاء بیست وپنجسال پیش جامعه اهل بهاء بیسر پرست نماند نظر مبارك حضرت عبدالبهاء نسبت بمقام ولایت امر که ولید نقشه حضرت بهاء الله است در همان ایام اولیه لباس عمل پوشید ولی در اثر وقائع تلخی که در مدت شصت سال بر آن حضرت وارد آمده بود این راز گرانبهای خود را با کمال دقت حتی از وصی مورد نظرخویش مکتوم داشتند و فقط پس از صعود مبارکشان بود که ما بتدریج بعظمت و کمال نظم الهی که در این کور اعظم باهل عالم اعطا شده پی بردیم این نظم نظمی است که ازطرفی ید غیبی الهی بصورت مقام ولایت امر که مستقیما منسوب به دو شارع مقدس این آئین است همواره از آن حفاظت وصیانت مینماید و از طرف دیگر در ظل همین نظم ربانی است که مقام انسان برتبه عظمی نائل آمده چه که اعضای بیت عدل عمومی که بانتخاب آزاد تعیین میگردند در مقام هیئت و اجتماع

موعود بشمول الهامات الهیه و صیانت ربانیه در مذاکرات و تصمیمات خود میباشند .

بگذار انظار خود را بگذشته اندازیم و بیاد آریم هنگامی را که حضرت شوقی افندی برای اولین دفعه زمام ولایت را بدست گرفتند و در نظر خود مجسم کنیم که ما چه بودیم و او چه بود آنانیکه صعود حضرت عبدالبهاء را بخاطر دارند و آن لطمه شدید و حزن و اندوه طاقت فرسا را بیاد میآورند بهتر می توانند احساسات مبارک را دریابند در آن هنگام بیش از بیست و چهار بهار از عمر جوانشان نمیگذشت و در دانشکده آکسفورد در انگلستان تحصیل مینمودند و فکر مبارکشان این بود که هم در انجام وظیفه مترجم در آستان مبارک حضرت عبدالبهاء وهم در ترجمه برخی از آثار مبارکه بزبان انگلیزی مهارت بیشتری حاصل نمایند در این حین بود که خبر وحشت اثر صعود مبارک بایشان رسید باقلبی اندوهناک و ضعفی منبعث از رنج والم بطوریکه مستلزم کمک هیکل مبارک در پیاده شدن از ترن بود وارد حیفا شدند دفعتا ضربه ای دیگر بااثراتی شدیدتر برایشان وارد آمد الواح وصایای جدمجید از برای ایشان تلاوت شد و برای اولین دفعه در زندگانی خود بر راز عظیم و مکتوم حضرت مولی الوری واقف شدند که ایشان شوقی افندی نوه محبوب آن جد بزرگوار وهی آن حضرت واولین ولی امرالهی معین شده اند در تحت فشار این بارسنگین و ضربه هولناک به عالم بهائی رو آوردند جامعه ای مشاهده فرمودند که ازلحاظ تنوع واختلاف از حاث وحدت ویک رنگی خارج ودارای نظم و ترتیبی نا موزون و متفرق در صفحات مختلفه جهان و مقیم در قریب بیست مملکت از ممالک دنیا است گرچه این نفوس ثابت و مخلص و جانفشان بودند ولی گوئی هنوز درخرابه های ادیان سابقه خویش بسر میبردند هنوز بهائی مسیحی و بهائی کلیمی و بهائی مسلمان دیده میشد گرچه همه بلمر بهائی مؤمن بودند ولی هنوز تماس وارتباط نزدیک باتشکیلات دینی سابقه خویش داشتند مانند میوه درخت گر چه از پیوند جدید بودند ولی هنوز برشاخه های قدیم قرار داشتند مصداق این گفتار هم در شرق و هم درغرب مشاهده میشد هنگام صعود حضرت عبدالبهاء امرالهی بدین پایه رسیده بود .

و اما جوانی رامشاهده میکردیم بیست و و چهار ساله که بر راس امرالهی قرار گرفته بود برخی ازیاران برآن شده بودند که هیکل مبارکش را راهنما باشند ولی دیری نگذشت که نه تنها بمقام اولین ولی امرالهی بلکه بطورکلی بمقام ولایت پی بردیم فورا دریافتیم که احاطه حضرت شوقی افندی امنع از آن است که بتوان باآن برابری نمود نه منسوبان و نه یاران قدیم و جدید و نه محبین و مغرضین قادر نبودند نظریات مبارک را تغییر داده یا در تصمیماتشان اعمال نفوذ نمایند فورا تشخیص دادیم که نه فقط موید بالهامات الهیه اند بلکه حق جل جلاله بایشان قوائی اعطا فرموده که بوسیله آن نظم اداری تاسیس و یاران درمساعی مشترکه متحد و اقدامات عمومی آنان تنظیم خواهد شد حضرت شوقی افندی در تشکیل نظامات و تحلیل معضلات و تجزیه هر مسئله به جزئیات آن و پیشنهاد راه حل متین وصحیح بلافاصله بنوعی از خود بظهور رسانیدند باجدیتی کامل وعزمی راسخ وهمتی بیپایان اقدام فرمودند نفوسیکه بفیض لقا مشرف میشدند مفتون صراحت و صمیمیت و ملاطفت و تواضع حقیقی و مهر و جذبه فطری مبارک میشدند چرخهای امرکه موقتا نظر به صعود حضرت عبدالبهاء دچار وقفه شده بود بار دیگر با سرعتی بیسابقه بکار افتاد پدر صبور وغفور ما که بیش ازآنچه تصورمیکردیم حضرتش

را خسته و شاید آزرده نموده بودیم درگذشت و یك برادر حقیقی درعنفوان جوانی وباتصمیمی راسخ (که وقت آنست کل باجرای وظایف مفروضه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء قیام نمائیم و آنی از دست ندهیم) جایگزین آن پدر بزرگوار گردید ــ تلاوت الواح وصایا و استقرار مقام ولایت دوره جدیدی در تحولات امر الهی بنحوی بس طبیعی و اصولی اساسی آغاز نمود بهترین نمونه این تحول یکی از اولین اقدامات حضرت ولی امرالله بودکه از رفتن بمسجد جامع کاملا خود داری نمودند در صورتیکه حضرت عبدالبهاء تا آخرین جمعه حیات مبارکشان در مسجد جامع حضور بهم میرساندند گمان اهالی محل راجع به بدعت آئین بهائی با کمال ــ صراحت روشن شد این اقدام شاید از برای حضرت عبدالبهاء غیر مقدور بودکه روابط بس صمیمی و قدیمی خود را با جامعه اعراب و ــ مخصوصا با مسلمین فلسطین قطع و فسخ نمایند این روابط حتی در دوره ایکه ذکرنام بهائی ممنوع و حرام بوداداءه داشت ولی حضرت ولی امرالله بیدرنگ این عمل راانجام دادند و بهائیان رانیز در ممالك مختلفه دنیا تشویق بهمین عمل فرمودند .

حضرت ولی امرالله پس از صعود حضرت عبدالبهاء از برای خود دو وظیفه معین فرمودند یکی آنکه بهائیان را در سراسر عالم تشویق فرمایند تا اقدامات خود را با درنظر گرفتن بیانات حضرت بهاء الله و تبیینات حضرت عبدالبهاء از مجرای تشکیلات اداری صورت دهند وظیفه دیگر رهائی تدریجی آنان از ــ تعلقات عالم قدیم بود تا هم ازانتساب به تشکیلات دینی سابق و هم ازپیروی اصول عتیقه فاسده و متداوله در جامعه ممالك مختلفه که منافی با مبادی بدیعه اخلاقی حضرت بهاء الله برای این عصر است خود داری نمایند .

حضرت ولی امرالله در بین سالهای ۱۹۲۳ و ۱۹۳۴ بکمك و معاضدت خالصانه بهائیان در ممالك مختلفه موفق بتاسیس شش محفل روحانی ملی با تشکیلات تابعه آنها ازقبیل صندوقهای خیریه و لجنه ها شدند در صورتیکه در دوره ــ حضرت عبدالبهاء این تشکیلات ملی فقط در ایران وامریکا برقرار بود و وضعیت آنها بیشتر جنبه هیئتهای مرکزی داشتکه امور ملی امرالله را اداره مینمودند واین هئیت درامریکاانجمن شور سالیانه راتشکیل میداد واقدامات اولیه را برای تاسیس مشرق الاذکار اتخاذ نمود ولی حال محافل روحانی ملی جدید در بریطانیا ــ آلمان عراق ــ مصر ــ سودان ــ استرالیا و نیوزلند براساس متین تاسیس یافت و در ظل قیادت و تربیت ــ مستمر ومستقیم حضرت ولی امرالله باداره امور جامعه های دائم الاتساع خود باکمال جدیت و همت قیام نمودند .

حضرت ولی امرالله دارای قوه مییزه امرالهی هستند و این قوه رابحد اعلی و قطعا بموهبت الهی احراز نموده اندآنچه بتشخیص ما کاملا امری ناچیز و بی اهمیت است ممکن است در نظر مبارك محور تصمیمات عظیمه باشد حضرت ولی امرالله میزان امر الهی هستند قدر و منزلت مسائل واحتیاجات و وظائف وموقعیت رامعین وترتیب و تنظیم میفرمایند و امرالهی را درجمیع اقطار عالم باقتضای ضعف و نقص افراد احباء برمحور مطلوب میگردانند .

حضرت ولی امرالله ازآغاز دوره ولایت خویش باب مکاتبه را با محفل روحانی ملی بهائیان امریکا باز نمودند و طریقه اداره امور امریه رادر آن اقلیم توضیح فرمودند توقیع مفیده مبارکه ایشان بعدها جمع آوری وبنام کتاب "تشکیلات بهائی" منتشر گردید و بمنزله دستورالعمل هیئت های ــ

اداری امری درشرق و غرب عالم بهائی قرار گرفت حضرت ولی امرالله در ضمن اینکه ما را بچگونگی قیام بخدمت بصورت هیئت واجتماع و در مقام فردی بمثا به عضو جامعه بهائی آشنا میفرمودند افکارمانرا نیز تربیت میفرمودند تا مفهوم جدیدی از مقام آئین الهی که مستند بر بیانات حضرت اعلی و حضرت بهاء الله و — مخصوصا الواح مخصوصه حضرت عبدالبهاء خطاب باحبای امریکا بود درک نمائیم و آن مفهوم این بود که ایران درقرن نوزدهم مهد این آئین جهانی بود و حال آمریکای شمالی مهد نظم اداری است که بنوبه خود مبشر مدنیت وحکومت بدیع جهان آرا خواهد گشت حضرت ولی امرالله درنهایت بردباری وباکوششی خستگی ناپذیر در طی این سالیان دراز زحمت کشیده اند که این نظم اداری — تاسیس شود و جامعه بهائیان امریکا رانمونه اعظم قرار داده اند تا بهائیان در سائر ممالک بآنان تاسی کنند درضمن اینکه یاران امریکا سعی و کوشش مینمودند که بمعنی حقیقی زندگی در ظل نظم الهی که دارای سنن ومقرراتی است که باید عملا اجرا شود نه اینکه صرفا زیارت ومطالعه گردد پی برند وامیال وطرز رفتار خود را حقیقتا مطیع ومنقاد دلالت هیئتهائی نمایند که بحکم اکثریت باداره امورخود میپردازند در ضمن این احوال حضرت ولی امرالله منظورنهائی خود راازتاکید اکید نسبت بلزوم اطاعت ازمبادی اداری امر الهی اقل من آنی ازنظردورنداشتند و منظور مبارک همواره ایجاد دستگاهی بود که بتواند با کمال اقتدار یکی از وظائف اولیه هر فرد بهائی یعنی تبلیغ امرالله راا جرا نماید ....

هیچ شرحی در تقدیر ازخدمات برجسته بهائیان عالم دراین مدت کامل نخواهد بود مگر آنکه ذکری از آنچه حضرت ولی امرالله بتنهائی در مرکز جهانی الهی در فلسطین انجام داده اند سخن بمیان آیدگذشته ازمکاتبه مستمر و بیشمار مبارک نه فقط بامحافل روحانی ملی و محلی بلکه باجمعیت های بهائی وافراد یاران بغیر از تلگرافات ودستورات مبارکه خطاب به بهائیان در نقاط مختلفه جهان بجز کتبی که تحریر فرموده و آثاریکه با کمال زحمت و ظرافت ترجمه فرموده اندحضرت ولی امرالله به بهائیان شرق وغرب درجمیع اقدامات مهم یاران مساعدت مالی نیز ابراز نموده اندخواه — در دستگیری از مهاجرین روسیه ویااز ملهوفین و مظلومین ایران خواه درزندان حظائرقدس ملی و یاطبع و انتشار ترجمه های مختلف کتاب اسلمنت خواه درمساعدت کریمانه بساختمان مشرق الاذکار امریکا و یا کمک بمهاجرین نقشه های هفت ساله ویا در ساختمان مراقد خادمین برجسته امر الله در جمیع این موارد دست فتوت مبارک — قبل از همه باز بوده وکمک موثرا عطا میفرمودند در حیفا وعکا حضرت ولی امرالله نه فقط موفق شدند که بقاع مبارکه و مسافرخانه ها واراضی مربوطه را از عوارض دولتی و شهرداری معاف نمایند بلکه دائره این موقوفات را وسعت داده بطوری که در وادی اردن نیز املاکی بتصرف امر در آمد و قیمت جمیع این موقوفات راامروز به دو میلیون و نیم دلار تخمین میزنند و نیز همه ساله بر وسعت باغهای حول مقام اعلی در کوه کرمل افزوده میشود همچنین حضرت ولی امرالله باستقرار رمس مطهر حضرت ورقه علیا در یکی از عالی ترین نواحی شهرحیفا از لحاظ سکنی موفق شدند و پس از چندی به انتقال دو رمس اطهر مادر و برادرشان بهمان بقعه نورا که مرقد مبارک حضرت عبدالبهاء نیز در آن مکان مستقر است نائل گشتند وباغ مجلل و بینظیری در حول آن چهار مقام مرمری

که محل استقرار رمسهای اعضای خانواده ـ مبارک حضرت عبدالبهاء است ایجاد فرمودند این دو باغ که در دو طرف یکی ازخیابانهای معروف شهر حیفا قرار گرفته از برای تماشای عموم آزاد است و در کلیه کتب جدید راهنمائی فلسطین بعنوان امکنه ای که مسافرین ارض ـ مقدس نباید از آن صرف نظر نمایند مذکور شده ابتیاع قصر مبارک بهجی ـ دفع تحریکات مستمره ناقضین ـ تاسیس دو محفظه آثار مملو از اشیاء نفیسه متبرکه تاریخیه که بوسیله هیکل مبارک جمع آوری و بازرسی و تسمیه و تنظیم میشود تاسیس گنجینه ـ کتب و مطبوعات امری که مشتمل بر ۵۰۰۰ ـ جلد کتاب هم در کتابخانه حیفا وهم در کتابخانه عکا است اینها فقط مختصری از اقدامات بر جسته در مرکز بین المللی امرالهی است که زائرین ومسافرین از هرخاك ویوم بسوی آن مسافرت مینمایند .

چون کلیه این امور را در نظر گیریم بحقیقت و اهمیت وقایعیکه از حین صعود حضرت عبدالبهاء تا کنون در ظل حمایت مستقیم حضرت شوقی افندی بوقوع پیوسته تدریجا پی خواهیم برد این آئین نازنین که در ـ زمانی کمتر از بیش نبود وفقط چند تن از ـ مستشرقین از وجود آن اطلاع داشتند درسایه هدایت و استقامت حضرت ولی امرالله هم اکنون افتخار دارد که در صف پیروان خالص و غیور خود ملکه فاضله مشهوره مری رومانیا قرار دارد و شهادت نفوس ممتازه معروفه غیر بهائی در تقریر از موسسین و تعالیم و ـ اقدامات آن بالغ بر یك جلد کتاب گردیده و در این مدت بیست و پنج سال توانسته است قوه خلاقه خود را به ثبوت رسانیده هیاکل قدسیه وشهداء ومتفننین ممتاز در ـ تشکیلات امری و حتی ایادی امرالله بوجود آرد و شهرت آن در عالم غرب بحدی انتشار یافته که یکی از دول بزرگ جهان چون دولت آلمان قبل از جنگ وجود و بقای آن را ممنوع و پیروانش را تعقیب و زجر نمود وبالاخره شکایت بهائیان از شیعیان بغداد در تولیت بیست اعظم در کمیسیون مخصوص جامعه ملل مطرح مذاکره واقع و قرار برله بهائیان صادرگردید و شخص ملك فیصل و وزراء او در این خصوص مفصلا مذاکره ولی موضوعرا با وعده های بی اساس خود خاتمه دادند .

جمیع این امور پس از موارد دیگر که ذکر آن در این مختصر نگنجد گواهی میدهد که امرالهی با صعود حضرت عبدالبهاء دچار وقفه و رکود نگشت بلکه به پیشرفت خود در صراط مستقیمی که حضرت مولی الوری درالواح وصایا مقرر فرموده بودند ادامه داد وحتی به نحوی بیسابقه ترقی وتعالی حاصل کرد تصورات ما راجع به نظم اعظم جهان آرا هنگام صعود حضرت عبدالبهاء بس ساده و نا بالغ بود برخی از بهائیان معمر و مخدوم با مهر و شفقتی پدرانه راجع به لزوم تشکیل فوری بیت عدل عمومی حضرت ولی امرالله را متذکر میداشتند نمیدانستند که مبنای این مشروع جلیل بر چه استوار است ولی حضرت ولی امرالله بر تمهیدات زیاد و دقیقیکه میبایست قبلا ترتیب داده شود کاملا واقف بودند نظم بدیعیکه در احکام حضرت بهاء الله مقرر گشته چون قصر مشید است و بیت عدل عمومی چون گنبد و اوج و اکلیل و رمز وحدت آن آیا ممکن بود این گنبد را در فضا معلق گذاشت ابتدا میبایست اساس ریخته شود واین اساس عبارت از ـ محافل روحانیه و یا واحدهای اولیه ایست

که باید خود مرکب از عناصر پرورش یافته کامل باشد و اما افراد یاران یعنی سلولهای کوچک جامعه باید بدوا درک وظایف خود نموده وحدتی کامل و متین تاسیس نمایند تا بتوانند محافل روحانی در سراسر کشور خود تشکیل دهند و بدینوسیله بنیادی نهند که بر آن قوائم و ارکانی چون محافل ملی درظل گنبد این قصر مشید استوار گردد .

اگر بیگانه ای سئوال نماید که صرفنظر از اتساع و انتظام دائره اقدامات بهائیان و نفوذ و سرایت آن در ممالك و طبقات جدیده آیا حقیقت باطن و صفای معنوی امرالهی چگونه بوده ؟

آیا پیشرفت و ترقی ظاهری بنیان وحدت و یگانگی روحانی پیروان امر حضرت بهاء الله را دچار ضعف و سستی نموده است درمقابل این سئوال میتوانیم پس از تجربیات بیست و پنجساله خود با کمال صداقت وازصمیم قلب بگوئیم لا والله مقام ولایت امر که بوسیله حضرت عبدالبهاء جزء لاینفك امرالهی مقرر گردیده بطوریکه حتی ارباب استقامت ونبوغ هر گز قادر بتفکیك آن نبوده وندخواهند بود صفوف پیروان امر الهی را از هرگونه جدائی و انشقاق با کمال قدرت و بتقدیر الهی محفوظ و مصون فرمود و این گفتار صرفاناشی از ایمان واطمینان روحانی نبوده بلکه تجربه نیز آنرا بثبوت نرسانیده است حرص حسد بغض و آز و بالجمله جمیع قوای شیطانی نفسانی که بشهادت تاریخ در قبال هر مصلح و پیغمبر و زمامدار روشنفکری بنهایت بیرحمی ایستادگی نموده ودراین دوره درقلب مخالفین چند رسوخ نموده و با کمال شدت هم بشخص حضرت ولی امرالله و هم بهیکل زیبای امرالهی حمله کرده است .

همانطوریکه انتظار میرفت اولین حمله از جانب ناقضین بود محمدعلی که بیهوده میکوشید تا شاید حضرت عبدالبهاء را بدنام نماید و احباء را دلسرد کند و تحریف آثار مبارکه حضرت بهاء الله را نماید و حتی بیش ازیکبار قصد جان مولای حنون را نموده بود باردیگر با دیدن جوانی بیدفاع بر راس امرآرزوهای خفته او بیدارشد حمله او بیش از آنچه اضطراب آور بود مسخره آمیز مینمود چه که یکی ازمریدان خود را برآن داشت که روضه مقدس پدربزرگوارش حضرت بهاء الله را غصب و کلید آنرا از مستحفظ مخصوص برباید گرچه این واقعه تشویش آور بود ولی دعوی جانشین حضرت عبدالبهاء چنان در انظار اولیای امور انگلیس روشن و هویدا بود که دراندك زمانی مجبور باسترداد کلید بنماینده حضرت ولی امرالله شد میتوان گفت که این اولین مبارزه با حضرت ولی امرالله بود و بهائیان عالم و نفوسی که در محل شاهد این قضایا بودند ازدوست ودشمن دانستندکه امرالهی صاحب مدافعی قابل و هوشیار است .

در مصر ارمنی متکبری که دیده اش بسآز و طمع محتجب بود علم ناچیز خود رابرمخالفت این امر نازنین برافراشت و عده ای ازهموطنان بهائی خویش و نفوس کم تجربه را ازجامعه ای که در آن زمان هنوز در مراحل اولیه نشو وارتقا بود منفصل نمود ولی دیری نگذشت که این علمدار احساس خستگی نمود چه که ملاحظه کرد سعی او در اخراج نفوس ازاین فلك محکم و متین عملی است بیثمر و بیهوده بتدریج پس ازچند سالی برخی ازاین نفوس که با وجود این گمراهی و تجربه تلخ روحانی هنوز بارقه ایمانی درقلب خود احساس می نمودند بار دیگر ازهمان راه رفته بازگشتند

وبامر الهی رو آوردند و پس ازاینکه صدق نیت آنان بثبوت رسید مجددا درزمره یاران که با کمال فعالیت امور امریه خودرا اداره و توسعه مینمودند محشور و پذیرفته شدند خانمی امریکائی میسیز روث وایت که فی الحقیقه دچاریك سوء تفاهم عجیبی شده بود یعنی مدعی برجعل الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بود مقدار معتنابهی از وقت ومال خودرا وهمت خودرا مصروف نشر و بسط عقاید خود نمود این تهمت وادعا نسبت باین سندگرانبها با درنظرگرفتن خط و مضمون وانشاء و مهر وتاریخ آن بحدی بدیهی البطلان بودکه تحریکات پرحرارت او هیچ اثر و نفوذی درجامعه بهائیان نکرد بجز در معدودی از نفوس ساده دل درآلمان وانگلستان که این نفوس که علاقه وعقیده خودرانسبت باین امر مبارك از دست نداده بودند و فقط در این موضوع دچار شبهه شده بودند حال مراتب پشیمانی وندامت واقعی خودرا ازاینکه سالیانی در گمراهی ودرخارج جامعه بهائی زیسته و اوقات خود را بهدر داده اند اظهار نمودند و بار دیگر درزمره یاران درآلمان وارد و از فعالترین خدمت گذاران امرالهی در آنسامان بشمار میروند .

درایران آواره که درزمانی یکی از مبلغین فعال امر الهی بود روشی اتخاذ کردکه در نظر هرصاحب بصر سلیمی بیك نوع هاری روحی تعبیر میشد واونه فقط به غایت شدت و بولهوسی شخص حضرت ولی امرالله را مورد حمله قرار داد بلکه اعتراضات خودرابه وحضرت حضرت بهاء الله عبدالبهاء نیز وارد آورد اظهارات سخیفه نا هنجار او درمطبوعات سست ایران درطی سالیان متمادی منتشر میشد وبقدری مشحون به اکاذیب بینه بودکه حتی اعداء هوشیارو راسخ امر الهی بطلان دعاویش راتشخیص میدادند .

نتایج این اقدامات از برای اوبسی مایه نا امیدی شد زیرا نه جمعی باو گرویدند ونه توانست درامور جامعه وسیع و مخلص و ثابت قدم بهائیان در موطن حضرت بهاء الله رخنه وانشقاقی ایجاد نماید .

احمد سهراب یکی ازمنشیان سابق حضرت عبدالبهاء خصوصا دراثرکمك مادی زنی که بدام مکر وحیله گرفتارگردیده توانست افکار شیطانی خود رادراجرای مقصدخویش بکاربندد حمله و اعتراض متمادی وشدید به نظم اداری کنونی امرالله بودکه درراس آن حضرت شوقی افندی ودرظل قیادت حضرتش محافل روحانیه قرار داشتندکه برطبق موازین صحیحیه تشکیل و در سراسر عالم بهائی بانتشارامر حضرت بهاء الله مشغول وبتاسیس موسسات الهیه اش مالوف بودند این فخر ومباهات راباید مخصوصا او دانست که بلا شك لدودترین عدو ومعارضی است که امر الهی دراین بیست وپنجسال اخیر برانگیخته است زیرا کدام جمالی است که موجد حرص و حسد نشود و کدام عفتی است که آن راتهمت وافتراء از پس نیاید و کدام خوبی و فضیلتی است که حس شرارت حسود را بیدارننماید این شخص که صرفا از روی فضل و احسان چون همه مواقطراتی چند ازبحر رحمت الهی نصیب گرفته بود میتوانست در اجرای نوایای حضرت عبدالبهاء و دستورات حضرت بهاالله با بهائیان بنحو موثری کمك و مساعدت نماید ولی حرص و جاه طلبی براو غلبه نمود دراین آئین نازنین ما باید تمایلات و آرزوهای شخصی خود را منحل درنقشه کلی عمومی نمائیم زیرا شعار ما اصل وحدت است و مانه فقط مروج شریعتی جدید هستیم که دارای تعالیم بدیع است بلکه بنیان جامعه ای را بر طبق اصول واساس الهی بنیاد میکنیم که مستلزم غلبه

بر اهواء نفسانیه و افناء شخصیات وامتزاج اعضاء هیئت جامعه در قالب مشترك واحدی — است احمد سهراب باین امرسر تسلیم ننهاد زیرا حصول بر تری وتفوق که آرزوی قلبی اوبود در این بساط مقبدور نبود باد پرشرارت تهمت و افترای او مدتی برما بوزید و هرچند بعضی از قلوب رامضطرب ودلسرد نمود ولی جمهورمومنین و مومنات را سائق و محرکی شدید بودکه نه تنها علاقه قلبی آنانرا نسبت به الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بیافزود بلکه آنانرا برای قیام بانجام خدمات بیشتری دلالت نمود .

ما اهل بهاء ازذکرنام این متزلزلین نه خائفیم ونه منفعل بلکه بالعکس این نقوس بمنزله نشانه های افتخاری است که نصیب جنود الهی گشته وچون فتوحاتی است که خاطره آن در قلوب ماعزیز وگرانبهااست طوفان هائیکه از آن بوجود آمدنه تنها ریشه ایمان مارانسبت به امر حضرت بهاء الله راسخ ترنمود بلکه این نکته را به ثبوت رسانیدکه برای نخستین بار در تاریخ دیانتی بنوع بشر عنایت گشته که قابل انشقاق بمذاهب نیست زیرا کتاب وصایای حضرت بهاء الله و حضرت مولی الوری چنان قویم و — متین وخالی از شائبه شك وارتیاب است که محال است بتوان تعالیم این آئین رااز — مندرجات این کتاب مستطاب تفکیك نمود .

اصل وصایت که توام با حق تبیین آیات الهی است همانا محوری است که اصول واحکام امرالله چون پره های چرخ در حول آن جای دارد — هرگاه محور جداگردد دستگاه بالکل ازکارباز مانده آلت معطله شود وهمین است که اعدای این امر نازنین صد سال است نتوانسته اند اساسی درخارج امر بنهندکه مقرون بدوام و سعادت باشد چون باین دوره بیستوپنجساله اخیر نظرافکنیم قلب خودرا مشحون از سرور و ترضیه خاطر مشاهده نمائیم اهل بهاء دراین مدت قدمهای بزرگی در طریق رشد و بلوغ بر داشته اندوقایع ناچیز مولمه گذشته و مشاجرات شدیده و تشنجات سفینه امر بدست اعداء اینك کلا از مادور ومسافات زیادی ازمافاصله دارند ما پرورده کتاب وصایا هستیم مادرقرب آن سدره مقدسه ئی مستظلیم که برآفاق سایه افکنده و حال ادراك مینمائیم که شجره اولین ولی امرالهی حضرت شوقی افندی تا چه حدبرومند وعظیم است و تاچه اندازه ظلش ممدود و شاخ وبرگش غرق در فواکه وانمار طلعتیکه هنگامی موردعطوفت و مهر واقع بود وقلوب از طراوت جوانی و — عظمت ثقلیکه بر عهده آن حضرت قرار داشت میگداخت حال ملامح نظر بندگانی است که با کمال اشتیاق مترصد اجابت فرمان و قبول نصائح و ارشادات صائبه حکیمانه او هستند در ظل — هدایت ربانیش اهل بها با عشقی سرشاروبکمال فخر ومباهات بخدمت قائم گشته وشاکروسپاس گذارند که حق جل جلاله نه تنها چنین اساس اعز اعلای ولایتی عنایت فرموده بلکه اساس این ولایت را بطراز این ولی امر محبوب مخصص فرموده که سفینه امر را ازآنهمه مخاطرات نجات داده وباید توانا وبردبارش آنرا بفتوحاتی دلالت فرموده که بر حسب وعود حضرت بهاء الله باید نصیب آئین نازنینش در طی این قرن گردد قدر و منزلت خدمات حضرت شوقی افندی ولی امر محبوب بامر نازنین الهی هنوز مجهول است چگونه ممکن است چنین نباشد ماطوری در — قرب آن قرار گرفته ایم که دورنمای این منظره جلیل کاملا ظاهر و آشکار نیست فقط رفته رفته بر مقام وشخصیت حضرت باب و حضرت بهاء الله واقف و مطلع میشویم وتازه الیوم می توانیم اشراقات آن دوطلعت مقدس راازخلال ابرهای متراکم وقوعات کنونی مشاهده نمائیم که

در نهایت عظمت وشوکت برآفاق پرتو افکند ماست کتاب GOD PASSES BY بنفسه بزرگترین حاطی بود که ما را برای درك مقام واهمیت آن دو هیکل مقدس براء انداخت اما ماهنوز نزدیك تر از آنیم که بخواهیم آنرا در که شاید مقام و منزلت اولین ولی امر را دریابیم معذلك با عنایت توجه باینکه حضرت ولی امرالله همچنانکه خود با نهایت خضوع بماتذکر داده اند بانوار هدایت الهی مخصص و مزین میباشند میتوانیم — بخدمات حضرتشان اندکی وقوف حاصل نمائیم دروهله اول بهدایای نفیسه آن حضرت اشاره نمائیم وترجمه کتابهای ایقان ولوح ابن ذئب و ادعیه و مناجاتهای مبارکه و مجموعه الواح حضرت بهاء الله و کلمات مکنونه و مفاوضات عبدالبهاء (تاریخ نبیل) و ذخائر بیشماریکه حضرتش در آثار خود از نصوص مبارکه نقل و استشهاد فرموده اند در نظرگیریم اگر این — ترجمه ها نبود معرفت و علاقه ما نسبت به امرالله چه بسا از کجاسر چشمه میگرفت — سپس بآثار شخصی هیکل مبارك نظرافکنیم و کتاب تشکیلات بهائی وتوقیعات عدیمه مبارکه راجع به نظم بدیع جهان آراء الهی و رساله دور حضرت بهاء الله و ظهور عدل — الهی و قدماتی یوم المیعاد و نیز دو مجلد کتاب عالم بهائی که حاصل فکر و راندیشی و مجهودات مستمره خستگی ناپذیر آن حضرت است و از همه نفیس تر کتاب GOD PASSES BY داستان بینظیر و مشروح و عظیمیکه وقوعات مهم قرن اول بهائی درآن مسطور است کلا از یراعه مبارکش نازل گشته و این کتاب اخیر کتابی است که اهمیت سوانح قرن اول بهائی به نسبت اهمیت آن بیان شده واحدی جز هیکل مبارکش نمیتوانست این مهم بانجام — رساند علاوه بر مراتب فوق باید تواقیع مبارکه فارسی حضرت ولی امرالله راخطاب به بهائیان ایران اضافه نمائیم .

هر گاه مساعی خستگی ناپذیر وصبر جمیل حضرت ولی امرالله نبود هرگز موفقیتهای بیست و پنجساله گذشته که دراین مختصر بدان اشارة گشت حاصل نمیشد این مولای حنون مادرعین یاس و نا امیدی مشوق وپشتیبان بود وهرگاه نا بهنگام بوقت عمل و مجاهدت طالب راحت میگشتیم ما را بکار وامیداشت احتیاجات رابیش بینی و ما را با ناریات و نصائح مبارکش دلالت میفرمود ودر مواقع لزوم ابوبه شانیه میداد و نصوص مبارکه را در اختیار ما میگذاشت حال امروز بخصوص تشخیص میدهیم که اگر حضرتش نمیبود امرالله چه وضعیت اسفناکی داشت در اثر انفاس طیبه اش چه بسا اشتعالات و رنجشها و دل آزردگیها که درهر جامعه سر چشمه اشکالات گوناگون است مرتفع گردید — توضیحات و تبیینات مبارکش چه بسا راه را — هموار و قلوب را در سبیل خدمت بامر محبوب بار دیگر نزدیك مینمود ولی مطمئنا هیچیك از این خدمات مبارك باهل بهاء خالی از اشکال و زحمت نبود آن مولای محبوب با قلبی عطوف و حساس و روحی پرفتوح که از اشتیاق بیپایان بندگی در آستان حضرت عبدالبهاء واجرای نوایای مبارکش طافح بود در نهایت تدلیس و اعتساف بکمال مظلومیت مورد هجوم اعدای داخل و خارج واقع گردید بطورکلی هر شخص سلیم وآزاسته ای، در ایام حیات خویش از عالم و عالمیان توقع تقدیر وتحسین ندارد ولی از دوستان نزدیك و خویشان نمیتواند انتظار نداشته باشد ماشاید تصورمیکردیم که با انقضای عمر جانبازی، امواج بلا وافتراو حملات شدیده فرو نشسته ولی تقدیر الهی برامردیگر تعلق گرفته بود — آری حضرت ولی امرالله

محبوب امروز در نهایت قدرت وعظمت و بصیرت و دانائی و متانت و کمال ما رادرمیان بازوان آهنین خویش ودر صون حمایت شریعت الهی ماوی و مسکن داده ولی آثار ضرباتی که در طی این بیست وپنجسال بر هیکل الطافش وارد گشته کاملا نمایان است واین ضربات شدیدتر از آن بود که حضرت عبدالبهاء در کتاب وصایا بآن اشاره نموده میفرماید " مواظبت نمائید که غبار کدر و حزنی برخاطر نورانیش ننشیند " در این مدت هیکل مبارکش متحمل مشاکل روزافزون این امردائم الاتساع و مورد زحمات ولطمات عدیده آن قرارداشت آنچه در این میان این مسئولیتهای عظیم مولای بی ناصر ومعین اهل بهاء را تسلی میدهد همانا پیشرفت وتقدم امور امریه است درساحت اقدسش اخبار ومشارات خوش بمثابه نفحه حیات است وهر وقت مقصودی انجام پذیرد و یا مشکلی حل شود و یا مشروع جدیدی آغازگردد روح مبارکش سبکبار و قلبش مشعوف وفکرش فارغ و آماده ابداع امورجدیدی میگردد بنا براین ملاحظه میکنیم که همان قسم که ما بهائیان در سراسر عالم ازطرف خداوندبصون حضرت ولی امرالله سپرده شده ایم حضرتش نیز ودیعه گرانبهائی است که خداوند متعال بما عنایت فرموده است ما نبایستی این موهبت راحقیر انگاریم بپاس مقام عظیم ولایت امرکه نوع بشر در این عصر در ظل آن مستظل است ونیز بپاس این اولین ولی امرالهی حضرت شوقی افندی سزاوار آنکه در طی این سنین آتی کمر همت بر بسته بر مراتب سعی و کوشش بیافزائیم و در مدارج انتباه وهشیاری قدم فراتر نهیم ما بایستی همواره بخاطرداشته باشیم که کلیه قیودات و محدودیتهای حقیقی منبعث از شخص ماست هرگاه ماهل بهاء در حول این مرکز گردآمده به محبتش دل بندیم و در ظل رافت کبرایش عاشق یکدیگر شویم مسلما موفقیت های ما در طی بیست و پنجسال آتی مضاعف خواهد شد .

هر حقیقت واصلی دارای معانی و وجوه مختلفه است ممکن است هزار سال بگذرد تا قدر و منزلت حقائق مودوعه در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء کما ینبغی مفهوم گردد ولی ما نخستین حاملان این الواح مقدسه اگرخواهیم میتوانیم در تاریخ آثاری برجای گذاریم ویادگار دوره ای گردیم که نصیب بیشتری در درک مفاهیم این کتاب مستطاب داشته و نوایای بدیعه آن را برای اولین بار دراظلم سنین تاریخ بشری بر عالمیان هویدا ساخته است .

‡‡‡‡‡‡‡

بقیه بیانات حضرت ولی امرالله

مبارک واقع شود . ما همگی بایدباکمال خضوع و خشوع درمقابل قضایای الهی سرتسلیم و تعظیم فرودآوریم و یقین بدانیم که حضرت بهاء الله حافظ امرمبارک است وباصعود مبارک لطمه ای بامر اعظمش وارد نخواهد شد بخصوص وقتیکه هیکل مبارک صعود فرمودند مارا دستخالی نگذاشتند درمقابل ما نقشه دهساله است و احباء باید سعی کنند درپنج سال آینده تمام اهداف آنرا اجراء کنند حضرت عبدالبهاء میفرمایند بهراندازه که ایمان دارید بهمان اندازه تائیدات الهیه شامل حال شما میشود و میزان همین است میزان همین است میزان همین است بنا براین برای یادبود ووفاداری حضرت ولی امرالله از شما خواهش میکنم امور راکه حضرت ولی امرالله برای ما وبعهده ما گذارده اند انجام دهیم کنفس واحده قیام کنیم و با اجرای نوایای مبارکه اش پردازیم تا باقیمانده را بنحو احسن انجام دهیم .

باغ میثاق

از دهلی: هوشمند فتح اعظم

معلوم است که رزیه کبرای صعود مولای بیهمتا یادگار حضرت عبدالبهاء بعالم بالا این گمگشتگان بادیه هجران را بچه روزی انداخت و با چه سوزی قرین ساخت. دلی نماند که نسوخت وجگری نبود که نگداخت زیرا در صدف امکان این تهی دستان بازار جمالش را گوهری فرید بود که حال ببحر اعظم بازگشت و درآسمان آمال ، این بستگان موی نافه گشایش را ماه شب افروزی بود که از افق ادنی باوج اعلی شتافت لهذا اگر این آوارگان کویش در ظلمتکده فراق آه بر احتراق ازسینه نیارند چه کنند و خون از دیده نبارند چه نمایند ؟

ولیکن ای سوختگان آن شمع افروخته زنهار زنهار که سیل یاس وحرمان را بخود راه دهیم که خانمان براندازد وآن مولای مهربان خانه مان آباد میخواست . هر چندغریق دریای مصیبتیم باید گوهراستقامت برآوریم واگر چه خراب طوفان بلائیم گنج وفا بجوئیم چه وفائی اعظم ازاین که زحمات ومشقات سی وشش ساله آن محبوب آفاق راکه یك تنه بخاطر ماتحمل میفرمود همواره بیاد آریم وبحبل نوایاو وصایای مقدسه اش متشبث گردیم . ارکان قصر مشیدنظم بدیع را که بایادی اقتدارش درصفحه روزگار مرتفع فرموده از تزلزل واضطراب بازداریم وشجره طیبه امر اعز ابهی راکه پرتو عنایات ومجهودات بیکرانش ببار وشکوفه آورد ازروی زردی وبی برگی برهانیم . شمع وحدت اصلیه اهل بهاء را ازتندباد حوادث بهر قیمت محافظت نمائیم چه که افروخته اوست وعلم مقصود هدایت کبرای را درنهایت مواظبت ازانکسار بازداریم که افراخته اوست.

ملاحظه فرمائید باغبان کاردانی راکه شب و روز بدل وجان بکوشدو تخمهای مبارکی بیفشاند و نهالهای بیهمالی بنشاندچون بذرهاجوانه زندونهالها ریشه دواندآگر آن باغبان مهربان کشته پرورده خود را بباران بهاری بسپارد وخود بیارمد آن گلستان همچنان رویان بماند وگل و ریحان بیارد زیرا تنها زحمات باغبان نیست که سبب رونق بوستان است هم فیض بهاراست که گوهربار است ونسیم سحراستکه شکوفه پرور است نیسان رحمت کبری وسحاب تائیدات جمال ابهی از ملاء اعلی مترصدکه بموقع بفیضان وفوران آید واین نونهالان چمنستان حقیقت را که پرورده ید عنایت آن باغبان میثاقیم سیراب فرماید . زنهار زنهار که خود را ازریزش سحاب رحمت که ملکوت رب العزه میبارد محروم سازیم زنهار زنهارکه مصائب ومتاعب لا تعد ولاتحصای مولای عزیز بیهتا را بهدر دهیم .

بلی بذرهای پاکی که میراث مرغوب لاعدل له مبشر اعلی وجمال ابهی وحضرت عبدالبهاء بود بایادی اقتدارآن باغبان ماهر حدیقه میثاق حضرت ولی عزیز امرالله سپرده شدوآن لطیفه ربانی درنهایت کاردانی تانفس اخیربطراحی و باغ کبری مشغول بود . جداول تاسیسات الهیه را درنهایت متانت معین فرموده وخیابانهای خرم مشروعات عظیمه راکه درغایت اتقان بانواع گل و ریحان بیاراست وبماسپرد .چشمه سارهای نظم بدیع جهان آرائی راکه واسطه فیوضات جمال ابهایند بجریان وفوران آورد وهریك ازاین نونهالان گلشن توحید را درآن باغ تجرید مقامی مقرر فرموده تا بثمر آیند وزینت چمنستان هدایت گردندو چون این جمله بسر رسیدواز خضارت و نضارت باغ پرورده خوش مطمئن گردیدآنرابه نیسان تائیدات ملاء اعلی ودست پروردگانش درعالم ادنی واگذاشت ورفت و خود از مشکلات و مشقات بی پایان برست ودرجوار رحمت کبری الی الابدبیارمید . اما ای عزیزان حق اگرآن طیر وفا ازقفس این عالم ادنی پرواز کرددر ملکوت بقاء برشاخسارطوبی همچنان بتسرنمات قدسیه مبارکه اش مشغول وامثال این آیات بینات پیوسته بگوش هوش مشتاقان آهنگ بدیعش متواصل تولوه الاحلی :

((ای مشتاق امربهاء وقت آنست که کل بپاس این عنایات عظمی اعزازا لامره المقدس الابهی وتسریعالتحقق کلمه الجامعه العلیا متوجه الیه منقطعا عماسواه درسبیل ترویج وحدت اصلیه جانفشانی نمائیم ... وچنان قیامی نمائیم که سکان ملاء اعلی ندای واطوبابرآرند و بهتاف بشری لکم یا ملاء البهاتحسین وتهنیت نمایند .از زوابع امتحان وشدائد افتتان خائف وهراسان نگردیم و از حوادث خطیره آتیه و وقوعات هائله کدره

مرعوب و مضطرب نشویم از تحدیدات ملکیه و شئونات آفاقیه و ظنون و اوهامات ناسوتیه چون برق درگذریم ودر رفع قوائم ودعائم مدنیت جدیده بدیعه الهیه همتی شایان بگماریم .. از نصوص صریحه قاطعه الهیه انحراف نورزیم واز تظاهر وتقیه وتملق بپرهیزیم وحبال تسویف اهل تدلیس را بسر پنجه قدرت وشهامت منفصم سازیم . ازمدینه وهمیه قدم بیرون گذاریم و حجبات غلیظه غفلت را بنار محبتش محترق سازیم عزت و زینت ظاهره فانیه را طالب نگردیم واز مطامع ارضیه و مآرب شیطانیه ساحت دل را منزه و مقدس گردانیم فریب اهریمنان رانخوریم و رغائب و امیال مستکبرین ومغرضین راترویج نکنیم ضیاء این امر نفیس را بغبار نفس وهوی تیره ننمائیم وزمام ومقالید این آئین گرانبهارابنفوس سارقه کاذبه نسپریم وازملامت حسودان وذم و قدح بیخردان ونابالغان سست وپریشان نگردیم و ازانتقادات واسنادات کوته نظران اندیشه ننمائیم بلکه در جمیع موارد بیقین مبین بدانیم که آنچه واقع گردد خیر وصلاح امرالله است و وسیله تحقق وعود حتمیه مولای بیهمتا .

ممهد سبیل است وممد شریعت رب یکتا ـ چنانکه میفرماید من یظهرفی الارض من شیی الا وقد قدر فیه حکمه بالغه و کیف هذاالنباء الاعظم القویم .

و همچنین میفرماید ((ای عباد اگر دراین ایام مشهود وعالم موجود فی الجمله برخلاف رضا از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را درجمیع آن ایام وعوالم قسمتی مقدر وعیشی معین و رزقی مقرر است البته بجمیع آنها رسیده فائز گردید)) . انتهی

ای احبای عزیز الهی اگر آن " ایام خوش رحمانی وعالمهای قدس روحانی " جوئیم باید بجان بکوشیم واز دل بخروشیم تا بروفق تغنیات آن طایر قدسی سلوک نمائیم و این دو روزه حیات فانی را بامید وصال جاودانی در تحقق آمالش مصروف کنیم وبا روحی شاد و مستبشربسوی اویرواز نمائیم ودر ظل رحمت کبرایش الی الابد مستریح ومسرور بمانیم دیگر تا سمند همت ما در میدان وفاچگونه جولان نماید .

معرفت مظهر ظهور اگر
ثمر ونتیجه اش حسن سلوک
و تزکیه اخلاق نباشد از
نفوذ وتاثیرمحروم ونزد اهل
دانش و ارباب بصیرت قابل
اعتنا نبوده ونیست چه که
این معرفت معرفت حقیقی
نه بلکه صرف توهم
و تقلید است .

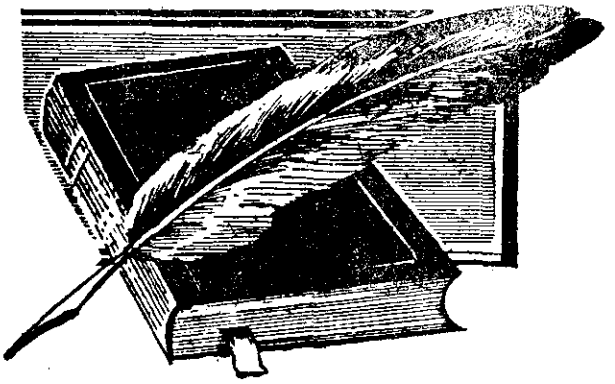

نامه‌ای از ایادی امرالله جناب سمندری

آهنگ بدیع ازحضور ایادی امرالله جناب طرازالله سمندری علیه بهاء الله تمنانمود ضمن یك مقاله خاطرات‌خود را که از تشرف به ساحت‌حضرت شوقی افندی دارند مرقوم فرمایند . حضرت ایشان با وجود کثرت مشغله این مسئول را اجابت ومرقومه ذیل را ارسال داشته اندکه بنظر قارئین گرامی میرسد .

الله ابهی

از ارض اقدس هیئت مجلله مسوده منصوره بتائیدات الهیه محررین آهنگ بدیع در مهد امرالله روحی لهم الفداء جان و روان و هستی و نیستی این بیر ناتوان قربان آن عشاق امر الهی و وفاداران بحضرت ولی عزیز محبوب امر الهی روحی و ارواح المخلصین لقدرته الغالبه علی الکائنات فدا گردد . نامه شماورخ دهم شهرالقول ۱۱۶ بدیع شماره ۸توسط جناب بهار علیه بهاء الله واصل‌گردید و زیارتش دراعتاب مقدسه مبارکه علیا لانه و آشیانه انبیاء

و اصفیاء روحی لذکرهم الفداء سبب مسرت لا تحصی وشکرانه بدرگاه حضرت کبریا گردید چه که جمیع حروف و کلمات و عبارات وجملات آن بشارت بر قیام واقدام بلا قعود آن جامعه جوان بر نصرت امرحضرت یزدان میداد ودر همین از این بی بضاعت و دست تهی از معلومات لازمه درخواست شرح حیات آن هیکل آسمانی را خواسته بودید .

چگونه سمندری قادر است از عهده شرح حیات آن آفتاب حقیقی ودلبر آسمانی و صاحب قدرت واقتدار الهی روحی و ما وهبنی ربی لارتقائه الفداء برآید چنین امری ممتنع و محال است . بعلاوه حق متعال شاهد که فرصت تکلم نیست تا چه رسد به تحریر آنقدر امور لازمه در مقابل است که برای اظهار حیات این عظم رمیم مجال نیست . ولکن برای اینکه یك یادگاری هم بنده شرمنده وامانده در آهنگ بدیع شما جوانان نیکو کار ودلاوران خوش کردار و صاحبان ذوق سرشار داشته باشم برای اظهار تشکر از عنایات الهیه ومواهب ربانیه در این نامه بنحو فهرست واختصار معروض میدارم وبعضی آیات وکلمات الهیه راکه دوا وغذاو سبب تذکر برادران وخواهران عزیز است مینگارم تا آن کلمات و آیات الهی سبب سرور قلوب خوانندگان و سبب تذکر وهوشیاری و بیداری برادران و خواهران و فرزند مقامان شود وبرای این نمله ضعیف و طیر نحیف حسن خاتمه ورضای الهی طلبند و از روح مقدس مبارك آن هیکل آسمانی که ما را ترك فرموده وبملکوت خود رجوع فرموده و دوسنه اوازید است که جامعه بهائی را از ملکوت تقدیسش امداد وتائید فرموده ومیفرماید و سفینه امرش را بملاحین و برگزیده های بقلم قدرتش سپرده یعنی ایادیان جان برکفش که حقیقة همه چیز را در حبش فدا ودرعشقش نثار ودر سبیل امرش قربان نموده اند بخواهید و مسئلت فرمائید که تا آخرین نفس و خروج روح از این تفس موفق به وفای او شویم و ماسوایش را نسیا منسیا نمائیم تا این سفینه وفلك نجات را بساحل حیات رسانیم واین امانت را صحیحا سالمابه بیت العدل اعظم که خلق این ظهور افخم ونبأ عظیم مالك قدم است تسلیم وتفویض نمائیم .

یارب این آرزو مرا چه خوش است
تو بدین آرزو مرا برسان

بنده شرمنده طرازاله سمندری که امروز ۸۴ سنه ازسن من میگذرد و حافظه راوداع کرده ام قادر نیستم آنچه رادلم میخواهد برشته تحریر درآورم . دیگر دور دور جوانان است چو باد بهاری ببستان وزدچیدن درخت جوان را سرزکره اولی هیکل اطهر انور مبارك را در کروسه های دستی درعکادر سن ۱۸ ماهگی زیارت کردم قصیده ای متصاعد الی الله عندلیب علیه غفران الله انشاء نموده بودند بعنوان " لای لای " بنده اورابا مرکب ژلاتین نوشته منتشر کردم ممکن است در ایران بدست بیاورید آن بزرگوار بالهامات الهی مراتب ومقامات عالیه مبارکه را درآن قصیده ذکر نموده اند . کره ثانی درنه سالگی در مکتب خانه در بیت عکا همادخانه که متولد شده اند مرحوم آقاسید اسدالله قمی علیه رحمه الله درخدمتشان بودفارسی وعربی وخط تحصیل میفرمودند یك ورق یادگاری برای فرزند من میرزا محمد سمندری علیه غفران الله عنایت فرمودند " ای گلرخ ابهای من . . " ودرپشت ورق از گلستان سعدی مرقوم امضاء شوقی بهائی الآن در مرقع الواح پسر من موجود است سفر ثالث در ۱۴ سالگی نیز درهمان بیت —

زیارت کردم دیگر مشرف نشدم تا در بیست سال قبل پنجاه روز مشرف بودم اینجاست که باید عرض کنم رحمه للعالمین را دیدم — قدرت ولیاقت واستعداد بیان آنچه را دیدم ندارم یك روز فرمودند کلمات جمال مبارك و — حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء وهمه یکی است یعنی کل از منبع واحد است فرمودند سعی کنید اختلاف عقیده در بین احباء نباشد حضرت اعلی روح ماسواه فداه دارای دومقام بودند مظهر ظهور الهی و مطلع وحی در لوح احمد میفرمایند انه لسلطان الرسل وکتابه لام — الکتاب و مبشر ظهور اعظم هم بودند جمال مبارك موعود جمیع کتب مقدسه موعود جمیع ادیان ظهور کلی الهی رب الجنود مکلم طور صاحب عصمت کبری لم ترعین بمثلها اما حضرت — عبدالبهاء مبین آیات الله مرکز عهد ومیثاق الهی چون جمال مبارك سرالله فرمودند احدی نمیتواند بمقام ایشان پی ببرد چه که ستر — فرمودند همین قدر مسلم است شارع نبودند بعد با یك قدرتی و هیمنه ای فرمودند ولایت خلق کلمه عبدالبهاء بود — اینها اغلب عین کلمات مبارك است بعضی هامضمون صحیح .

ای جوانان روحانی نورانی معرفی حضرت ولی محبوب عزیز امرالله روحی لارقائه الفداء آیا اعظم از آنچه حضرت عبدالبهاء در وصایای مبارکه فرموده اند میشود لاوالله لاوالله اطاعت او را اطاعت الله ومخالفت با او را مخالفت با حق سبحانه تعالی فرموده اندمکرر بیانات میفرمودند در هر موضوعی مخصوص هجرت بعد میفرمودند بگوئید الواح وصایا را بخوانند من نگفتم حضرت عبدالبهاء فرمودند وصایا بخوانند سمندری عرض میکند حضرت مسیح فرمود هر داریرا از بارش بشناسند سدره مبارك هیکل اطهر انور در ۳۶ سنه بقدر یك قرن اولای امرالله بل باسم اعظم قسم امرالله را ببیان و قلم وعمل نصرت فرمودند این کلمه این عبارت که عرض شد یك کتاب شرح دارد حق منیع شاهد است قادر بشرح نیستم درکرمل مشی میفرمودند تنها مشرف بودم این بهشت برین را که ازعدم بوجود آوردند بیان میفرمودند که بدع است تقلید نشده دیگر اینجا مبلغ نمی خواهداین مبلغ صامت است حضرات مامورند من عندالله عکا وحیفا را آباد نمایندوقتی بمقام کمال رسید به تورات رجوع میکنند ملاحظه مینمایند جمیع مواعید تورات ظاهر شده یکمرتبه بامرالله رجوع مینمایند در سفر آخر تنها روزی درمحضر حضرت عبدالبهاء مشرف بودم مشی میفرمودند و بیانات درخصوص تبلیغ اینحدود سئوال کردم بیاناتی فرمودندبعد با یك قوتی ومسرتی فرمودند اینصفحات یکمرتبه مشتعل میشود ... ای برادران با جان برابران من سمندری فدای شماهاشود سفر سوم است پس از غروب آفتاب ولایت وافول کوکب عنایت وصعود آن قمر تابنده از اینجهان تاریك که باین مقام اعلی مشرف آنچه را — فرموده اند مصداقش را کالشمس فی رابعة النهار مشاهده مینمایم از کره زمین برای — سیاحت وگردش وتحقیق فوج فوج میآیند وبا حیرت وتعجب وتفکر وحالات غریبی میگویند می شنوند میروند تامیقات یوم موعود رسدوکلمه الله در افئده وقلوب تصرفاتش ظاهر گردد واکسیر اعظم نحاس افئده را بذهب ابریز تبدیل فرماید و ندای لبیك لبیك بسنان آسمان رسدحق منیع شاهد هر جهة قدم میگذارم واین آثار بسر عظمت را که ببقاء شریعه الله یادگار هیکل اطهر است زیارت میکنم اشك داغ میریزم این نقشه های آسمانی هیکل اطهرچه کرد جامعه بهائی را طریق خدمت و فداکاری و تبلیغ آموخت هر گاه ما جامعه بهائی قدر این نعمت آسمانی

را چنانکه باید وشاید دانسته بودیم و — دستورات آن قائد اعظم را حرف بحرف اجراء نموده بودیم امروز کره ارض بتمامه تسخیر امرالله وشریعه الله شده بود فتور وقصور کردیم و هیکل اطهر ما بندگان ذلیل را ترکفرمودند و بملکوت ابهی صعود فرمودند اما قسم بذات مقدس نه تصور شود مارا بخود واگذاردند لاوالله لاوالله در این دوسنه تائیدات و — امدادات مبارکه ثانیه ای ازما قطع نشده و — نظر عنایت خود را از ما برنداشته وایادیان امرش که در ارض مقصود مقیمند وبکره زمین محرفی شده اند این ثقل اعظم را بر دوش — دارند و شب وروز باتائیدات آن آفتاب جهان افروز سعی و کوشش میفرمایند تاآنچه را بقلم مبارکش دستور فرموده اجرا فرمایند ونقشه مبارکه ده ساله را عملی واجراء کنند تا انشاء الله الرحمن بآخرین هدف رسند و بکمک و مساعدت وشرکت وهمراهی محافل مقدسه ملیه و محافل روحانیه محلیه و لجنات فعال از — خود گذشته وجامعه بهائی صغیر وکبیرانات و ذکور در این شهور باقیمانده مناطق را — تکمیل نموده تا بعون الله وقدرته الکامله مرکز معصوم را که حی قیوم بدنیای معلوم وعده فرموده از حیز غیب بعالم شهود آرند و جهانیان را شرقا وغربا جنوبا وشمالا بآن موسسه آسمانی و مرکز مثبت وحدت عالم انسانی و صلح عمومی و مروّج مساوات در بین عالم — انسانی بسپارند آنوقت طولی نمیکشد که خلق جدید مبعوث میشوند وزمام امور را بدست میگیرند وتعالیم الهی را در اقالیم عالم تدریس و ترویج و تزریق میفرمایند . و صاحبان بصیرت و انصاف وتری الارض غیر الارض را مانند آفتاب جهانتاب مشاهده مینمایند این پیر ناتوان و پوسیده استخوان در اعتاب مقدسه مبارکه علیا مزید نصرت وتائید و موفقیت کل را مسئلت نموده ومینماید واز جمیع خوانندگان تمنای دعا برای حسن خاتمه دارد والسلام علی من اتبع الهدی ذره بیمقدار طرازالله سمندری

قوله تعالی التکبر والبهاء والنور والضیاء علی ایادی امرالله الذین نصروا امره فی البلاد والدیار اولئك عباد جعلنا هم مفاتیح ابواب العلم والعرفان فی الامکان تعالی الرحمن الذی ایدهم علی القیام علی خدمه امره المحکم المتین

قوله تعالی النور والبهاء والتکبیر والثناء علی ایادی امره الذین بهم اشرق نورالاصطبار و ثبت حکم الاختیار لله المقتدرالعزیزالمختار و بهم ماج بحر العطاء و علاعرف عنایه الله مولی الوری نسئله تعالی ان یحفظهم بجنوده و یحرسهم بسلطانه و ینصرهم بقدرته التی غلبت الاشیاء الملك لله فاطرالسماء ومالك ملکوت الاسماء انتهی .

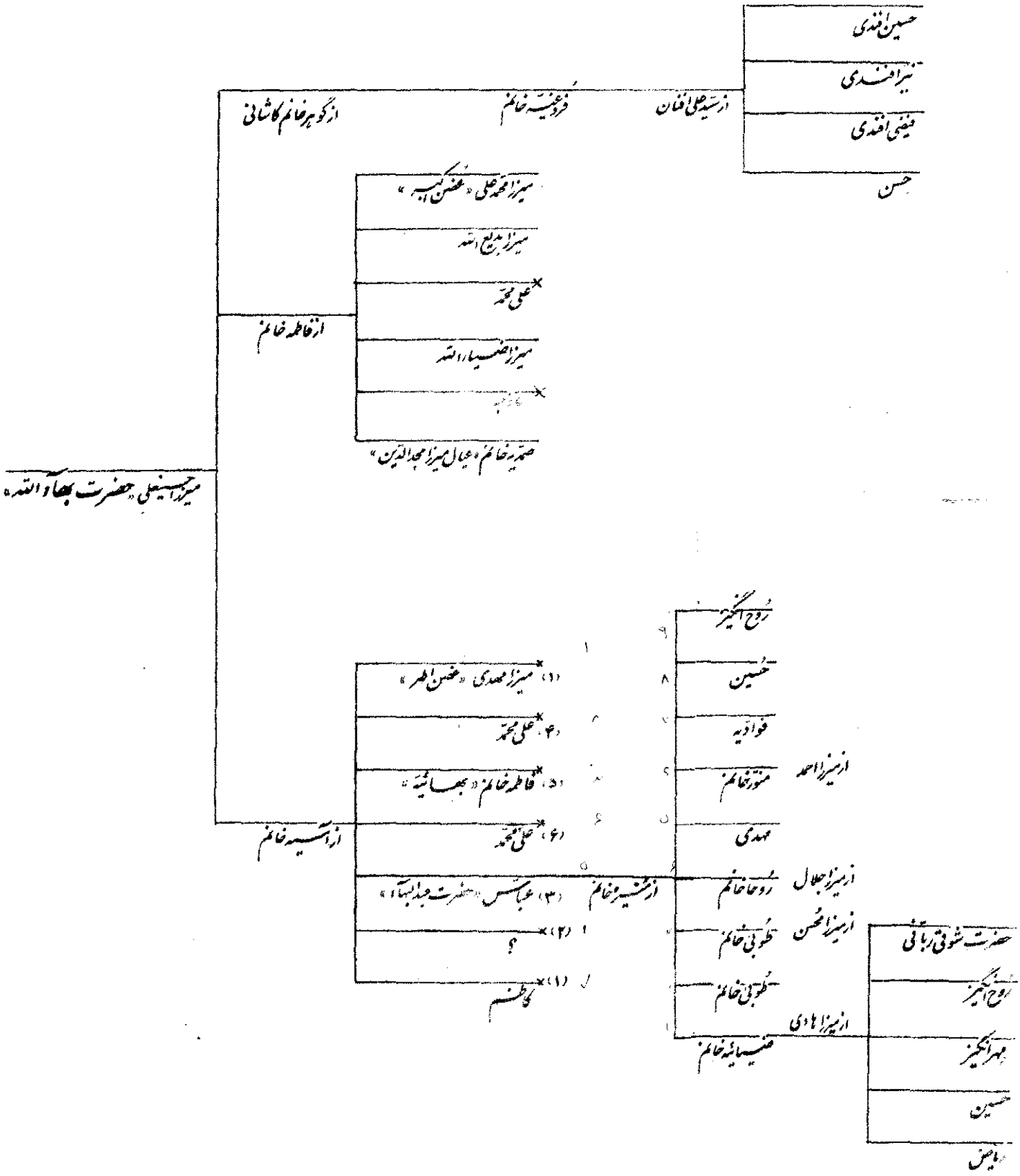
میرزا حسینعلی «حضرت بهاءالله»
از سید علی افنان
فروغیه خانم
از گوهر خانم کاشانی
حسین افندی
میرزا افندی
فیضی افندی
حسن
از فاطمه خانم
میرزا محمدعلی «غصن کبیر»
میرزا بدیع الله
علی محمد
میرزا ضیاءالله
صدیقه خانم «عیال میرزا مجدالدین»
از آسیه خانم
(۱) میرزا مهدی «غصن اطهر»
(۴) علی محمد
(۵) فاطمه خانم «بهائیه»
(۶) علی محمد
(۲) ؟
(۱) کاظم
از منیره خانم
(۳) عباس «حضرت عبدالبهاء»
از میرزا احمد
روح انگیز
حسین
فوادیه
منوره خانم
مهدی
از میرزا جلال
روحا خانم
از میرزا محسن
طوبی خانم
طوبی خانم
از میرزا هادی
ضیائیه خانم
حضرت شوقی ربانی
روح انگیز
مهرانگیز
حسین
ریاض

بیانات حضرت امة البهاء روحیه خانم در کنفرانس کامپالا

در این چند روزه اخیر بیاد کلمات حواری (حضرت پولس) افتادم که در انجیل میفرماید ای کاش زبان ملائکه داشتم. منهم ای کاش این زبان را داشتم تا بتوانم در این باره صحبت کنم.

حضرت ولی امرالله حفید ارشد حضرت عبدالبهاء از زمان طفولیت مورد علاقه حضرتشان بودند بطوریکه شنیدم در طفولیت خیلی ضعیف و نحیف بودند البته بتدریج تقویت یافتند و رشد کردند ولی این ظرافت و لطافت تا آخر عمر با ایشان بود وهمین امر سبب شد که بالاخره قلب مبارك از کار افتاد نکته ایکه در باره حضرت ولی امرالله میتوان گفت قدرت فکری فوق العاده و نبوغ عجیب حضرتشان بود

بعلاوه قوای روحانیه شدیدی همواره از هیکل مبارک منبعث و منتشر بود گوئی انسان با کارخانه و موتور عظیم برقی تماس گیرد و این قوه شدید عجیبه بحدی محسوس بود که بنسبت فاصله ایکه با هیکل مبارک داشتم کمتر یا بیشتر احساس مینمودم مثلا هر وقت در محضر مبارک بودم و هیکل مبارک در بیت مبارک بودند این قوه مغناطیسی را بطور اشد احساس میکردم اگر کمی دورتر بودند کمتر اگر درمقام اعلی بودند کمتر و اگر در روضه مبارکه بودند باز هم کمتر و اگر در ارض اقدس تشریف نداشتند اصلا احساس نمی کردم البته این تخیلات من نبود عین واقع و احساس من بود ـ تا کسی بهیکل مبارک نزدیک نبود نمیدانست که چه قلب حساسی داشتند (در طفولیت خیلی حساس بودند و احتیاج به تشویق داشتند و مثل سایر اطفال که باین امور اهمیت ندهند نبودند) این سابقه را از رقت قلب مبارکبشما میدهم که بدانید علت اینکه یکمرتبه قلبشان از کار افتاد چه بود .

وقتی من در ارض اقدس بودم بمن گفتند شرح حیات مبارک حضرت ولی امرالله را بنویسم چه قلمی است که بتواند رنج والمی که بر هیکل مبارک وارد شده مجسم کند؟ و کیست که بتواندبخواند؟ (حضرت حرم بگریه افتادند) آلام هیکل مبارک منحصر بدوره ولایت نبوده بلکه در طفولیت هم چون حساس بودند در مدرسه و کالج و در همه جا رنج میبردند از آنچه گفتم تصور نرود که حضرت ولی امرالله طبیعتا محزون بودند بر عکس خاطر مبارک خیلی نورانی و پر مسرت بود .

هیکل مبارک اعتماد بنفس داشتند ولی در عین حال خاضع بودند هر وقت موضوع امر در میان بود بمقام ولایت عظمی افتخار و مباهات میفرمودند و این مقام را بزرگ و عظیم میشمردند ولی از لحاظ شخصی و فردی جوهر خضوع و خشوع بودند . بطوریکه قدمای احبای ایران و دکتر لطف الله حکیم مطلعند از کودکی اوصاف ولایت بنهایت کمال دارا بودند و کاملا مشخص و برجسته بودند بتلاوت و حفظ آثار و آیات نازله از قلم حضرت عبدالبهاء نهایت علاقه را داشتند یک روز حضرت عبدالبهاء ملاحظه میفرمایند که مشغول تلاوت و حفظ نمودن آیات هستند و در اطاق دیگر دیگران مشغول رفت و آمد و صرف چای بودندبه

حضرت شوقی افندی فرمودند من نمیخواهم مثل دیگران باشی ــ حضرت ولی امرالله قبل از مسافرت بانگلستان کاتب حضرت عبدالبهاء بودند با اجازه حضرت عبدالبهاء بانگلستان مسافرت فرمودند شاید احبای الهی بدانند که منظور مبارک از عزیمت بانگلستان تکمیل لسان انگلیسی و احاطه و تسلط در آن برای ترجمه آثار مبارکه باین زبان بود ولی هرگز فکر نمیکردند که دیگر بزیارت حضرت عبدالبهاء نائل نخواهند شد ــ یکروز حضرت عبدالبهاء به عائله مبارکه میفرمایند تلگراف کنید فوراً شوقی افندی بیاید ولی متاسفانه چنانچه مرسوم است عائله ملاحظه نمودند که این تلگراف باعث نگرانی هیکل مبارک شود لهذا با هم مشورت کردند و بجای تلگراف نامه فرستادند و اگر تلگراف را مخابره کرده بودند هیکل مبارک برای آخرین مرتبه بزیارت محبوب جان خود حضرت عبدالبهاء نائل میشدند . هیکل مبارک مکرر میفرمودند من هیچوقت فکر نمیکردم حضرت عبدالبهاء مقام ولایت و این مسئولیت عظمی را بعهده من بگذارند تنها چیزیکه بفکرم میرسید این بود که چون نوه ارشد مبارک هستم ممکن است حضرت عبدالبهاء پاکت یا سندی بنام من بگذارند که مضمون آنرا باحباء ابلاغ نمایم .

باری تلگراف صعود حضرت عبدالبهاء بوسیله یکی از احباء به لندن مخابره میشود و معلوم است با علاقه شدیدی که نسبت بحضرت عبدالبهاء داشتند چه وارد میشود . یقین است که این خبرلطمه شدیدی باساس صحت مبارک وارد ساخت وقتی هیکل مبارک وارد حیفا شدند از شدت حزن وارده برحضرتشان مریض بودند و با این وضع دومین ضربه بر هیکل اطهرشان وارد گردید و آن افتتاح الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بود که بموجب آن حضرت شوقی افندی بمقام ولایت امر منصوب شدند در این موقع بود که احساس مسئولیت عظمی نمودند و خود را در تحمل آن شریک و سهیم حضرت اعلی وجمال ابهی و حضرت عبدالبهاء دیدند .

هر یک از ما در بعضی موارد تصوراتی داریم من قبل ازاینکه بحیفا بروم فکر میکردم که هیکل مبارک می نشینند و حضرت بهاءالله همه چیز را به ایشان الهام میکنند ــ من میخواهم از مشاهدات خود مطالبی برای شما بگویم ولی مشاهدات من مثل مورچه ایست که بآفتاب نگاه کند ــ جمیع حقایق و الهامات مانند نسائمی از عالم بالا بر این وجودات مقدسه میوزد و ما نمیتوانیم آن حالات را شرح دهیم و درک کنیم ــ من اینطور تصور میکنم که مهبط الهام شدن در یک لمع البصر مانند تجلی برق واقع میشود ــ اشراقات الهی برمظاهر مقدسه یک مطالبی نیستکه بر یک صفحه ئی مرتبا ضبط شود بلکه نوسانهائیست مانند نبض متقاطع که در بین آن رنج والم میبرند این تجلیات متناوب است که روزبروز ببلوغ میرسد و نبوغ ذاتی را بروز میدهد این حالات در هیکل مبارک نمایان بود و پس از مقام ولایت قدرت وعظمت و جلال ظاهر شد .

در مورد ارتباط باخارج ــ درزمان حضرت مولی الوری ارواحنالرمسه الاطهرالفداه رعایت حکمت میفرمودند حتی بمسجد هم تشریف میبردند ــ برای حفظ امرالله این حکمت لازم بود ــ نمیخواستند احساسات خصومت آمیز آنها بر انگیخته شود .

هیکل مبارک عهده دار مقام ولایت شدند و موضوع رابانهایت قدرت عملی ساختند یکی در مورد ارتباط خود و امرا خارج و یکی مربوط به عائله مبارک بود ــ دراین دور مبارک همه چیز بدیع است ــ دورجدید ــ عصرجدید ظهور جدید ولی امرجدید مصدر امور شد و روش جدید و بدیع اتخاذ فرمود ــ این رابطه هم با دوره قبل قطع شد وانفصال امر ازادیان عتیقه بدین

ترتیب عملا ظاهر شد .

اما درباره ارتباط هیکل مبارک با فامیل خود باید بگویم که هیکل مبارک نهایت محبت و رافت رانسبت ببستگان ومنسوبان خود داشتند و میفرمودند چون یکی از افراد عائله حضرت عبدالبهاء بمقام شامخ ولایت منصوب شده باید همه قدر بدانیم و بشکرانه این نعمت قیام بخدمت نمائیم — هیکل مبارک در بدو ورود بحیفا در منزل خاله خود منزل نمودند نه مادرخود در ایام کسالت آبازدست خاله خود آشامیدند نه مادر خود منشی خودرا در بدو امرازبین خاله زاده های خود انتخاب فرمودند نه برادران خود منظور اینست که خاله و خاله زاده های خود رابه مادرو برادرخود ترجیح میدادند و بیشتر محبت میفرمودند میخواهم شما بدانید که هیکل مبارک حالاتی داشتند و چگونه نسبت به بستگان خود محبت میفرمودند ولی درهمان مراحل اولیه دوره ولایت دچار نقض وبیوفائی آنان شدند همواره تمام انبیاء وبرگزیدگان الهی با این مرض بنقض مواجه هستند دراینجا در باب نقض نمی خواهم صحبتی بکنم فقط میگویم دراین عالم خاك هرکجا نور و فروغی هست ظلمت هم هست وهرچه نور نزدیکتر باشد ظلمت بیشتر است درخورشید البته ظلمت نیست در عالم بالا هم انوار است اما دراین عالم خاك ظلمت هست چراغ زیر خود و اطراف نزدیك خود را روشن نمی کند هرچه دورتر نورش بیشتر .

هیکل مبارک از همان اوایل ورود بارض اقدس مانند حضرت مسیح باین فکرافتادند که از مردم دور شوند ودر محل دوردستی بتنهائی درباره وظائف روحانی سنگین خویش تفکرو تامل فرمایندو لکن از همان بدو امر آثار قدرت واحاطه و تسلط کامل درامورظاهر و هویدا بود . بعضی از قدمای احباء که اسم آنها را نمیبرم چون جوان ۲۴ ساله ای رامصدر امور میدیدند نصایح پدرانه می کردند که خوبست بیت عدل اعظم — یا کمنصوص الواح مبارکه است تشکیل دهیدولی مگر میشود — قبه را روی خاك گذارد اول بایداساس — محکم شود بعد قواعدو دعائم نصب گردد آنوقت قبه ساخته شود اینست که هیکل مبارک توجهی نمیفرمودند .

قلب مبارك را میتوان بیك سرچشمه سرور تعبیر نمود هروقت تا راحتی برای هیکل مبارك نبود در نهایت سرورو شادی بودند — حضرت ولی امرالله مسرور ترین شخص در روی زمین بودند گاهی میدیدم این سرچشمه بفوران میآمد وزمانی آرامتر بود حال این سرچشمه فیض و سرور در ملکوت الهی درنهایت آزادی و راحتی در فوران است . در اوائل آلام و محن اغلب بطور شدیدی قلب مبارك را فرامیگرفت در سال (۱۹۲۲ — ۱۹۲۳) که من ومادرم مشرف بودیم من طفل بودم یکروز هیکل مبارك ما را احضار فرمودند خوب بیاد دارم که هیکل مبارك خیلی خسته و ضعیف و نحیف بودند و اطراف چشمهای مبارك ازضعف و خستگی کبود بود — بمادرم روکرده فرمودند میس مکسول خیلی خسته هستم باید بروم ولی نظر بتوجه تام به مسئولیت و وظیفه سنگین خویش پائیزهمانسال مراجعت فرمودند — سلیقه هیکل مبارك خیلی ساده بود همچنین ازلحاظ خوراك و لباس خیلی ساده بودند ولی اوصاف بسیار زیبا و ثابتی داشتند آنچه رادوست داشتند کاملا و از صمیم قلب دوست داشتند و برای همیشه دوست داشتند شاید بسیاری از احباء ندانند که تا (۱۰) سال قبل هیکل مبارك مشقات و محرومیتهای فوق العاده را تحمل میفرمودند

ایشان در ۲٤ ساعت یکمرتبه غذا میل میفرمودند نه برای ریاضت و از روی صرفه جوئی بلکه از زمان طفولیت باین نحو عادت کرده بودند من از این وضع نگران بودم و این موضوع را با اطباء در میان نهادم ولی اطباء اطمینان دادند مادامیکه صحت مبارک خوبست و میل بغذای بیشتری ندارند نباید نگران باشیم و نه اصرار کنم ــ یك نکته دیگری میگویم که احبای افریقائی چون اغلب پیاده راه میروند مسرور شوند ــ هیکل مبارک براه رفتن عادت داشتند و خیلی راههای دور را بدون خستگی پیاده طی میفرمودند و بزرگترین رکوردی که خودشان میفرمودند داشته اند طی چهل کیلومتر در روز پس از گذشتن از سه گردنه بوده است و من تعجب میکردم ــ میدانم که احبای بی بضاعت مسرور میشوند بدانند که هیکل مبارك با وجود مراقبت شدیدی که داشتند تا آنچه شایسته مقام ولایت است مجری دارند در ــ زندگانی خصوصی خود بسیارساده بودند البته اگر هیکل مبارك در تابستان استراحت نمیفرمودند شاید با تمام زحماتیکه داشتند دوره ولایت به سی وشش سال هم نمیرسید ولی اطاقیکه در سویس اجاره میکردند در روز یك ونیم (۱/٥) فرانك سویس معادل (۲/٥) شیلینگ اجاره آن بود و بقدری کوچك و ناراحت بود که وقتی یکی از بستگان مبارك بملاقاتشان آمده بود براحتی نمیتوانست وارد شود یا بنشیند ــ البته هیکل مبارك در آنجا با ور ناشناس زندگی میفرمودند .

هیکل مبارك پس ازصعود حضرت عبدالبهاء با وجود فشار مصائب و بلایا با نهایت قدرت زمام امور را درست گرفتند و بطوریکه میفرمودند پس از زیارت الواح وصایا ملاحظه فرمودند که دیگر شخص معمولی نیستند از جناب فروتن شنیدم که درایران احبائیکه الواحی ازحضرت عبدالبهاء بقلم و خط حضرت ولی امرالله داشتند بعد از صعود حضرت عبدالبهاء متوجه میشوند که شیوه و لحن و حتی خط مبارك تغییر کرده است شاید این موضوع برای احبای ایران خیلی مایه تعجب نباشد ولی برای من که غربی هستم ــ خیلی تعجب آور بود هیکل مبارك در موقع نزول الواح و آثار و حتی تلگرافات چه انگلیسی و چه فارسی آنرا باصوت دلنشینی تغنی میفرمودند در موقع نزول آثار فارسی چون من درست نمیفهمید در اشراق نمیماندم ولی این افتخارابدی من است که آنچه الواح و آثار بقلم مبارك بانگلیسی نازل شده ازسال ۱۹۳۷ باینطرف من حین ــ نزول حضور داشته ام چون هیکل مبارك باین امر بی میل نبودند ــ و درحین نزول فی الحقیقه چون بلبلی معنوی بترنمات الهی درتغنی بودند . هیکل مبارك آنچه ازآثار امری لازم بود برای احبای غرب بانگلیسی ترجمه فرمودند ولی این اواخر میفرمودند که نه قدرت آنرا دارم و نه فرصت که بیش از این ترجمه کنم ــ برای اینکه میزانی از زحمات هیکل مبارك بدست شما بدهم میگویم که برای تالیف کتاب " گاد پسز بای " که در سال ۱۹٤٤ منتشر شد دو ــ سال وقت صرف کردند ــ به هفتاد جلد از آثار مبارکه مراجعه فرموده و مطالبی جمع آوری و استخراج فرمودند ــ دو مرتبه نسخه اولیه آنرا با دست خود تایپ فرمودند و زحمات بسیاری متحمل شدند تا این کتاب را برای احبا تهیه فرمودند .

هیکل مبارك بدون اغراق روزی ۱٦ ساعت کار میکردند یکی دیگر از مشاغل مبارك جواب عرایض احباء بود بعضی ازنفوس ساده دل اغلب عرایض شامل مطالب غیرمهم ولی مفصل که بعضی از آنها به ۱٥ صفحه میرسید عرض مینمودند هیکل مبارك تمام نامه را میخواندند و سعی میکردند

نکته ای نخوانده نماند و بعد دستورجواب بمنشی مرقوم میفرمودند و پس ازاینکه منشی جواب را تهیه مینمود مجددا ملاحظه میفرمودند و دقت میکردند که نکته ای بلا جواب نمانده و جوابها مطابق دستور هیکل مبارك نوشته شده باشد و حتی در باره عنوان وآدرس پشت پاکت هم دقت میفرمودند که صحیح باشد من ازاحبا رجا دارم اینها را قصه تلقی نکنند بلکه سر مشق خود قرار دهند بطوریکه احباء میدانند قبوض حقوق الله را تا قبل ازجنگ دوم جهانی خود هیکل مبارك امضاء میفرمودند در یکروز دو هزار امضاء ذیل قبوض کرده بودند بسیار خسته میشدند ولی نمیخواستند احبای الهی را که فقط بزیارت امضای مبارك دلخوش بودند از این سرور محروم سازند ـ بسیاری ازاحبای غرب هستند که چهل تا شصت توقیع بخط و امضای مبارك دارند شدت کاربحدی بود که عضلات گردن وپشت مبارك منقبض میشد و اغلب از شدت درد و ناراحتی آن در زحمت بودند بعد از صعود حضرت عبدالبهاء مابهائی کلیمی بهائی زردشتی ـ بهائی مسلمان و بهائی مسیحی داشتیم ولی حضرت ولی امرالله ریشه ای که احباء در ادیان گذشته داشتند قطع فرمودند و همه را بهائی کردند ـ چند امر مهم در دوره ولایت انجام شدکه باید ذکر شود یکی تاسیس نظم جهان آرای الهی و تاسیس محافل و تاسیسات امری ـ دوم انتخاب شورای بین المللی بهائی ـ سوم موضوعی است که گاهی احباء از آن مطلع میشدند و آن عبارت از تصفیه امر الهی ازشرورناقضین بود ـ تصور میکنم امری که باعث سرور و حبور مظاهرمقدسه الهیه است پیروی مومنین از تعالیم الهی و پیشرفت امرالله است و چیزیکه این وجودات مقدسه را رنج میدهد بیوفائی و نقض عهد و میثاق الهی است ـ برای هیکل اطهرهم وقتی خبر بیوفائی میرسید هیکل مبارك مدتها رنج میبردند تحمل میکردند آنچه درباره خودشان بود گذشت می فرمودند ولی وقتی پای مصالح امر درمیان بود و ضرش با مر میرسید ناچار طرد میفرمودند پدر در ایام حیات خویش محبتی پدرانه نسبت باولاد خود ابراز مینماید ولی بعد ازفوت او وقتی زمام امور بدست پسر ارشد میافتد برای برقراری نظم ناچار است اندکی از رافت ومحبت پدرانه بکاهد

در ضمن اینکه هیکل مبارك دستور تشکیل محافل جدید و مراکز جدید و تقویت آنها رامیدادند و نقشه های تبلیغی برای مجهودات احباطرح میفرمودند و بهمه امور امری رسیدگی میفرمودند در عین حال باید غرق دریای احزان بسرای اعمال ناقضین باشند ـ البته پس ازصعود حضرت عبدالبهاء هیکل مبارك جوانی بیش نبودند و اعداء فکر میکردند میتوانند از عهده یك جوان بخوبی بر آیند کما اینکه فائق ارمنی ازهمر در همان بدایت امرقیام بمخالفت نمود ومتوسل به دسیسه و نیرنگ شدبعد آواره درایران اهل بیت مبارك در ارض اقدس و احمد سهراب در امریکا و امثالهم ولی هیکل مبارك نهایت سعی را فرمودند تا اغنام الهی راازاین گرگان نجات دادند و مثل شیر ژیان احباء وامرالله را محافظه فرمودند البته برای شخص خود شان گران تمام شد.

چند پشه لازم است تاانسان رابمرض مالاریا یا تب زرد مبتلا سازد یك قطره مرکب یا جوهر لیوان آب صافی را آلوده و مکدر می سازد ـ اما درباره پشیمانی اهل نقض کرارا میفرمودند اگر کوچکترین آثار ندامت و پشیمانی واقعی واو یك در هزار از آنها استنباط میفرمودند آنها رامورد عفو وبخشش

قرار میدادند .

هیکل مبارک خیلی صریح وباشهامت بودند وقتی هیکل مبارک در ارض اقدس تشریف نداشتند پدرم از طرف هیکل مبارک مامور رسیدگی ببعضی امور بود شخصی که هنوز طرد اداری نشده بود ولی هیکل مبارک از او راضی نبودند مبلغ ٤٠٠٠ لیره تقدیم کرد و پدرم آنرا گرفت و بحساب هیکل مبارک در بانک گذارد و پس از مراجعت هیکل مبارک رابرت آنرا عرض کرد فرمودند فورا آنرا مسترد دارید زیرا من از او راضی نیستم و تبرع اورا هم قبول نمی کنم آیا اگر پول او را بگیریم ازا و راضی خواهم شد؟ هیکل مبارک معمولا با خبرنگاران مواجه نمیشدند یکی ازخبرنگاران مهم امریکائی بوسیله من اجازه ملاقات ومصاحبه خواست ــ هیکل مبارک فرمودند مگر ندیدی که فلان خبرنگار اسرائیلی کلیمی را نپذیرفتم (البته او مخبر جریده کوچکی بود) چطور میتوانم اورا بپذیرم ــ نمونه دیگر از سجایای مبارک این بود که در اسپانیا احباء مجبور بودند در مراجع رسمی وکلیسیا عقد ازدواج نمایند و برای این امر از هیکل مبارک کسب اجازه نمودند و هیکل مبارک اجازه این کار رانفرمودند ــ من بحضور مبارک عرض کردم این برای احباء امتحان بزرگی است و ممکن است منحرف بشوند فرمودند من نمیتوانم اصول امر را فدای مصالح افراد کنم ولو همه آنهابلکه همه احباء اروپا از امر خارج شوند بعد ذکر احبای ایران وتضیقات وارده بر آنهاو استقامتشان را فرمودند .

یك نمونه دیگر از شهامت مبارک رابیان میکنم ــ وقتی شهرداری حیفاتصمیم گرفتندکه اسم خیابانیکه از بیت مبارک میگذشت خیابان بهاء بگذارند هیکل مبارک فرمودند اگر تافردا این پلاك را بر ندارند من بدست خود آنرا بر خواهم داشت و خوردخواهم کرد و لو بخاطر این کار زحمتی فراهم شود اهمیتی ندارد و فورا کسی را فرستادند و دستور دادند آنرا بر دارند . دیگر ازصفات بارزه هیکل مبارک وفاداری و ثبات عقیده بود آنهائیرا که دوست میداشتند از روی نهایت صمیمیت دوست داشتند البته نفوسیکه بعللی مورد بی علاقه گی هیکل مبارک واقع میشدند دیگر مورد لطف و مرحمتشان نبودند ــ وقتی خبر صعود دکتر ضیاء بغدادی بسمع مبارک رسید (در آنموقع تقریبا یکماه از اقتران مبارک میگذشت) هیکل مبارک مدت یکساعت از استماع این خبر میگریستند البته هیکل مبارک احساساتی نبودند و هرگز تحت تاثیر تاریات دیگران قرار نمیگرفتند مسائل را مورد مطالعه قرار میدادند و آنچه موافق مصالح امریه بود انجام میدادند من در حیفا مشکلاتی داشتم اغلب احبای محل وقتی دستورا مبارک را عمل نمیکردند ازمن میخواستند که در حضور مبارک وساطت کنم من بآنها میگفتم اگر والدین من مرتکب خطائی شوند و من گلوی خود را ببرم که اغماض بفرمایند بهیچوجه قبول نمیفرمایند وبنا براین حضور مبارک عرض نمی کردم .

رفتار هیکل مبارک درنهایت حلاوت و متانت بود در نفس خود رنج میبردند و کمتر ظاهر میفرمودند احباء نمیدانند که طرد افراد متضمن چندین سال سابقه وزمینه قبلی بود هیکل مبارک آنچه مربوط بخودشان بود تحمل میفرمودند اغماض میکردند ستر مینمودند ولی وقتی ضر اعمال نفوس بامر میرسید آنوقت اقدام بطرد مینمودند و همچنین نمیدانند که در موقع مخابره تلگرافات منتسبین طرد چقدر رنج میبردند وناراحت بودند هیکل مبارک از دو چیز خیلی رنج میبردند یکی از رفتار ناقضین و بیوفائی آنان و دیگری از تضییقاتی که درهر نقطه بر احباء وارد میشد وقتی چنین اخبار ــ

حزن انگیزی بساحت اقدس میرسید هیکل مبارک از فرط تاثر مریض و بستری میشدند لحاف را بخود می پیچیدند ودر بستر میافتادند ۲۴ ساعت و گاهی ۴۸ ساعت غذا میل نمیفرمودند و بسا اوقات در همین یکی دو روز دوسه کیلو از وزن هیکل مبارک کاسته میشد وقتی این احزان و آلام هیکل مبارک را درنظرآوریم می فهمیم که چطور قلب مبارک یکمرتبه ازکارافتاد .

(در این موقع حضرت امة البهاء احساس فرمودندکه احباء بینهایت متاثر و متالم شده اند اشك از دیدگان جاری وآه از نهاد همه بر میخواست لهذا چون همواره سعی داشتند با رفتار وبیانات خوداز احزان احباء بکاهند با محبت مخصوص موضوع را عوض فرمودند) یکی دیگر از صفات ممتازه هیکل اطهر مزاحهای بموقع و جانفزای هیکل مبارك بودکه حضار را متبسم و مسرور میفرمودند .

سه خصوصیت دیگر اخلاقی هم هیکل مبارك داشتند که باید قبلا از این صفات هیکل مبارك مطلع شویم تا بهتر بتوانیم در باره اهدا باقی مانده نقشه بحث کنیم و آنها را اجراء نمائیم یکی جرات و جسارت هیکل مبارك دوم قوه ابتکار و سوم صرفه جوئی هیکل مبارك وقتی مواجه با مشکلات میشدند هر گز شانه از زیر کار خالی نمیکردند بلکه با آنها مقابله مینمودند و در مقابل آنها ایستادگی میکردندو بالاخره از روی آنها پرواز مینمودند هیکل مبارك در کلیه امور ابتکار شخصی داشتندو مبادرت بکار هائی میکردندکه نه درعمرشان کرده یا دیده بودند نه شنیده بودند مثلا درختی را در زمینی مینشاندندکه فقط شصت سانتیمتر خاك داشت و یا در سقف آب آنبار درخت میکاشتند دیگران میگفتند این درخت خشك میشود ولی هیکل مبارك گوش بنظریات دیگران نمیدادند و ابتکار ونبوغ خود رابکار میبردند . شما احبای عزیز افریقا اقدامات خود را برای بنای یك مشرق الاذکار و یك موقوفه امری آینده نموده اید از همین کنفرانس الهام بگیرید و برای اینکه در امور آینده خود موفقیت بیشتری داشته باشید تاسی به هیکل مبارك کنید جسارت و جسارت داشته باشید ابتکار بخرج دهید تا موفق شوید هیکل مبارك کلیه مشروعات امری را درتمام دنیا و ارض اقدس با نازلترین قیمت و با نهایت صرفه جوئی انجام میدادند الان وقت کافی برای تشریح جزئیات ندارم ولی همینقدر میگویم که درجمیع امور در ساختمان مقام اعلی دارالآثار تهیه گلدانها و تزئینات و تنظیم باغچه ها وغیره نهایت صرفه جوئی را میکردند و دیناری را بی خود خرج نمیکردند هر اقدامی هرقدر مهم بوداگر مخارج آن به نظر مبارك فوق العاده و بیشتراز حد تصور بود از آن صرفنظر میفرمودند و قیمت گران نمیپرداختند وقتی در اواخر ایام حیات پدرم چون پیر و ناتوان شده بودمن حسب الامر مبارك برای نظارت در ساختمان مقام اعلی با او همکاری میکردم برای قسمتی از ساختمان مقام اعلی ۱۳ هزاریوند میخواستند ولی چون بعرض هیکل مبارك رسید فرمودند زیاد است هفت هزار کافی است و چون هیکل مبارك فرموده بودند ما با اطمینان هر چه تمامتر وارد مذاکره شدیم و موفق شدیم این قبیل امور نه یکمرتبه و نه دو مرتبه بلکه برای هزار مرتبه از طرف هیکل مبارك تکرار میشد و اگر این صرفه جوئی ها نبود باتمام مشروعات مهمه ارض اقدس چطور موفق میشدند مبالغی هم صرفه جوئی کنند وسایر مشروعات دنیا کمك نمایند احبای عزیز هم باید به هیکل مبارك تاسی نمایند ونهایت صرفه جوئی را در مخارجشان مرعی دارند جامعه امر

در آتیه ممکن است خیلی بزرگ و وسیع وغنی باشد ولی آنچه امروز لازم است نهایت فداکاری است همانطور که هیکل مبارک درمدت ۳۶ سال ولایت فداکاری وصرفه جوئی نمودند احبا نیز باید همانگونه رفتار نمایند .

فداکاری وجانبازی هیکل مبارک عجیب و باور نکردنی است همه چیز خود حتی صحت خود را فدای امرکردند . مسرتی برای خود جز پیشرفت امر نداشتند هیکل مبارک درانجام کلیه امور امری عجله وسرعت عجیبی داشتند آنهائی که از نزدیک هیکل مبارک را میشناختند می دیدند که تاچه اندازه درانجام امور عجله داشتند که کارهارا قبل ازاینکه این رزیه کبری حادث شود باتمام رسانند ــ چون خسته هستم و صورتی که تهیه کرده ام نمیدانم که درست است یانه میخواهم وضعیت امر را درزمان حضرت عبدالبهاء با آنچه درزمان هیکل مبارک موفقیت حاصل شده مقایسه کنم

درزمان حضرت عبدالبهاء		در زمان حضرت ولی امرالله	تفاوت
ممالکی که درظل امربودند	۳۵	۲۵٤	۲۱۹
جزائری " "	۵	۱۰۰	۹۵
ترجمه آثاربالسنه مختلفه	۱٤	۲۳۷	۲۲۳
محافل روحانیه	۲۰۰	متجاوز از ۱۰۰۰	۸۰۰
مراکز امری	۵۰۰	٤۵۰۰	٤۰۰۰

که ۲۰۰۰ آن ازسال ۱۹۵۳ باینطرف تاسیس شده است بعد ازصعود حضرت عبدالبهاء(۲) دو محفل مرکزی در دنیا داشتیم که فقطاسما محفل بود ولی بطور ناقص یکی درایران ویکی در امریکا و آنچه درامریکا بود اجتماع معبد نامیده میشدنه محفل حالا ۲٦ محفل ملی قوی که اعمده بیت العدل اعظمند دردنیای بهائی داریم هیکل مبارک در دوسال قبل بزائرین فرمود (درابتدای پیام منیع مبارک آپریل ۱۹۵۷ نیز تشریح فرمودند) که ما دونوع نقشه داریم یکی نقشه الهی است که عبارت از امور کلیه وظهور حوادث عمومیه انقلابات عالم وتغییرات کلی در توازن عالم انسانی واین نقشه کلی الهی بطور مرموز و عجیبی پیش می رود و ما از آن بی اطلاعیم و حقایق آنرا نمیدانیم و یك نقشه دیگر بغیر از این نقشه کلی و مرموز الهی هست که ما آنرا طرح می کنیم مثل نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء و ــ نقشه هفت ساله و ده ساله که احباء اجرا می کنند و فرمودندکی چه میداند چه بساکه نقشه الهی با نقشه ما تلاقی کند و درآن دخالت نماید با شنیدن این بیان مبارک من تصور می نمودم که نظر هیکل مبارک متوجه جنگ سوم جهانی است ولی هرگز تصور نمیکردم منظور مبارک این باشد که کسیکه بانی و و پشتیبان نقشه دهساله بودصدمه ای بر وجود مبارکش وارد آید هیکل مبارک تمام حیات خود را فدای امر مبارک نمودند و بمقام شهادت بلکه مافوق آن رسیدند اینقدر زحمت کشیدند و چون شمع سوختند تا بنتتا صعود فرمودند خداوند روح ایشان را بجوار رحمت خویش منواند زیرا وظایف خود راتماما انجام داده بودندصحت هیکل مبارک درامسال بسیار بهتر از سالهای قبل بودو اطباء اظهارنمودند که هیکل مبارک هیچوقت چنین صحتی نداشتند و هیچکس نمیتوانست فکرکند که باچنین صحتی صعود

(بقیه درصفحه ۲۳۳)

شرح صعود حضرت ولی امرالله ارواحنا لمظلومیته الفداء

بقلم حضرت امة البهاء ایادی ممتاز امرالله

با شرکت ایادی امرالله میسرجان فرآبی

عموم کسانیکه افتخار شناسائی حضرت ولی امرالله شوقی افندی رااز اوان طفولیت تا هنگام صعود مبارك داشتند بیادی آورند که آن وجود مبارك مظهرروح حیات بودند و چنان مینمود که از هیکل اطهرش قوه محرکه فائضه ای بمثابه مغناطیس ساطع ولامع است وجود مبارك دائما مشغول کار وهمواره درطریق وصول به مقصدو هدفی که نصب العین خود قرار داده بودند بی آرام وبی قراربودند . درجمیع شئون فطرتا جدی وپرشور بودند.قدرت بینظیر ومثیل حضرتشان درتمرکز قواء عشق وعلاقه شدید نسبت به حضرت عبدالبهاء واشتعال والتهاب در اجرای وظایفی که بعنوان ولی امرمنصوص آئین

حضرت بهاء الله برعهده داشتند کل مظاهر صفات و خصائل ممتاز آن وجود عزیز و خارق العاده ای بود که خداوند مقدر فرموده بود موسسات اداری شریعتش را در سراسر عالم در نهایت اتقان تاسیس نماید و اولین رایات نصرتش را در اقطار عالم برافرازد اینکه مشاهد میشود امرالهی امروز باین موقعیت و مقام رسیده نتیجه جانفشانی و زحمات و مشقات مستمر بیدریغ و حقیقتا دلیرانه حضرت ولی امرالله است و اینکه قلب مبارکشان در سن شصت و یکسالگی بیخبر از کار ایستاده نه چندان در اثر کار و زحمت مداوم و بلا انقطاع بلکه بیشتر بعلت غموم و مصائبی بود که بکمال سکون و سکوت از دست محرکین نفاق و شقاق و ناقضین عهد و میثاق اعم از قدیم و جدید تحمل میفرمودند زائرین اولیه پس از صعود مبارک حضرت عبدالبها در ارض اقدس بخاطر دارند در موقعیکه برای تودیع بکنار بستر مبارک حضرت شوقی افندی احضار شده بودند چهره مبارک پر از اندوه و حسرت و دیدگان مبارک فرورفته و بیفروغ بود و میفرمودند این ثقل عظیم است تاب تحمل آنرا ندارم و باید بروم در نتیجه ارض اقدس را ترک فرمودند و پس از غلبه بر آلام و تاثرات درونی مراجعت نمودند و سکان سفینة الله را بدست گرفته متجاوز از ثلث قرن در مقابل هرگونه طوفان حوادث و موانع و مشکلات آنرا هدایت فرمودند ولکن قلب شجاع و بدن نحیف مبارک همواره در معرض صدمات و لطماتی بود که اثرات خود را باقی گذارده و بالاخره هم کار خود را کرد .

یاران الهی بخوبی از موفقیتهای ولی امر محبوب خود اطلاع دارند آنچه را که بدرستی نمیدانند اینست که تحقق اینهمه فتوحات بر اثر انجام امور متعدد و متنوعی بود که آن وجود مبارک طی سنین متمادی فرداً واحداً بدان مبادرت میفرمودند و فی الحقیقه مباشرت هیکل مبارک بنفسه بهریک از امور موجب آن میشد که مبالغ خطیری بنفع امرالله صرفه جوئی شود و با آن صرفه جوئی بکارهای جاری ادامه داده و مشروع جدیدی را آغاز فرمایند با اختیاری که در اخذ تصمیم منحصراً بآن حضرت تفویض شده بود در مدت سی و شش سال وجوه متعلق بامر الهی را در مرکز جهانی آن حفظ فرمودند بطوریکه قبلا هیچ خرج و صرف و حسابی پرداخت نمیشد مگر اینکه بنظر آن حضرت رسیده باشد . از ابتدای دوره ولایت مالقه الهیه تا سال ۱۹۴۰ شخصا با مهندسین و معماران و وکلای دعاوی که بر حسب دستور مبارک عمل میکردند و همچنین با مقامات عالیه دولتی ملاقات و مذاکره نموده در کار آنها نظارت میفرمودند و مصارف را با نبوغ و بصیرتی که حقیقتا خداداده بود تقلیل میدادند هیکل مبارک بنفسه محل هریله و ارتفاع هر دیوار و فاصله میان درختان و اندازه هر باغچه و حتی رنگ گلها را تعیین میفرمودند همان حضرت شوقی افندی بود که علاوه بر مقام جلیل ریاست روحانی بطوریکه در توقیعات مبارکه و کتب مدونه و بیانات مبارکشان بزائرین ظاهر و مشهود است منابع مالی آئین الهی را چنان حفظ و حراست میفرمودند که در زمان حیات مبارک مشرق الاذکار امریکا و مقام مقدس رب اعلی در جبل کرمل و ساختمان دارالاثار بین المللی اختتام یافته و همچنین موقوفات وسیعه ای در حیفا و عکا بتملک امر درآمد و هم آنحضرت بودند که نقشه ها و مقدمات مشرق الاذکارهائی را که اکنون ساخته میشود فراهم فرمودند و در این پنجسال اخیر خرید اراضی مشرق الاذکارها و حظیره القدس ها و موقوفات ملی و بسیاری امور دیگر بدستور آنحضرت انجام گرفت و همه این موفقیتها بر اثر مراقبت و درایت

آن وجود مبارک بود . با پیشرفت وتوسعه امرالله و گذشت زمان رفته احبای لایق و فعالی که در ارض اقدس و خارج آن بخدمت حضرت ولی امرالله مشغول بودند بیش ازپیش ناصر و معین آنحضرت گشتند معذلک وجود مبارک از نظارت شخصی برمصارف واخذ تصمیم در آنچه که بصرفه و صلاح اماکن مقدسه بهائی درمرکز جهانی آن بود هرگز فروگذار نمیفرمودند ملاقاتها ومذاکرات با اشخاص محلی رابدیگران واگذار نمیفرمودند ولکن اداره امور وسفارش اشیاء و لوازمی که برای حدائق و اماکن مقدسه مورد احتیاج بود وهمچنین طراحی و تهیه نقشه های مربوط باتساع آنها منحصرا بدست مبارک انجام میشد ودر جمیع این مراتب همان صرفه جوئی وابتکارونبوغ معمول و مجری میگردید که ازشئون ومختصات مبارک در سبیل پیشبرد حضرت امرالله بود

امر مبارکی که ازطرف حضرت ولی الوری در الواح وصایا بآنحضرت سپرده شده بود .

در بیست (۲۰) اکتبر ۱۹۵۷ حضرت ولی محبوب امرالله باتفاق روحیه خانم وارد لندن گردیدند تا لوازم ووسائلی راکه برای قسمت داخلی ساختمان محفظه آثار بین المللی وحدائق مشرف بآن لازم بود سفارش فرمایند لندن راهیکل مبارک باین لحاظ انتخاب فرمودند که مرکز بین المللی است ومصنوعات هرکشوری را درآن جا شاید بتوان بقیمتی ارزانتر ازهرشهر دیگر دنیا تهیه نمود . نظر مبارک این بود که چند روزی در لندن اقامت فرموده بعد بحیفا حرکت فرمایند وهمانطورکه عادت وروش همیشگی مبارک بود درخارج از حیفا با هیچ فرد بهائی تماس وارتباطی نداشتند روحیه خانم بنامه های مبارک رسیدگی فرموده دستورا مبارکه راطبق معمول انجام میدادند .

بعد ازظهر روز یکشنبه ۲۷ اکتبر حضرت شوقی ربانی به روحیه خانم فرمودند که بندهای انگشتان مبارک متالم است روحیه خانم سئوال نمود آیا هیکل مبارک درد دیگری هم احساس میفرمایند فرمودند خیر فقط انگشتها درد می کند و منقبض شده است وبعد اضافه فرمودند ((من خیلی خسته ام خیلی خسته ام)) از هیکل اطهر استدعا شد که استراحت بفرمایند واگر میل ندارند برختخواب تشریف ببرند اقلا آرام و راحت باشند چه که احتمال میرفت که بکسالت آنفلوآنزاکه دراروپا وفی الواقع همه دنیا درحال شیوع بود مبتلا گردند (خود روحیه خانم ازعصر آنشب "پنجشنبه" دراثرعارضه تب بستری شده بودند) .

آنشب هیکل مبارک تب داشتند و روز بعد تب به ۳۹ درجه رسید . روحیه خانم موفق به یافتن طبیب حاذقی گردیدند که جانشین طبیب معروف و متقاعد مقیم هارلی استریت بود . باین دکتر مراجعه شد وفورا برای حضرت ولی محبوب نسخه دوائی داد وسرشب هم که از کارمریضخانه فارغ شده بود بعیادت هیکل مبارک آمد و هیکل اطهر راازلحاظ قلب و سینه و حرارت بدن و نبض وغیره بدقت معاینه نمود واظهارداشت که هم حضرت ولی امرالله وهم روحیه خانم مبتلا بآنفلوآنزای آسیائی شده اند ولی کسالت حضرت ولی محبوب امرالله شدیدتراست فشاردائم کارو احزان و متاعبی که بر آنحضرت وارد میآمد موجب عارضه فشارخون زیادی شده بودکه سالهابآن مبتلا بودند و این کیفیت راگاهی ازاوقات — شخصا برای اعضای هیئت بین المللی بهائی حکایت میفرمودند ولی هیکل مبارک مزاجا چنان قوی وسالم بودند چنان قوه تحمل ونشاط عظیم ازوجود مبارک ظاهرمیشد که باشکال ممکن

بود آنحضرت رابمواظبت از وجود مبارك وادار ـ نمود با اینوصف در ده سال اخیرتحت نظریه طبیب حاذق قرار داشتند که لااقل درهرسال دوبار آنحضرت رامعاینه میکرد وقبول فرموده بودند بعضی معالجات مخصوص راکه برای صحت عمومی هیکل اطهرنافع و جهت تخفیف فشارخون مفید بود بکاربندند .

طبیب اغلب سفارش میکرد پس ازمراجعت بحیفا ازکار زیاد خودداری فرموده بیشتربمراقبت صحت وجود مبارك واستراحت پردازند ولی دکتر از جریان زندگانی حضرت ولی امرالله در ـ حیفا ونوع وظایف ومسئولیتهائی که برعهده داشتند بی اطلاع بود ونمیدانست که مثلاً برای اتمام ـ کارهای جاری آنحضرت مجبور بود نروزانه بین سه تاهشت ساعت نامه هاوراپرتهاو جراید وامثال آنرا ملاحظه فرمایند و باوجود این ازصبح زود بیدار ودائما مشغول کار بودند بیشتربعد ازظهرهابایستی قریب چهارساعت وقت مبارك راباآنچه درقوه و قدرت داشتند صرف ملاقات زائرین شرقی وغربی نمایند وهمچنین طبیب نمیدانستکه آنحضرت گاه درهواهای مختلف مدت چند ساعت سرپا ایستاده برای پیشرفت کارهائیکه درفوق جبل کرمل ویا بهرنحو طرح فرموده بودند نظارت فرمایند و دستورات صادرنمایند وهرگاه براثربیش آمدی حزن شدید بوجود مبارك دست میداد قادربتناول غذانبود ودرفاصله چند روز مقدارنسبتا زیادی از وزن هیکل مبارك کم میشد .

قریب شش هفته قبل ازصعود حضرت ولی امرالله ازطرف دکترمخصوص مورد معاینه واقع گردیده و معلوم شدکه وجود مبارك درکمال صحت و فشارخون هم نسبت بچند سال اخیرکمتر است . در لندن نیز طبیبی که ازهیکل مبارك مواظبت میکرد پس ازامتحان فشارخون مبارك آنرا رضایت بخش دانسته تشخیص دادکه فشارخون زیاد نیست درطی هفته ایکه حضرت ولی امرالله کسالت داشتند والبته چند مرتبه دیگر درهفته های قبل ازآن هیکل مبارك ازعدم اشتها شکایت فرموده ومیفرمودند ((نمیدانم چه شده که هیچ اشتهاندارم اگربیست وچهارساعت هم غذانخورم بازبهیچوجه اشتهاندارم اکنون چند هفته است که اینطور است این همان چیزی است که برای حضرت بهاء الله پس ازصعود نوابه خانم پیش آمدکه اشتهای مبارك راازدست دادند))

روز سه شنبه حال روحیه خانم بهاوری خوب شد که دکتراجازه داد برای امرمهمی بخارج بروند وچون متعاقب آنفلوآنزا ایشان بذات الریه مبتلا شده بودند دکتر پس ازآنکه ازعیادت حضرت ولی امراللفارغ شد بپرسش حال روحیه خانم پرداخت باور دقیق روحیه خانم از نظر دکتر نسبت بوضع مزاجی حضرت شوقی افندی مستحضر گردیدند . همان روز پست سنگین رسید و چون هنوز عارضه تب هیکل مبارك زیاد بود روحیه خانم موفق شد وجود مبارك راازملاحظه عرائض مانع شود ولی صبح روز بعد هیکل مبارك مرسولات پستی راطلبیده اصرار فرمودندکه شخصاحسب المعمول آنهارا ملاحظه فرمایند دراین هفته آخرحیات مبارك تلگرافهای زیادی رسیده واز طرف ولی محبوب امرالله جواب صادرشد چنانکه درانواخرهفته بروحیه خانم فرمودند ((آیا متوجه بودیدکه این هفته راتمام ما کارکردیم ؟))

هیکل مبارك میل داشتندکه زودتر لندن را ترك گفته طبق نقشه اولیه بحیفامراجعت فرمایند ولکن دکترجدا مانع شده صریحا عرض کرد اگرمیل دارند دکتردیگر رااحضارفرمایند ولی مادام که معالجه بعهده اوست رضایت به

عزیمت هیکل مبارک نمیدهد مگراینکه یکهفته از قطع تب مبارک بگذرد وحضرت ولی امرالله نیز قبول فرمودند .

دکتر نسبت بحضرت ولی امرالله توجه و دقت زیادمرعی میداشت هر روز که بعیادت مبارک میآمد برخلاف بعضی از اطباء هیچعجله و شتاب بخرج نمیداد بلکه نزدحضرت شوقی افندی مینشست وهیکل مبارک راکاملا معاینه میکرد و معمولا نیم ساعتی میماند و یکشب هم مدت یکساعت باوبود مبارک بصحبت پرداخت.

هر وقت که میآمد میدید که حضرت شوقی افندی در رختخواب نشسته اند در حالیکه اوراق زیادی در اطراف وکیف دستی مبارک دربهلوی وجود مبارک قرار دارد ومشغول مطالعه هستند .یکشب هم بدون خصوصی از روحیه خانم سئوال نمود که کار هیکل مبارک چیست روحیه خانم جواب دادند که هیکل اطهر رئیس دینی هستند که مسئولیتشان بسیار شدید است . معلوم بود که دکتروجود مبارک رادوست میدارد ویس از سه چهار روز بعیات وجود مبارک آمده بود وقتی از اطاق خارج میشد بروحیه خانم اظهار داشت ((امشب تبسم میفرمودند)) آن تبسم زیبادر اونیز اثر کرده بود . در آن روز جمعه دکتر بحضرت ولی امرالله عرض کرده بود برای آنکه در وضع خود تغییری دهند وقوای از دست رفته رابازیابند میتوانند ازبستر برخاسته در صندلی راحت جلوس فرمایند اماحضرت شوقی افندی قبول نفرموده همانطور نشسته دررختخواب کار میکردند و گاه بگاه استراحت میکردند معذلك حضرت ولی امرالله درتمام دوران کسالت برای شستشو وبرداشتن اوراق از روی میز و امور دیگرهمواره ازرختخواب برمیخاستند .

هیچگاه نشدکه کسالت مبارک طوری شدید باشدکه نتوانند ازبسترخارج شوند حتی ایامی که تب شدید بود .

صبح شنبه حضرت ولی محبوب از روحیه خانم خواستند میزبزرگی در اطاقشان گذاشته شود باوریکه بتوان نقشه دنیاراکه همیشه مطالعه میفرمودند بسر روی آن گسترد زیراهیکل مبارک یکی ازآن نقشه های زیبائی راکه معمولا طرح میفرمودند تهیه کرده بودند که پیشرفت امرالله روی آن نمایان بود و آنرامرحله وسطی نقشه دهساله مهاجرت نامیدند وعبارت دیگرمعرف ترقیات حاصله وفتوحات مکسبه در مدت پنجسال بود .قبلا مقدارزیادی روی آن نقشه عمل فرموده بودند و از عجایب تصادفات اینکه اولین دفعه وآخرین دفعه که روی این نقشه کار میکردند درواقع کسالت مبارک بود وشاهد صادق بیناینکه قوای مبارک در راه انشاء واجرای نقشه دهساله جهاد جهانی نثار میگردید حضرت ولی امرالله قریب دو ماه پیش ازصعود گرفتارسرماخوردگی شده و در شب اول تب عارض شد ولی بعد تب قطع گردید و قراربود در بستر مانده واستراحت فرمایند آنروز بود که برای اولین دفعه مدت دهساعت روی این نقشه کارکردند وبعد درروز شنبه دوم نوامبر بود که برای آخرین بارباآن پرداختند. بروحیه خانم فرمودند میل دارند بکمك ایشان ارقام رامورد دقت قرار دهند وفرمودند که با اضافه کردن بعضی تفصیلات دیگر وحصول اطمینان ازاینکه آنچه مرقوم گردیده بافهرست های مختلفه مطابقت داردکار نقشه مذکور تمام است . روحیه خانم درصدد انصراف خاطر مبارک برآمده استدعا کردند از مبادرت بکار خود داری فرمایند واظهار داشتند همینکه در فاصله چند روز بنیه هیکل مبارک تقویت یابد ممکن است مجددا بتکمیل آن اقدام فرمایند ولی فرمودند ((خیرمن بایدآنرا تمام کنم زیرافکرمرا ناراحت کرده و جزمقابله چیزدیگری باقی

نمانده است . یکی دو اسم دیگرهم با پست امروز رسیده که باید بآن اضافه شود و آنراتمام کرد))

کمی بعد از ظهر قریب سه ساعت بغروب میز ایستاده مشغول کاربودند . میز مستور ازانواع مدادوجزوات واوراقی بودکه فهرست السنه وقبایل و اقالیم ومشارق الاذکار ومحافل تقدس وامور خاتمه یافته وکارهای درجریان وهمچنین مقدار زیادی ازاطلاعات و مدارك دیگررا متضمن بود که حضرت ولی امرالله تنظیم فرموده بودند . یکمرتبه ضمن اینکه روحیه خانم بکمك حضرت ولی امرالله مشغول مقابله وجمع بندی فهرستها و احصائیه بودند این جمله راکه یکروز در ظرف یکسال اخیرفرموده بودند تکرار فرمودند (اینکار مراازبین میبرد چگونه ممکن است بآن ادامه دهم بایدآنرا رهاکنم خیلی زیاداست ببینید عدد نقاطی که باید ثبت نمایم چقدرزیاد است و چقدر باید دراین امردقیق باشم) .

آنروز حضرت ولی محبوب پس ازفراغت ازکار نقشه خسته بنظر میرسیدند لهذا برختخواب بر گشته در آنجا بقرائت راپرتهای متعددی که رسیده بود ادامه دادند درموقع نهاربیك لقمه قناعت فرمودند و هنگام شب بکلی ازتناول غذا امتناع نمودند درآنشب طرز صحبت مبارك حاکی از افسردگی زیاد بود برای مشاغل زمستانی مبارك درحیفانقشه های عدیده طرح فرموده وبکرات این طرحها رابا روحیه خانم در میان گذاشته بودند و بعضی امور ی راکه در جبل کرمل درتسمت بالای حدائق دارالآثار باید صورت گیرد برای روحیه خانم شرح میدادند از جمله اینکه چگونه دارالآثار بین المللی رادرنظر داشتند باانانیه که سفارش فرموده بودند تزئین نمایند ودیگراینکه پس ازورود بحیفا اولین اقدامی که خواهندفرمود عزیمت به بهجی ودستور انهدام عماراتی خواهد بودکه سنوات متمادیه مسکن ناقضین میثاق حضرت بهاء الله یعنی همان ناقضینی که مورث آنهمه آلام و احزان حضرت عبدالبهاء شدند ونیز در باره اینکه سنگ وتراب خرابه های این خانه ها را بچه مصرف خواهند رسانید صحبت فرمودند و نظریه مبارك رابرای اتساع حدائق بهجی بیان فرمودند اگر چه طی شهور اخیره مکرر هیکل مبارك درباره اجرای این نقشه هابا نشاط کامل بیاناتی فرموده بودند ولی درآن شب بروحیه خانم فرمودند ((کیست که بتواند مراجعت کرده همه اینکارهارا انجام دهد برای من دیگر قوه باقی نمانده من مانند نی شکسته ای هستم ودیگرکاری ازمن ساخته نیست و بنیه ای ازبرای مزیدی نمانده که بتوانم ادامه دهم وقتی مراجعت کنیم کیست که دیگر بالای جبل کرمل برود و نقشه هارا اجراکند وساعت ها سرپا ایستاده نظارت نماید منکه دیگرازعهده بر نمیآیم تخریب آن عمارات بهجی راشروع نخواهم نمود همانطوربماندتا ببینم حال من چه میشود و همچنین تزئین داخل دارالآثار در این زمستان اقدام نخواهم نمود یکسال دیگرهم بماند تاتمام اشیاء و لوازم فراهم شود فقط بملاقات زائرین اکتفاکرده در حجره خویش خواهم ماند واستراحت خواهم کرد و ببعضی کارهای ضروری خواهم پرداخت حتی تلگرافها راهم برای تهیه سواد از جیبی نخواهم گرفته و تمام قبوض رابرخلاف معمول سنوات متوالیه دیگر نگاه نخواهم داشت جیبی همانطورکه این اموررا درتابستان انجام داده در زمستان هم ادامه خواهد داد من خیلی خسته هستم))

هیکل مبارك بسیاربسیارغمگین وافسرده بودند و مدت مدیدی ازاین قبیل بیانات میفرمودند هر چند این اولین دفعه نبودکه روحیه خانم باین لحن بیانات مبارك رامیشنیدند ولی اینبار چنان باحرارت وتاثیر وشدت بتفصیل بیان فرمودندکه نظیرآنراقبلا استماع نفرموده بودند

بقیه از صفحه ۲۵۵

شـــــرح صعـــود
مبـــارک

بطوریکه کاملا خاطر روحیه خانم پریشان ومضطرب و مشوش گردیـــــد .

شب هنگام همینکه دکتر آمد از وضع مزاجـــی حضرت ولی امرالله اظهار رضایت کرد و گفت صبح سه شنبه قطعا میتوانند عزیمت فرمایند و هرگا میل داشته باشند ممکن است بیرون تشریف برده هولی تازه استنشاق فرمایند همچنین بحضرت ولـــی امرالله عرض کرد بقراریکه از رادیو شنیده در آن — هفته بیش از دویست نفر بر اثر آنفلوآنزا درگذشته اند و کمی هیکل مبارک در این باب با او صحبـــت فرمودند در آنشب وقتیکه دکتر پس از مدتی توقـف بیرون رفت حضرت ولی امرالله فرمودند ((خیلی او را دوست دارم چون شخص نیك وطبیب خوبی اســـت))

روز دیگر حضرت ولی امرالله ذیل مکاتیـب انگلیسی راکه بدستور مبارك نوشته شده بود بخط مبارك مزین فرموده و بامور دیگر نیز پرداختند و ضمنا بروحیه خانم دستوراتی دیکته فرمودنـــد که بایست ارسال گردد و فرمودند بعد از ظهر آنروز روحیه خانم دو نامه دیگر بنویسند . هیکل مبارك مایل نبودند از بستر برخیزند و اراده فرمودند کـه در اطاق بمانند و در آنجا بیشتر وقت خود صـــرف قرائت اوراق یا رسیدگی بمطالب دیگـــر روی میز فرمودند .

پس از آن نامه هائی راکه بروحیه خانم تهیـــه کرده بودند مرور فرموده در ذیل یکی از آنها بـــا دستخط مبارك شرحی اضافه فرمودند . یکـــی از راپرتهای واصله حاوی مطالبی بود که باعـــث کدورت شدید هیکل مبارك شد و در آن خصوصیـــا روحیه خانم گفتگو فرمودند و همچنین در چند روز اخیر بر اثر وصول بعضی اخبار از عملیات ســـوء و فتنه و فتن ناقضین عهد ومیثاق حزن شدید بـــر هیکل اطهر مستولی شده بود که مکرر بآن اشاره فرمودند این قبیل امور همواره موجب کدورت خاطر انور بود .

چون یکشنبه روز تعطیل و استراحت دکتر— بود یوم پیش باو فرمودند که تصور نمیرود آمدن وی ضرورتی داشته باشد معذلك در شب روز دکتر تلفن کرد و از حال مبارك جویا شد و اظهار داشت اگر لازم باشد خواهم آمد روحیه خانم که در — کنار بستر مبارك با تلفن صحبت میکرد پیام دکتـر را به هیکل مبارك معروض داشت فرمودند حالم بهتر است آمدن دکتر ضرورت ندارد وقـــرار شد برای آخرین بار فردا بعد از ظهر بعیادت مبارك بیاید روحیه خانم در اطاق مبارك نشسته و مدتی با هیکل اطهر در اطراف امور جاریه صحبت میکردند ساعت نه ونیم روحیه خانم چون یقیـــن داشت هیکل مبارك خسته هستند سئوال کرد آیا میل ندارند استراحت فرمایند حضرت ولی امرالله پرسیدند چه ساعتیست ؟ وچون عرض شد ساعـــت نه ونیم است فرمودند ((هنوز زود است اگر حالا بخوابم زود بیدار شده دیگر خوابم نخواهـــد برد قدری بیشتر بمانید وصحبت کنید)) در حدود ساعت ده روحیه خانم مجددا سئوال کردند آیـــا هیکل مبارك میل ندارند استراحت فرمایند ؟ و اینبار فرمودند بلـــی ولهذا روحیه خانم جزئی کلمه هائی که برای آسایش هیکل مبارك لازم بـــود

انجام داده پس از عرض شب بخیر و استدعای اینکه در صورت احتیاج ایشان را صدا بزنند اطاق را ترک گفتند .

در شب یکشنبه و دوشنبه روحیه خانم خوب بخواب نرفته در نیمه های شب ساعتها بیدار ماندند روحیه خانم اندك تصوری بخاطرشان برآنچه وارد شد خواهرنمود واگر چنین احتمالی داده شده صحیح نیست همینقدر بود که راحت نخوابیدند و دلتنگ و محزون بودند .

صبح روز دوشنبه چهارم نوامبر روحیه خانم بسوی اطاق حضرت ولی امرالله رفته آهسته در زدند و وقتی جوابی نشنیدند داخل شده پرده ها کشیده و روشنائی سپیده دم بدرون اطاق تابیده بود مشاهده نمود که حضرت ولی امرالله بر بهلوی چپ آرمیده اند و وجه مبارك بسوی ایشان ناظر است در حالیکه دست چپ مبارك برشانه راست نهاده شده و دست راست بوضع بسیار راحت وآسوده ای بر دست چپ قرارگرفته است چشمهای مبارك تقریبا بازبود بطوریکه روحیه خانم تصورنمود هیکل مبارك در حال نیمه بیدارند یعنی حالتیکه شخص از خواب بیدار میشود و در بستر راحت بفکر کار روز بیافتد . روحیه خانم سئوال نمود آیا هیکل مبارك خوب استراحت فرموده اند و حالشان بهتراست ؟ و چون حرکتی از وجود مبارك ندید و جوابی نشنید و ملاحظه نمود که بطور غیرعادی ساکت وبیحرکت اند عالمی احزان و دهشت وهراس برایشان مستولی گشت بطرف هیکل اطهرخم شدند دست مبارك رادر دست گرفت بدن مبارك کاملا سرد وبیحرکت بود و چون پنجره هنوز بسته واطاق هم بسیارگرم بود معلوم میشد هیکل مبارك چند ساعتی پیش صعود فرموده بودند درچنان حال ناگواروحیه خانم در ظرف دو دقیقه با تلفن باطبیب حضرت ولی امرالله در بیمارستان تماس گرفت و بوی خبرداد که زهی افسوس چنین بنظر میرسد هیکل مبارك صعود فرموده اند و تمنی کرد فورا بیاید شاید هنوز بتوان کاری کرد . دکتر بفوریت آمد و برای آرامش خاطر روحیه خانم داروی مقوی قلب بهیکل مبارك تزریق نمود وقلب مبارك را ماساژ داد اما البته این عمل بهیچوجه فایده ای دربرنداشت چند دقیقه بعد دکتر دیگری رسید و تائید کرد که کار ازکارگذشته معاینه طبی علت صعود را انعقاد خون در عروق شعریه اعلام مینمود . دیگر هیچ چیز درعالم نمیتوانست وجود مبارك رادرقید حیات نگاهدارد . اگر بهترین اطباء هم بر بالین مبارك حاضر بودند نمیتوانستند از صعود مبارك که دراثر دخول بختی لخته خون در یکی ازشرائین قلب واقع شده جلوگیری نمایند .

یاران عزیز باآنکه دلشکسته و افسرده و یتیم شده اند باید شاکرباشند که حضرت شوقی افندی محبوب ما امانتمقدس ومحبوب عزیزی که حضرت عبدالبهاء بما سپرده بودند بدون هیچ الم وناخوشی صعود فرمودند درواقع ازوضع مبارك وحالت چشمان هیکل اطهرآنحضرت پیدا بود که حتی اعضاء بدن دچار انقباض نشده چشمان مبارك باآنکه بازبود حالت غیر عادی نشان نمیدادگویند چنین خاتمه حیاتی نصیب خاصان وبرگزیدگان است .

روحیه خانم که خود درآن موقع غرق دریای احزان ودیوانه و بیقراربود وظیفه داشت فکری بیندیشد چگونه خبراین واقعه مولمه و مصیبت جانگداز را باطلاع احباء برساند دراینحال بفکر دوتن از ایادی امرالله افتادند که اخیرا در انگلستان بروفق آخرین پیام حضرت ولی امرالله باین مرتبه اسنی ارتقاء یافته بودند ابتدا به حسن بالیوزی که از افنان و منسوبین مبارك بود مراجعه کردند قریب یکساعت بعد بالیوزی نزد

روحیه خانم آمده و به جان فرابی تلفن کرد. ایشان اطلاع دادند آرامش و سکوت خود را حفظ نموده هرچه زودتر خود را برسانند سپس ایشان بوسیله تلفن با ایادی امرالله یوگوجیاگری در رم ارتباط حاصل و ایشان اطلاع دادند با اولین طیاره عازم لندن خواهند شد و همانشب در حدود ساعت هشت وارد شدند. با ایادی امرالله لروی آیواس در حیفا نیز سعی در ارتباط تلفنی بعمل آمد و در اوائل غروب ارتباط حاصل گردید. بعد از ظهر همان روز روحیه خانم تلگراف ذیل را بحیفا مخابره نموده بودند. ((حضرت ولی امرالله بوضع مخاطری بمبارزه آنفلوآنزای آسیائی مبتلا گردیده اند به لروی بگوئید محافل ملیه را مطلع نمایند بیاران اطلاع دهند بادعاو مناجات عون وصون الهی را جهت محافظه امرالله مسئلت نمایند))

روحیه خانم تاب آنرا نداشتند ضربه جانگدازی را که خود تحمل نموده و ناچار باسه ایادی دیگر امرالله درمیان گذارده بودند نصیب سایر احبای الهی شود ازاین جهت پیام فوق را مخابره نمودند با میدآنکه مقدمه ای برای عاشقان دلداده حضرت ولی امرالله و احبای رنجور وپیر و نحیف فراهم شود و مهیای استماع خبر صعود مبارک گردند باوجود کوششی که بعمل آمد تا نقل این واقعه جانگداز بختنا براحبای الهی وارد نشود تلگراف اول روحیه خانم قبل ازمکالمه تلفنی بحیفا حاصل شد و خبراین مصیبت مولمه به وسیله رادیو به بسیاری ازاحباء در نقاط مختلف دنیا رسیده بود. بعدا همان روز تلگراف دیگری بحیفا مخابره وطی آن تقاضا شد آن پیام را بکلیه محافل ملیه ابلاغ نمایند زیرا روحیه خانم براین عقیده بودند که خبر صعود مبارک بایستی رسما از مرکز جهانی امرالله اعلان گردد متن آن پیام چنین بود :

((حضرت شوقی افندی محبوب قلوب احباء وامانت مقدسی که ازطرف حضرت عبدالبهاء بیاران الهی سپرده شده بود بمعارضه آنفلوآنزای آسیائی براثرحمله بغتی قلبی درحالت خواب صعود فرمودند. بیاران تاکید نمائید باستقامت قائم و بموسسه ایادی امرالله که در ظل عنایت مبارک پرورش واخیرا ازطرف ولی محبوب موکدا تقویت و تحکیم یافته تمسک جویند. تنها وحدت قلوب و وحدت مقصد و منظورمیتواند بطور شایسته بر وفاداری تمام محافل ملیه وباران الهی نسبت بحضرت ولی امرالله که تمامی حیات خود را فدای خدمت بامرالله فرموده شهادت دهد ـ روحیه))

مراسم وعادات درغرب غیرازعادات و مراسم شرق است صعود ولی محبوب امرالله درشهرعظیمی مانند لندن مواجه بامسائل ومشکلات چندبود به مستحفظ عرش مبارک ازطرف روحیه خانم دستورات بسیار دقیق داده شده و تفهیم گردیده بود که در دیانت بهائی مومیائی معمول نیست و برای حفظ جسد هیچگونه تزریقی نباید بشود و احدی اجازه ندارد در صدد تغسیل برآید بهائیان طبق احکام دیانت خویش عمل خواهند نمود و مستحفظ مزوربخوبی مطلب را درک کرد زیرا لندن یك مرکز جهانی است که تابعین ادیان مختلفه بر حسب عقاید دین خود درآن زیست نموده ودرهمانجا بدرود حیات میگویند. یاران باید متوجه باشند که درهمه مراسمی که پس از صعود حضرت ولی محبوب امرالله بعمل آمده مراعات احکام کتاب اقدس که خود هیکل مبارك بکرات تنفیذ آنرا تاکید و دائما مراعات میفرمودند فرض و لازم بود اجراء گردد. نظربوسعت لندن و وضع آرامگاههای مناسب که تنها درحومه و اطراف لندن قرار دارند این تشویش خاطر را دائما بخاطر میآوردکه مبادا حمل عرش مطهربیش یکساعت بطول انجامد.

میل وآرزوی هر چهار نفر ایادی امرالله که از همان روز صعود مبارک مسئول رتق و فتق کلیه اموری بودند که متوالیا در آن فرصت کم عرض اندام مینمود براین بود که عرش مبارک بحظیره القدس ملی انتقال یابد تا قبل از انجام مراسم تشییع احبا بتوانند در آن محل اجتماع کرده بدعا و مناجات پردازند و لکن پس از مداقه و تحقیق معلوم شد که محل عرش مبارک از محلی که صعود واقع شده تا حظیره القدس ملی و اعاده آن از همان طریق سیر بمسافت آرامگاه بیش از یکساعت طول میکشد لذا از اجراء این نقشه صرفنظر شد .

صبح روز سه شنبه با آدلبرت مولشلگل ایادی امرالله بوسیله تلفن ارتباط حاصل گردید زیرا روحیه خانم معتقد بودند که چون ایشان طبیبند و ازایادی منتخب حضرت ولی امرالله و بسیار روحانی نه تنها قادر بتحمل غم واندوهی خواهند بود که طبعا در سبیل ایفای آخرین وظیفه و خدمت خویش بذات مقدس یعنی تکسیل عرش مطهربر ایشان وارد میشود بلکه این وظیفه را با روح فداکاری و تبتل وخضوعی که لازمه چنین موقع مقدسی است انجام خواهد داد دکتر مولشلگل بلا درنگ و باکمال امتنان این افتخار عظیم را پذیرفته بمعیت هرمان گروسمن ایادی دیگر امرالله در آلمان شب همانروز بحظیرةالقدس لندن وارد شدند .

سپس تصمیم گرفته شد که چون احکام دیانتی بهائی مومیائی اجساد را جائز نمیداند تشییع عرش مبارک هر چه زودتر و مرجحا یوم جمعه بعمل آید و لکن درنتیجه تحقیق و مشورت معلوم شد که برای انجام تشریفات خرید زمین جهت آرامگاه مبارک و ساختن مرقد مناسب وقت بیشتر لازم است بنا براین ظهر روز شنبه نهم نوامبر برای تشییع عرش مطهر درنظر گرفته شد و تلگراف ذیل از لندن بکلیه محافل روحانیه ملیه مخابره گردید :

((محبوب قلوب عموم احباء ولی عزیز امرالله دیروز متعاقب انفلوآنزای آسیائی درنهایت آرامش صعود فرمودند از ایادی امرالله و محافل ملیه و هیئتهای معاونت رجاء دارم احبارا در پناه خود گیرند و آنان را درمواجهه با این امتحان جانگداز عظیم یاری نمایند مراسم تشییع روز شنبه در لندن بعمل خواهد آمد از حضرات ایادی و اعضاء محافل ملیه و هیئت های معاونت دعوت میشود حضور یابند . هر خبر مطبوعاتی باید مشعربراین باشد که ایادی امر الله بزودی درحیفا اجتماع نموده و درمؤدنقشه های آینده عالم بهائی را مطلع خواهند ساخت تاکید میشود که محافل یادبود روز شنبه منعقد گردد روحیه))

کسانیکه متصدی فراهم آوردن ترتیبات شایسته ای برای انجام مراسم تدفین عرش مبارک حضرت ولی امرالله بودند در بادی امر بفکر افتادند که قطعه زمین مخصوص برای این منظور بدست آورند و لکن انجام آن ممکن و میسر نگردید توضیح آنکه قبلا تعیین وقت شده بود که جان فرایی بوزارت کشور رفته در این باب مذاکره نماید ولی بزودی معلوم شد اینکار عملی نیست زیرا برای استفاده از زمینهای نزدیک لندن جهت آرامگاه موانع قانونی وجود داشت. روز سه شنبه بعد ازظهر روحیه خانم باتفاق حسن بالیوزی ویوگو جیاگری ببعضی آرامگاهها که بیش از یکساعت از لندن فاصله نداشت رفتند تا درصورت امکان محلی رابرای استقرار عرش مبارک انتخاب کنند . در آنروز باران میبارید و در اولین آرامگاهی که وارد شدند فقط یک قطعه زمین وجود داشت که وافی بمنظور نبود و درمقابل مقبره ای جسیم که متعلق بیک خانواده اشرافی انگلیس بود و خوش منظره نمی

نمسود واقع شده بود و سریعترین حمل قیمت آنهم بسیار گران بود و بعلاوه خیلی نزدیک درب ورودی قرار داشت .

هر چند این محل در انظار دیگران مهم شمرده میشد ولی بعقیده ایادی امرکه حضور داشتند مناسب نبود شایستگی چنین مقامی را نداشت در اینموقع قلوب ایادی امرقرین احزان بود که مبادا موفق بیافتن محل مناسب برای ولی عزیز و محبوب خود نگردند و لکن خداوند نقشه های دیگر داشت زیرا در موقع غروب آفتاب درحالی که برای دیدن دومین آرامگاه با اتوبیل رفته بودند بمحل زیبا وآرامی داخل شدند که بر تپه ای قرار داشت و اطراف آنرا مزارع سر سبز فراگرفته بود و پرندگان برشاخه های درخت بنغمه سرائی مشغول بودند این محل از هرحیث با محیط مادی وپرتظاهر وتجمل اولی فرق بسیار داشت .

متصدی آرامگاه اولین امر رابرای دیدن بهترین قطعه زمینی که در مرتفعترین محل و در مرکز آن آرامگاه واقع است هدایت کرد این قطعه زمین درکنار یکی از جاده ها واقع و محاط بسه درخت تنومند میباشدکه اشجار بر آن سایه افکنده و در نزدیکی محل بیشه های دلپذیر آرامی وجود دارد که لانه و آشیانه طیور شکور در فصل بهار میباشد و مساحت آن بیش از سی متر مربع است روحیه خانم ترتیبات خریدفوری آنرافراهم نمودند و دستور داده شد محل استقرار عرش مبارك را حفر نموده از عمق معتنابهی محکم بنا بنمایند سپس حضرات ایادی بمتصدی آرامگاه مراجعه کردند تا صندوق مناسبی برای عرش مقدس ولی محبوب انتخاب کنند و پس از مشورت بسیار تصمیم گرفته شد نظر بمقتضیات حال واستقبال بهترین طریق آن که است صندوقی از سرب تهیه شود تا بتوان محکم آنرا بسته در صندوق ظریف دیگری از برنز قرار داد و باید این صندوق از هرجهت مجلل وذیقیمت و با دوام باشد باینطریق ایادی امر اطمینان حاصل نمودند که مستقبل ایام همینکه سرعت وسائل نقلیه بدرجه ای برسد که بتوان فاصله لندن و حیفا را دریکساعت طی نمود ممکن خواهد بود عرش مقدس حضرت ولی امرالله را بارض اقدس انتقال داد .

شب چهار شنبه خانم امیلیا کالینز ایادی امرالله که روز یکشنبه با جدیت وکوشش خاصی خود را بحیفا رسانده بودتا درموقع مراجعت حضرت ولی امرالله ازهیکل اطهر استقبال نمایند بلندن وارد شدند درآنموقع که روحیه خانم احتیاج شدید بمهر و محبت مادرانه داشتند در مصائب ایشان شریك شدند دراین حین ایادی امر اروپا عموما در لندن مجتمع بودند روز چهارشنبه محفل روحانی ملی بهائیان جزائر بریتانیا خبر جانگداز صعود مبارکرا باطلاع همه یاران رسانید و ازآنها دعوت کرد از لحاظ عضویت جامعه ایکه این فاجعه مولمه در محیط آن واقع شده در مراسم تشییع ولی امر محبوب که درآنسرزمین صورت گرفته حضور یابند .

آنروز بعداز ظهر روحیه خانم باتفاق امیلیا کالینز بآرامگاه رفته باموسسه گل فروش که در مجاورت آن واقع بود برای تزئین صحن سالن اجتماع وتهیه تاج گلی برای روی صندوق عرش مطهر ترتیبات لازمه را دادند .

روز پنجشنبه ساعت دو و بعدازظهرروحیه خانم وآدلبرت مولشلگل بمحلی که عرش مبارك در آنجا قرار داشت و جسد مطهر را بایستی غسل داده ماء طهور رابنفحات آن تن مقدس معطر نمایند حرکت نمودند .

روحیه خانم نه یارد از بهترین و لطیفترین حریر سفید ابریشمی با دوام و نه یارد دیگر پارچه نسبتا نازکتر از برای ثوب اول مبارک و همچنین چند عدد حوله وپارچه وصابون را که برای غسل جسد مطهرقبلا ابتیاع نموده بودند بدکتر مولشلگل تسلیم کرده ثوب دوم را نزد خود نگاه داشته دراطاق دیگر بانتظار نشستند تا آنکه دکتر مولشلگل جسد مبارك راغسل داده ثوب اول را بقامت مبارك پوشاندند سپس عطر گلی راکه حضرت ولی امرالله شخصا بیوگو جیاگری عنایت فرموده بودند وایشان نصف آن شیشه را باخود از ایطالیا همراه آورده بود نثار عرش مطهر نموده باین ترتیب متجاوزاز یك ساعت ونیم گذشت تا آدلبرت مولشلگل نزد روحیه خانم آمده اطلاع دادندکه وظیفه مقدس خود را بانجام رسانیده اند در این مقام بهتر آنست احساساتی راکه درآنموقع به آدلبرت مولشلگل دست داده با عباراتی که خود ایشان بعدا به روحیه خانم نوشته اند نقل کنیم :

((در آنساعت حالتی بدیع وعجیب بمن دست دادکه حتی پس ازچند روز هنوز هم قادر نیستم کیفیت آنرا بیان نمایم همینقدرمی توانم بگویم احساس نمودم یکدنیا عشق و محبت و معرفت مرا از هرجهت احاطه نموده درآن اطاق که طبعا بچشم مردم دنیا بین بنحو دیگر جلوه مینمودقوه عظیم روحانی نباضی در سریان بودکه نظیر آنرا در طول عمر خود فقط در اعتاب مقدسه مشاهده نموده بودم .

اولین احساسی که از برای من دست داد ملاحظه این کیفیت بودکه از طرفی هیکل جسمانی حضرت ولی امرالله از ابصار متواری گشته و از طرف دیگر جلال و جبروت و عظمتی در سیماو جمال مبارك آن مولای محبوب ظاهر و عیان بود که حکایت از تجلی و انعکاس فتح و ظفر و سرور و انبساط جهان باقی بر عالم فانی مینمود .

دومین احساس من در حالیکه با دعا و تفکر بدقت برای وظیفه محوله مشغول بودم این بود که باید در سبیل خدمت بعتبه الهیه با جدیت تام باین نحو قیام نمایم و تمامی نوع بشر هزار سال همت وفداکاری نمایندتا ملکوت الله در ارض مستقر گردد .

سومین فکر من درحالیکه یکایك اعضاء جوارح آن هیکل اطهر را غسل داده عطر آگین نمودم متوجه آن مولای محبوب گشته سرا بشکرانه الطاف مبارك پرداخته از دستهای مبارك که در سبیل استقرار عهد وپیمان الهی بذل آنهمه سعی و مجاهدت فرمودو باثمر انامل مبارك آثار مقدسه مبارکه باقی گذارداز پاهای مبارکی که برای سعادت ما مشی می نمود از فم اطهری که با ما تکلم میفرمود از راس مطهری که جهت فوز و فلاح ماتفکر میفرمود سپاسگذاری نموده شکرانه خضوع خود را تقدیم نمودم وبا تضرع وابتهال از حق جل جلاله مسئلت مینمودم در این مدتقلیلی که از عمر من باقی مانده مرا تائید فرماید بر اثر اقدام آن مولای حنون مشی نمایم .

و آخرین فکر من متوجه ضعف و عدم لیاقت خود بود چه که احساس مینمودم دست های نا قابل مرا چه لیاقتی است که برجبین مقدس مبارك عطر نثار نمایدو بموهبتی فائز شودکه رویه پیشینیان در باره تلامیذ خویش بوده .

حقیقتا چه فضلی شامل مستضعفین عباد بوده وچه مسؤلیت عظیمی را حال بایدپس از صعود مبارك احساس نمایم که هیکل جسمانی آن مولای محبوب با آن جلال وآن عظمت از دیده عنصری ما متواری گشته باری درآنساعت تاریخی عالمی از فضل وعنایت والطاف و محبت

و حکمت و معرفت نهفته بود)) .

سپس روحیه خانم تقاضا کردند ایشانرا با ولی امر محبوب تنهاگذارند تا برای آخرین بار با محبوب خود وداع نمایند .

حضرت بهاء الله میفرمایند :

((قلم در این عرصه قدم نگذارد و مداد جز سواد نمی نیارد)) و اینکه در آنحال وتودیع اخیر با مولای بیهمتای خود بر روحیه خانم چه گذشته بهتر است حجابی کشیده اگر چه روحیه خانم بعدها برای احبای عزیز نقل نمودند که ((هیکل مبارک ولی امرعزیز ما و ملیک عالم کون بودند و چون دارای مقام ولایت مطلقه الهیه بودند ومظهر لطف و عظمت و شرافت بوده و حق جل جلاله پایان حیات عنصری مبارک را قرین آرامش فرمود من درحالیکه بآن هیکل اطهر نگاه میکردم آنچه بفکرم میرسید اینبود که چقدر هیکل اطهر صبیح و جمیلند حسن و صباحتی که حکایت ازجلال و جمال ملکوتی مینمود و مانند منبع فیض و عنایت وبرکت از عالم بالا متواصل و برآن جمال مبارک ظاهر بود با دستهای مبارک مقدسی شبیه بدستهای حضرت بهاء الله که بآرامی در پهلوی هیکل مبارک قرار داشت بوضعی که ممکن نبود تصور نمود که آن دستهای نازنین بیجان گشته و یا روح از وجه مبارک منیرش مفارقت کرده است)

پس از اندك زمانی روحیه خانم از آدلبرت مولشلگل تقاضا کردند باطاق مراجعت نماید و صندوق مخصوص که با حریر سفید پوشیده شده بود باطاق آورده شد روحیه خانم ثوب دوم را درآن مرتب کرده سپس عرش مبارك حضرت ولی امرالله در صندوق گذاشته شد . سراپای وجود مبارك را روحیه خانم با گلهائیکه امیلیا کالینز از عتبه مقام اعلی از حیفا آورده بودند مانند فرش مقدس و زمردین که نمونه عشق و محبت بود پوشانده و همچنین ثوب آخر را با کمال ملایمت روی هیکل مبارك کشیدند و بآن طریق سیمای مقدسی که احبا با آنهمه عشق وعلاقه بآن مینگریستند برای همیشه از انظار مخفی و مستور گشت در اینموقع درب صندوق بسته و یك شال زربفت گلدار بر روی آن گسترده و دسته گلی که روحیه خانم همراه آورده بودند روی آن گذاشته شد .

فردای آنروزحضرات ایادی امرالله که ازایران و اروپا و افریقا و آمریکا آمده بودند تمام روز را در اطاق مملو از گل بمراقبت و دعا و مناجات در جوار عرش مقدس ولی امرعزیزشان گذرانیدند .

شب شبه روحیه خانم و امیلیا کالینز با اتومبیل بآرامگاه رفته وضع سالن وآرامگاه را ملاحظه نمودند موسسه گل فروشی نیز دستورات را بدقت انجام داده و نهایت سعی رامعمول داشته بود محیط زیبائی را که شایسته آن موقع مقدس باشد بوجود آورد . فی الواقع تمام اشخاص غیر بهائی که ناظر وشاهد صعود و مراسم تشییع آن نفس مقدس بودند که بطور نا گهانی و غیر معروف در کشور آنها رحلت نموده بود از تجلیل واحترامی که نسبت بعرش مظهر ولی عزیز امر الهی در حین انتقال از حیات فانی بآرامگاه ابدی مرعی میشد بسیار متاثر ومتحیر بودند و در اظهار همدردی و معاضدت بر یکدیگر سبقت میگرفتند بدستور روحیه خانم درچهار گوشه آرامگاه بیادگار صدها درخت سرو که آن ولی محبوب درزمان حیات خود در اطراف مقامات مبارك و حیفا غرس کرده بودند موسسه گل فروشی چهار نهال سرو زیبا نشانیده بوددر بالای سالن که متعلق بفرقه مخصوصی نه و مورد استفاده کلیه مذاهب و ادیان میباشد شاه نشین مملو از

گلهای داودی و مینا وجود داشت که از رنگ ارغوانی تند شروع شده و برنگ بنفش و بنفش کمرنگ و قفائی آراسته و در قسمت بالا برنگ سفید منتهی میشد و حلقه هائی از گل داودی به رنگ قفائی مانند دو بازوی منبسط در سراسر کتیبه ای که قسمت فوقانی سالن را مزین کرده بود امتداد مییافت و در فوق آن از یك سمت دیوار بسمت دیگر تیر چوبی کشیده شده بود که در وسط آن قاب اسم اعظم نصب و در زیر آن صندوق عرش مبارك در یك محفظه کوتاهی که با رویوش مخمل سبز رنگ پوشیده بود در جلوی شاه نشین مملو از گل قرار داشت رنگ سبز رمز نسبت مبارك بحضرت محمد بود که هیکل مبارك از لحاظ نسبت بحضرت باب از سلاله طاهره محسوب میشوند و حین انتقال بآرامگاه ابدی خویش این رمز سیادت مرعی گردید . ترتیب نشستن حضار برای روز بعد باین صورت داده شد که ایادیان امرالله در سمت راست و چپ صندوق عرش مبارك قرار گیرند بنحوی که روی آنها بطرف صندوق باشد و چون تعداد صندلیهای موجود در سالن بیش از هشتاد نبود یکصد عدد صندلی اضافه نیز تهیه گردید .

شب هنگام کلیه ایادی امرالله که در لندن حضور داشتند و تعداد آنها بر سیزده نفر بالغ گشته بود بدورهم جمع شدند تا درباره الواح و آیات مخصوصه ایکه روز بعد بمناسبت تشییع عرش مبارك باید تلاوت شود مذاکره نمایند مقامات دولت اسرائیل دستور داده بودند که کاردار سفارت کبرای اسرائیل در لندن موسوم به آقای گیرشون اولسر بنمایندگی از طرف آن دولت در مراسم تشییع جنازه مبارك شرکت نماید .

(در این موقع سفیر کبیر اسرائیل در لندن حضور نداشت قرار بر این بود که اگر چه مصیبت و سوگواری عظیمی در سراسر عالم بهائی بر پا گردیده ولی بعلت ضیق وقت و کمی جا در سالن آرامگاه مراسم تشییع عرش مبارك کاملا مخصوصی انجام شود ولی ابراز احترام دولت اسرائیل را که بصرافت طبع بنماینده خود دستور حضوردر تشییع جنازه مبارك را داده بودند نمیشد نادیده گرفت بنا براین بعلت حضور این شخص غیر بهائی در مورد انتخاب آیات مناسب و حرکت عرش مبارك دقت بیشتری بعمل آمد .

نظر باینکه صندوق عرش مبارك در حدود نیم تن وزن داشت و بیم آن میرفت چنانچه اجازه داده شود احبا بنوبت افتخار حمل آنرا پیدا نمایند احتمالا از حال تعادل خارج شود و یا بلغزد و از دست رها گردد بنا بر این حاملین مخصوصی انتخاب شدند که وظیفه خود را با کمال متانت و شایستگی انجام دادند .

در حالیکه این جریانات طی میشد حظیره القدس ملی بهائیان لندن مرکز مراجعه دردمندان درد هجران و خسته دلانی بود که از آنجا کسب اطلاع نموده جزئیات حال را استفسار و بدینوسیله قلوب شکسته و مجروح خود را اندکی تسلی میدادند و کسب دستور مینمودند که بمنظور ورود به لندن چگونه خود را بآرامگاه برسانند .

تلفن حظیره القدس در تمام روز لاینقطع مشغول بود و جان فرایی منشی محفل ملی بهائیان انگلستان با معاضدت دائمی همسر خویش که ایشان عضو آن هیئتند به تلفنهائی که از نقاط بعیده مانند جاکارتا و بمبئی و کویت و اسرائیل و کشورهای متحده امریکا و چند کشور اروپائی میرسید جواب داده تلگراف و

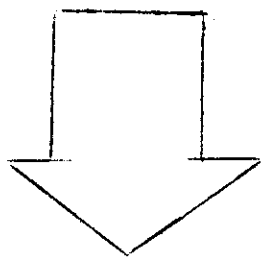

شرح صعود مبارک

و اعضای محافل ملیه و هیئتهای معاونت ایادی و افراد احباء از اطراف و اکناف دنیا دسته دسته وارد میشدند و با ورود عده دائم التزاید احباء که خودرا آماده حمل عرش مطهر بوضعی شایسته و مجلل بآرامگاه ابدی مینمودند موج عظیمی از محبت واندوه رفته رفته اطراف عرش ساکت وآرام آن آیت الهی را در این عالم فانی

نامه هاکه مانند سیل پی در پی وارد و صادر می گردید و همچنین دادن خبر بجرائد و هرگونه مصاحبه را در تحت نظر خود اداره مینمودند .

رفته رفته معلوم شدعده احبائی که درتشییع عرش مبارک شرکت خواهند یافت خیلی بیشتر از آن بودکه تصور میرفت بتوانندخود را بموقع بلندن برسانند زیرانه تنها احبای انگلستان تقریبا بطور عموم شرکت داشتند بلکه جمعیت ایادی امرالله فرا میگرفت .

ترتیباتی داده شده بودکه جمعیت مشایعین در ساعت ده صبح جلوی حظیره القدس واقع در روتلندگیت مقابل هایدپارک اجتماع نمایندو قرار بر این بودآندسته احباء که مستقیما بآرامگاه نمی رفتند بوسیله اتومبیل های مخصوص بدنبال اتومبیل حامل عرش مبارک حرکت نمایند بیش ازشصت اتومبیل که متجاوز از سیصد وشصت نفر در آنهاجای گرفته بودند

ساعت ده وچهل دقیقه با شکوه و جلال در یك ردیف حرکت نموده و بمحلی رسیدند که اتومبیل حامل عرش ولی محبوب امرالله بآنها ملحق شده در پیشاپیش آن اتومبیل حامل گل و بدنبال اتومبیل حامل عرش مبارك اتومبیل روحیه خانم و امیلیا کالینز در حرکت بود و اتومبیل های حامل سائر ایادی امرالله و اعضاء محافل روحانیه ملیه هیئتهای معاونت و احباء بترتیب در عقب قرار داشت و شاید بتوان گفت این بزرگترین کاروان اتومبیلی بود که طی چند سال اخیر برای تشییع یکی از بزرگان دین در لندن مشاهده گردیده مدت حرکت این هیئت بآرامگاه (گریت نور درن) واقع در (نیو ساوت گیت) که جسد مطهر حضرت شوقی افندی در آن استقرار یافت کمتر ازیکساعت بطول انجامید و باین ترتیب حکم کتاب مستطاب اقدس تنفیذ گردید .

چون لروی آیواس بموقع وبنحو شایسته ای به مقامات دولت اسرائیل موضوع صعود ناگهانی مولای محبوب رااطلاع داده بودند اوضاع مرکزجهانی امرالله قرین آرامش بود بطوریکه ایشان تصمیم گرفتند آخرهفته برای حضور درمراسم تشییع عرش مبارك از ارض اقدس حرکت نمایند . این مسافرت بسیار بموقع بود زیراایشان توانستند طبق خواهش روحیه خانم قالیچه و روپوشی از داخل روضه مبارکه حضرت بهاء الله در بهجی همراه بیاورند تاباآن قالیچه کف آرامگاه مبارك مفروش گردد و روپوش بر روی صندوق عرش مبارك گسترده شود .

لروی آیواس یکدسته گل یاسمن سفید و یك جعبه ازگلهائیکه ازحدائق بهجی ورضوان ومزرعه و حیفا جمع آوری شده نیزباخود آورده بودند موقعیکه گروه مشایعین بآرامگاه رسیدند جمعیت زیادی ازاحباء نزدیك درب سالن آرامگاه بحال انتظارایستاده بودند و درچهره هریك مراتب حزن واندوه قلبی مشاهده میشد و از گوشه وکنارصدای ضجه وفغان بعضی بگوش می رسید .

صندوق عرش مبارك باملایمت بزمین گذارده شد روی آن تاج گل سرخ زیبائی که وسط آن کارد یتلی سفید ومعطر و سوسن وگل آویزدیده میشد وبر روی آن کارت ساده ای متضمن این عبارت بچشم میخورد ((از طرف روحیه و تمام حبیبان و عاشقان دلشکسته))

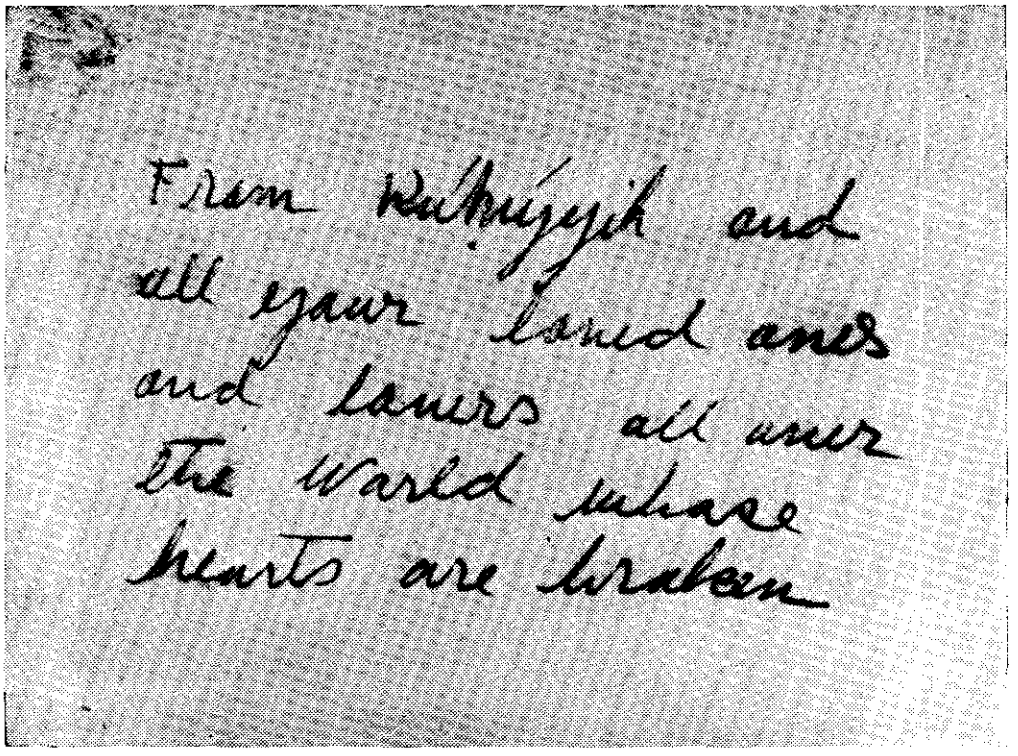

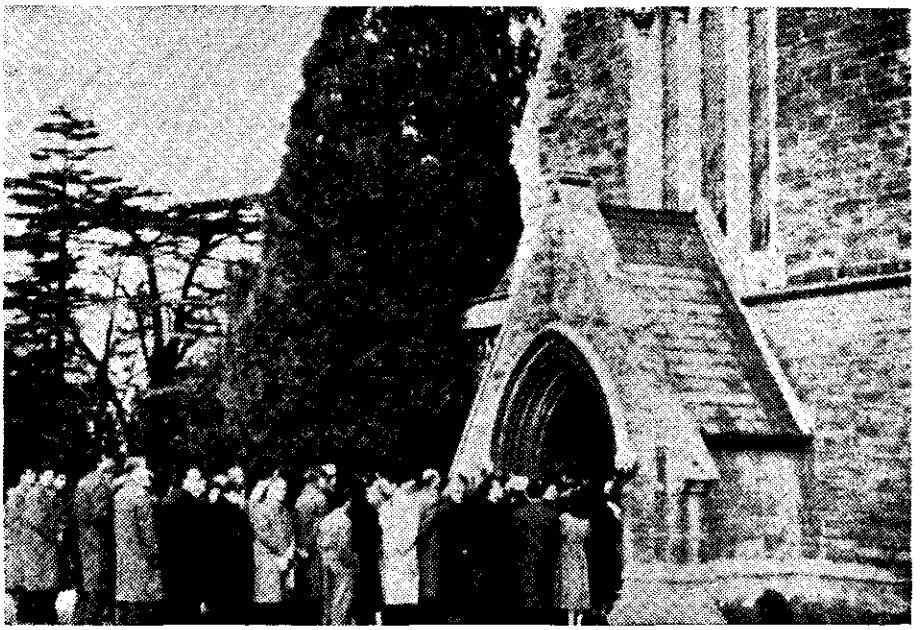

عرش ولی عظیم امرالله بداخل سالن حمل و بر روی صندوقی که با پوششی لطیف سبز رنگی آراسته شده بود قرار داده شد .

سالن بداوری مملو از جمعیت بود که عده ای در خارج ایستاده بودند در موقع تلاوت صلوة بصری عموم قیام نمودند و باستماع آیات حضرت بهاء الله فائز شدند و سپس شش مناجا و بعضی آیات مستخرجه از آثار مقدسه بوسیله احبا با لحن ملیح بعضی به انگلیسی و برخی بفارسی بنمایندگی بهائیان اروپا افریقا امریکا آسیا از نژاد سیاه یهودی و آریائی تلاوت گردید احبا درکمال وقار واحترام بترتیب در عقب صندوق عرش مبارک که بخارج حمل ودوباره در اتومبیل قرارداده شد حرکت نموده اتومبیل چند صد یارد مسافتی راکه تا محل استقرار عرش فاصله داشت بآهستگی پیمودو در آنجا صندوق عرش مبارک به آرامی در قسمت بالای آرامگاه گذارده شد بطوریکه وقتی جسد مطهر در داخل آرامگاه انتقال یابد وجه مبارک بسمت قبله اهل بهاء باشد و چون گلها از روی صندوق برداشته شد لوحه ای بنظر رسید کهاین عبارت روی آن منقوش بود :

((شوقی افندی ربانی اولین ولی امربهائی سوم مارس ۱۸۹۶– چهارم نوامبر ۱۹۵۷))

در حالیکه همگی ساکت و آرام ایستاده منتظر بودند تا عرش مبارک بداخل آرامگاه انتقال یابد روحیه خانم احساس میکردکه حزن واندوه قلوب دوستانی که در آنجا مجتمع بودند بر شدت غم و الم ایشان میافزاید زیرا حضرت ولی امرالله مولای آنها بودند که اکنون برای ابد

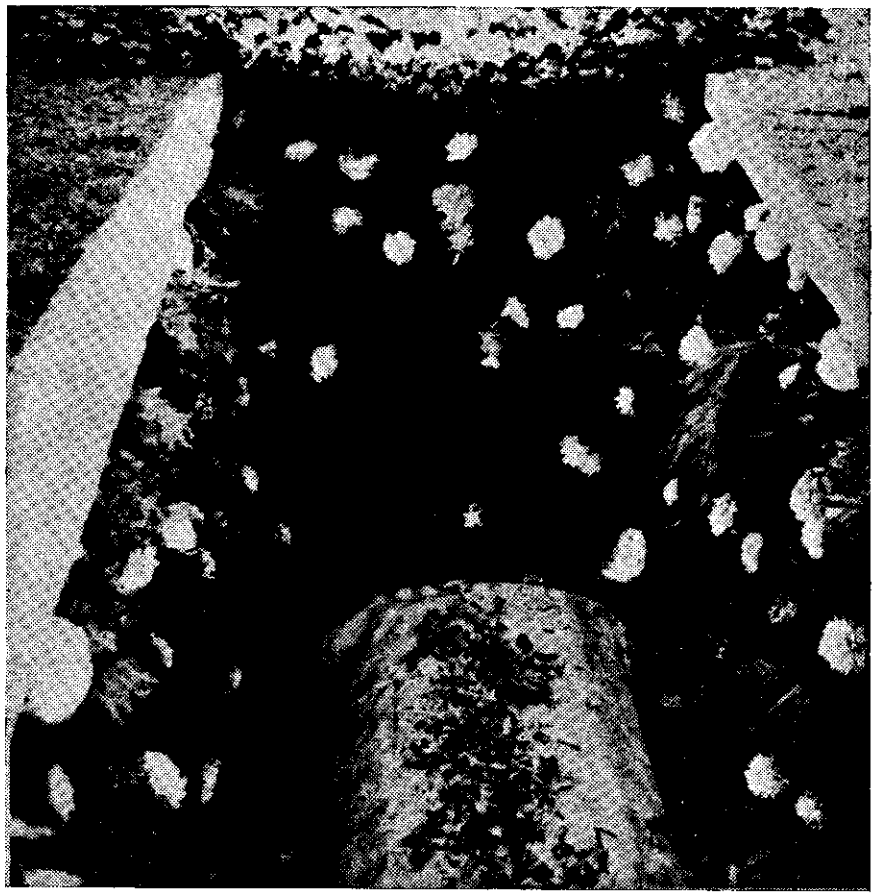

از انظارشان غائب گشته و مشیت لن یتغیر الهی که در مقابل آن مجال لِمَ و بِمَ نیست آن وجود مبارك را ناگهان از کف ایشان ربوده بود .

این جمع حضرتش را ندیده و نتوانسته بودند بحضور مبارکش مشرف گردند .

روحیه خانم تصمیم گرفت باطلاع یاران برساند که پیش از آنکه عرش مطهر را درون آرامگاه قرار دهند احبائی که مایل باشند میتوانند از کنار عرش گذشته مراتب خضوع وخشوع خود را تقدیم دارند .

مدت بیش از دو ساعت یاران شرق وغرب بترتیب از کنار عرش مبارك عبور نمودند بیشتر آنها زانوی ادب بزمین زده لبه یا دسته صندوق را می بوسیدند .

فی الحقیقه چنین ابراز عشق و اندوه در تاریخ کمتر نظیر داشته است .

اطفال سرهای کوچك خود را پهلوی مادر خویش خم کرده و پیرمردان میگریستند .

قوم انگلوساکسون که بر حسب سنت خویش هرگز در جمع و ملاء عام عواطف واحساسات خود را نمایان نمیکردند در این مقام براثر اندوه و التهاب قلبی حس خودداری شدید از ایشان بکلی زائل شد .

آنروز صبح هوا آفتابی و خوب بود و دراین موقع رگبار ملایمی باریدن گرفت و قطراتی چند بر عرش مبارك فرو ریخت گوئی که طبیعت خود ـ گهان بگریه آمده .

بعضی از احباء شیشه های کوچك عطر گل ایرانی نثار میکردند و یکنفر از میان جمع با کمی تردید یك شاخه گل سرخ روی عرش مبارك گذاشت و شکی نیست که این نشانه ازمحبت قلبی او بود دیگری نمیتوانست قطرات باران را روی چهره مستور مبارك ببیند و لهذا در موقع زانو زدن با احتیاط آنراپاك میکرد بعضی دیگر با انگشتانی لرزان کمی از تربت دور عرش مبارك را با خود میبردند .

سیل اشك و بوسه وتجدید عهد بندگی که از قلوب محزون احباء متضوع بود بر سر نفس مقدسی که خود را برادر حقیقی آنها مینامید جاری میگشت .

همینکه صف احبای دلشکسته بانتهارسید روحیه خانم نزدیك عرش مبارك رفته آنرابوسیدند و چند لحظه درمقابل آن بحال دعازانو زدند سپس شال سبز را بر روی آن گسترده آنگاه پارچه زربفت آبی رنگ که ازداخل مرقد مطهرحضرت بهاء الله آورده شده بود با لای آن قرار داده روی صندوق را باگلهای معطریاسمن پوشانیدند و بعد هیکل عنصری نفسربارکی که حضرتعبدالبهاء او را ((ابدع جوهره فریده عصماء تتلئلاء من خلال البحرین المتلاطمین)) خطاب فرموده باآهستگی بداخل آرامگاه که دیوارهای آن از شاخه های آراسته بگل و سبزه پوشیده گشته انتقال داده شد و روی تالیچه ای که از روضه مبارکه بهجی آورده شده بود استقرار یافت . در این موقع مناجاتی به فارسی تلاوت گردید و حسن بالیوزی از افنان سدره مبارکه وایادی امرالله مناجات خاتمه را به انگلیسی قرائت نمود . درمدت قریب به چهار ساعت که این مراسم انجام میشد نماینده دولت اسرائیل که ظاهرا مشهود ابسیارمتاثر بود حضور داشت و درکنار صندوق عرش مبارك باقدم آهسته و سرخمیده باکمال رسمی ادای احترام مینمود و سپس او و اکثریت شرکت کنندگان در این مصیبت عظمی محل را ترك نموده حضرات ایادی امرالله و اعضاء محافل روحانیه ملیه و هیئت های معاونت سابق قرار قبلی باقی ماندند تا باحضور ایشان پوشش آرامگاه باتمام رسد .

در این هنگام مناجاتهائی بالسنه مختلفه بوسیله احبائی که از کشورهای بعیده آمده بودند تلاوت گردید و برگهای نارنج وزیتون که طرازالله سمندری یگانه ایادی امرالله که افتخار تشرف به حضور حضرت بهاء الله را داشته و هنوز درتبعید حیات انداز باغ رضوان بغداد آورده بودند و هم چنین گلهائیکه لروی آیواس از حدائق بهائی ارض اقدس همراه آورده بودند بر روی آرامگاه گذارده شد و این گلها باندازه ای بودکه هر فردی از افراد حاضرمیتوانست شخصاقدری از آنرا بآرامگاه حضرت ولی امرالله بیافشاند .

و همان تاج گل زیبای سفید و قرمز و معطری که قبلا صندوق عرش مبارك راپوشانیده بود مانند سپری در پائین پای مبارك گذارده شد و دراطراف آن فرشی مجلل از گلهای بسیارممتاز و زیباگسترده شده بودکه نشانه علاقه و محبت دلهای آزرده و دردمند و نوایای خالصانه نفوسی بودکه می خواستند روح حضرت ولی محبوب امرالله را شاد و نوایای مبارك را مسرور نموده نقشه های مبارك را بانجام رسانیدند تنفیذ نموده و بالاخره شایستگی خود را درقبال محبت و رافت و هدایت توام با جانفشانی آنحضرت که مدت ۳۶ سال شامل حال ایشان بوده به ثبوت رسانند .

از توقیع منیع مبارک ۱۰۵ بدیع

« . . . در سنین آتیه این دور بهائی دوری که امتدادش بنص قاطع الهی اقلاً هزار سال است قبه این قصر مشید بر این اعمده مجلله مرتفع گردد و بیت عدل اعظم الهی مطابقاً لما اراده المحبوب استقرار یابد و تشیید این بنیان مجید انجام پذیرد و ناموس اعظم نظامنامه و قانون اساسی اعظم هیئت تشریعیه جامعه بهائی بکمال اتقان تدوین گردد و مرکز اداری امر الله در جوار قبله اهل بهاء و مقام اعلی مرکز روحانی جامعه پیروان آئین حضرت کبریا در کمال عظمت و جلال تأسیس شود و مصداق آیات لوح کرمل کاملاً پدیدار گردد تأثیرات عظیمه فرمان صادر از قلم مبین سالار جند بهاء خطاب بانصار دین الله و علمداران شریعت سمحاء در قاره امریکا ولوله در قارات خمسه دنیا و جزائر و محیط اعظم اندازد و بشارات کتاب حضرت دانیال تحقق پذیرد احکام کتاب مستطاب اقدس باسلوبی بدیع تدوین و اعلان گردد و اقامه شعائر مقدسه مابین بریه کاملاً ظاهراً بی خوف و تقیه در بسیط زمین شهر تی عظیم یابد تشیید مقام بهی الأنوار نقطه اولی در قلب کرمل مطابقاً لما وعد نا مولانا و محبوبنا انجام

پذیرد و قبهٔ ذهبیهٔ اش شهره آفاق گردد - و سائل بنای توابع و ملحقات اولین مشرق الاذکار
عالم بهائی در مدینهٔ عشق و ام المعابد الغرب در قلب قارهٔ امریک بکمال اتقان و انتظام فراهم گردد
و معابد متعدده بهائی در ارض طا، ام العالم افق نور و جبل مقدس کرمل قلب العالم و مطاف الامم
و مرکز عالم عربی و اسلامی و مدینة الله و عواصم ممالک اخری در شرق و غرب تاسیس شود.
حامیه پیروان امر اعز اسنی در موطن اصلی جمال ابهی و ممالک اسلامیه و اقطار شرقیه از قید اسارت
و مقهوریت رهائی یابند و انفصال شریعت الله از ادیان عتیقه کاملاً تحقق پذیرد و علم استقلال
دین الله علی رؤس الاشهاد مرتفع گردد و بیت الله الاعظم و کعبة الامم از چنگ غاصبان و
ظالمان مستخلص گردد و زیارتگاه عالمیان شود . »

ابلاغیه ایادی امرالله خطاب باجتماع شرق و غرب

همانطورکه خوانندگان گرامی بخاطردارند نه روز پس از استقرار عرش مطهر حضرت ولی محبوب امرالله یعنی در ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷ حضرات ایادی امرالله علیهم بهاء الله (حارسان مدنیت جهانی حضرت بهاء الله که در مرحله جنین است) از شرق و غرب عالم درقصر بهجی مجتمع و پس از تشرف به روضه مبارکه درباره امور جامعه جهانی بهائی به مشاوره پرداخته نتیجه را با صدور ابلاغیه ای باطلاع احبای شرق وغرب عالم رساندند .

هیئت تحریریه آهنگ بدیع با توجه باهمیت تاریخی این ابلاغیه شایسته چنان دیدکه عیناً آن را در این مجموعه منتشرنماید .

یاران عزیز :

هنوز نه روز ازاستقرار عرش المهیمن ولی محبوب امرالله حضرت شوقی افندی در لندن نگذشته بودکه مابیست وشش نفر از ایادی امرالله با سمت " حارسان مدنیت جهانی حضرت بهاء الله که درمرحله جنین است " در مرکز جهانی امرالله اجتماع نمودیم تا درباره اسف انگیز ترین وضعی که از حین صعود حضرت عبد البهاء اهل بهاء بدان مواجه گشته اند بمشاوره پرداخته وبرای حفظ مصالح عالیه امرالله کلیه تدابیرمناسب ولازم را اتخاذ نمائیم .

درهجدهم نوامبر ایادی امرالله در بهجی محفلی در حرم اقدس در حول مقد ستریر مقام عالم بهائی بنام مبارک منعقد ساخته سپس بروضه مبارکه داخل ودر نهایت خضوع و انکسار بآستان مقدس ساجد گشتیم .

درصبح یوم بعد یعنی نوزدهم نوامبر نه نفر از ایادی امرالله منتخب از ایادی مقیم ارض اقدس و چند قاره ازقارات شرق و غرب در معیت حضرت امة البهاء روحیه خانم مهرهای صندوق آهنین ومیز تحریر حضرت ولی محبوب امرالله رابر داشته محتویات ثمینه آنها را بکمال دقت رسیدگی کردند و سپس این عده بسایر ایادی مجتمعه در روضه مبارکه در بهجی ملحق گردیده ومتفقاتصدیق نمودند که حضرت شوقی افندی وصیت‌نامه ای از خود بجای نگذاشته اند وهمچنین تصدیق نمودند که حضرت ولی امرالله اولادی از خود باقی نگذاشته اند . اغصان عموما یا فوت نموده ویا بعلت بیوفائی وعدم اعتقاد به الواح وصایای حضرت مولی الوری و ابراز کینه و عداوت نسبت به شخصی که بعنوان اولین ولی امرالله درآن سند مقدس تعیین وتسمیه گردیده از طرف حضرت ولی امرالله ناقضین عهد ومیثاق معرفی شده اند .

اولین اثر درك این حقیقت که تعیین جانشین برای حضرت شوقی افندی مقدورنبوده است ایادی امر را به ورطه ناامیدی‌افکند حال که راهنما والهام دهنده وطراح — مجهودات احبای الهی درجمیع اقالیم وجزائر پراکنده ودردریاها دیگر قادر به انجام ماموریت ممتاز خود نخواهد بود برجامعه جهانی پیروان جان نثارش چه خواهدگذشت .

با این وصف چون از این ورطه تاریك در دوره حیات حضرت ولی امرالله که بتمامه تمعن مصروف فداکاری و خدمات بی نظیر گشته نمودیم رفته رفته قلب حزین ماتسلی یافت . ما خود میدانستیم که حضرت شوقی افندی اولین شخصی بودند که ایادی وجمع احبای متفرق درعالم را متذکر میداشتندکه ظهور حضرت بهاء الله قوی وذخائرایمانی نوع بشر را چنان بحرکت آورده که باآمال وحدت ملل واقوام و نصرت نظم جهان آرای الهیش را متحقق خواهد ساخت . در پرتو این استنباط جمع ایادی با کمال امتنان‌و شکرانه بمواهب لا تحصائی که حضرت شوقی افندی به اهل بها ارزانی داشته و چون میراث مرغوب جهت آنان باقی گذاشته اند متوجه گردیدند .

آیا مرکز جهانی امرالله با اعتاب مقدسه و موسساتش، بکمال رزانت تاسیس نگردیده ؟ و آیا امر الهی در ۲۰۴ مملکت از ممالك مستقله و اقالیم تابعه مستقر نگشته ؟ و آیا محافل ملیه وناحیه ای که طلایه بیت العدل عمومی محسوب اند دربیست وشش منطقه از مناطق عظیمه قارات عالم بر اساس متین استوار نگردیده ؟ آیا حضرت ولی امرالله قطع نظر از ترجمه های بی نظیری که از آثار مقدسه امریه برای یاران انگلیسی دان باقی گذاشته اند شاهکار های گرانبهائی در تبیین وتشریح آیات الهی‌که معرف بنای رفیع البنیان نظم سریع التکامل الهی وجامعه جهانی بهائی‌است به جهت ما بودیعه نگذاشته اند؟ وآیا حضرت ولی امرالله براساس رزین‌الواح مبارکه حضرت مولی الوری معروف بنقشه ملکوتی نقشه جهاد — جهانی را برای ما طرح نفرموده اندکه مساعی و مجهودات ماراتا سال ۱۹۶۳ رهبری وهدایت نماید؟ بعلاوه‌آیا حضرت ولی امرالله با بصیرت معنوی که به حوائج حال واستقبال جامعه بهائی داشته‌اند هیات بین المللی بهائی و جمع بیست وهفت نفری ایادی با هیئت های معاونت آنان را بوجود نیاورده اند ودرآخرین‌ابلاغیه مبارك خطاب به اهل بهاء — ایادی را بعنوان " حارسان مدنیت جهانی حضرت بهاء الله که درمرحله جنین‌است" معین

نفرموده اند ؟

اینگونه افکار با توجه به پیش آمد جانگذاز عمومی که در طی این ماه اهل بهاء بآن مبتلا گشته اند این موضوع راآشکارشاخته است که حضرت شوقی افندی با تعیین ایادی امرالله و همچنین انتصاب هیات بین‌المللی بهائی یعنی موسسه ایکه باید مآلا به بیت عدل عمومی تبدیل یابد اساس نظم جهان آرای حضرت بهاء الله را بکمال اتقان پایه گذاری نموده اند .

ما ایادی امرالله بعنوان حارسان مدنیت جهانی حضرت بهاء الله که درمرحله جنین است یك هیئت نه نفری از ایادی تعیین نموده ایم که درمرکز جهانی امرالله بانجام خدمات — مشغول باشند . این هیات نه (۹) نفری ایادی موظفند که ازهر نقطه که امرالله مورد حمله اعداء داخل وخارج جامعه بهائی واقع شود وایادی امرالله در ناحیه مربوطه بخود یا محافل ملی و یاناحیه ای رابرت نمایند ویا اینکه وقوع آن در ارض اقدس باشد بکمال قدرت وجدیت به حمایت وحراست امرالله قیام نمایند وبا ایادی امرالله که در قارات دیگر بخدمت — مشغولند نیز بوسیله مکاتبه ارتباط برقرار خواهد گردید . همین هیات در مورد مسائل مربوطه به اجرای اهداف نقشه دهساله نیز با محافل ملیه مکاتبه خواهد نمود ونسبت به موضوعات — مربوطه به مسائل اداری با استناد به نصوص مقدسه در آثار امریه که هادی محافل در — یافتن راه حل صحیح است محافل ملیه را مساعدت ومعاضدت خواهد کرد .

اما راجع به هیئت بین‌المللی بهائی که از طرف حضرت ولی امرالله تعیین ودرتوقیع مبارك خطاب بعالم بهائی بآن بشارت داده شده این هیئت بمرور ایام عاقبت با تشکیل بیت العدل عمومی آن‌هیئت عالیه ای که بفرموده حضرت مولی الوری درالواح وصایا به موهبت — مصونیت ازخطاء مخصص وبه بیان" جعله الله مصدر کل خیر ومصونا من کل خطاء " مخاطب گردیده مقصد و هدف خویش رابمرحله تحقق خواهد رسانید . وظیفه اصلی هیات بین المللی بهائی این بوده است که بعنوان نماینده حضرت ولی امرالله درمسائل مربوط بدولت اسرائیل ومحاکم قانونی اقدام نماید .

یاران محبوب آیا میراث مرغوبیکه حضرت ولی امرالله برای عموم ماباقی گذاشته افتخار ثبوت در امر حضرت بهاء الله وجانفشانی در — سبیل تبلیغ امرنازنینش نمیباشد؟ تمنای قلبی ما از هرفرد بهائی اینست :

اکنون مانند زمان صعود حضرت عبدالبهاء وقت آن رسیده که بهائیان حقیقی با ابراز ثبوت در میثاق وانبساط وسرور روحانی در پیش بردن امور خطیره ایکه بهریك از جامعه های بهائی در نقاط مختلفه عالم وبهر فرد — بهائی سپرده شده ممتاز ومشخص گردند .زیرا حال دشمنان سر سخت امرالله در مقام غفلت و جهالت بتصور اینکه امر حضرت بهاء الله ضعیف وبلا دفاع گشته ممکن وقویا محتمل است که حملاتی وارد سازند . ما با روح فداکاری در مقابل هر نوع حمله وتعرضی مجهز و بسلاح ایمان‌که ضامن تحقق نوایا ومقاصد — مقدسه حضرت ولی امرالله است مسلح میباشیم .

ایادی امرالله با تصمیم به اجرای کلیه نوایا وامیال مصرحه حضرت ولی امرالله از محافل ملیه دعوت مینمایند که به انعقاد کنفرانسهای بین القارات بطوریکه ازطرف حضرتش برای سال ۱۹۵۸ طرح ریزی گردیده اقدام نمایند و هر یك از آنها را مرکز و محور تصمیمات — خود قرار دهند وازاین راه وظائف مربوط بمرحله بعدی جهاد جهانی روحانی را بانجام واتمام

رسانند. بعلاوه شایسته است وظایف دیگری که در نقشه دهساله پیش بینی شده وباید تا سال ۱۹۶۳ تحقق یابد همواره در مدنظر داشته باشیم.

ضمنا بدعوت نه (۹) نفر ایادی مقیم مرکز جهانی امرالهی کلیه ایادی امرالله مجتمع گشته وتصمیم خواهند گرفت که چه موقع وبه چه کیفیت هیئت بین‌المللی بهائی مدارج تکامل خود را که از طرف حضرت ولی امرالله مشخص گردیده طی نموده و منجر به دعوت برای انتخاب بیت العدل عمومی بوسیله کلیه محافل روحانیه ملیه گردد. همینکه این هیات منصوص الهی بوجود آمد کلیه اوضاع و احوال امریه مجددا تحت مطالعه و تدقیق قرار گرفته وبا مشورت ایادی امرالله تدابیر لازمه جهت اقدامات آتیه اتخاذ خواهد گردید قوله الاحلی: الهی الهی احفظ عبادك الامناء من شرالنفس والهوی واحرسهم بعین رعایتك من‌الحقد والحسد و البغضاء و ادخلهم فی حصن حصین کلائتك من سهام الشبهات واجعلهم مظاهرآیاتك البینات ونسور وجوههم بشعاع ساطع من افق توحیدك واشرح صدورهم بآیات نازله من ملکوت تفریدك واشدد ازورهم بقوة نافذه من جبروت تجریدك انك انت الفضال الحافظ القوی العزیز.

ای ثابتان بریمان این طیر بال وپرشکسته و مظلوم چون آهنگ ملاء اعلی نماید و بجهان پنهان شتابد وجسدش تحت اطباق قرار یابد یا مفقود گردد باید افنان ثابته راسخه بر میثاق الله که از سدره تقدیس روئیده اند با حضرات ایادی امرالله علیهم بهاء الله و جمیع یاران ودوستان بالاتفاق بنشر نفحات الله وتبلیغ امرالله و ترویج دین الله بدل وجان قیام نمایند دقیقه آرام نگیرند وآنی استراحت نکنند در ممالك ودیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و سرگشته هر اقلیم گردند. دقیقه‌ای نیاسایند و آنی آسوده نگردند ونفسی راحت نجویند در هر کشوری نعره یابهاء الابهی زنند ودرهر شهری شهرۀ آفاق شوند ودرهر انجمنی چون شمع برافروزند و در هر محفلی نار عشق برافروزند تادر قطب آفاق انوار حق اشراق نماید ودر شرق و غرب جم غفیری درظل کلمه الله آیند و نفحات قدس بوزد و وجوه نورانی گردد و قلوب ربانی شود ونفوس رحمانی گردد. در این ایام اهم امور هدایت طل و ام است باید امر تبلیغ را مهم شمرد زیرا اس اساس است. این عبد مظلوم شب وروز بترویج و تشویق مشغول گردید دقیقه‌ای آرام نیافت تا آنکه صیت امرالله آفاق را احاطه نمود وآوازه ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد یاران الهی نیز چنین باید بفرمایند اینست شرط وفا و اینست مقتضای عبودیت آستان بهاء.

با کمال خلوص درخدمت بارمقدس
حضرت بهاء الله

بامضاء ۲۶ نفر ایادی امرالله حاضر در قصر بهجی
قصر بهجی
بهجی عکا اسرائیل
۲۵ نوامبر ۱۹۵۷

دیدی باما چه کرد گردش اختـر
دیدی از ماچه برد چرخ ستمگـــر

حضرت شوقی ولی امرالهـــــی
امر بهاآسمان واو مـــه انـــور

آن در یکتـــای قلـــزم احدیت
یعنـی ممتـاز غصن ســـدره داور

آنکه چنو بعدغصن اعظم ابهـی
دهرندیداست و مـی نبینـد دیگـر

آنکه نگاهش گشـود عقده بیحـد
آنکـه خطابش زدود انـــده بیمر

آنکه زآثـــار نغـز خامه اوگشت
شرق درآغوش غـرب همچو دو پیکـر

آنکه بیانش دمید روح باجساد
آنکه کلامش قلوب ساخت مسخـــر

آنکه ز انفاس قدسی ملکوتیـش
عالم امکان گرفت زندگی از ســـر

آنکه نیاسود یك نفس بهمه عمـر
تا شود آسایش عمـــوم میسـر

آنکه سی وشش سنه چوشمع همی سوخت
تا کـــه شـــود بـزم روزگـار منور

کـرد افول ازجهـان وخاور بدرخشید
در ملکوت بهـا بجبهـــــه ازهـر

آنچه نهـان دربیان مرکز میثـاق
وانچه بد اندر کتاب اقـدس مضمـر

کرد عیان بدیع نظـم بهائـی
شد زعنایات او مقـــرر یکســـر

لوح وصایای غصن اعظم حق را
کرد چو اجرا چنانکه بـــود مقرر

این قفس تن شکست و مرغ روانش
بر ملکوت بهـــاء گشـــود همی پـر

کرد تجلی ببزمگـــاه ربوبـــی
جنت ابهی گشود بر رخ او در

لیك زهجران آن ولایت عظمی است
آینه سینه هاچو خـــاك مغبـر

آتشی افروخت در قلوب احبـــاء
این خبر ازباختر چو شد ســوی خاور

وا اسفا زآنچه روی کرد باحباب
آه وصد افسوس زآنچه گشت مقـــدر

خاك بسر ها بریخت آتش حرمان
سوخت قلوب از فراق در تـــف آذر

زاه جگر سـوزکامها همه شد خشـك
هم زسرشگ روان رخ همـگان تـــر

قدر تو نشناختیم ای شـــه والا
تا همه بیکـس شـــدیم و دور زرهبر

کیست بجای تو کز طریق عطوفـت
بستر و آلام ازین قلـــوب مکـدر

یا اسفا دیدم این بلیه عظمـــی
خاك بفرقم که باز مانـــدم آخـر

چشم من این ضایعه بدید ونشد کـــور
گوش من این حادثـــه شنید ونشد کـــر

قالب تن را تهـی نمودی از هول
صورت اینجال اگر شـــدیم مصـور

عشق که جویم نهفت چهره چومعشوق
دل بکه بندم زما گسیخت چو دلبـر

راه که پویم که رهنما بشد از دسـت
گرد کـــه گردم چو نیست برجا محور

ملك وجودم اسیر یاس روانکـــاه
من همه چون کشتزار واو همه اخگـــر

ضعف و توانی فکند رخنه بجانم
لشگر آلام را هجوم به پیکر

کارد بستخوان و زخم خسته جگرگاه
مرگ فراپیش وچاره ئی نه بکف در

حال نو ان خیل غم مهیب که آمد
سخت نهیبی ز غیب بردل مضطر

گفت سروشم بگوش از سر تادیب
خیز واز این ورطه هلاکت بگذر

گر چه عظیم است این رزیه کبری
گر چه مهیب است این بلیه اکبر

نیستی آگه مگر زقدرت دادار
یا نه بدیدی شگفت کاری داور

چشم بصیرت گشا بطلعت ابهی
تا شودت صفحه ضمیر منور

یاس چرارخنه کرده است بجانت
بیم چرا راه یافت در دلت ایدر

امر جمال قدم نیابد نقصان
دفتر تکوین او نماند ابتر

کشتی امر بهاء بحار حوادث
دیده ورسته هزار بار فزونتر

چند صباحی بصبر کوش که آید
عاقبت از این نهال صبرترا بر

گفته حافظ امین زدیده مکن دور
صبر وظفر هر دودوستند وبرادر

از حبشه دکتر امین الله مصباح

ایمان
جهاد جهانی روحانی نیز
بنفسه مقدمه تاسیس و استحکام
نظم بدیع الهی واقامه ارکان دیوان
عدل الهی در جمیع ممالک وبلدان ـ
عالم است که انشاء الله تعالی عموم من
فی البهاء در عهود آتیه عصر تکوین و
در طی قرن ثانی بهائی بان کاملا
موفق و مفتخر خواهند گشت .

ساختمان بنای مرقد مبارک

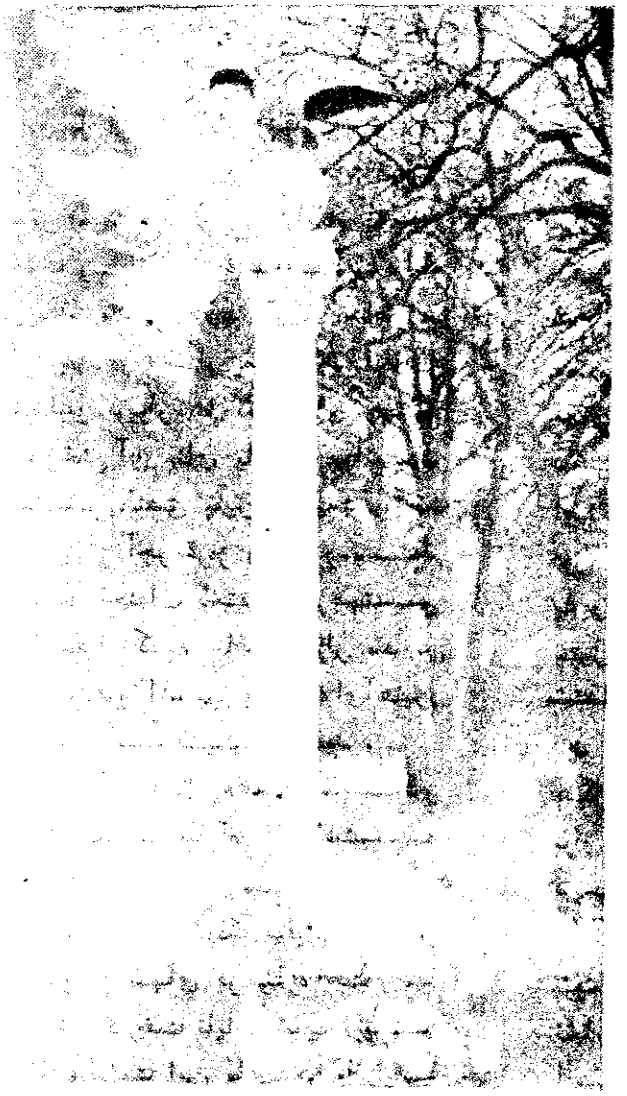

ساختمان بنای تذکاری که قرار شود
برمزار مبارک بناشود دو روز قبل
از پایان سال اول صعود بانتهی رسید و در
برابر افق پائیز لندن ستونی از مرمر سفید برسه بله
از همان مرمر با سرستونی بسیار زیبا با اسلوب یونان سر برآسمان کشید . تمام این ساختمان
از مرمر سفید است که بکمال جلال برآن خاك مطهر ارتفاع یافته و با سادگی و زیبائی خود همه را
بیاد آن شخصیت عظیم می اندازد که جهانی ازجمال درمرتفعات کوه کرمل ودرحول مقد ستربن بقعه
عالم که زینت بخش مسرح عکا است بوجود آورده اند .

در بالای این ستون عقابی مطلا کـــار گذارده اند که گوئی یا ازآسمانها درحال نزول و جلوس است و یا آهنگ پرواز ازقطب خاك ـ بسوی افلاك دارد و این رمزی از فتوحات منیعه آن هیکل مقدس است که درجمیع زوایای زمیـن برای امر حضرت رب العالمین بدست آورده اند در حول این مزار مقدس باغچه مصفا محاط به نرده ای بسیار زیبا از احجار بیضاوجود داردو در چهار گوشه این دیوار ها گلدانهای مطـو از ازهار زینت بخش آن بنای یادگار میباشـد باغچه ای وسیعتـر ملتصق باین گوشه دلرباست که نرده های آن از آجر قرمز و در وسـط خیابانی سرخرنگ احداث گشته که ازجهتـی به دوپله مرمر سفید که به باغچه مزار مقدس میرسد منتهی میگردد و ازسمتی بدروازه ای آهنین که مدخل زیارتگاه است کشیده میشود .

بیادگار صدها سرویکه هیکل اقدس اطهـر در حدائق علیا حول مقامات مبارکه علیاکاشتـه بودند دو سرو ناز در دوسمت مدخل مرقـد مبارك کاشته و دوپایه از سنگ سفیدکه برهر یك گلدانی مطـو از گلهای تر وتازه است ـ گذاشته شده و دو درخت نایاب شبیه بیـد

مجنون بر صفا وطراوت این باغچه هامیافزایـد و این است آنچه برآن خاك تابناك که آن جان پاك و محبوب دل وجان یاران را درآغـوش گرفته بیادگار برپا گشته است .

صدها نفر از احباء برای تشرف بـآن آستان مقدس شتافته اند و صدها غیر بهائـی که از آن حدود میگذرند و وجوه نورانی احبای الهی را در حال توجه ودعا مشاهده مـی نمایند منجذب روح عظیم آن بقعه منـوره گشته بزیارت مشرف میگردند و از خرمـن گلهای تر وتازه که برآن مرقد مطهر نثـار گردیده رائحـه عشق و محبت استشمـام چنمایند . این آرامگاه ظاهری آن هیکـل مقدس است که بهمت احبای جهان بـرپـا شده ولی آرامگاه نامرئی ابدی آن لطیفه روحا در قلوب غمزده احباء الی الابـد ـ جاودان وبابرجاسـت .

البته دوستان عزیز کلا بخاطر دارنـد که چندی قبل از شروع بنیان این مکان مقدس بعموم ابلاغ گردیدو نیز اعلان شدکه مـازاد مخارج در سبیل تبلیغ و بنای معابد معینـه در نقشه دهسالـه مصرف خواهد شد همینکـه این ندا بگوش احبای خدا در هرجا رسیـد فورا کریمانه اجابت نمودند و چون بنا اختتام پذیرفت بنظر چنین رسیدکه هر اقدامـی در سبیل نشر نفحات قدسیه الهیه در قـاره مشتعلـه افریقیا که در پیام عمومی مبارك مندرج بود بشود سبب سرور روح مقدس متعالـی آن هیکل منور خواهد گردید لذا اولین مبلغ ـ برای محافل ملیه ناحیه آن قاره ارسال و درخواست شـدکه صرف امور تبلیغی درنقاطی از آن سرزمین نماینـدکه اهالی استعداد ـ خود را برای قبول این آئین الهی تا بحـال نشان نداده انـد . چقدر جای تسلی خاطـر است که بدانیم هم اکنون جمعی از مبلغین و مبلغات از نژاد سیاه درسراسر آن قـاره وسیعه بسیر وسفر مشغولند . این بنای روحانی لا یزالی که در قلوب و ارواح نفوس مستعـده در این قاره پهناور مرتفع میگردد خود همان بنیان ابدی الاثاری است که بنام مقدس هیکـل اطهر برپا میشود و درآن کشورهای بعیـده موعود اساسهای متین و رزیـن ملکوت ابهی الی الابـد محکم واستوار میگردد .

+×+×+×+×+×+×+

احساسات یک زائر

متحیرم که این شرح غم انگیز را ازکجاشروع کنم و این مشاهدات جانفرسا را چگونه برشته تحریردر آورم . قلم ضعیف و عاجز من واین‌قلب مملو از شور و احساس و آن دریای عظمت وجلال .

خداونداازتو میخواهم که یاری‌کنی و آنچه قلب سوزان من احساس‌کرده و دیدگان من ازپس پرده اشک مشاهده نموده بتوانم درهم آمیزم وشمه‌ٔ تحریر کنم .

قدسیه یزدانی

هزاران آه و افسوس آرزو داشتم درآن ایام که آفتاب عظمت وجلال بر جمع ما بهائیان نور افشانی میکرد و آن دریای لطف وعنایت برعالمیان مواج بود به زیارت آستان مقدس مولای بیهمتا حضرت شوقی ربانی ارواحنالرمسه الاطهرالفداء بشتابم و دیدگان خودرا ازآن منبع نور ابدی منور سازم و قلب وجانم را درساحت مطهرش نثارکنم چه شبهاکه بااین آرزو بسر کردم و چه ایام که دراین حسرت خون دل خوردم ولی متاسفانه مشیت الهی براین بودکه ازاین سعادت کبری و درك فیض عظمی محروم مانم اینك که آن مهر تابان در پس‌ابرهای تیره هجران مستور گردیده جز سرشك نومیدی وناله حزین واحسرتا چه میتوان کرد . . .مگرآنکه با قلبی سوزان اشك حرمان بر تربت تابناکش ریزم وبوسه برمرقد مطهرش زنم .

تازه یکی دو روز بودکه ازبیمارستان لندن مرخص شده وتا اندازه بهبود یافته قادر بر حرکت بودم چنان مشتاق زیارت آن مرقد مطهر بودم که دائما از دوست عزیز و باوفای خود خانم نورانیه فتح اعظم که ساکن لندن بودند تمنی ودرخواست میکردم که مراهمراهی و یاری فرماید تا بتوانم بزیارت تربت آن منبع فیض ابدی وآن‌عنقای بقاء که روی ازعالمیان برگرفته و بال وبرگشوده درقاف وفا مسکن گزیده است فائز گردم . عقده دل گشایم وشرح حرمان باز گویم .

مرا بخاك در دوست‌آشنائی نیست
به‌آشنائی دل‌میروم بخانه دوست

بالاخره بهمت آن دوست عزیز به آرزوی خود نائل آمدم .

ساعت بزرگ لندن چهار بعد ازظهر را اعلام داشت با اشتیاق فراوان وچشمی گریان خیابانهای شلوغ وپرجمعیت لندن را پشت سر گذاشته وبا سرعت بطرف قبرستان بزرگ لندن روانه شدیم عصر مه‌آلو و سردی بود ابرهای تیره وپراکنده درآسمان درطول مسیر جاده هر چند دقیقه بطرف قرص خورشیدکه آخرین شعاع طلائی خود را که میخواست علیرغم سرمای زمستان عرضه دارد حمله ورمی شدند و بندرت مجال میدادندکه دیدبدرختان خشك‌و لرزان حرارتی بخشد وبرگهای خزان زده را رنگ آمیزی کند . سکوت‌عجیبی بین من ودوست مهربانم حکمفرما شده بود وهر یك درافکار عجیب وعمیقی فرو رفته بودیم ولی من بخوبی احساس میکردم که اندیشه ها وافکارهر دو نفرمان یکی بود یعنی هر دو به فقدان عظیم واسفناك وناگهانی وجود نازنینی می اندیشیدیم که پیوسته ملجاء وپناه ما بهائیان بود ودوره عمر عزیزش را صرف سعادت وراهنمائی ما فرمود ازاوان جوانی دمی نیاسود وبرای عزت واعتلای این امر عظیم دقیقه‌آرام وقرار نداشت تا علم امرمقدس بهائی را دراقصی نقاط عالم بر افراشت چه صدمات طاقت فرسائی که قلم از ذکرش عاجز است بر هیکل نازنینش وارد شد تا بالاخره آنهمه صدمات شبانه روزی‌وجود مقدسش را ناگهان درهنگامیکه انتظار نمیرفت به ملکوت ابهی وعرش اعلی جایگزین ساخت .هرگز کسی تصور نمیکردکه محبوب ومولای ما بایـن زودی ما را ترك فرموده قلوب را چنین داغدار و قرین حسرت فرمایـد .

با این افکار حزن انگیز بافق مینگریستم و آن روح تابناك و شبح ملکوتی را درآسمان عظمت وجلال درنظر مجسم یافتم . ناگهان ابری تیره باشتاب بر قرص خورشید حائل گردید قلبم فرو ریخت گوئیافکار و اندیشه های حزن من بغته برگوشه افق ترسیم شدو غروب خورشید حقیقی وتاریکی آفتاب تابان عالم انسانی دربس ابرهای تیره فراق وجدائی بیشتر درنظرم مجسم شد واین فقدان اسف انگیزجانم رامیسوخت‌و قطره قطره‌از چشمانم اشك برگونه هافرو می ریخت بدوستم نگریستم او راهم چون‌خودآشفته و گریان دیدم . دراین هنگام راننده اعلام داشت که به قبرستان بزرگ رسیده‌ایم آسمان با ماهمداستان‌شده بودو بزاری میگریست وبر روی درختان عظیم و سر بفلك کشیده قبرستان سبزی وخرمی میداد بدن من میلرزید گوئی که هزاران نوحه‌گر خوش الحان سرود عزا ساز کرده بودند وارواح مردگان خفته درآن دیار خاموش بپاخواسته‌از پس درختان بر ما مینگریستندوواحسرتا میگفتند . از دوسه خیابان طویل گذشتیم دراطراف وجوانب ما مزارهائی تازه وکهنه‌که شریك با صلیبی وجود خودراعرضه میداشتند ازهر سوجلب نظرمیکرد ،

جمعی از دلسوختگان و دردمندان فراق مولای محبوب در جوار تربت
مقدس آن مولای حنون به تلاوت مناجات مشغولند

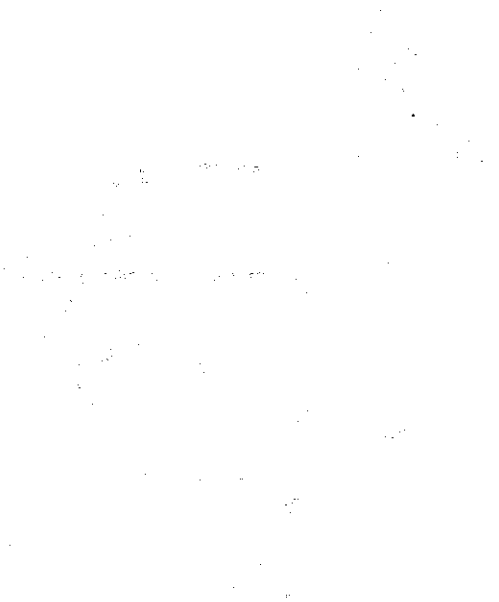

ماشین درانتهای خیابانی که نزدیك در کلیسابود توقف کرداین همان‌کلیسائی است که عرش مطهر حضرت ولی امرالله درآن شستشو گردید چند خیلی میل داشتم که آن مکان متبرك را که جسداطهر ساعاتی‌در آن بوده ازنزدیك زیارت کنم ولی سرمای شدیدو نزدیکی غروب و وضع مزاجی من‌اجازه نداد شتابان بسر منزل مقصود روانه شدیم . کسی درآن ساعت روز وشدت سوز و سرما درقبرستان نبود حتی محافظین ونگهبانان بگوشه پناه برده بودند . سکوت مطلق و مرگباری درآن فضای غم انگیز حکمفرما بود فقط ما دو نفر بودیم که ازسوز فراق واندوه بی پایان سوزش سرما را ازیاد برده بودیم . مسافتی‌که ازکلیسادور شدیم چهار درخت عظیم مانند ستونهای قصرهای افسانه با شاخ‌وبرگهای انبوه نمودار گردیده وسپس از دور چشم به عقاب پرگشوده که برستون مرمری بلندی قرار داشت افتاد .... بلی خواننده عزیز اینجا مرقد مطهر حضرت ولی امرالله حضرت شوقی ربانی است با قدمهائی لرزان جلو میرفتم دیگر از خود اراده نداشتم گوئی درعالمی دیگر سیر میکردم هر قدم که جلوتر برآستانش برمیداشتم بیشتر ازخود بیخود میشدم آنچه از حالات مختلفه روح و جاودانی بودنش درکتب مختلفه خوانده بودم اینك دربرابرم جان گرفته بودند که ناگهان احساس کردم آن هیکل از لابلای بالهای عقاب بر عرشی آسمانی جالس و جمع کثیری درمقابلش ساجد وآن آفتاب عالم انسانی یکباره محیط سرد وخاموش و محزون گورستان را صفا و روشنی بخشیده با لحنی ملکوتی وآوائی آسمانی ما را دلجوئی و تسلی فرمودند دیگر به پله های مرقدرسیده بودم گلهای زیبائی که برای نثار بر آن آرامگاه ملکوتی در دست داشتم‌و از سیلاب اشك من و ریزش باران مرطوب شده بودبر آن مزار مقدس نهادم نام مبارك حضرت ولی امرالله با حروف طلائی بزبان انگلیسی هم چنین تاریخ صعود را بر ستون مرمرین حك کرده بودند به پلکان دوم که رسیدم زانو بر زمین زدم و بوسه‌آتشین بر آن آستان مقدس نهادم دیگر از خود بیخود شدم نمیدانم چه مدت دراین حال و راز ونیازبا محبوب بیهمتا بودم تا دوست مهربانم مرا به تلاوت‌مناجات دعوت‌فرمود بپا خاستم مناجاتی درآن آستان روحانی تلاوت کردم همچنین مناجاتی بی اندازه خاضعانه و شور انگیز از طرف دوست عزیزم تلاوت شد طلب تائیدو رجابرای افراد فامیل خودو عموم بهائیان کردم کم کم تاریکی برفضای گورستان حکمفرما میشد و باران هم بشدت میبارید و مامجبوربه مراجعت بودیم مجددا با دلی‌آکنده از حزن وقلبی محترق بر پلکان مرمرین مرقد مطهر بوسه نثار کردیم اشك ریزان مقر آن شاهین بلند پرواز را وداع گفتیم .

طهران ۱۳ـ دیماه ـ ۳۸

انتشار الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء واعلان ولایت حضرت شوقی افندی وآغازنخستین مرحله عصرتکوین	۷ ژانویه	۱۹۲۲
فتوای محکمه شرعیه اسلامیه درمصر مبنی بر استقلال دیانت بهائی	۱۰ مه	۱۹۲۵
نخستین ملاقات امة الله مارثاروت با ملکه رومانیا	۳۰ژانویه	۱۹۲۶
اعلام رای شورای جامعه ملل درتائید دعوی مالکیت بهائیان نسبت به بیت حضرت بهاء الله در بغداد	٤ مارس	۱۹۲۹
صعود حضرت ورقه مبارکه علیا بهائیه خانم در ارض اقدس	۱۵ ژوئیه	۱۹۳۲
اقتران مبارک حضرت شوقی ربانی ولی امرالله با امة البهاء روحیه خانم ماکسول	مارس	۱۹۳۷
آغاز اولین نقشه هفت ساله بهائیان ایالات متحده	آوریل	۱۹۳۷
انتقال رمسین اطهرین برادرو ام حضرت عبدالبهاء بجوارمقام مقدس اعلی در ارض اقدس	د سامبر	۱۹۳۹
اتمام تزئینات خارجه مشرق الاذکار ویلمت بانصب پله های خارجی	د سامبر	۱۹٤۲
خاتمه اولین نقشه هفت ساله بهائیان ایالات متحده باحصول استحکام اساس امرالله در امریکا	رضوان	۱۹٤٤
جشن مئوی بعثت حضرت علی ـ افتتاح نخستین انجمن شور روحانی قاره امریکا ـ ارائه مدل ساختمان مقام اعلی در ارض اقدس ۲۳مه		۱۹٤٤
آغاز دومین نقشه هفت ساله بهائیان ایالات متحده	آوریل	۱۹٤٦
پایان نخستین مرحله عصرتکوین و آغاز مرحله ثانیه باحصول استحکام اساس نظم اداری و وضع قواعد وتاسیس محافل محلیه ومليه درسراسرعالم بهائی	آوریل	۱۹٤۷
نصب سنگهای اولیه عتبه مقدسه ایوان مقام اعلی درکوه کرمل	نو روز	۱۹٤۹
آغاز نقشه تبلیغی قاره افریقا	رضوان	۱۹۵۰
انعقاد مراسم یادبود صدمین سال شهادت حضرت اعلی واتمام رواق وطارمی مقام مقدس درکرم الهی	۹ ژوئیه	۱۹۵۰
فتح باب لقا بروجه اهل بهاء وتحویل کلید قصرمزرعه در ارض اقدس	۱٦ د سامبر	۱۹۵۰
تاسیس اولین شورای بین المللی بهائی طلیعه موسسه کبرای اداری دیوان عدل الهی در ارض اقدس	۹ ژانویه	۱۹۵۱
تعیین وتسمیه اولین گروه از ایادی امرالله (۱۲ نفر)	۲٤ د سامبر	۱۹۵۱
تعیین و تسمیه دومین گروه از ایادی امرالله (۷ نفر)	فوریه	۱۹۵۳
افتتاح جشن مئوی سنه تسع واتمام تزئینات داخله ام المعابد غرب (مشرق الاذکار ویلمت)	اکتبر	۱۹۵۲

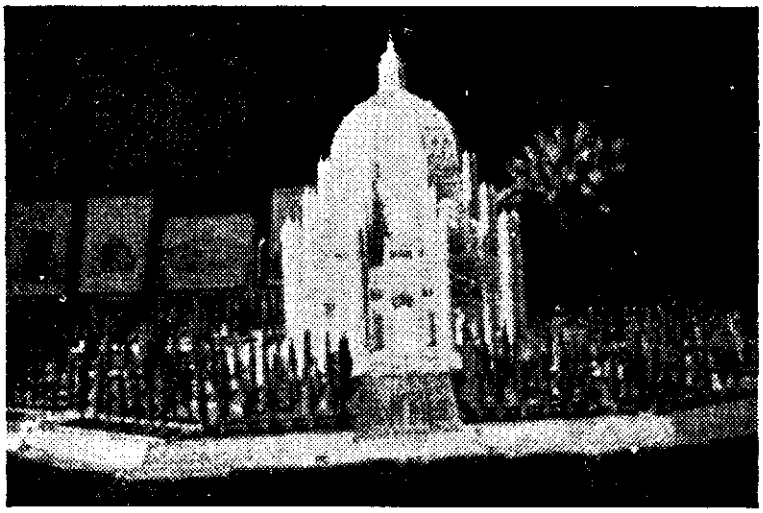

ماکت مشرق الاذکار کرمل

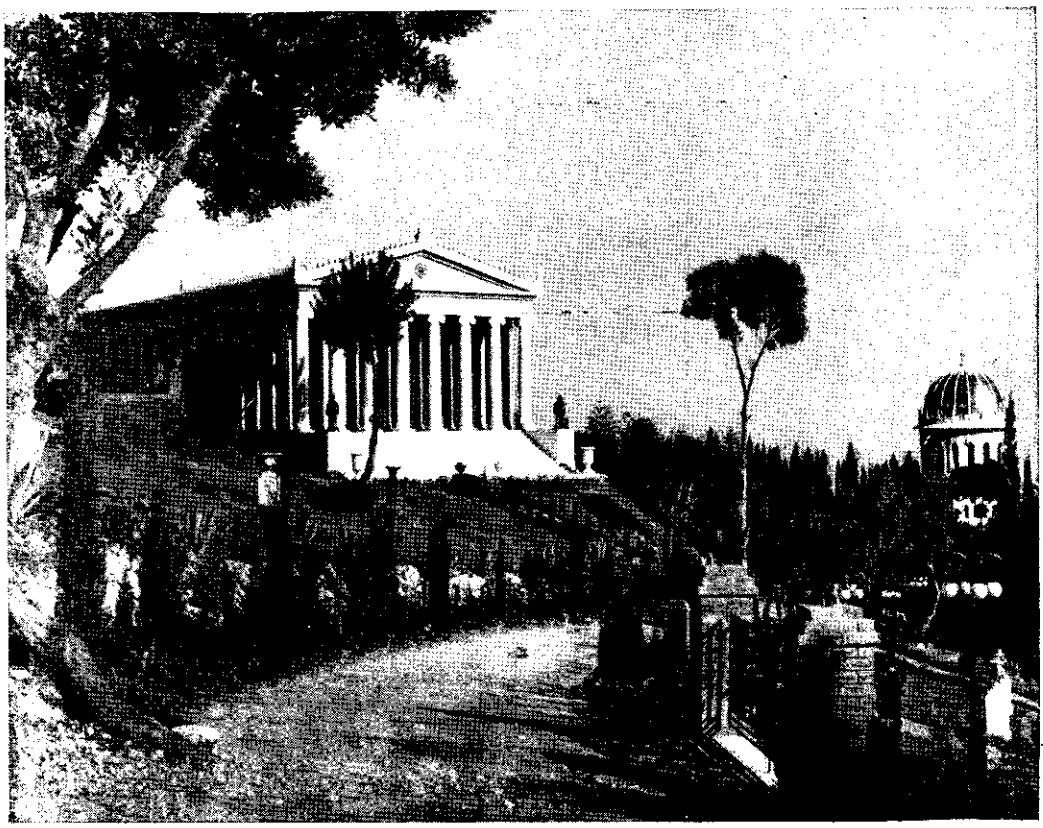

منظره ای از مقام مقدس اعلی و دار الآثار در کوه کرمل

انعقاد اولین کنفرانس بین‌القارات بهائی در کامپالا قلب قاره افریقا	۱۲ تا ۸ فوریه	۱۹۵۳
خاتمه دومین نقشه هفت ساله بهائیان ایالات متحده با اجرای نقشه تبلیغی اروپا و اولین کاشی ذهبی نصب		
گنبد مقام اعلی بدست مبارک حضرت ولی امرالله	رضوان	۱۹۵۳
مراسم افتتاح ام المعابد غرب (مشرق الاذکار ویلمت)	۱ و ۲ مه	۱۹۵۳
انعقاد دومین کنفرانس بین‌القارات بهائی در شیکاغو وافتتاح نقشه دهساله (جهاد کبیر اکبر) وارائه مشرق مدل الاذکار ارض اقدس	۳ تا ۶ مه	۱۹۵۳
انعقاد سومین کنفرانس بین القارات بهائی در استکهلم (سوئد)	۲۱ تا ۲۶ ژوئیه	۱۹۵۳
انعقاد چهارمین کنفرانس بین‌القارات بهائی در دهلی نو (هندوستان)	۷ تا ۱۵ اکتبر	۱۹۵۳
اختتام ساختمان مقام مقدس اعلی وپایان جشن مئوی سنه تسع	اکتبر	۱۹۵۳
پایان نخستین مرحله نقشه دهساله بافتح یکصد اقلیم از اقالیم کره ارض	رضوان	۱۹۵۴
شروع حفریی برای ساختمان دارالآثار بین المللی در ارض اقدس وانتخاب نقشه مشرق الاذکار ارض طاء (ایران)	۲۰ مارس	۱۹۵۵
انقلاب و بلایای وارده درعهد امرالله وآغاز مرحله اشتهارو ارتفاع صیت امرالله	آوریل ـ مه	۱۹۵۵
خاتمه دومین مرحله نقشه دهساله با ابتیاع عده کثیری حظائرقدس ملی وتاسیس موقوفات ملی بهائی در ممالک متعدده وفتح مراکز جدیده	رضوان	۱۹۵۶
تطهیر حرم اقدس (جوار روضه مبارکه علیاوقصرمبارک بهجی) از لوث وجود ناقضین	۶ سپتامبر	۱۹۵۷
صدورآخرین پیام مهم مبارک مبنی برتعیین تکلیف حضرات ایادی امرالله وموسسات امریه وافراد جامعه بهائی درسنین آتیه تا تشکیل دیوان عدل الهی	اکتبر	۱۹۵۷
تعیین وتسمیه سومین گروه از ایادی امرالله (۸ نفر)	اکتبر	۱۹۵۷
صعود حضرت شوقی افندی ولی‌امربهائی در لندن در سن ۶۱ سالگی	لیله ٤ نوامبر	۱۹۵۷

ساعتی با یاد محبوب

استخراج از سلسله مقالاتی که بقلم حضرت ایادی امرالله جناب آقای ذکرالله خادم علیه بهاء الله در سال ۱۱۶ (اخبار امری) درج گردیده است .

++++++++++++++++++++++

جمال اقدس ابهی جل کبریائه در کلمات مکنونه میفرمایند : " ای پسر روح وقتی آید که بلبل قدس معنوی ازبیان اسرار معانی ممنوع شود وجمیع از نغمه رحمانی و ندای سبحانی ممنوع گردید ."

آیا هنوز پس از مضی یک سنه ازفراق دلبر آفاق مولای محبوب وبیهمتا حضرت ولی امرالله شوقی افندی ربانی روحی وماعطائی ربی لمظلومیه ولرمسه الاطهر فداکه بحکمت بالغه آهنگ ممالک اخری وملاء اعلی فرمود واین ذلیلان بینوا را دردمند ویتیم ونالان دراین محنتکده خاک تراب باقی گذارد بخودآمده ایم و موقع آن فرا رسیده است که بدانیم چه مصیبتی برما وارد گشته وبفرموده حضرت عبدالبهاء جل ثنائه چه ابدع جوهره فریده عصماء ودر قیمتی را از دست داده ایم غصن مبارک ونور ظالعی که ازفجر هدی بعداز حضرت مولی الوری لائح ومضئی گشت وبر حسب نبوات مبارکش آفاق جهان را الی ممرالدهور والاعصار متلئلاء فرمود .....

آه آه عما قضی وامضی ... آن طلعت ربانی و ودیعه الهی اگرچه برحسب ظاهر بقلم معجز شیم سرالله الاعظم حضرت عبدالبهاء در الواح مبارک وصایا منصوص گردیده بود ولی در خزینه علم الهی از هزاران هزارسال قبل بل از اول لااول له درصدف سر مستور بود و مقدر و محتوم که در میقات معلوم این لوء لوء لالا باقتضای حکمت الهی نور افشانی فرماید و برحسب نبوات اشعیاء " یکون نورالقمر کنورالشمس " چنانچه حضرت مولی الوری جل ثنائه نیز مدتها قبل از صعود در لوحی بافتخار سه نفر از احبای عزیز ایران که درخصوص مرجع اهل بها بعداز صعود سئوال نموده بودند این معنی را صریحا اخبار فرمودند قوله الاحلی " ... ان هذا السر مصون فی صدف الامر مختوم کاللوء لوء المکنون و سیلوح انواره ویشرق آثاره و یظهر اسراره ..." نزول الواح مبارکه وصایا در اظلم ایام حضرت مولی الوری و دوره قلعه بندی وهیئت تفتیشیه که درآن ایام ولی امر محبوب جمال قدم سنین طفولیت را طی میفرمود گواه صادق براین مقال است قوله الاحلی " ... ای یاران عزیز الان من درخطری عظیم و امید ساعتی از حیات مفقود و ناچار بتحریر این ورقه پرداختم حفظا لامرالله وصیانة لدینه " که اگر حضرت عبدالبهاء قصد عروج بملاء اعلی فرموده بود ولی امر نازنین الهی ظاهرا هم از همان اوان صباوت حامل امانت الهیه بودند امانتی که بر وفق آیه کریمه " انا عرضنا الامانه علی السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها "..." در راس پاکت محتوی الواح مبارکه وصایا این جمله بخط مبارک مرکز میثاق بها مرقوم گردیده :

" امانت غصن ممتاز شوقی افندی علیه بهاء الله الابهی "

دوستان عزیز مولای محبوبی را که ازدست داده ایم و در مصیبتش الی الابد تا ظهور آتیه اب آسمانی جمال اقدس ابهی جل جلاله درسوز و گدازیم وقلوب محترقه مجروح ما جز درپرتو عنایات والطاف جمال قدم وقیام برخدمت وعبودیت وتحصیل رضای ولی امرعزیزش التیام نخواهد

ای یاران باوفای عبدالبهآ، باید فرع دو شجره مبارکه و ثمره دو سدره رحمانیه شوقی افندی را نهایت
مواظبت نمائید که غبار کدورتی بر خاطر نورانیش ننشیند و روز بروز فرح و سرور و روحانیتش
زیاده گردد تا شجره بارور شود زیرا اوست ولی امرالله بعد از عبدالبهآ، و جمیع افنان و ایادی و احبای
الهی باید اطاعت او نمایند و توجه باو کنند من عصا امره فقد عصا الله و من اعرض عنه اعرض عن الله
و من انکره فقد انکر الحق این کلمات را مبادا کسی تأویل نماید و مانند بعد از صعود هر ناقض ناکثی بهانه
کند و علم مخالفت برافراز د و خود رائی کند و باب اجتهاد باز نماید نفسی را حق رائی و اعتقاد مخصوصی نه
باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عدا هما کل مخالف فی ضلال مبین علیکم بهآء الابهی

عبدالبهآء عباس

یافت . شوقی عبدالبهاء ونور بصر عبدالبهاء بود ودرخاندان مبارك سبب فرح وسرور و — انتعاش حضرت عبدالبهاء درالواح مقدسه منیعه آن مولای محبوب را به ای شوقی — شوقیا ای شوقی حق — ای شوقی من — ای شوقی عزیز خطاب میفرمودند : شوقی عبدالبهاء ارواح المشتاقین للقائه الفدا ازبدو طفولیت درعالم دیگر بود ودرجهان دیگر سیرمیفرمود درلوحی از الواح صادر ازیراعه میثاق این بیانات مبارکه نازل : " شوقیا آنچه نگاشتی وراز — درون داشتی معلوم ومشهودگردید مضمون مشحون توجه بملکوت رب الایات بود ومعانی تضرع بدرگاه الهی ازجمال قدم امید چنین است که ترا آیات تبتل وابتهال فرماید وچنان منقطع و منجذب و ملتهب نمایدکه درآستان مقدس موفق بعبودیت گردی " و همچنین : " ای شوقی حق از قرار تحریرات ارض مقصود درپناه حق مصون و محفوظید واین سبب سروراست از الطاف جمال مبارك امیدوارم که از نسیم گلشن عنایت همواره دراهتزاز باشی " . باری این طفل مبارك در حصن رعایت وحمایت حضرت عبدالبهاء نشو و نمامیفرمود . درایام خردسالی هنوز چند سال از سنین مبارکش نگذشته بودکه درعالم رؤیا شبی حضرت رب اعلی ارواحنا لرشحات دمه الاطهر فدا را زیارت نمودکه صدرمبارکشان هدف هزاران رصاص اهل ضغینه و بغضا گشته و بمظلومیت کبری جام شهادت قبول فرموده اند .

مشاهده این حال خاطر نورانی وجود مبارك را بسیار متالم نمودهای های صدای گریه و فغان از نهاد طفل عزیز الهی برخاست وآرزو فرمود در مصیبات آن حضرت سهیم گردد .

مرکز میثاق بها حضرت مولی الوری درغرفه مجاور درآن نیمه شب صدای گریه ونالهٔ نور دیده خویش راکه بهیچوجه خاطر مقدسشان رضا نمیداد آزرده شود ودر الواح مبارکه وصایا وصیت فرمودند " باید فرع دوشجره مبارکه وثمره دوسدره رحمانیه شوقی افندی را — نهایت مواظبت نمائید که غبارکدرو حزنی برخاطر نورانیش ننشیند " استماع فرمودند شوقی عزیز خویش را طلبیده درداامان مبارك نوازش وتلطف فرموده سبب گریه وفغان استفسارفرمودند و بمناسبت آن رویا این لوح امنع اعلی از کلك اطهر حضرت عبدالبهاء عز نزول یافت .

هوالله — شوقی من این خواب بسیار خوب است مطمئن باش تشرف بحضور حضرت اعلی روحی له الفدا دلیل تفیض از حضرت کبریا و حصول مواهب کبری و عنایت عظمی است و همچنین باقی رؤیا امیدوارم که مظهر الطاف جمال ابهی گردی و روز بروز بر ایمان و ایقان وعرفان بیفزائی شب تبتل وتضرع و مناجات کنی و روز آنچه لازم است مجری داری ع ع " .

از آن پس در ایام صباوت هم از آنجا که آن مولای بیهمتا در جمیع شئون ممتاز بودند حضرت مولی الوری آن حضرت را بین اطفال عائله بلقب " ربانی " سمی طلعت علی اعلی ممتاز و مخصص فرمودند .

نامه‌ای از جناب دکتر لطف‌الله حکیم

جناب دکتر لطف‌الله حکیم علیه بهاء الله منشی محترم شورای بین المللی بهائی بنابا ستدعای هیئت تحریریه آهنگ بدیع شرحی حاوی خاطرات خویش از ایام اخیره حیات مبارک حضرت مولی الوری ودوره ولایت حضرت ولی محبوب امرالله مرقوم وارسال فرموده اند که قسمتهائی از آن ذیلا بنظر خوانندگان محترم میرسد .

IIIIIIIIII IIIIIIII

دریکی از روزهای فرخنده وساعتی بس فرخنده تر دریکی از خانه های معمولی عکا ازضیاء خانم بزرگترین صبیه حضرت عبدالبهاء و آقامیرزاهادی افنان وجود عالی قدر و ممتازی قدم بعرصه حیات گذاشت وبنام شوقی افندی نامیده شد .

خانه مذکور روبروی دریای مدیترانه وجنب قشله واقع شده و اکنون آن عمارت مدرسه پرستاری‌است . ایشان سالهای صباوت خودرا دردامان مادر وحضرت مولی الوری گذراندند وبعدازسنین دوسه سالگی اغلب دربیت عبود خدمت حضرت عبدالبهاء بوده ونزد ایشان بسر می بردند چون فوق‌العاده مورد توجه حضرت عبدالبهاء بودند و درسن مخصوصی که همه مدرسه میروند ایشان هم‌روانه دبستان شدند ولی درحقیقت شاگرد مکتب‌حضرت عبدالبهاء بودند چون شخصا مرتب مراقبت کامل بدروس ایشان میفرمودند بعدابنا بامر حضرت مولی الوری برای ادامه تحصیل عازم بیروت شدند ابتدا درمدرسه ژزوئیت های (Jesuits) فرانسوی وسپس درکالج امریکائی بتحصیل پرداختند درمواقع تعطیلی بحیفانزد حضرت‌عبدالبهاء تشریف میآوردند یک موقع پس از مراجعت به بیروت عریضه ای بحضور حضرت‌عبدالبهاء بدین مضمون مرقوم میفرمایند :

ایهاالمولی الکریم ـ بعد اداء فرائض الشکر والثناء وتقدیم واجبات العبودیته والفناء لمحضرك المبارك و بث مافی الجنان من الوله والانین من توجهاتك القدیمه والطافك الخفیه اعرض لموطئی قدمیك یا مولای باننا وصلنا الکلیه بسرور و سلامه محفوظین و نحن فی الطریق من البر والبحر آمنین سالمین فی کنف رعایته وحمایته وقد باشرت بالدروس مکبا علیها مهتما فیها باذلا الجهد الجهید فی اکتساب ما ینفعنی و یوهلنی و یساعدنی بالخدمه الامر فی مستقبل الایام ... رفیقك الفقیر وعبدك الحقیر .

شوقی

در سنه ۱۹۱۲ احبای امریك وقتیکه اطلاع پیدا کردند سرکار آقا بامریکا تشریف میبرند خیلی اصرار داشتند که حضرت سرالله الاکرم با کشتی (تی تانیك) که بزرگترین ومکمل ترین کشتی بود وتازه بآب انداخته شده بود تشریف ببرند ولی حضرت مولی الوری قبول نفرمودند آن کشتی جمعیت زیادی از بزرگان ونویسندگان واشخاص مشهور را میبرد هرچه احبای آمریك اصراربیشتر کردند بیشتر رد فرمودند بالاخره با کشتی سیدریك SIDRIC تشریف بردند بنا بود که حضرت شوقی افندی هم درخدمت مبارك بروند ولی بواسطه توطئه یکی از ملتزمین که قبلا دکتر و کاپیتن کشتی سیدریك را دیده بود آنها از مسافرت حضرتش جلوگیری کردند لذا حضرت شوقی افندی بارض اقدس مراجعت فرمودند .

حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فداه با ملتزمین رکاب با کشتی سیدریك بامریکا مسافرت فرمودند دروسط دریا شنیدند که کشتی (تی تانیك) درحین عبور دردریا با کوه یخ برخورد میکند وازوسط دونیم میشود و جمعیتزیادی نیز غرق میشوند .

هیکل مبارك حضرت عبدالبهاء درنوامبر از آمریکا بلندن تشریف آوردند این سفر دوم ـ مبارك بودکه بانگلستان تشریف می آوردند درهر دوسفر این عبد در رکاب مبارك بودم بعد از انگلستان بفرانسه وازآنجا بارض اقدس تشریف بردند وسپس جنگ جهانی شروع شد .

پس از جنگ درسنه ۱۹۱۸ این عبد ازلندن بارض اقدس احضار گردید درآن موقع حضرت شوقی افندی حضورحضرت عبدالبهاء مشغول نوشتن الواح منزله وجواب عرایض اشخاص بر حسب دستور مبارك وخلاصه کردن مکاتیب بودند حضرت شوقی افندی یك تاریخ یومیه ای هم به انگلیسی باسم احمد مرقوم فرموده اند . در آن ایام جمعیت زیادی از احباء ازاطراف و اکناف دنیا آمده ومشرف میشدند هیکل مبارك حضرت شوقی افندی هم کاملا مشغول کارهای مبارك بودند شبانه روز کارمیکردند بطوریکه پس ازچندی بکلی ازشدت کارخسته شدند بحدیکه سر کارآقاامر فرمودندکه برای ایشان ویزا بگیرم تا باتفاق یکی ازدامادهای مبارك چندی دراروپا استراحت کنند بعد از چندی بنده راحضار کردند و فرمودند میخواهم شما درخدمت شوقی افندی بروید ،

درآن ایام کلیه کارهای مربوط بمسافرین در دست این عبد بود برای تهیه ویزا بنا به راهنمائی اداره ویزا بقاهره رفتم تا ازقاهره به لندن مخابره کنند این بهترین وسریعترین راه بود درغیر این صورت میبایستی درحیفاتقریب یکماه منتظر بمانم وقتیکه بقاهره رسیدم احبا همه تعجب کردندکه باوجودآنهمه کارکه درحیفا داشتم چطور همه را رهاکرده بقاهره آمدم بخصوص که آنها هم تصور میکردند که باید مدتی درقاهره

برای تهیه ویزا بمانم . فردای آنروز باتفاق یکی از احباء یاداره گذرنامه رفتم جمعیت باندازه ای بود که برای گرفتن نمره هم نمیشد جلوی گیشه رفت بطرف اطاق رئیس اداره رفتم کارتم را به پیشخدمت اطاق دادم گفتم میخواهم ایشان را ببینم بعد ازچند دقیقه ای خارج شد ومرا باطاق رئیس راهنمائی کرد وقتی دانست که برای ویزا آمده ام گفت اقلا بایستی دوهفته صبر کنید تا ازلندن جواب برسد گفتم خیلی خوب ولی اگر اتفاقی برای مریض من پیش آمد شما مسئول خواهید بود تعجب کرد و گفت مریض شما کیست ؟ گفتم من از طرف Sir Abdul Baha Abbas آمده ام ومریض هم نوه ایشان است اظهار نمود چرا زودترنگفتید تذکره را فورا ویزا کرد و داد خواست خداحافظی کند گفتم من برای مراجعت هم ویزا میخواهم ویزای مراجعت را هم گرفتم وقتی خارج شدم مشایعتم کرد همه تعجب کردند که این شخص که بود که رئیس اینطور باو احترام گذارد فورا حضور مبارک تلگراف کردم تلغراف فرمودند بلیط کشتی بگیرم پس ازتهیه بلیط تلگراف عرض کردم و حضرت شوقی افندی باسکندریه تشریف آوردند درخدمت ایشان وجمعی ازاحباء عکسی برداشته شد سپس درخدمت حضرت شوقی باکشتی (هلون Heloon) عازم Brendizi برندیزی شدیم وازآنجابا راه آهن بپاریس رفتیم هیکل مبارک برای رفع خستگی در Moison de Sante de Nuie (نام مرکز بهداشتی) ماندند واین عبد برای انجام کارهائیکه داشتم بلندن رفتم در مراجعت نیز حضرت شوقی افندی را مجددا ملاقات کردم سپس بحیفا رفتم ایشان بعداز مدتی به آکسفورد تشریف بردند . دو هفته بعد ازورود ایشان بکالج کارتی بمن بانگلیسی مرقوم میفرمایند که خلاصه اش اینست . . . قریب دو هفته است که باین کالج آمده ام کالجی که بزرگانی از آن بیرون آمده اند امیدوارم درآینده بتوانم بآنچه میل مبارک است موفق شوم وخدمت کنم .

حضرت شوقی افندی هنوز درآکسفورد لندن تشریف داشتند که صعود واقع میشود من دومین شخصی بودم که ببالین مبارک رسیدم — اول دکتر کروک ودوم من چون هردونفرجنب بیت مبارک در مسافرخانه غربی منزل داشتیم حضرت خانم (حضرت ورقه مبارکه علیا) تلغرافات عدیده ای باحبای دنیا منجمله بلندن به مستر تودریول Tudor Pole مخابره فرمودند منشی ایشان پاکت را بازکرده و متن تلگراف را روی میز میگذارد تا ایشان تشریف بیاورند در این حین حضرت شوقی افندی از آکسفورد یکسربلندن تشریف آورده وبمنزل مستر تودریول وارد میشوند تا ببینند ازحیفا چه خبر دارند منشی ایشان را باطاق مستر تودریول راهنمائی میکند تامستر بیاید در اطاق چشمان مبارک بمتن تلغراف از حیفا میافتد میخوانند می بینند خبر صعود است (قد صعد الی ملکوت الابهی حضرت عبدالبهاء . ورقه علیا)

دیگر مسلوم است چه حالی پیدا میکنند مستر تودریول وقتی میآید واین حال را می بیند و از موضوع تلغراف اطلاع حاصل میکند فورا باحبا تلفن میکند احباء حضرت را بمنزل میس گرند Miss. Grand میبرند دکتراسلمنت هم بلندن وارد میشود و وسایل فراهم میکنند حضرت شوقی افندی باتفاق لیدی بلافیلد در اواسط دسامبر با ترن وارد حیفا میشوند جمعی از احباء در استاسیون بودند هنگامیکه از ترن پیاده شدند طوری باحباء الله ابهی گفتند که

همه دلشان ریش ریش شد هیکل اطهر بمنزل — نزد ورقه علیا تشریف بردند سایر مسافرین هم بعدا حضور یافتند .

پس از چندی یك روز هیکل مبارك ۹ نفررا — احضار فرمودند هفت نفراز آنها ازعائله مبارك بودند دو نفردیگر هم یکی میرزایوسف خان — ثابت وجدانی ودیگری هم بنده بودم آنوقت اصل الواح وصایا را عنایت فرمودندکه تلاوت شود میرزا یوسف خان از اول تا آخرتلاوت نمود ۹ ورق بود — سپس امر فرمودند از روی الواح چند نسخه نوشته شود میرزا یوسف خان — مرقوم فرمودو با اصل مقابله شد خود هیکل مبارك هم بانگلیسی ترجمه وتهیه نمودند روز نهم صعود حضرت ورقه علیاامر فرمودند که احباء بزیارت روضه مبارکه بروند همه باترن بعکا رفتیم واز آنجا پیاده بروضه مبارکه معلوم است روضه مبارکه چه تاثیری در احباب داشت در روز سی ونهم صعود مهمانی مفصلی بناهار درسالن بیت مبارك ازاعضاء دولت و نماینده های سیاسی و نمایندگان مذاهب و بزرگان حیفا ترتیب داده شدو قریب یکصد نفر هم درهمان روز درقسمت پائین عمارت اطعام شدند — چند نفر ازمدعوین پس ازصرف ناهار صحبتی فرمودند وآنوقت تقاضا کردند که هیکل مبارك هم در بین جمع حاضر شده صحبتی بفرمایند . من خدمتشان رفتم ومطلب را عرض کردم فرمودند حالم مساعد نیست نمیتوانم بیایم بعد ازجیبشان کاغذی درآورده و بانگلیسی مطالبی مرقوم فرمودند پیام هیکل مبارك در — جمع فوق العاده موثر واقع شد روز بعدکه روز چهلم صعود مبارك بود همه زائرین ومسافرین که از اطراف آمده بودند در سالن بزرگ — جمع شدند برحسب فرموده مبارك الواح وصایا را میرزا یوسف خان ثابت وجدانی علنا بلند برای همه احباء تلاوت نمودند وپس از آن سواد آن بشرق وغرب عالم فرستاده شد پس ازآن مدت کمی درحیفا بودند سپس امورات را تسلیم حضرت ورقه مبارکه علیا نمودند وتشریف بردند چندان ماهی نبودند وحضرت خانم امورات امر را اداره میفرمودند مکاتیبشان درهمه جامنتشر است تا اینکه حضرت ولی امرالله تشریف آوردند وامورات امریه را بدست گرفتند من قریب یکسال پس از آن از حضور مبارك مرخص شدم و بایران رفتم قریب بیست وپنجسال درطهران مشغول بودم . بغتتا تصمیم گرفتم برای مطالعات طبی بانگلستان بروم درانگلستان هم مشغول مطالعات طبی بودم وهم مشغول خدمات امری تا اینکه هیکل مبارك امر فرمودند تمام اوقاتم را صرف خدمات امری نمایم برحسب دستور محفل مقدس روحانی ملی انگلستان در نقاط مختلف انگلستان مشغول خدمت بودم درحوالی منچستر بودم که تلگرافا این عبد احضار بارض اقدس گردیدم چند روز پس از تشرفم هیکل مبارك فرمودند من میخواهم تو همیشه اینجا بمانی حال بیش ازده سال است که درحیفا هستم سپس

Miss Jessie Revel- Miss Etel Revel

میس جسی رول ومیس اتل رول که ازامریکا خواسته شده بودند وارد شدند پس از چندی مسترلروی آیواس وخانمش بهر یك کارهائی ارجاع فرمودند بمستر آیواس منشی عمومی غربی بمیس جیسی رول کارهای پست وتلگراف وبانکی وغیره بمیس اتل رول کارهای منشی گری غربی وغیره باین عبد هم اموری از قبیل مکاتبات مربوط بشرق راهنمائی مسافرین شرقی وغربی بمحفظه آثار وروضه مبارکه وتصر بهجی و مزرعه باغ رضوان وقشله بر حسب دستور مبارك صبحها جلو درب ورودی باغ مقام اعلی بودم دسته دسته جمعیت را بمقام اعلی میبردم و — زیارت میکردند بعد برمیگشتم دسته دیگر رامیبردم

این کار هر روز ازساعت ۹ صبح الی ۱۲ تکرار میشد روزهای شنبه بکلی درها باز بود وجمعیت داخل باغ میشدند وچند نفری دیگر از دوستان برای محافظت مقام وصحبت کردن با مردم می آمدند .

زائرینی که بقصد زیارت بارض اقدس وارد میشدند بلا فاصله حضور مبارك مشرف میشدند سپس بمسافرخانه جنب مقام اعلی میرفتند عصر ها خانمهای مسافردر معیت اینجانب نزد حضرت امة البهاء (روحیه خانم) تشریف می بردند هیکل مبارك بعد ازظهرهابباغچه های مراقد ودر ایامیکه دارالآثار تمام نشده بود ـ بساختمان دارالاثار سرکشی میفرمودند طرف عصر بملاقات مسافرین میآمدند قریب یکساعت یا بیشتر با مسافرین صحبت میفرمودند و با آنها چای میل میفرمودند سپس باتفاق آنها یك روز مقام حضرت رب اعلی و روزدیگر مقام حضرت عبدالبهاء را زیارت میکردند درهر دو مقام خود هیکل اطهر با آن صوت ملیح منحصر بفرد خود زیارتنامه تلاوت میفرمودند ـ خانمها باتفاق حضرت حرم مشرف میشدند اما مسافرین غربی را فقط سر میز شام در مسافرخانه غربی ملاقات میفرمودند هیکل مبارك خیلی کم غذا میل میفرمودند آنهم درشبانه روز فقط یك وعده کمتر استراحت میفرمودند تقریبا شبانه روز کار میکردند حتی در اواخر ایام حیاتشان تا لحظات آخر بانجام امور مشغول بودند .

# # #

علوم مادیه عالیه
و اطلاعات روحانیه
و خوض وتعمق در الواح
و آثار مبارکه وتعلیم
اسلوب تبلیغ و تاریخ
ادیان و تحصیل کتب
مقدسه از انجیل وتوراه
و قرآن که از مبادی
اساسیه تربیت
اطفال و جوانان
است .

××××××××××××××××××××××××
××××

وحدت کافه بشر
مابه الامتیاز مرحله ای
است که حال هیئت
جامعه بشری بآن نزدیك
است .

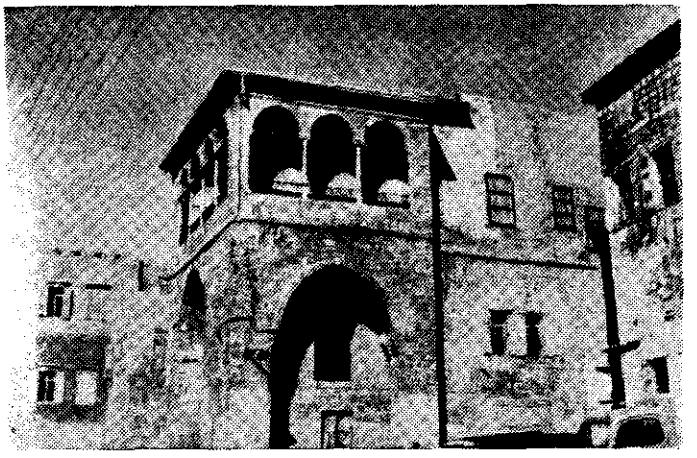

بیـــت عبـــود

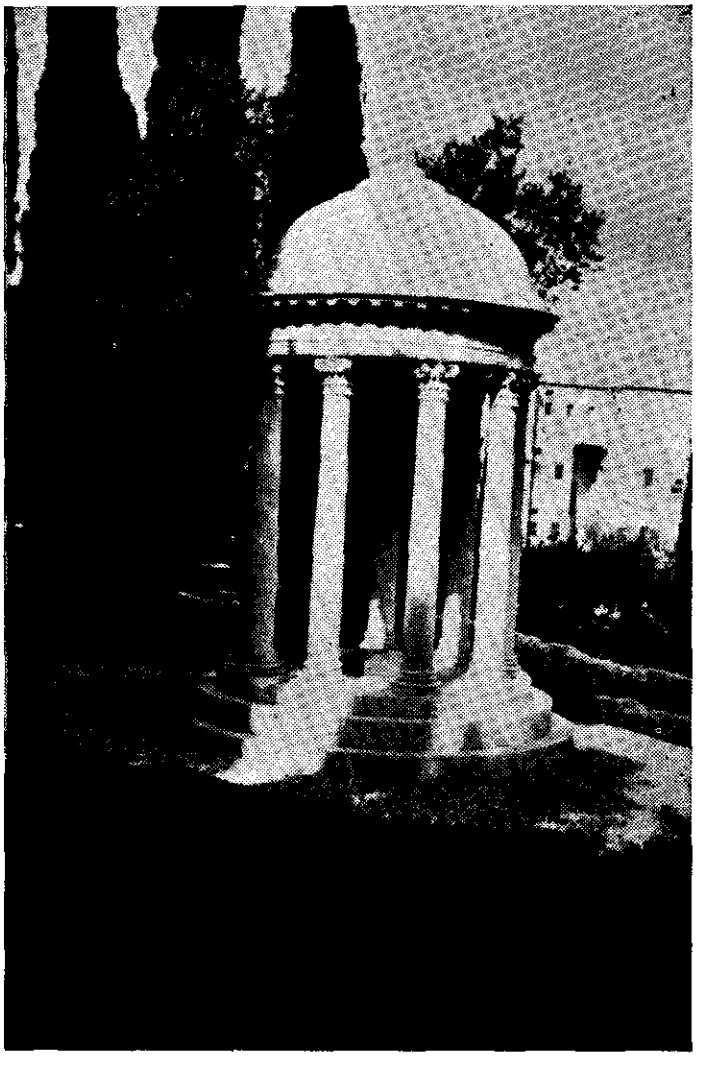

مرقد مطهر حضرت ورقهٔ مبارکهٔ علیـــا

عباس طاهری

بیاد دوست

تجلی آفتاب جلوه از روی دوست
قبله صاحبدلان هلال ابروی دوست
کیفرکران وصل کرد نهان ایدریغ
در پس استار هجرطلعت مینوی دوست
پیک اجل کاشکی درآیدم تا گهر
یابم درلاکسان نشانی از سوی دوست
عوالم غیب را بچشم سر بنگری
کحل بصرکرکنی خاک سرکوی دوست
تا تو بظلمات تن بحبس آز اندری
کجایت آب بقاء دهند ازجوی دوست
جمعی پیر وجوان کنده دل ازخانمان
هر یك سوئی دوان شیفته هوی دوست
زهر براکنده ساخته جمعی بدید
معجزه زلف یار قوت بازوی دوست
شور قیامت فکند میان دلدادگان
موجد یوم النشورقامت دلجوی دوست
زکم وکیف عمل هیچکس آگاه نیست
تا چه بسوزن آورد کف ترازوی دوست
چه سود از سرتو را بملك تن ظاهری
درخم چوگان یار گرنشود گوی دوست
بسروزگار فراق زنده از آنم که هست
سیاه چون چشم یار بریش چون موی دوست

بقلم :دکتر باهر فرقانی

آغاز عقد ثانی قرن دوم بهائی درتاریخ امربا وقایع عظیمه وحوادث خطیره ای مشخص ومتمایز است چه که ازیک طرف باعید مثوی دعوت سری جمال قدم در سجن مصادف میباشد . حضرت ولی مقدس امرالله ارواحنا لرمسه الاطهر الفدا درنوروز فیروز این سنه فرخنده فال باصدور توقیع منیعی انظار قاطبه پیروان امرالله رادراقطارمختلفه عالم باهمیت وعظمت آن سال مقدس که (فاتحه عهد بهی الانوار ثانی نخستین عصردور اول کور مقدس) میباشد معطوف و پس از اشاره به انتشار سریع ومحیرالعقول امرالله دریکصد سال گذشته کلیه این موفقیتها را مقدمه " انعقادکنفرانس های تاریخی چهارگانه بین القارات" که "در پایان این قرن " و "بپاس مواهب وفیوضات صد ساله امرجمال ابهی واجلالاً و تکریماً لامره وانباناً لقدرته " تشکیل میشود دانسته وانعقاد این انجمنهای ارجمند را نیز بنسوبه خود " تمهیدات اولیه جهت افتتاح جهد دکبیر اکبر" مسعرفی فرمودند .

از توقیع منیع مبارک نوروز ۱۱۱ بدیع

«... یا احبّاء الهی، یوم یوم شماست و وقت وقت شما آنچه الیوم لازم و واجب و متناطیس تأیید الهیست قیام جمع غفیری از مؤمنین و مؤمنات از شیخ و شاب و غنی و فقیر و امی و ادیب و سیاه و سفید بر نصرت دین مبین است باید کل کتلهٔ واحده در سنین تسعه باقیه قیامی عاشقانه و ولیه انه نمایند و در بسط غبراء منتشر گردند و بفرموده جمال قدم «قدم انقطاع بر کل من فی الارضین و السموات گذارند و آیتین تقدیس بر کل ما خلق من الماء و الطین برافشانند» و با قلبی فارغ و روحی خفیف و دلی افروخته و عزمی ثابت و قدمی راسخ در اتساع دائره امرالله و انتشار نفحات الله و استحکام اساس شریعة الله و ارتفاع صیت دین الله و ازدیاد عدد پیروان مذهب الله لیلاً و نهاراً همت بگمارند، نعره زنان و یا بهاء الابهی گویان بسوی اقالیم غیر مفتوحه و مراکز جدید التأسیس بشتابند و بتأسیس مراکز منفرده که بمنزله نقاطند متوکلاً علی الله مبادرت نمایند و این مراکز منفرده را بأسرع ما یمکن در نتیجه تبلیغ و هدایت نفوس قولاً و عملاً بجماعات که بمنزله حروفاتند مبدل نمایند و جماعات را متعاقباً بمحافل محلیه که بمثابه کلماتند تا مانند تبدیل و

و در از دیاد این محافل روحانیه محلیه در ممالک مختلفه متحده یا همت بگمارند تا وسائل انتقاد انجمن های شور
روحانی متدرجاً بکمال متانت فراهم گردد و محافل ملی روحانی که مبنیه آیات بینات تشکیل گردد
و ارکان دیوان عدل الهی مرتباً منصوب شود و بر این ارکان قبه تبیان الهی که بیت عدل اعظم و بمثابه
کتاب مبین است مرتفع گردد و مؤسسات نظم بدیع الهی باین تاج مغفرت عظمی متوج گردد و در دامنه کرم آلهی
جبل الرب در مقر معین استقرار یابد.»

مولای بیهمتای اهل بهاء دراین صحیفه نورا بشارت افتتاح نقشه دهساله را به کلیه احباء الله وپیروان امرحضرت بهاء الله در سراسر عالم ابلاغ و جمهور مومنین را رجالا و نساء وصغیرا وکبیرا به شرکت دراین جهاد کبیر اکبر روحانی دعوت وآنان رابه نزول کتائب تائید و فیالق توفیق مستبشروامید وارفر مودند

جهادی که آغاز آن (جشن صدمین سال دعوت خفی جمال قدم درسجن اکبر مظلم و پایانش توام با عید مثوی دعوت جهری آن محبوب عالم وموعود امم دررضوان اعظم) و(امتدادش ده سال) نطاقش اقطار واشطاردرسراسر جهان) ــ (مصدرو منبع اصلی ومحرك حقیقی اش اراده غالبه نافذه جمال قدم وفیوضات لا ریبیه مبشر اسم اعظم) ــ (سالار اعظمش غصن اعظم بهاء) و (فوادش امنای محافل مرکزی بهائیان درقارات خمسه) میباشد .

جهادی که (پس ازوقایع جاودان عصر رسولی مطالع انوار اعظم مشروع عمومی درتاریخ امرالله بشمار میرود) و (ازحیث وسعت میدان عمل وظهور قوای مکنونه درتاریخ روحانی عالم بشری بی نظیر وعدیل است) نقشه ای که (سومین وآخرین نقشه مرحله اولی در سبیل اجرای فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء است) و بالاخره جهادی که (مقصد اصلیش درمقام اول توسعه و تقویت موسسات امریه در مرکز جهانی عالم بهائی در ارض اقدس و درمقام ثانی ایجادوسایل فعاله جهت تقویت جامعه پیروان امرالهی در دوازده مملکت از ممالك شرقیه وغربیه که مراکز اداری جهت تنفیذ نقشه های تبلیغی ملی خواهند بود . ودرمقام ثالث استحکام اساس امر در یکصدهجده مملکت از ممالك مستظله در ظل امرالهی ودرمقام رابع فتح ممالك واقالیم تابعه وجزائر مهمه که عددش به یکصد وسی ویك (۱۳۱) بالغ وتا بحال درظل امرالله ــ وارد نگشته) میباشد .

حضرت ولی امرالله دراین منشور آسمانی اهداف عالیه این نقشه جلیله رابه تفصیل تشریح فرموده اند که خلاصه آنها بقرار ذیل است :

۱ ــ اتخاذ تمهیدات اولیه برای تشییدروضه مبارکه حضرت بهاء الله در ارض اقدس .

۲ ــ مضاعفه عدد اقالیم که درظل امرالهی وارد گشته وشامل فتح ٤١ اقلیم درآسیا ٣٣ درافریقا ــ ٣٠ درآسیا و ٢٧ در امریکا است .

٣ ــ ازدیادعدد لغاتی که آثار امریه بآن ترجمه وطبع شده ویادردست ترجمه است به بیش ازدو برابر : (٤٠لغت درآسیا ٣١ درافریقا ــ ١٠در اروپا ــ ١٠درامریکا)

٤ ــ استحکام اساس امرالله در ١١٨ اقلیم از اقالیم عالم که درظل امرالله واردگشته : (٢٩ درامریکا ــ ٤١درآسیا ــ ٢٢ دراروپا ٢٤ درافریقا ــ ٢ دراسترالیا)

٥ ــ مضاعفه عدد مشارق اذکار که مستلزم اقدام بساختمان دومعبدیکی درآسیاودیگری دراروپا است .

٦ ــ تعیین محل وابتیاع اراضی جهت تاسیس مشرق‌الاذکار آینده جبل کرمل .

٧ ــ ابتیاع اراضی جهت تاسیس یازده مشرق الاذکار : (٣ در امریکا ــ ٣ در افریقا ــ ٢ درآسیا ــ ٢ دراروپا ــ ١ در استرالیا)

٨ ــ بنای اولین موسسه از ملحقات مشرق الاذکار ویلمت .

٩ ــ تعیین وظایف واتساع دائره اقدامات وخدمات ایادی‌امرالله در سراسرعالم بهائی .

۱۰ ــ تاسیس محکمه بهائی در ارض اقدس که مقدمه انتخاب و تشکیل بیت العدل اعظم خواهد بود .
۱۱ ــ تنظیم وتدوین حدود واحکام کتاب مقدس اقدس .
۱۲ ــ تاسیس ۶ محکمه ملی بهائی در اعظم مدن ممالك اسلامیه (طهران ــ قاهره ــ بغداد ــ دهلی جدید ــ کراچی ــ کابل)
۱۳ ــ اتساع دائره موقوفات بین‌المللی بهائی در مرج عکاو دامنه جبل کرمل در ارض اقدس .
۱۴ ــ بنای محفظه آثار بین المللی درجوار مقام اعلی .
۱۵ ــ بنای مرقد حرم حضرت نقطه اولی در شیراز .
۱۶ ــ تعیین مدفن والد حضرت بهاء الله و ام نقطه اولی و ابن خال آنحضرت وانتقال رمس آنان بگلستان جاوید بهائیان درجوار بیت اعظم .
۱۷ ــ تملك باغ رضوان در بغداد و ابتیاع محل سیاه چال در طهران ومشهد نقطه اولی در تبریز و محبس آن حضرت در چهریق .
۱۸ ــ تزئید محافل ملیه به بیش ازچهار برابر (۲۱ محفل جدید در امریکا ــ ۱۳ محفل در اروپا ۱۰ در آسیا ــ ۳ در افریقا و ۱ در استرالیا)
۱۹ ــ تزئید تعداد حظائرقدس ملی به هفت برابر که مستلزم تاسیس حظائرقدس جدید بشرح ذیل میباشد : (۲۱ در امریکا ــ ۱۵ در اروپا ۹ در آسیا ــ ۳ در افریقا ــ ۱ در زلاند جدید)
۲۰ ــ تدوین قانون اساسی ملی بهائی وتاسیس موقوفات ملی در هریك از عواصم و بلاد ممالك مستقله واقالیم تابعه مذکوره در فوق .
۲۱ ــ تزئید عدد محافل مرکزی روحانی که تا بحال رسماتسجیل گشته به بیش از پنج برابر بشرح ذیل : (۲۱ محفل در امریکا ــ ۱۳ در اروپا ۱۲ در آسیا ــ ۳ در افریقا ــ ۱ در استرالیا)
۲۲ ــ تاسیس شش موسسه مطبوعات ملی بهائی بقرار ذیل : (۲ در امریکا ــ ۲ در آسیا ــ ۱ در افریقا و ۱ در اروپا)
۲۳ ــ اشتراك اماء الرحمن ایران درعضویت محافل روحانی ملی ومحلی .
۲۴ ــ تاسیس شعبه های محافل ملی ایران ــ عراق ــ بریتانیا ــ استرالیا ــ آلمان و کندا در ارض اقدس .
۲۵ ــ تاسیس مطبعه ملی بهائی درطهران .
۲۶ ــ تحکیم روابط بین‌جامعه بین‌المللی بهائی و هیئت امم متحده .
۲۷ ــ درصورت امکان انضمام ۱۱ جمهوریت شوروی ودوکشورتحت نفوذ آن در اروپا در ظل امر .
۲۸ ــ انعقاد کنگره بهائی جهانی درجوار باغ رضوان مقارن عید مئوی اظهارامر علنی حضرت بهاء الله .

این جهاد بفرموده حضرت ولی امرالله (مقدمه تاسیس واستحکام نظم بدیع الهی واقامه ارکان دیوان عدل الهی درجمیع ممالك وبلدان عالم است) و حسب الاراده هیکل مبارك (کلیه این اهداف بعون الله تعالی بانعقاد کنگره جهانی بهائی درجوار باغ رضوان که ثالث الحرمین عالم بهائی است ومناسبت جشن اعظم مقارن باصدمین سال دعوت جهری حضرات قدم گرفته میشود منتهی خواهد شد)

صدور فرمان ملکوتی آن مولای عزیزوفرید و افتتاح جهاد کبیر شور ونشورجدیدی در بین یاران عزیز الهی دراقطار مختلفه عالم بیندا خت جمهور احباء ازپیر وبرنا با استماع این ندای احلی : (یوم یوم جهادکبیر اکبراست و زمان زمان تشتت وهجرت ومجاهدت و مبارزت و جانفشانی واستقامت درسبیل امر مالك قدر) کفاح و (وقت قیام وخروج وهجوم و جوش وخروش و تسخیر مدن وفتح اقطار وغلبه برجهان و جهانیان است) کل کتله واحده قیام وهر یك بنحوی خود رادراجرای این نقشه خطیره شریك وسهیم ساختند .

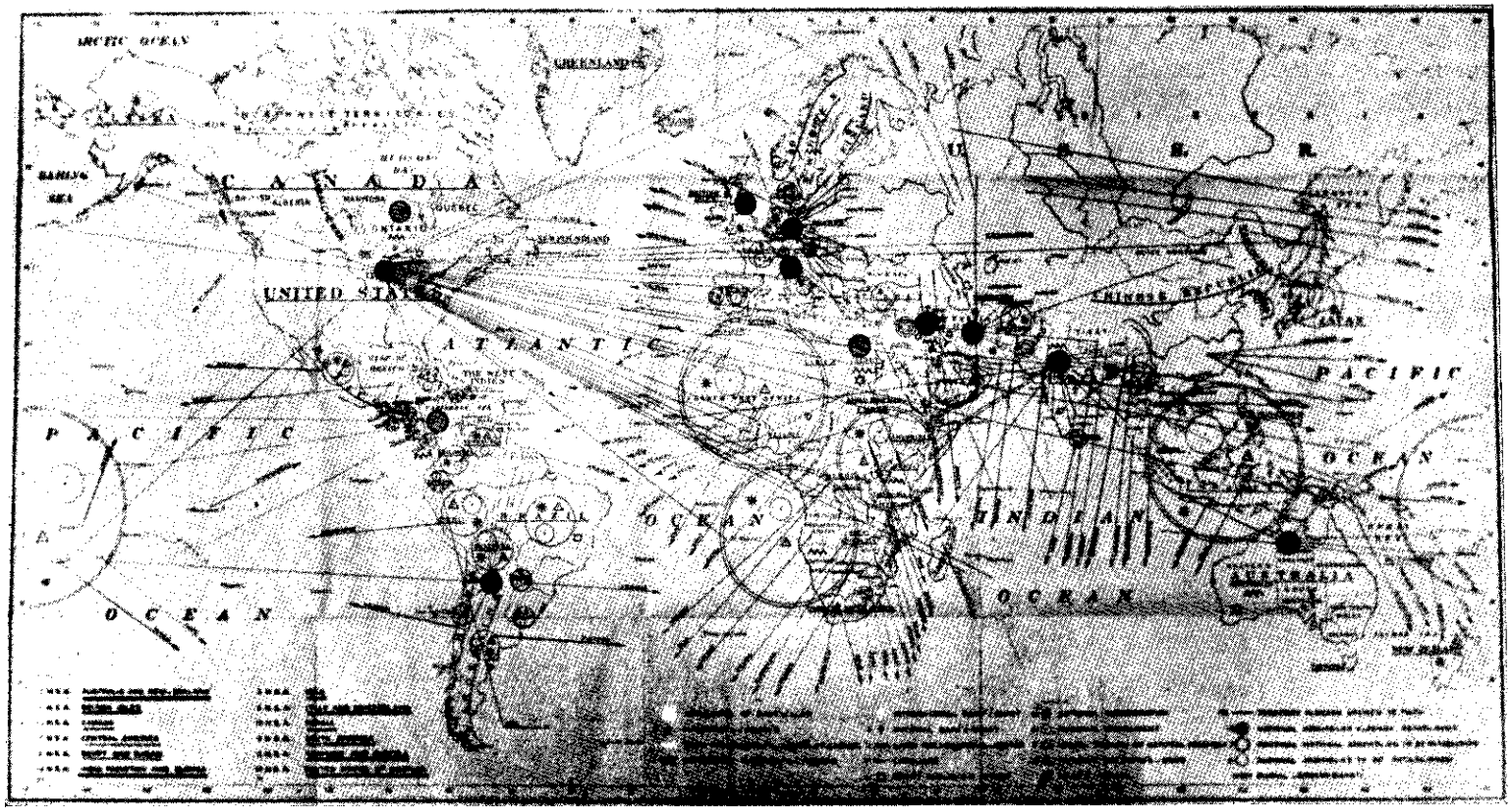
ARCTIC OCEAN
GREENLAND
CANADA
U. S. S. R.
ATLANTIC
OCEAN
PACIFIC
OCEAN
INDIAN
OCEAN
AUSTRALIA

گروهی بقوه توکل بیرون آمده و برد ای‌تقوی مرتدی گشته و برجل استقامت قدم بمیدان — گذاشته وبفتح اقالیم لازمه نائل گشته و نام پرافتخار شان بدست توانای مولای بیهمتا در لوحه طلائی افتخار ترسیم گشت وتابد در جوار روضه مبارکه مخلد و جاویدان خواهد ماند.

هنوزسال اول یعنی مرحله اولای این‌جهاد روحانی پایان نیافته بودکه بقوه نافذه کلمته الله و بهمت وفداکاری باسلان دلیرامرالله اهداف عالیه نقشه عظیمه یکی پس ازدیگری از حیز آمال بعرصه انجام قدم نهاد.

ندای امرالله در ۹۱ اقلیم‌ازاقالیم جدیده در شرق وغرب وجنوب وشمال عالم مرتفع وبدین ترتیب عدد اقالیم مفتوحه جمعا به ۲۱۹وعدد مراکز امریه به بیش از ۲۵۰۰ بالغ گردید. جشن اکبر بمناسبت سال مقدس برپاگشت و — انجمنهای اربعه بین‌القارات یکی بعدازدیگری در کانادا — ویلمت — استکهلم ودهلی‌جدید تشکیل گردیدو مجموعا ۳۴۰۰ نفراز یاران از ۸۰ اقلیم از اقالیم مختلفه ونژادهای متنوعه درآنها شرکت نمودند.

بدین ترتیب مرحله اولای این جهادکبیر جهانی که بشهادت هیکل مبارک (تابدبا خاطره ابلاغ پیام حضرت بهاء الله به صد اقلیم از اقالیم کره ارض قرین خواهد بود) بکمال موفقیت پایان پذیرفت. موفقیتی که (شبه‌آن نه درعهود ثلاثه‌عصر رسولی ونه در نخستین عهدعصرتکوین مشاهده گشته).

مرحله ثانی نیز که امتداد شش‌دوسال بود (۱۹۵۶ — ۱۹۵۴) و (متضمن ابتیاع وتملک عده‌کثیری از حظائر قدس ملی وتاسیس‌موقوفات ملی بهائی درممالک مستقله) بودبا فتح و ظفر بی نظیر اختتام پذیرفت.

مرحله ثالث که مدت آن بامدت مرحله قبل برابر (۱۹۶۳ — ۱۹۵۶) و بفرموده مبارک (دراثر ازدیادفوق العاده مراکز بهائی وتشکیل شانزده محفل روحانی ناحیه‌ای وملی‌خاطره آن همواره محفوظ خواهد ماند) نیز باکلیل پیروزی مکلل گردید.

مرحله‌چهارم که‌از نیمه‌راه این جهاد اکبر آغاز گردیده حسب‌الاراده مولای مهربان (بسبب ازدیادبیسابقه‌عدد حامیان مخلص امر اعظم درکلیه‌قطعات کره‌ارض) و (ازدیاد بیسابقه عدد مراکز امری) مخلد و جاودان — خواهد بود. مشیت الهی براین قرار گرفته بود که‌آغاز مرحله چهارم این جهادخطیر جهانی باواقعه هائله‌صعودیگانه‌غصن ممتاز — مولای بنده نواز حضرت ولی‌امرالله ارواحنا لتراب مرقده الفدا مصادف گردد واقعه‌ای که پس ازصعود حضرت مولی‌الوری بزرگترین مصیبت برای عالم بهائی محسوب میشود. ناگفته‌پیدا است که‌حدوث این حادثه مسلمه چگونه آتش حرمان درقلوب پیروان باوفایش بینداخت ولی آن مولای فریدو وحیددعائم وارکان موسسات و تشکیلات نظم بدیع‌جنینی حضرت بهاء الله را چنان استوار بنیادفرموده‌بود که با وجود حدوث این رزیه عظمی‌و بلیه کبری نه تنهاامرالهی از تقدم وانتشار بازنماندبلکه اشد از قبل بتوسعه و نفوذ خود دراقطار و اشطار عالم ادامه‌داد. اهداف نقشه‌بسرعت بتحقق پیوست اقالیم جدیده فتح گردید. مراکز بدیعه تاسیس شد — موقوفات ملی وبین المللی توسیع یافت — عدد محافل روحانیه ملیه‌که ارکان واعمده بیت عدل اعظم الهی می باشند افزوده‌گشت ومطبوعات ونشریات امریه به بیش از لغاتی که‌در نقشه مصرح بود ترجمه گردید.

درحال حاضر که یک ربع از مدت این

جهادکبیر مانده قسمت اعظم از اهداف نقشه انجام پذیرفته تعداد اقالیم مفتوحه به ۲۵۶ و مراکز امریه به ۸۰۰ بالغ شده ــ عدد محافل ملی وناحیه ای به ۳۱ رسیده ومطبوعات ونشریات امری به ۲۶۸ لغت ازلغات مختلفه عالم ترجمه گردیده است . امیدواثق داریم که در ربع باقیمانده نیز بقیه اهداف نقشه بکمال فتح وظفر انجام یافته ونتایج عالیه ای که آن مولای توانا مآلا به انجام آن مقدر فرموده اند بظهور خواهد پیوست قوله الاحلی :

(این جهاد روحانی کبیر اکبر که اکنون در آستانه آن قرار گرفته ایم بر اثر ظهور قوای عظیمه و انعکاسات شدیده اش بر بسیط غبرا سبب ــ حصول وتسریع تحول عظیم وخطیر دیگری خواهد گردید که درنتیجه امرالله را از مراحل کنونی مجهولیت ومقهوریت وانفصال واستقلال که حالیه جامعه های ملی بهائی درسراسرعالم طی مینمایند بعرصه رسمیت وارد خواهد ساخت ودراین مرحله امر حضرت بهاء الله ازطرف اولیای امور بعنوان دیانت رسمی مملکتی شناخته خواهد شد ... واین رسمیت بمرور ایام منجر بتاسیس سلطنت بهائی خواهدگشت. ... واین مرحله مآلا منتهی بتاسیس واستقرار سلطنت جهانی بهائی و جلوه قدرت و سیطره الهی خواهد گردید)

مرداد ماه ۱۳۳۹ طهران

دکتر باهرفرقانی

※ جملات بین الهلالین از توقیعات منیعه حضرت ولی امرالله عینا نقل گردیده است

قسمتی ازبیانات حضرت روحیه خانم در کنفرانس کامپالا : " من قادر نیستم که در اینجا صحبتی بکنم ــ باور کردنی نیست که من در ــ اینجا باشم وهیکل مبارک در حیفا نباشند این کنفرانسها خاطرات بسیار عزیزی درقلب هیکل مبارک داشت مایلم دوستان افریقا بدانند که هیکل مبارک چقدر رنج میبردند ــ آنفلوآنزا باعث صعود مبارک نشد بلکه رنج وتعبی که بر قلب مبارک وارد شد قلب مبارک را از کار انداخت هیکل مبارک مثل شمع سوختند و دنیا را روشن کردند بتنهائی نقل امور را بعهده گرفتند الان در حیفا نه (۹) نفر ایادی هستیم ولی واقعا در یکهفته قادر به انجام کار هیکل مبارک که در یکروز انجام میدادند نیستیم ".

++++++++++++++++++++++++++++++++

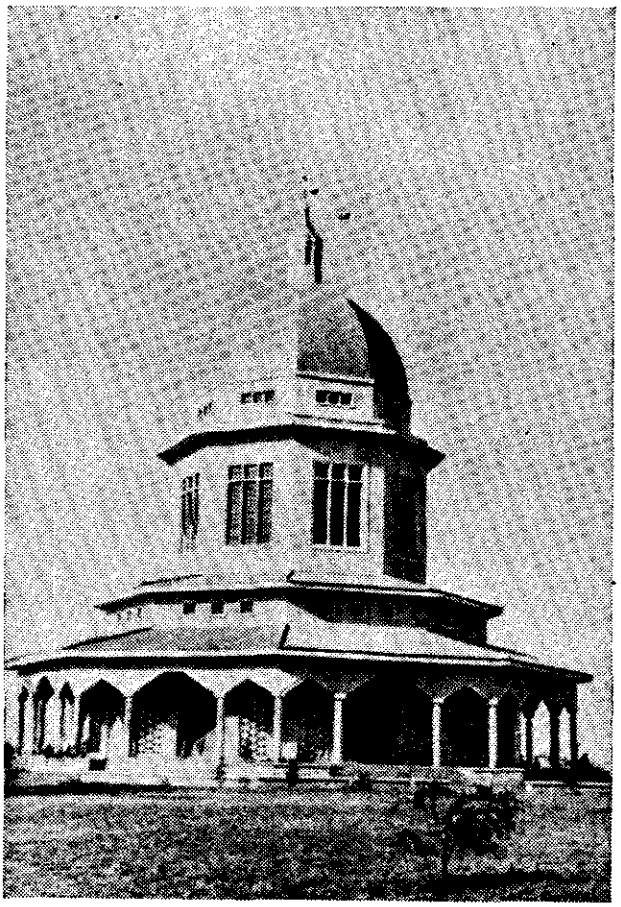

ام المعابد افريقيا واقع در كامپالا

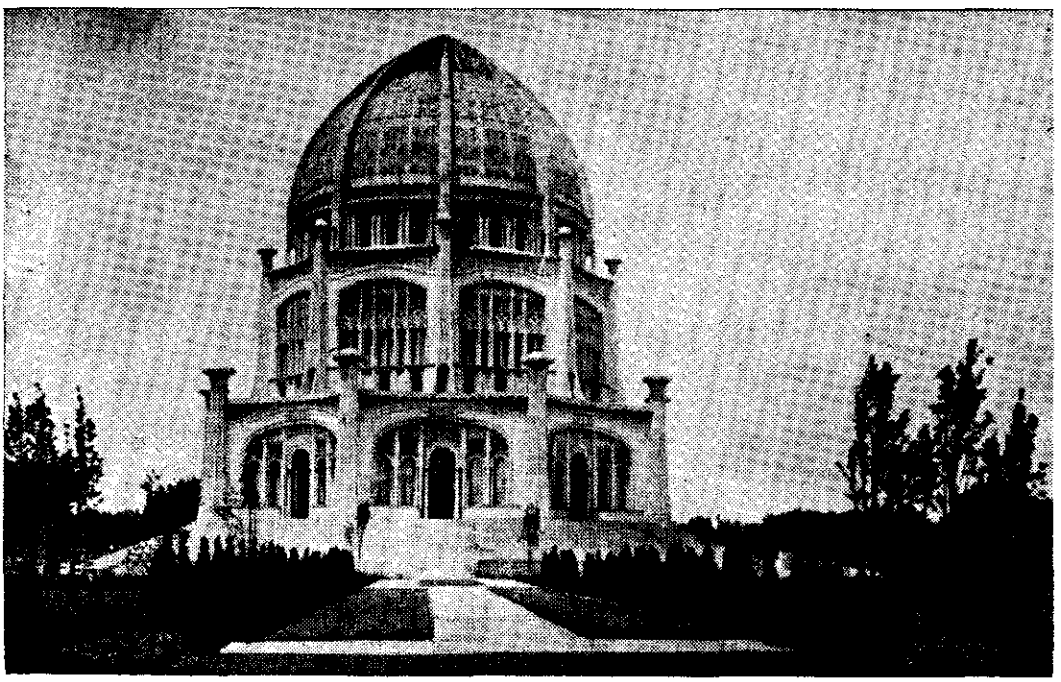

ام المعابد غرب ـ شيكاغو (امريكا)

آخرین توقیع مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه

مورخ اکتبر ۱۹۵۷

بمناسبت پنجمین سال حلول سنه مقدس تاریخی که مقارن بـــا
جشنهای مئوی اظهارامرحضرت بهاء الله در سیاه چال طهران
است وتنها چند ماهی با وصول جهاد جهانی روحانی ده سالـــه
به نیمه راه خود فاصله دارد جهادی که کافه مومنین حضرتش بـــدان
قیام کـــرده اند این عید تشکیل پنج سلسله کنفرانس های بیـــن
القارات را که عدد شان پنج خواهد بود ومتعاقبا درکامپـــالا
عاصمـــه یوگاندا واقع در قلب قاره افریقا درسیدنی قدیمتریـــن
مرکز امر بهائی واقع در نیمکره جنوبی و در شیکاغـــو جائیکـــه
نخستین بارنام حضرت بهاء الله بدنیای غرب اعلان شدودر —
فرانکفورت واقع در قلب قاره اروپا ودرجاکارتا عاصمه جمهـــوری
اندونـــزی منعقد خواهدگردید بکمال اشتیاق اعلام مینماید .
این انجمنهای تاریخی که از لحاظی چند کنفرانس هـــای
تاریخی چهارگانه ای را بخاطر میآوردکه بمناسبت صدمیـــــن
سال ظهور امر بهائی منعقدگردید بترتیب در ماههای ژانویـــه
و مارس ومه و ژوئیه و سپتامبر تحت اشراف محفل روحانی ناحیـــه ای
بهائیان افریقای مرکزی وشـــرقی و محفل روحانی ملی بهائیان —
استرالیا و محفل روحـــانی ملی بهائیان ممالك متحده امریکـــا
و محفل روحانی ملی بهائیان آلمان واطریش و محفل روحانـــی
ناحیه ای جنوب شرق آسیا تشکیل خواهد شـــد .
این کنفرانسها بایستی بوسیله روسای محافل ناحیه ای و ملی
مذکور درفوق بمنظورهای پنجگانه ذیل منعقد شود : تقدیم مراتـــب
شکروسپاس درکمال خضوع وخشوع بساحت شارع امر مقـــدس کـــه
بصـــرف فضل وعنایت بپیروان امر نازنینـــش را در زمـــان

اضطرابات دائم التزاید و در بحبوحه آشفتگی و تزلزل دوره بحرانی در مقدرات نوع بشر به اجرای بلا انقطاع نقشه دهساله ای برای انجام نقشه اعظم الهی که حضرت عبدالبهاء موجد وطراح آن بوده اند موفق گردانید .

ملاحظه وتجلیل سلسله فتوحات باهره ای که بسرعت تمام در طی هر یك ازمصافهای این جهاد روحانی نصیب امرالهی گردیده تامل و تدبر در طرق و وسائلی که اکمال واتمام مظفرانه آنرا تضمین مینماید . قیام واقدامی مجدانه دفعه واحده در سراسر عالم جهت تسریع در امر حیاتی تبلیغ افراد مردم که مقصد اعلی از نقشه دهساله وشئون وشقوق مختلف آنست وهمچنین تسریع درساختمان واتمام بنای سام المعابدی که باید در قارات اروپا وافریقاواسترالیا تاسیس گردد .

اگر بدیده تامل در وسعت واهمیت تحولات اخیره بنگریم ملاحظه خواهیم کرد پیشرفت های نمایانی که از بدایت این جهاد عالمگیر روحانی در مدت قلیل کمتر ازپنجسال بهمت مجریان آن حاصل گردیده است چه از نظر کیفیت وچه ازلحاظ کمیت کلیه مجهوداتی راکه پیروان امر الهی در هر موقع و درهر یك ازنقاط عالم از حین ختام نخستین وپرآشوب ترین عهدعصر رسولی دور بهائی تاکنون مجتمعا انجام داده اند تحت الشعاع قرار میدهد .

افزایش عدد مراکز بهائی کانون ومحور اقدامات تبلیغی واداری امرالله در سراسر کره ارض از دو هزاروپانصدبه چهار هزار وپانصدوعدد ممالك مستقله واقالیم تابعه واقع درنطاق امرالله از یکصدو بیستوهشت به دویست وپنجاه و چهار و عدد محافل روحانیه ملی و ناحیه ای بهائی طلایه بیت العدل عمومی از دوازده به بیست و شش و ازدیاد قابل ملاحظه محافل روحانیه محلیه اساس نظم اداری سریع الاتساع امرالهی در سراسر قطعات خمسه عالم که عددشان اکنون از هزار افزون گشته وارتفاع علم امرالله در متجاوز از هفتاد جزیره واقع دراقیانوس کبیر و اقیانوس اطلس واقیانوس هند وهمچنین در مدیترانه ودریای شمال وتاسیس مرکزامری در اقصی نقطه شمال درماوراء دائره قطبی درنقطه بعیده "تیول" واقع در"گرینلند" وارتفاع و اکمال دارالاثار بین المللی بهائی با صرف مبلغی بیش از ربع میلیون دلار درارض اقدس که در اوج اعتلای خود مبشرو منادی تاسیس و استقرار مرکز نظم جهان آرای جنینی حضرت بهاء الله در دامنه جبل کرمل ودرمقابل قبله اهل بهاست وتوسعه دائره موقوفات بین المللی بهائی در دومدینه عکا وحیفامرکز جهانی امرالله که ارزش کنونی آن به بیش از پنج میلیون و نیم دلار تخمین میشود ونیز توسعه موقوفات ملی بهائی در جمهوری اعظم غرب حصن حصین نظم اداری بهائی که ارزش آن قریبا به پنج میلیون دلار بالغ خواهد شد و اماکن بهائی درمهد امرالله که ارزش آنها حد اقل متجاوز از چهل ملیون تومان تخمین می شود و تملك چهل و هشت حظیره القدس ملی مراکز اداری جامعه های بهائی در ممالك مستقله و اقالیم عمده تابعه کره ارض باصرف متجاوز از نیم ملیون دلار و تاسیس موقوفات ملی بهائی در پنجاه عاصمه و مدینه عمده در قارات خمسه که قیمت آنها به لااقل یکصدوپنجاه هزار دلار تخمین میشود و تمهید مقدمات بنای ام المعابد افریقا و استرالیا و همچنین خریداری اراضی جهت یازده مشرق الاذکار بمیزان بیش از دویست هزار دلار و تسجیل متجاوز از نود محفل روحانی ملی و محلی که مجموع محافل تسجیل شده را در سراسر جهان به بیش از دویست می

رساند و ترجمه آثار بهائی به یکصد و چهل و هشت لغت که هفتاد و دولغت آن علاوه بر تعدادی است که در نقشه دهساله پیش بینی شده وتعداد کل لغات را به دویست و سی وهفت بالغ میسازد و همچنین یک سلسله موفقیتهای دیگر که تعداد آن خارج از حد احصاء بوده وتمم هدفهای نقشه در مورد فتح اقالیم غیر مفتوحه و تملك اراضی مشرق‌الاذکاروافتتاح مدارس بهائی و تاسیس موقوفات محلی امری وتاسیس حظائرتدس محلی و تنظیم نقشه های ثانوی وتاسیس یك موسسه مطبوعاتی بهائی و خریداری اماکن مقدسه امری و اراضی جهت گلستانهای جاوید ومدارس تابستانه بهائی میباشد کلیه این امور در نظر هرناظر منصفی جز این تعبیر نشودکه کل شواهد و مظاهر ترقیات باهره ای‌است که از حیث تنوع در شئون مختلفه و کثرت اهمیت در علو درجه ومقام است .

پیشرفتی چنین حیرت انگیز در میدانی چنین وسیع که در مدتی کوتاه بدست عده ای قلیل از نفوس دلیر بحصول پیوسته سزاوار و در واقع مستلزم آن است که دراین مرحله از تکامل جهاد دهساله با اعلان قدم دیگری در توسعه تدریجی یکی از موسسات اصلی و مرکزی که منصوص قلم اعلی و موید بالواح مقدسه وصایای حضرت عبدالبهاء است تجلیل گردد بدینمعنی که باتعیین عده دیگری‌از ایادی امرالله عدد خدام برگزیده حضرت بهاء الله که در مرحله جنین است و بنص کلك اطهر مرکز میثاق وظائف دوگانه صیانت امرالله و تامین نشر و تبلیغ دین الله بآنان محول گشته به سه دفعه ۹ افزایش میابد .

هشت نفری که باین مقام اسنی ارتقاء می یابندعبارتنداز :

ایناك اولینگا —	ENOCH OLINGA
ویلیام سیرز	WILLIAM SEARS
جان روبارتس	JOHN ROBARTS
در افریقای غربی و جنوبی .	
حسن بالیوزی	HASAN BALYUZI
جان فرابی	JOHN FERABBY
در جزایر بریطانیا .	
کالیس فدرستون	COLLIS FEATHERSTONE

رحمت الله مهاجر در منطقه اقیانوس آرام — و ابوالقاسم فیضی در شبه جزیره عربستان .

این عده که ازچهار قاره کره ارض منتخب گشته اند نماینده اننا ن و نیز نژادهای سیاه و سفیدند و حسب ونسبشان به امم مسیحی و اسلام و یهود و وثنیه میرسد .

اضافه شدن این عده بجمع صاحبمنصبان عالیرتبه نظم سریع التکامل اداری جهانی که در عین حال متضمن توسعه بیشتر موسسه — عظیم الشان ایادی‌امرالله است ونظر باینکه — ایادی امرالله اخیرا عهده دار مسئولیت مقدس صیانت امرالله نیز گشته اند مستلزم آنست که این ایادی جداگانه در هر قاره یك هیئت معاونت که عده اعضایش برابر با عده اعضای هیئت معاونت کنونی باشدتعیین نمایند .این هیئت که عهده دار وظیفه خاص مراقبت در حفظ وصیانت امرالهی خواهد بود مکمل هیئت اولی است که وظیفه‌آن از این پس منحصرا موقوف بمعاونت و معاضدت دراجرای نقشه دهساله میباشد .

از ایادی امرالله اعم ازآنان که سابقا و یا اخیرا منصوب شده اندعلی الخصوص حضرت ایادی امرالله که وابسته به کنفرانس قاره ای — مربوط خود میباشندو همچنین از اعضای هیئت های معاونت ایشا ن و نمایندگان محافل روحانی ناحیه ای وملی که در مقام اولی در فتح اقالیم

غیر مفتوحه در قاره مربوط بخودو جزائر واقع در مجاورت آن قاره دخلیندو نیز از کلیه احباء در هر جاکه مقیم باشند دعوت میشود که در این کنفرانسهای پنجگانه بین القارات شرکت نمایند .

در کنفرانس کامپالا نماینده ای ازهر یک از محافل روحانی ملی ممالک متحده امریکا و انگلستان و ایران وافریقای شمال شرقی و هندوستان وعراق و درکنفرانس شیکاغمو نماینده ای از هریک از محافل روحانی ملی ممالک متحد امریکا و کانادا و امریکای لاتین و در کنفرانس فرانکفورت نماینده ای ازهر یک از محافل روحانی ملی انگلستان و آلمان وایطالیاو سوئیس و ممالک متحده امریکا و در کنفرانس جاکارتا نماینده ای از هر یک از محافل روحانی ملی ممالک متحده امریکا و کانادا وایران وهندوستان و استرالیا وعراق رسماً باید شرکت کنند .

هر یک از اعضای این محافل و نیز هر یک از اعضای محافل روحانی جدیدالتاسیس ملی وناحیه ای که دراین کنفرانسهای پنجگانه حضور یابند مقدمشان گرامی خواهد بود .

پنج نفر ایادی که ازلحاظ عضویت در هیئت بین‌المللی بهائی با طلوع وتوسعه و تکامل تاسیسات امرالله در مرکز جهانی بهائی از نزدیک ارتباط داشته اند بعنوان نمایندگان مخصوص این عبد انتخاب شده اندکه در دومین سلسله کنفرانسهای بین القارات شرکت نمایند امة البهاء روحیه خانم باتفاق لطف‌الله حکیم عضو هیئت بین المللی درکنفرانس کامپالا

میسن ریمی Mason Remey
در کنفرانس سیدنی
یوگو جاگری Dr. Ugo Giachery
در کنفرانس شیکاغو .
امیلیا کالینز Mmelia Collins
در کنفرانس فرانکفورت .
لروی آیواس Leroy Ioas
در کنفرانس جاکارتا .

سه تن ازایشان که درکنفرانسهای کامپالا و سیدنی وفرانکفورت حضور خواهندیافت از قبل این عبد حامل مقداری از تربت مقدسه داخل روضه مبارکه حضرت بهاء الله و چندتار از شعرات مبارک آنحضرت ویک قطعه عکس از شمایل آن طلعت بیمثال خواهند بودکه احبای مجتمع دراین کنفرانسها بزیارت آن فائز گردند . دو نفر ازاین نمایندگان مامورخواهند بود که ازقبل این عبدتربت مبارک رادر بنیان دو معبدی که قرار است در قارات افریقا و استرالیا مرتفع گردد قرار دهند و سایر هدایای ثمینه مقدسه رااین نمایندگان برای حفظ وصیانت بمحفل ناحیه ای افریقای مرکزی و شرقی ومحافل روحانی ملی استرالیا وآلمان خواهند سپرد چهارمین قطعه شمایل مبارک حضرت بهاء الله بنماینده این عبد لروی آیواس سپرده خواهد شد که در کنفرانس جاکارتا بمعرض زیارت گذارده شود وسپس برای محافظت به ارض اقدس اعاده گردد . یوگو جیاگری نماینده این عبد درکنفرانس شیکاغو عهده دار وظیفه ارائه شمایل حضرت بهاء الله وشمایل حضرت اعلی خواهند بودکه محفل روحانی ملی ممالک متحدهٔ امریکا از قبل حافظ آن بوده است .

انعقاد دومین سلسله کنفرانسهای بین‌القارات که مقارن با وصول جهاد کبیر اکبر به نیمه راه خود میباشد یعنی بزرگترین جهادی که تا کنون جهت نشرو تبلیغ امر حضرت‌بهاء الله در دونیمکره شرقی وغربی بدان اقدام شده آغاز چهارمین مرحله نقشه دهساله را اعلام میدارد . مرحله نخستین که در طول

ام المعابد استرالیا واقع در سیدنی در آخرین مراحل ساختمانی

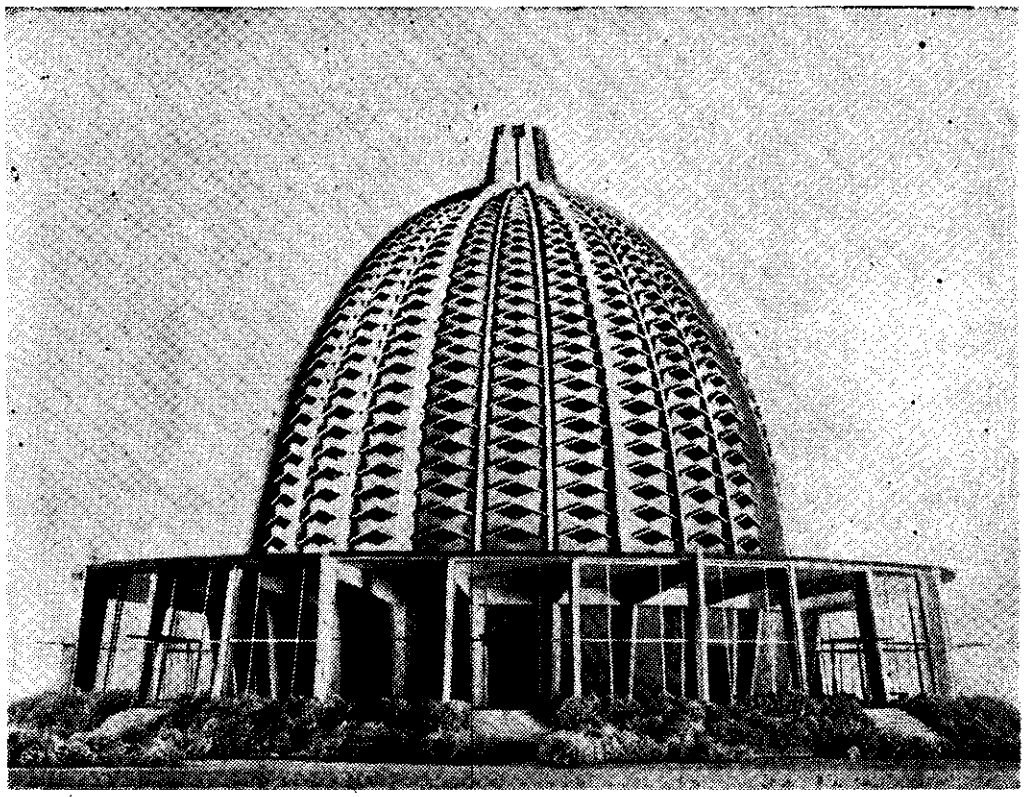

ماکت مشرق الاذکار آلمان (فرانکفورت)

دوازده ماه اولیه این مشروع عظیم ادامه داشته تا ابد باخاطره ابلاغ پیام حضرت بهاء الله بصد اقلیم از اقالیم کره ارض قرین خواهد بود . مرحله ثانی که طول مدت آن دوبرابر مدت مرحله اولی بوده متضمن ابتیاع و تملک عده کثیری از حظایر قدس ملی و تاسیس موقوفات ملی بهائی در ممالک متعدده می باشد که از طریق تحکیم مبانی نظم اداری ـ مکمل توسعه نمایان دایره امرالله درطی مرحله اولی نقشه بوده است . مرحله ثالث که مدت آن با مدت مرحله ماقبل برابر است در اثر ازدیاد فوق العاده مراکز بهائی وتشکیل ـ شانزده محفل روحانی ناحیه ای و ملی خاطره آن همواره محفوظ خواهد ماند . مرحله چهارم که عنقریب آغاز خواهد شد باید بسبب ازدیاد بیسابقه عدد حامیان مخلص امراعظم درکلیه قطعات کره ارض از هر نژاد واقلیم و عقیده و ـ رنگ و از هر طبقه ازطبقات جامعه کنونی توام با ازدیاد بیسابقه عدد مراکز امری از یکطرف و از طرف دیگر با پیشرفت سریعی در امر ارتفاع بنای ام المعابد افریقا و استرالیا و نیز تمهید مقدمات ساختمان اولین مشرق الاذکار اروپا خاطره آن مخلد وجاودان گردد .

مرحله چهارم جهادی که بچنین قوای ـ عظیمه مرهوب و مجریان پر شهامت آن عنقریب بدان قدم خواهند نهاد در حینیکه این مشروع کریم که بقوه دافعه الهیه موید و بتائیدات غیبیه بدایع خود را آشکار میسازد به نیمه راه خود واصل واز آن بسرعت میگذرد و بمراحل آخرین اقدامات جهانی خود نزدیک میشود ـ باید هم درمیدان تبلیغ وهم درعرصه امور اداری امرالله و از برکت بارقه ایکه بخواست الهی از تصادم آراء وتصمیمات شرکت کنندگان این کنفرانسها ساطع و در مقدرات قریب الوقوع این جهاد کبیر اکبر موثر واقع خواهد شد شاهد چنان فوران شوق وازخودگذشتگی باشد که انتصارات فردی وجمعی هریك ازمراحل سه گانه قبل درمقابل آن بی جلوه وورونق گردد .

از فرد فرد ایادی امرالله اعم از آنان که سابقا ویا اخیرا منصوب شده اند وازجمیع یارانی که در این جهاد شرکت دارند وعلی الخصوص از نمایندگان منتخب ایشان اعضای محافل روحانی ناحیه ای وملی در شرق وغرب وبالاخص از ـ کسانیکه افتخار دعوت و تشکیل این کنفرانسهای تاریخی را دارند رجا دارم که جنبش وحرکتی نمایند و بر حسب مرتبه و استعداد و وظیفه و بضاعت بنحوی شایسته خود رادرمدت کوتاهی که بافتتاح اولین کنفرانس باقیمانده برای قیامی دلیرانه مهیا سازند ودراین ساعت خجسته فرصت را غنیمت شمرده باابراز صفات وخصال باهره ایکه مشخص ومیز مقام شایسته خد متگزاری در سبیل امرحضرت بهاء الله باشد ودرتامین موفقیت واشتهارکامل این کنفرانسها که برای تجلیل و تعظیم اسم اعظم و علی الخصوص بمنظورتسریع در پیشرفت وتقدم موسسات نظم نجات بخش جهانیش و تعجیل در تاسیس ملکوتش درقلوب ابناء بشر تشکیل میشود جهد بلیغ مبذول دارند .

امضاء مبارك

اکتبر ۱۹۵۷

آثار مبارکه حضرت ولی امرالله

مقصود از عنوان مزبور آثار تدوینیه ایست که از قلم مبارک مولای مقدس ما حضرت ولی امرالله ارواحنا لتربته الفدا در مدت سی و شش سال دوره ولایت نازل وصادر گردیده است وعالم بهائی را بوسیله آن آثار گرانبها بوظائف اصلیه آشنا فرموده وباصول و فروع نظم بدیع الهی راهنمائی نموده اند .

نوشته: اشراق خاوری

آثار تدوینیه هیکل مبارک حضرت ولی امرالله به سه لسان فارسی وعربی وانگلیسی ازقلم مبارک صادر شده که مجملا دراین مقال بقسمتی از آن اشاره میشود .

اول ـ آثار مبارکه فارسی

دراین گفتار از آثار مبارکه فارسی بذکر فهرست شش توقیع مبارک اکتفا مینماید ازاینقرار :

(۱) لوح مبارک قرن ـ در نوروز سال ۱۰۱ بدیع توقیعی از کلک اطهر صادر شد که در بین احبا بلوح قرن معروف شده است زیرا صدور این لوح منیع مصادف با دورانی بود که یکقرن از ظهور مبارک حضرت رب اعلی جل ذکره و ثنائه سپری شده بود دراین لوح مقدس هیکل مبارک وقایع مهمه عالم امر راکه در طول

از توقیع منیع مبارک نوروز ۱۱۰ بدیع

«... ای یاران جان نثار یقین مبین بدانید که در نتیجه وقایع خطیره جسیمه که در پیش است و انتصارات باهره که آثار اولیه اش در جامعه بهائی حال نمایان گشته و در اثر تأییدات لایزال غیبیه الهیه و انقلابات جهان که متتابعاً متزایداً از پس پرده قضا ظاهر و پدیدار میگردد امر عزیز الهی در عهود آتیه عصر تکوین که عصر ثانی دور بهائی است و در عصر ذهبی که عصر ثالث و اخیر نخستین دور کور مقدس است مراحل باقیه را در کافه ممالک و دیار که با نوار ساطعه اش در این قرن پرانوار منور گشته طی نماید و وعود الهیه که در خزائن این صحف قیمه مخزون است کل تحقق یابد دوره مجهولیت که اولین مرحله در نشو و نمای جامعه اهل بهاست و مرحله ثانیه مظلومیت و مقهوریت که در وقت حاضر در کشور مقدس ایران امر مبارک جمال ابهی آن را طی مینماید بسر رود و منقضی گردد و دوره ثالث که مرحله انفصال شریعت الله از ادیان منسوخه عتیقه است چهره بگشاید و این انفصال بنفسه مقدمه ارتفاع علم استقلال دین الله و اقرار و اعتراف بحقوق مسلوبه اهل بها و مساوات پیروان امر جمال ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار رؤسای جهان و این استقلال ممهد سبیل از برای

رسمیت آئین الهی و ظهور نصرتی عظیم شبیه و نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت
در عهد قسطنطین کبیر نصیب امت مسیحیه گشت و این رسمیت بمرور ایام مبدل و منجر بتأسیس سلطنت
الهیه و ظهور سلطه زمینیه شارع این امر عظیم گردد و این سلطنت الهیه مآلاً بتأسیس و استقرار سلطنت جهانی
و جلوه سیطره محیطه ظاهری و روحانی مؤسس آئین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی که مرحله
سابع و اخیر است منتهی گردد اینست که میفرماید « این ظلمهای وارده عظیمه تدارک عدل اعظم الهی مینماید »
و این عدل اعظم یگانه اساس صلح اعظم و صلح اعظم کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیه ملل
و امم و این وحدت اصلیه کاشف سلطنت اسم اعظم در سراسر عالم خواهد بود ... »

یک قرن بوقوع پیوسته است باجمال بیان فرموده اند . پس از حمد وثنای الهی وذکر محامد و نعوت والقاب فخیمه سماویه مظهرامرالله بظهور حضرت رب اعلی جل ذکره اشاره فرموده و مسائل مهمه تشکیل حروف حی ومامویت هر یک از آنان و توجه هیکل مبارک بمکه ومراجعت بشیراز وسفر اصفهان و آذربایجان وگرفتاری در قلعه ماه کوه وچهریق و حضور هیکل مبارک در محضر ولیعهد در تبریز وبالاخره شهادت آن حضرت و قیام اصحاب بنشر امرالله وشهادت شهداء و قیام جمال قدم برای احیای اهل عالم ومصائب وارده برهیکل اقدس جمالمبارک از ناحیه مخالفین داخلی وخارجی و واقعه ری شاه ومحبوس شدن هیکل اطهر درسیاه چال و نفی ببغداد وسفر سلیمانیه و مراجعت ببغداد واظهارامر در باغ رضوان و نفی به اسلامبول و ادرنه وقیام یحیی ازل و پیروانش بعناد و ظلم شدید و محبوس شدن جمال قدم با عائله وهمراهان درعکا و نزول کتاب اقدس و کتاب عهدی والواح ملوک و سایر وقایع همه رااشاره فرموده اند و بعداز آن بذکر قیام طلعت میثاق الهی حضرت عبدالبهاء غصن اعظم بنشر تعالیم الهیه پرداخته اند ومصائب وارده بر هیکل اقدس رااز هر جهت وسفرهای تاریخی تبلیغی مبارک را ذکر فرموده اند و در ضمن بذلت وخسران و وبال وعاقبت وخیم اعداء واهل ضلال هم در هر دوره ای اشاره کرده اند و پس از آن بوسعت دائره امرالله و اهمیت تشکیلات امریه وپیشرفت شریعت ربانیه در جمیع جهان تصریح فرموده اند .

(۲) لوح مبارک سنه ۱۰۵ — این لوح مبارک در سنه ۱۰۵ بدیع نازل شده و شامل اشاره بوقایع مهمه امریه و تشریح اصطلاحات خاصه کور و دور و عصر و عهد و ذکر دو رکن اعظم نظم بدیع الهی و پیشرفت امرالله در شرق وغرب عالم وسایر مطالب است .

(۳) لوح مبارک سنه ۱۰۸ — این لوح مبارک شامل وقایع مهمه تاریخیه امرالله وبنای مقام مقدس اعلی در کوه کرمل وعظمت آن بنای مهم تاریخی و پیشرفت امرالله در جهان و اقدامات مخالفین و معاندین داخلی و خارجی علیه امرالله و خیبت وخسران آنان و سایر مطالب مهمه است .

(۴) لوح مبارک سنه ۱۱۰ — این توقیع منیع شامل مطالب مهمه امریه و حاوی اهداف بیست وهشتگانه نقشه بدیعه ده ساله است .

(۵) لوح منیع سنه ۱۱۱ — دراین لوح مبارک هم برگذار شدن عید مئوی ثانی اهل بهاء را که با شکوه وجلال تحقق یافت ذکرفرموده اند و چهار کنفرانس را که حسب الامر مبارک تحقق یافت بیان کرده اند و پیشرفت امرالله را در قارات خمسه عالم ذکر فرموده اند ودرخاتمه همین لوح است که اجازه فرمودند اماء الرحمن ایران بعضویت محافل روحانیه محلی و محفل ملی نائل شوند و جمیع احباء رابقرب وعود حتمیه الهیه مستبشر فرموده و بادامه خدمات و تزئید جهد و کوشش توصیه میفرمایند .

(۶) لوح مبارک سنه ۱۱۳ — این لوح مبارک بعد ازوقایع عجیبه مدهشه اخیره که برای احبای الهی درمهد امرالله پیش آمدکرد نازلشد و در آن بجمیع وقایع مهمه ومصائب وارده براحباء درسال ۱۳۳۴ هـ.ش.اشاره فرموده اند و همه آنرا زیارت فرموده اند مخفی مبادکه اینعبد برای جمیع این الواح مبارکه قاموس شارح لغات و اشارات تالیف کرده ام . قاموس لوح قرن ۱۰۱ بنام رحیق مختوم در دوجلد ازطرف محفل مقدس روحانی ملی بهائیان نشر شده و قاموس لوح مبارک سنه ۱۰۵ که بامر محفل

مقدس روحانی ملی بهائیان ایران تالیف شده و اینك در شرف نشر و تکثیر است . برای الواح مبارکه سالهای ۱۰۸ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۳ نیز جمعا قاموس واحدی تالیف شده که پس از تصویب بنشر آن اقدام میشود قاموس این الواح مبارکه و سنه ۱۰۰ ابنام (اسرار ربانی) نامیده شده است .

++++++

آثار مبارکه هیکل مبارك محدود بآنچه ذکر شد نیست توقیعات متعدده بفارسی خطاب به محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران ومحفل روحانی طهران وسایر محافل روحانیه و مراکز امریه نازل شده که احصای آن عجالة ممکن نیست که در اینمقال ثبت شود و همچنین در جواب سئوالات افراد احباء بقدری الواح و توقیعات مبارکه موجود استکه اگر جمع شود چند جلدکتاب از آن مهیا میگردد . محفل مقدس ملی ایران مجموعه شامل قسمتی از دستورات مبارکه و بیانات مقدسه راکه خطاب بآن محفل بوده است در ضمن کتاب مستقلی نشرو تکثیر فرموده اندکه اغلب شمازیارت کرده اید .

در اوائل استقرار هیکل مبارك مولای مهربان بر سریر ولایت امرالله وتبیین آیات الله الواح بسیار از یراعه مقدسه صادر شده از جمله لوح (وحدت نوع بشر) است که حاوی مقصد اصلی اهل بها وشامل یگانه هدف راکبین سفینه حمراء است ونیز درهمان ایام الواح متعدده بعنوان و اعزاز احبای ایران درجمیع بلاد و امصار نازلشده که در هر یك مطالب مهمه لازمه را خاطرنشان فرموده اند . این آثار مبارکه در همانروزها بخط مرحوم محب السلطان آقا میرزا علی اکبر روحانی علیه بهاء الله عکس برداری و منتشر گردید . در اینمقام بذکر عنوان وتاریخ نزول بعضی ازتوقیعات منیعه مزبوره میپردازد :

۱ ــ توقیع مبارك در خصوص انتخابات سالیانه محافل مقدسه روحانیه بتاریخ ۲۴ حوت ۱۳۰۳ (۲۷ شباط ۱۹۲۴) باین عنوان " افدیکم بروحی یا اهل البهاء المقتبسین من نیر الافاق

۲ ــ توقیع مبارك خطاب باحبای ایران بتاریخ ۶ مارچ ۱۹۲۵ درباره عامت ایران .

۳ ــ توقیع مبارك بافتخار احبای شرق راجع به استنساخ آثار مبارکه وجمع آوری آنها و ــ مطالب دیگر وتاسیس محفظه آثار مورخ تموز ۱۹۲۵

۴ ــ توقیع مبارك بافتخار محافل مقدسه روحانیه شرق در باره وظائف آنان مورخ هشتم جون ۱۹۲۵

۵ ــ توقیع مبارك خطاب بمحفل ملی ایران درباره تدوین تاریخ امر وانتخاب اعضاء عامله محفل و مطالب دیگر مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۲۵

۶ ــ توقیع مبارك خطاب باعضای محفل مقدس مرکزی ایران مورخ تموز ۱۹۲۶ درباره صندوق خیریه

۷ ــ توقیع مبارك بافتخار مصیبت زدگان جهرم مورخه ۲۱ ماه مه ۱۹۲۶

۸ ــ توقیع مبارك خطاب باحبای شرق ــ این لوح بامناجاتی شروع میشود در باره تبلیغ و جمع آثار و ملاقات میس مارثاروت با ملکه رومانیا ومطالب دیگر شرحی بیان فرموده اند تاریخ این توقیع حزیران ۱۹۲۶ میباشد

۹ ــ توقیع مبارك خطاب بمحفل مقدس مرکزی طهران درباره وظائف محافل مورخ ۱۹۲۶

۱۰ ــ توقیع مبارك خطاب بمحفل مرکزی طهران شامل خدمات میس مارثاروت و مطالب دیگر مورخ تموز ۱۹۲۶

۱۱ ــ توقیع مبارك خطاب باحبای شرق شامل بیان مبارك درباره ملکه رومانیا و فاجعه جهرم و انتخابات مورخ ایلول ۱۹۲۶

۱۲ ــ توقیع مبارك خطاب باعضای محافل مقدسه روحانیه شرق اشاره بتاریخ امرو شرح

وظائف احباء و اشاره برفتار ناهنجار آواره مورخ اب ۱۹۲۷

۱۳ – توقیع مبارک خطاب باعضای محفل مرکزی طهران در باره لزوم صیانت احبا از معاشرت با مفسدان مورخ ایلول ۱۹۲۷

۱۴ – توقیع مبارک خطاب باحبای شرق – این توقیع با مناجاتی شروع میشود وسپس درباره – پیشرفت امر واعلانات ملکه رومانیا و خدمات میس مارثاروت و مطالب دیگر وقضیه اعلان انفصال امر ازطرف مفتی مصر و اجتناب از امور سیاسیه مورخه شبات ۱۹۲۷

۱۵ – توقیع مبارک خطاب بنمایندگان دومین انجمن شور روحانی مورخ تموز ۱۹۲۸

۱۶ – توقیع مبارک خطاب باحبای شرق درباره تاکید وتصریح درتهیه موجبات تشکیل بیت العدل واتمام مشرق الاذکار امریکا که بالاخره بمناجاتی ختم میشود مورخ نوامبر ۱۹۲۹

۱۷ – توقیع مبارک خطاب باعضای محافل روحانی ممالک شرقیه درباره سفرهای حضرت عبدالبهاء و اشاره بتاریخ امر و صدمات وارده بر احبای عشق آباد ومسائل دیگر و تاکید مجدد باره – اثبات جامعیت وعمومیت امرمبارک و تعمیم معارف و ترویج احکام بهائی و ایجاد تشیید روابط عمومیه با اولیای امور و دقت درحال مقبلین و ازاین قبیل مطالب مورخ جانوری ۱۹۲۹

۱۸ – توقیع مبارک خطاب باعضای محفل روحانی مرکزی ایران – دستور مبارک درباره اکمال – احصائیه و انتخاب اعضای محفل ملی و مطالب دیگر مورخ ۲۴ آپریل ۱۹۳۰

۱۹ – توقیع مبارک خطاب بمحافل روحانی شرق در باره عظمت امر و ذلت مخالفین وشمه ای از تاریخ امر که بمناجاتی ختم میشود مورخ نوروز سنه ۸۸ بدیع

۲۰ – توقیع مبارک خطاب باعضای محفل مرکزی طهران – درباره صعود جناب عزیزالله ورقا و مسئله حجاب و کیفیت انتخاب نمایندگان شور و تاسیس سرمایه ملی مورخ مارچ ۱۹۳۱

۲۱ – توقیع مبارک خطاب بمحفل روحانی مرکزی طهران – راجع به کتاب عالم بهائی مورخ ایلول ۱۹۳۱

۲۲ – توقیع مبارک خطاب باحبای ایران درباره صعود حضرت ورقه علیا و تاکید دراکمال احصائیه و تعیین عدد وکلا : ودستور انتخابات ملیه و انتخاب اولین محفل روحانی ملی ایران مورخ دوم شهرالمسائل ۸۹ بدیع – دسامبر ۱۹۳۲

این بود نمونه ای از توقیعات مبارکه فارسی و احصای جمیع آنچه از قلم مبارک صادر شده است که احتیاج بتالیف کتابی خاص دارد و این مختصررا گنجایش آن نیست.

دوم – آثار مبارکه انگلیسی مشتمل برد و قسمت

قسمت اول – ترجمه های هیکل مبارک درایسن قسمت آثار مبارکه ای که بانگلیسی ترجمه فرموده اند ذکر میشود از اینقرار :

۱ – لوح مبارک ابن ذئب انگلیسی بنام
Epistle To The Son Of The Wolf

که در امریکا در ۱۸۲ صفحه بطبع رسیده است این لوح مبارک که ازقلم جمال قدم صادرشده است خطاب است بشیخ محمد تقی ابن الذئب پسر شیخ باقر ذئب اصفهانی که فتوی بقتل سلطان الشهداء ومحبوب الشهداء وغارت اموال آنان دادو در ۱۲۹۶ قمری دراصفهان بشهادت رسیدند. این لوح در عکا نازل شده و بوسیله یکی از احبای اصفهان بابن ذئب داده شد. ابن ذئب درسال ۱۳۳۲ قمری در اصفهان وفات یافت در بین مردم بآقا نجفی معروف بوده است

۲ – منتخبات آثار مبارکه حضرت بهاء الله جل اسمه الاعظم

Gleanings From the Writing of - BAHA-U-LLAH

مندرجات این کتاب مبارک جمیعا ازآثارمبارکـــه حضرت بهاء الله استخراج شده و بانگلیسی ترجمه فرموده اند و حاوی الواح مهمه مبارکه ایست که در آنها مطالب متنوعه مندرجست ، درامریکا در ۳۴۶ صفحه و نیزدر انگلستان در ۳۷۶ صفحه بسال ۱۹۴۹ چاپ شده است . این عبد پس از زیـارت این کتاب در صدد برآمدم اصل الواح مبارکـه را که ترجمه اش دراین کتاب مندرجست بدست بیاورم در مدت پنجسال تا کنون صدی نود نصوص الواح مبارکه بدست آمده و بقیه نیز بخواست خـدا بدست خواهد آمـــد .

۳ ــ کلمات مکنونه HIDDEN WORDS

جواهر حقائق مندرجه در کلمات انبیای قبـــل از قلم مبارک جمال قدم دراین لوح منیـــــع مندرجست .(فارسی وعربی)

در امریکا در ۵۲ صفحه و دربریطانیا در۵۲ ــ صفحه در سال ۱۹۵۰ بطبع رسیده است.این لوح مبارک بتصریح حضرت عبدالبهاء در بغداد بسال ۱۲۷۴ قمری از قلم جمال مبارک نازل گردیده است .

۴ ــ کتاب ایقـــان Book Of CERTITUDE

که در سال ۱۲۷۸ هـ.ق در بغداد دارالسلام از قلم مبارک جمال قدم در جواب سئوالات ــ مختلفه جناب خال اکبر حاجی میرسید محمـــد افنان نازل شده است وسئوالات مشارالیه عبارت بود از علامات ظهور ــ مساله خاتم النبیین ــــ ابدیت شریعت قرآن . سلطنت قائم موعود ــ زنده شدن مردگان درزمان ظهور ــ مقصود ازقیامت و رستاخیز عظیم ــ معنی حشرو بعث و وحدت رسل وغیره . این کتاب در اول برساله خـــال معروف بود و بعد هابامر مبارک بکتاب ایقان موسوم گردید وهیکل مبارک حضرت ولی امرالله آنـــرا بانگلیسی ترجمه فرمودند وقبل از آنهم توســـط علیقلیخان نبیل الدوله ــ

بانگلیسی ترجمه شده و بطبع رسیده بود ــ ترجمه هیکل مبارک در بریطانیا بسال ۱۹۴۸ در ــ ۲۸۴ صفحه بطبـع رسیده است.

۵ ــ بعضی از آثار ومناجاتهای حضرت بهاء الله

که در ۳۳۹ صفحه در امریکا بطبع رسیده است.

۶ ــ مناجاتهای حضرت باب و حضرت بهاء اللـــه و حضرت عبدالبهاء ــ که بوسیله هیکل مبارک ترجمه شده ودر ۲۴ صفحه بطبع رسیده است.

۷ ــ مناجاتهای حضرت بهاء الله و حضرت ــ عبدالبهاء ترجمه هیکل مبارک که در بستـــــن در سال ۱۹۲۳ بطبع رسیده است.

۸ ــ سوره صلاتهای کبیر و وسطی و صغیر Three Obligatory Prayers.

که در امریکا در چهارده صفحه بطبع رسیده است

۹ ــ تاریخ نبیل جلد اول DOWN-BREAKERS. Nabil's narrative of the early days of the B A H A I Revelation.

حاوی وقایع مهمه امریه در دوره حضرت اعلی است از ظهور شیخ احمد احسائی تاشهـــادت حضرت باب و سپس واقعه رمی شاه و گرفتـــاری ــ جمال قدم در سیاه چال و استخلاص از حبس و نفی ببغداد و درحاشیه کتاب هم ازکتب مولفین اروپائی و شرقی که درباره امرمبارک نوشته انـد نقل فرموده اند ــ یک مقدمه دراول کتاب راجـع باوضاع جاریه ایران و شرح اخلاق وعادات جمیع طبقات قبل از ظهور مبارک و نیزیک خاتمـــه در آخر کتاب شامل اهمیت قیام جمال مبـارک و اینکه اگر قیام هیکل مبارک نبودجمیـــــع زحمات شهداو فداکاری احباء و شهادت حضرت اعلی هدر رفته بود مندرجست .

۱۰ ــ الواح وصـایـا ــ ترجمه هیکل مبـــارک

حضرت ولی امرالله که در سال ۱۹۵۰ در بریطانیا طبع شده است .

قسمت دوم ـ الواح مبارکه صادره یراعه مبـــارک حضرت ولی عزیز امرالله بانگلیسی از اینقرار :

۱ ـ ADVENT OF DIVINE JUSTICE

این لوح مبارک که در بین احبای ایران بنـام ظهـور عدل الهی معروفست در ۲۵ دسامبـــر ۱۹۳۸ میلادی خطاب باحبای امریکا ازقلم مبارک نازل شده است ـ این ابلاغیه مبارکه با کمـــال تاکید واهمیت اثر تعالیم حضرت بهاء اللـه را در حفظ وحدت ونظم وطهارت اخلاق تصریـح و تشریح میکنـــد .

۲ ـ امریکا و صلح اعظم America and the Most Great Peas.

این ابلاغیه مبارکه درتاریخ ۲۱ آپریل ۱۹۳۳ ـ خطاب باحبای امریکای شمالی صادرشده است این توقیع مبارک در مجموعه ای بنام :

World Order of BAHA-U-LLAH

طبـــع شـده است .

۳ ـ نظم اداری بهائی :

Bahai Administration.

چند ابلاغیه مبارکه است که خطاب باحبای امریکـا از ماه جون ۱۹۳۲ تا جولای ۱۹۳۶ صادرشده است و بهمین نام بطابع رسیده است.

۴ ـ امر بهائی Bahai Faith.

در این کتاب هیکل مبارک وقایع مهمه امریـــه را من جمیع الجهات از ۱۸۴۴ ـ ۱۹۵۲ شرح داده اند ـ این کتاب بفارسی هم ترجمه شـــده است و اصل انگلیسی آن در امریکاوبریطانیـــا بطبع رسیده است .

۵ ـ در این ساعت قیام لازمست

Challenging Requirments of the - Present Hour.

این ابلاغیه مبارکه خطاب بعموم احبای امریکـــای شمالی و جنوبی و مرکزی بتاریخ ۵ جون ۱۹۴۷ صادر شده است .

۶ ـ دور بهاء الله Dispensation of BAHA-U-LLAH

در تاریخ ۸ فوریه ۱۹۳۴ خطاب باحبای غـــرب نازل شده و شامل مصرفی مقام عظیم جمـــال قدم و حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء و شـــرح در باره دو رکن شریعت الله و وظایف هریـک از دورکن و بالاخره شرح و تفصیل حکومـــت جهانی بهائی است که بفارسی هم ترجمه و نشر شده است این توقیع مبارک در مجموعه :

World Order of BAHA-U-LLAH

بطبـــع رسیده است .

۷ ـ شریعت حضرت بهاء الله ـ شریعت جهانـی Religion.

The Faith of BAHA-U-LLAH A World در جـــولای ۱۹۴۷ از قلم مبارک صادر شده است .

۸ ـ هدف نظم جدید جهانـــی

The Goal of A New World Order

در ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ صادر شده در این ـ ابلاغیه هیکل مبارک بمشکلات سیاسی و سایـــر شئون جهانی اشاره فرموده و بالاخره نتیجه گرفته اند که تعالیم جهانی حضرت بهاء اللـه تنها راهنمای عالم بشریت است این توقیـــع مبارک در مجموعه ای بنام :

World Order Of BAHA-U-LLAH

بطبـــع رسیده است .

۹ ـ GOD PASSES BY

در این لوح مبارک که بعنوان احبای غـــــرب نازلشده هیکل مبارک وقایع تاریخی صدسالـــه امر مبارک (۱۸۴۴ ـ ۱۹۴۴) را مفصلا بیـان فرموده اند این کتاب شامل چهار مرحله اســـت

مرحله اول درباره دوره بیان وظهورحضرت اعلی میباشدو مشتمل برپنج فصل است .
فصل اول ظهور حضرت اعلی ـ فصل دوم حبس هیکل مبارك در آذربایجان ـ فصل سوم وقایع قلعه طبرسی در مازندران ونیریز و زنجان ـ فصل چهارم شهادت حضرت اعلی ـ فصل پنجم واقعه ربی شاه ونتایج وخیمه آن .
مرحله ثانیه ـ قیام حضرت بهاء الله مشتمل بر هشت فصل ازاینقرار :
فصل اول ظهور حضرت بهاء الله ـ فصل دوم نفی حضرت بهاء الله بعراق ـ فصل سوم دنباله مطلب قبل ـ فصل چهارم اظهار امر جمال قدم در بغداد ونفی باسلامبول فصل پنجم مخالفت یحیی ازل و اعلان امر جمال قدم در ادرنه ـ فصل ششم زندانی شدن حضرت بهاء الله در عکا ـ فصل هفتم دنباله مطلب فصل سابق ـ فصل هشتم صعود حضرت بهاء الله
مرحله ثالثه دوره میثاق مشتمل بر هشت فصل از اینقرار :
فصل اول عهد و میثاق حضرت بهاء الله ـ فصل دوم نقض میرزا محمد علی ـ فصل سوم سرایت و تمرکز امر مبارك بغرب ـ فصل چهارم حبس مجدد حضرت عبدالبهاء ـ فصل پنجم استقرار عرش حضرت اعلی در کوه کرمل ـ فصل ششم سفرهای هیکل مبارك باروپا وامریکا ـ فصل هفتم انتشار امر مبارك در شرق وغرب ـ فصل هشتم صعود حضرت عبدالبهاء .
مرحله رابعه ـ دوره تشکیلات امر بهائی مشتمل بر چهار فصل از اینقرار :
فصل اول استقرار نظم اداری ـ فصل دوم قیام مخالفین بر علیه امر مبارك ـ فصل سوم دوره آزادی ومعرفی شدن امر درجهان ـ فصل چهارم فعالیتهای بین المللی تبلیغی .

۱۰ ـ عصر ذهبی امر حضرت بهاء الله

THE GOLDEN AGE OF THE CAUSE OF BAHA-U-LLAH این ابلاغیه مبارك در ۲۱ مارچ ۱۹۳۲ صادر شده و وظائف مهمه روحانیه احبای امریکا را در نظم جدید جهانی تشریح فرموده اند این توقیع مبارك در مجموعه بنام World Order of BAHA-U-LLAH بطبع رسیده است .

۱۱ ـ مجموعه ای از ابلاغیه ها و تلگرافهای هیکل مبارك بنام MESSAGES TO AMERICA که خطاب باحبای امریکا است و از ۱۹۳۲ ـ ۱۹۴۶ صادر شده و بطبع رسیده است .

۱۲ ـ مجموعه دیگری بنام MESSAGE FROM THE GUARDIAN.
شامل ابلاغیه ها والواح مبارکه است که از جون ۱۹۳۲ تا جولای ۱۹۴۰ خطاب باحبای امریکا صادر شده است .

۱۳ ـ روز موعود فرا رسید :
THE PROMISED DAY IS COME
که شامل مطالب مهمه جهانی و امری است و ـ الواح بسیار از حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء در این توقیع مبارك بانگلیسی ترجمه شده است این توقیع مبارك در امریکا بسال ۱۹۴۱ در بمبئی در مارچ ۱۹۴۲ بطبع رسیده است .

۱۴ ـ تشریح مدنیت جهانی : THE UNFOLDMENT OF WORLD CIVILIZATION
این توقیع مبارك بتاریخ یازدهم مارچ ۱۹۳۶ از قلم مبارك صادر شده درآن تشریح میفرمایند که چگونه انظمه سقیمه قدیمه دچار اضمحلال وموت گردیده و نظم بدیع جهان آرای الهی چهره از زیر نقاب بتدریج آشکار میسازد .

۱۵ THE WORLD ORDER OF BAHA-U-LLAH

در این مجموعه هفت ابلاغیه مبارک که فوریه ۱۹۲۹ تا مارچ ۱۹۳۶ نازل شده است مندرج است ــ هفت توقیع مبارک از این قرار است :

1- The World Order of BAHA-U-LLAH
2- The World Order of BAHA-U-LLAH: Farther Considerations
3- The Goal of A New World Order.
4- The Golden Age of the Cause of BAHA-U-LLAH.
5- America and the Most Great Peace
6- The Dispensation of BAHA-U-LLAH
7- The Unfoldment of world - Civilization.

این مجموعه درسالهای ۱۹۳۸ ــ ۱۹۴۴ ــ ۱۹۵۵ در امریکا بطبع رسیده است .

۱۶ ــ دقت وتعمق بیشتری در باره نظم جهانی حضرت بهاء الله The World Order of BAHA-U-LLAH : FURTHER CONSIDERATION.

این توقیع مبارک در ۲۱ مارچ ۱۹۳۰ نازل شده و بامتیازات نظم بدیع جهانی در آن تصریح فرموده ومطالب مهمه دیگر راهم تشریح فرموده اند و فرق بین تعالیم امرالله و انظمه وتشکیلات منتخبه عالم را بیان فرموده اند . این توقیع مبارکه درمجموعه : World Order of BAHA-U-LLAH بطبع رسیده است .

۱۷ The World Order of BAHA-U-LLAH

این توقیع مبارک بتاریخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ از قلم مبارک حضرت ولی امرالله صادر شد و در آن تشریح فرموده اند چگونه امر الهی بعد ازصعود حضرت عبدالبهاء به پیشرفت و تقدم خود در عالم ادامه داده است و تشکیلات بهائی ارتباط کامل با نظم جهانی و صلح دارد ــ این توقیع مبارک در مجموعه World Order of BAHA-U-LLAH بطبع رسیده است .

۱۸ ــ تشریح نظم جهانی World Order Unfolds. این مجموعه شامل قسمتی از پیام های مبارکه حضرت ولی امرالله است که شامل دستورات الهیه است و نشان میدهد که تشکیلات و موسسات امر مبارک چگونه با سرعت به پیشرفت خود ادامه داده است ــ هیکل مبارک این مسائل را تا تاریخ مارچ سال ۱۹۵۲ تشریح فرموده اند .

۱۹ ــ نقشه جهان ــ امر بهائی A World Survey The BAHAI FAITH

یکی از آثار هیکل مبارک است که در ۲۴ صفحه به طبع رسیده است .

۲۰ ــ سر نوشت امریکا The Destiny of America مطالب این کتاب از لوح منیع ظهور عدل الهی استخراج شده واین توقیع مبارک چنانچه ذکر شد از آثار مبارکه هیکل مبارک حضرت ولی امرالله است که خطاب باحبای ممالک متحده امریکا و کانادا صادر شده است .

۲۱ ــ سر مشق جامعه آینده A Pattern for Future Society. از توقیع مبارک حضرت ولی امرالله که در ۱۱ مارچ خطاب باحبای غرب صادر شده استخراج گردیده و در چهار صفحه منتشر شده است .

۲۲ ــ جهان بطرف سرنوشت خود در حرکت است The World Moves on to its Destiny که درچهار صفحه منتشر شده است

۲۳ – راهنمای امروز و فردا Guidence for Today and Tomorrow.
راهنمای امروز وفردا که از الواح مبارکه حضرت ولی امرالله استخراج وانتخاب شده است در سال ۱۹۵۳ بطبع رسیده است .

۲۴ – اصول نظم اداری بهائی Principles of BAHAI Administration.
منتخبی از الواح مبارکه حضرت ولی امرالله است که در سال ۱۹۵۰ در بریتانیا بطبع رسیده است .

۲۵ – The Rising World. Commom – Wealth
از آثار مبارکه حضرت ولی امرالله است در بریطانیا بسال ۱۹۴۵ طبع شده در این کتاب در باره نظم جهانی بهاءالله گفتگو شده است .

۲۶ – پیامهائی بعالم بهائی
Messages to the BAHAI world.
شامل پیامهای مبارك باحبای غرب است که از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۷ صادر شده در سال ۱۹۵۸ در امریکا بطبع رسیده است .

۲۷ – دین جهانی The World Religian
جزوه مختصری است از آثار حضرت ولی امرالله که در غرب بطبع رسیده است و بفارسی هم ترجمه شده است .

" تبلیغ امرالله و نشر نفحات الله و احترام شریعتالله و اعزاز دین الله و تنفیذ احکام کتاب الله از افضل واشرف اعمال در این ایام محسوب ."

××××××

" اول مبلغ حسن رفتار یاران است و بهترین دلیل و هادی بصراط مستقیم الهی همان حسن سلوك و حسن معاملات و – خدمت حقیقی بعالم انسانی . "

در صعود مولای حنون وبیهمتا حضرت ولی عزیز امرالله

شـــــوقـــی ربانـی

بار دیگرای عـزیزان گشته بر پا گفتگوئـــی
میرود ازهر طرف بر اوج گردون هایهوئی
بار دیگرساقی تقدیـــرتا شـــادی نپایـد
ریخت درکام محبان ازشرنگ غـم سبوئـی
رشته دلبند ما را از چه رونگسست یا رب
آنکه هر گزنگسلـد جز بیرضایش تارموئـــی
ای ولی امرحق ای شوقی ای محبـوب عالـم
ای بهـــردل ازتواند رملـك امکـــان آرزوئی
بیتو ای سلطان ملك جان جهـان ماتمسراشد
داد ازاین ماتمسـرا کوپاکه بگریـزم بسوئـی
چون تو ای مولای بیهمتانشاید مـــام گیتی
آورد زین بعد مـولای عزیز نیکخـــوئـــی
یکنفربا اینهمه زحمت چقدرآخر تحمـــــل
کوه آهن گربود آخـربفرسایـدچو موئـــی
چشم دل بگشای واهداف جهان آرای اورا کوئی
همچـو خورشید درخشان بین بهر شهری و
بهر هربیروجوان امروز گاه امتحـان شـد
تا که رسوادرجهان گردد اگرباشد دوروئـی
هرکه اوبیگانه ازحق شد اگرکوبند شایـــــد
کوس رسوائی اورا برسر هرچـارسوئـــــی
تا توانی دامن چون وچرا ازکف رهاکـــن
تا نیفتد دامنت هرگز بدست کینه جوئـــی
دیده حق بین نبیندغیر حق درهرچه بیند
باز کن چشم بصیرت تا فـــزائی آبروئـــی
دامن همت (ادب) مگذار ازکف گاه ویگه
تابری شاید ازاین میدان بسعی وجهد گوئی

حسیـــن بیضائـی (ادب)

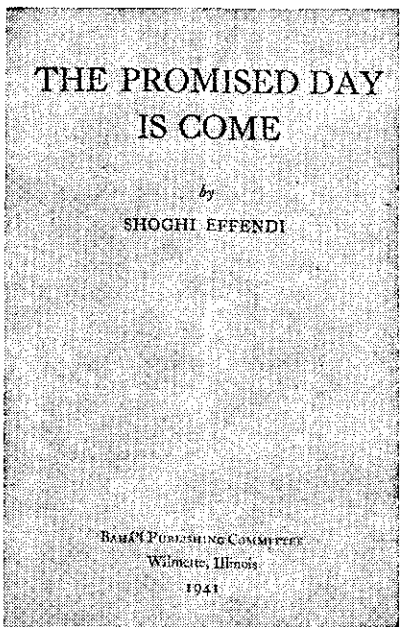

قد ظهر یوم المیعاد

ع ـ صادقیان

در بحبوحه جنگ دوم که قارات خمسه عالم درلهیب قتال و خونریزی میسوخت مولای اهل بهاء حضرت ولی امرالله ارواحنالتربته الفداء درمارچ ۱۹۴۱ توقیع منیع مبارک « روز موعود فرا رسید » را خطاب به احبای الهی و اماء رحمانی دراقالیم غربیه صادر فرمود. طی آن بشرح حوادث و وقایع مهمه یکصد ساله ظهور امر مبارک و تشریح علل و موجبات وقوع آن جنگ مهیب و خانمانسوز پرداختند.

بدون شك تا کنون هیچکس نتوانسته و درآینده هم نخواهد توانست مانند حضرتش به تشریح وقایع قرن اخیر و توجیه علل پریشانی اوضاع بین المللی وخسران و وبالی که گریبانگیر نوع بشر گردیده است بپردازد. آثار مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله ارواحنالرمسه الاطهر الفداء یکی از گرانبهاترین میراثهائی است که هیکل اطهر در این جهان فانی ببادگار گذارده اند و ما هنوز بدرستی باهمیت این آثار مبارکه پی نبرده ایم ومسلما در آینده ارزش حقیقی این اسفار کریمه بیشتر معلوم خواهد شد.

اصل این اثر نفیس در تاریخ ۲۸ مارچ ۱۹۴۱ میلادی بانگلیسی از کلك اطهر حضرت ولی امرالله ارواحنا لمظلومیته الفداء صادر شده ودر همان سال بوسیله مؤسسه ملی مطبوعات امریکا (ویلمت) در ۱۲۹ صفحه بقطع پستی چاپ شده است چاپ دیگری از این سفر کریم بانگلیسی در مارچ ۱۹۴۲ در بمبئی (هندوستان) با ضمائمی از آثار و تعالیم

روز موعود فرا رسید

مبارکه و مقدمه ای بقلم (مانی مهتا) رئیس فقید محفل مقدس روحانی بمبئی بهمان قطع چاپ شده است .

ترجمه فارسی این توقیع منیع توسط لجنه مجلله ترجمه آثار امری انجام شده وچندی پس از انتشار اصل انگلیسی در ۷۸ صفحه بقطع خشتی تکثیر ومنتشرگردیده است .

مندرجات این اثر مبارک به ۳۲ فصل تحت عناوین ذیل تقسیم شده است ((قضاء الهی چگونه ندای حضرتش را اجابت کردند ؟ ــ مناظر برجسته این فاجعه شگفت آور ــ دنیای معرّض از حق مخاطبین پیام الهی ــ الواح ملوك ــ قد نزل ناموس الاکبر ــ ظالمین راجلوگیری کن ــ قائم مقام الهی در روی زمین ــ ذلت فوری وکامل پایان امپراطوری مقدس رم ــ بسه ترکیه وایران چه رسید ؟ اضمحلال امپراطوری عثمانی مجازات سلسله قاجاریه ــ شناختن مقام سلطنت ویرانی مبادی دینی ــ بیاناتی که بعلمای اسلام خطاب شده ــ انقراض خلافت ــ اخطار بتمام ملل ــ پیام حضرت بهاء الله به پیشوایان مسیحی ــ ملل مسیحی بر ضد ملل مسیحی ــ نتایج ظهورات الهیه ــ ضعف آرمان دیانت ــ منظور الهی قرن عظیم آینده ــ دیانت وتکامل اجتماعی ــ فکر وسیعتروجامعتر ــ انجمن عالم)) .

این سفر کریم بااینکه حاوی مطالب مهمه است ولی ترجمه فارسی آن ساده و روان وخالی از هرگونه ابهام و پیچیدگی است ــ مولای اهل بهاء در غالب موارد به بیانات مبارکه حضرت ــ بهاء الله وحضرت اعلی و حضرت عبد البهاء ارواحنا لهم الفداء استناد جسته درهر محل بمناسبت موضوع ازآن آثار مبارکه نقل نموده اند مخصوصا یك قسمت مهم این اثر کم نظیررا نقل الواح و خطابات جمال اقدس ابهی خطاب بملوك و سران دول وعلماء وروسای ادیان تشکیل میدهد .

مطالب عالیه این کتاب جلیل القدر را پس از مقدمه (یك فصل) میتوان به پنج قسمت تقسیم نمود اولین قسمت مطالب بشرح عکس العملی که دنیا درمقابل ظهورمبارك نشان داد و مجملی ازوقایع صدر امراختصاص داده شده است (۳ فصل) ــ دردومین قسمت مندرجات این اثر نفیس خطابات مبارك به روسای دول وملل وادیان وعلماء نقل گردیده است (٤ فصل) ــ هیکل اطهر در سومین قسمت این اثر مبارك بشرح عواقب شوم ملوك وسلاطین وعلماء و روحانیونی که بمخالفت باامرالهی قیام کرده اند واضمحلال تمدنها وامپراطوریها و رژیم های سیاسی واجتماعی وانقراض سلطنت های سیاسی و روحانی پرداخته اند وچون مورخی بیمانند وقایع مهمه تاریخیه در ربطی یکصد سال اول ظهورمبارك را تجزیه وتحلیل فرموده اند (۱۵ فصل) ــ در قسمت چهارم وضع عصرحاضر جنگ وخونریزی تباهی و فسادی که در شئون اخلاقی ودینی وروحی مردم این عصر راه یافته تشریح شده است (٤ فصل) پنجمین وآخرین قسمت دورنمای روشن ودلکشی از قرن عظیم آینده وتکامل روحانی که بشر باید بآن برسد و استقرار سلطنت الهیه وتشکیل بیت العدل اعظم که ازملك اطهربنام (انجمن عالم) نامیده شده است ترسیم و وظیفه اهل بهاء درحال حاضر درمقابل این دنیای آشفته وپریشان معلوم گردیده است .

با اینکه دراین مختصربمصداق
« گربریزی بحرراد رکوزه ای
چندگنجد ؟ . .حاصل یکروزه ای »

آنطورکه باید وشاید نمیتوان به نقل مطالب عالیه این اثر جاوید ان پرداخت ولی اجازه دهید اجمالا نظری بمندرجات گهر بارآن اندازیم وخوانندگان عزیز را بزیارت اصل این توقیع منیع دعوت نمائیم .

این توقیع منیع چنین آغاز میابد :

((اکنون طوفانی که در شدت بی سابقه و درجریان فوق تصورو در اثرات فعلی دهشت آور و ازحیث نتایج پرمجد وعظمت میباشد برسطح کره خاك بوزیدن آمده قوه محرکه آن بدون حس شفقت وترحم بروسعت وحدت خود می افزاید ــ قوه تدمیریه آن هرچند ظاهر و محسوس نیست ولی روز بروز شدیدتر میشود ــ عالم انسانی درقبضه قوه مخربه آن گرفتار وبضربات قهرش دچار گردیده است. درحالیکه نمیتواند مبداء آنرا دریافته و اهمیت آنرا درك نموده وباعواقب آنرا درنظر بگیرد لذا وحشت زده و درحال عذاب و بی چارگی باین صرصر قهرالهی مینگرد که چگونه بدورترین ومعمور ترین نقاط زمین هجوم آورده بنیاد هارا متزلزل ساخته و تعادل اشیاء را ازبین برده و ملل را ازهمدیگر جداساخته زندگی مردم را بهم زده وشهرها راویران ... و قلاع محکمه را فرو ریخته وموسسات عالم انسانی راریشه کن نموده نور آنرا ظلمانی و روحیه ساکنین کره ارض را جریحه دار ساخته است. ...))

پس ازاین مقدمه هیکل اطهر بشرح این قضای محتوم الهی که آنرا هم "مصائب جزائیه" و هم "یك تادیب مقدس عالی" برای نوع بشر میدانند پرداخته چنین میفرمایند ((این قضاء الهی بنظر کسانی که حضرت بهاء الله را صور الهی واعظم مظاهر رحمانی درعالم میدانند هم مصائب جزائیه است وهم یك تادیب مقدس عالی ودرعین حال که بمنزله نزول بلائی من جانب الله است نوع بشر را ازآلودگی های دنیوی پاك و مطهر میسازد . نارضی مجازات تبه کاران است وعلت التیام عناصر متلبه نوع بشر دریك هیئت لا یتجزای جامعه عموم انسان ــ دراین سالهای پر شرو شورکه ازجهتی انقضاء قرن اول دور بهائی وازجهت دیگرشروع قرن جدیدی را اعلام میدارد باراده آنکه قضاء ونجات عالم در یك اقتداراوست باید در آن واحد بحساب اعمال گذشته خود رسیده ضمنا خود را برای انجام وظایف آینده پاك وآماده سازد . نه از مسئولیتهای اعمال گذشته ویرا گریزی ونه نسبت بوظائف آینده مفری زیرا خداوند عادل ومهربان وقادرمتعال در این دوراعظم اجازه نمیدهد معاصی نوع بشرچه در قبال وظائفی که بعهده داشته وانجام نداده و چه ازحیث مظالمی که مرتکب شده بی مجازات بماند . وهمچنین نمی خواهد بندگانش را بسر نوشت خود واگذاشته وآنانرا ازآن مقام عالی و پر سعادت که درمراحل تکامل بسائی وپر زحمت در طی قرون عدیده مقدرشده وحق مسلم وسر منزل حقیقی آنان بشمار میرود بازدارد ...))

##

سرگونی وبلایای وارده بر طلعت اعلی که منجر به شهادتشان گردید صدماتی که قبل ازاظهار امر بر جمالمبارك وارد شد ــ مسجونیت درسیاه چال طهران ضبطونهب اموال ــ سرگونی بااهل وعیال درسرمای زمستان بعراق وشهرهای عثمانی و بالاخره سجن اعظم عکا وبقیه مصائب دوران ــ حیات مبارك لطمات واذیات وارده برطلعت میثاق ــ قتل وزجروضرب وشتم وغارت پیروان امر حضرت منان درکشورایران ــ مطالبی است که طی فصولی چنداز اوائل این کتاب راتشکیل میدهد وخواننده را باوقایع اولیه ظهورامر مبارك آشنا میسازد .

##

مولای اهل بهاء درفصلی بنام "پیام الهی" و فصولی چند پس از آن صفحات کثیری ازاین صحیفه کریمه را به نقل اصل خطابها و انذاراتی که ازقلم منجز شیم جمال اقدس ابهی به ملوك و سلاطین و وزراء وامراوعلماء وروسای کنائس ومصابد سالنه صادرفرموده انــد

زینت بخشیده اند وعکس العمل هائی راکه مخاطبین این ندای الهی نشان داده اند تشریح فرموده به بیان عواقب ذلت بارکسانیکه دعوت حق را اجابت نکردند پرداخته یك یك تحقق انذارات ونبواتی راکه حضرت بهاء الله جل کبریائه درباره آنان وممالك وحکوماتشان فرموده اند تشریح وتبیین میفرمایند .

مطالب مهمه مندرجه دراین فصول پس از نقل الواح ملوك وخطابات مبارکه قلم اعلی شامل شرح انقلابات وتحولات وتطورات تاریخیه عظیمه ایست که طی اولین قرن ظهور مبارك بردنیا مخصوصا برممالك اروپا وآسیا واردآمده عواقب سوء اعمال روسای این ممالك گریبانگیر آنان گردیده است . در یکی از فصول درباره این خطابات قلم اعلی چنین میفرمایند :

((این بیانات چه خاطراتی برمیانگیزد . . . چه مبادی سامیه ای تعلیم میدهد . چه امید واریها تولید میکند . چه بیم وهراسهائی بوجود میآورد . . . هیمنه وتنوع بیانات وقاطعیت استدلال وعظمت وشهامت لحن آنها حقیقه جالب انظارو محیر العقول است . سلاطین وپادشاهان وامرا و وزرا و سفراو شخص پاپ واساقفه وکشیش هاوفلاسفه و علما و وکلاء ونمایندگان مجالس واغنیای ارفع وپیروان تمام ادیان واهل بهاء کلا مشمول این خطابات عالیه گردیده وهر یك بفراخور استعداد وقابلیت خویش نصایح ومواعظی دریافت میدارند . تنوع موضوعاتی که در این الواح بحث شده خود حیرت انگیز است . دراین الواح عظمت مهیمنه و توحید حق منیع لایدرك توصیف گردیده و وحدانیت مظاهر امرش اعلان وتاکید گردیده است . بدیعیت و جامعیت و قوای مکنونه دیانت بهائی تاکید و مراد ومقصد ظهورحضرت باب تشریح شده است مفهوم ومقصود بلایا وسرگونی حضرت بهاء الله مکشوف ومحن ورزایائی که بر مبشر ظهورش و همچنین بر سمیش وارد گردیده بقلم اعلی مذکور و نوحه سرائی شده است . آرزوی آن حضرت برای تاج شهادتی که آن دو وجود مقدس بنحوی محیر العقول برسر نهادند آشکار شده وافتخارات غیر قابل وصف و وقایع ایکه در آینده برای ظهورش مقدر است پیش بینی گردیده است ــ وقایع موثره و عجیبه مراحل مختلفه رسالتشان شرح وبسط گردیده و فنای جاه و جلال و ثروت ومال وسلطنت ظاهره بکرات ومرات قطعا تاکید شده است . اجرای مبادی سامیه در روابط بشریت وبین المللی شدیدا و اکیدا درخواست و ترك رسوم وشعائر نا لائقه که مضر بسعادت وترقی و رفاهیت وحدت نژاد انسانی است امرشده است . . .))

××××××××××××

درفصلی ازاین توقیع منیع بنام "شناختن مقام سلطنت" درباره احترام واطاعت اهل بهاء از سلاطین چنین میفرمایند : ((ولی نباید منظور حضرت بهاء الله سوء تعبیر شده وندانسته تفسیر گردد زیرا هرچندکه عتاب آنحضرت نسبت بسلاطین که باو زجر وآزار رساندند شدید بوده و آنهائی را هم که وظیفه اصلی خود رادر باره تحری حقیقت امراو آشکارا انجام نداده و دست تعدی ظالمین راکوتاه نکرده اند جمعا مورد ملامت قرارداده ولی درعین حال تعالیم آنحضرت بهیچوجه شامل اصولی نیست که مدل برطرد و یا حتی بطور ایماء واشاره مشعر براهانت نسبت بمقام سلطنت باشد . . . درحقیقتا گر مادر آثار شارع مقدس دیانت بهائی تمعن نمائیم بیانات بیشماری خواهیم یافت که با عباراتی صریح وغیرقابل تفسیر ازاساس سلطنت تمجید واز رتبه ومقام پادشاهان عادل ومنصف ستایش فرموده وقیام پادشاهانی که از روی عدالت وحتی باایمان بامر او حکمرانی خواهند کرد پیش بینی فرموده وفریضه مهمه قیام برعهده داری نصرت پادشاهان بهائی راتلقین فرموده است

حضرت بهاء الله ... درلوح ابن ذئب سرچشمه حقیقی سلطنت را تعیین میفرمایند : ((ولکن ملاحظه شئون سلاطین من عند الله بوده وازکلمات انبیاء واولیاواضح ومعلوم)) وهمچنین درلوح بشارات میفرمایند : ((شوکت سلطنت آیتی است ازآیات الهی دوست نداریم مدن عالم از آن محروم ماند)) و دریکی از الواح میفرمایند ((حق جل وعزمملکت ظاهره را بملوک عنایت فرموده براحدی جائزنه که ارتکاب نماید اموری راکه مخالف رای روسای ممالک باشد ....))

##

تصویر دقیق و روشنی که مولای اهل بهاء از بیدینی وانحطاط اخلاقی بشرقرن ما در لابلای فصول آخر این صحیفه کریمه ترسیم فرموده اند درحقیقت آئینه تمام نمای کیفیت روحی مردم عصر ماست مردمی که در منجلاب تعصبات جاهلیه ـ انواع واقسام فسادها وانحطاطات اخلاقی دست ویامیزنند وچون اشخاص مزکوم قادر به تشخیص کراهت هوای محیط خود نیستند.

درفصلی بنام " ضعف ارکان دیانت " تزلزل مبادی دینی واخلاقی این مردم راچنین بیان میفرمایند :((نه تنهابیدینی و زاده ـ عجیب آن یعنی بلیه سه گانه که اکنون روح عالم انسانی را معذب ساخته مسئول عوارض شومی است که عالم را بصورت پس خطرناکی فرا گرفته بلکه مفاسد ومعایب دیگری که اغلب آنها از عواقب مستقیم ضعف ارکان دیانت میباشد عوامل مساعده آن گناه چند جانبه بشمار میروند که افراد ملل بدان محکوم گشته اند. علائم انحطاط اخلاقی که نتیجه تنزل دیانت و اعتلای این بتهای غاصبه میباشد بحدی متعدد و روشن است که حتی اگر کسی بنظرسطحی در اوضاع جامعه کنونی بنگرد از درک آن محروم نخواهد ماند. اشاعه فکر مخالفت با قانون وباده نوشی وقمار وجنایت ـ میل مفرط به عیاشی ومکنت وشئونات دنیوی، سستی دراخلاقیات که منجربترک مسئولیت درامرازدواج وضعف ـ نظارت والدین وکثرت امرطلاق وانحطاط پایه ـ مصارف ومطبوعات وحمایت ازعقایدی که صرفا منافی امر طهارت واخلاقیات و نجابت است. تمام این علائم تدنی اخلاقی که بر شرق وغرب هر دو استیلا یافته و در هرصنف و طبقه جامعه رخنه و نفوذ کرده وسموم خود را دراعضای جامعه اعم از زن و مرد وجوان وپیرتزریق نموده ـ اینهاتمام طومار سیاهی راکه عیوب متعدد نوع بشر تبه کار بر آن ثبت بوده سیاه ترکرده است لهذا تعجبی نیست اگر حضرت بهاء الله آن طبیب ملکوتی چنین فرموده باشند : ((دراین روز ذائقه ناس تغییر کرده وقوه ادراک آن تبدیل یافته ارياح مخالفه دنیا ورنگهای آن ایجاد زکام نموده وشامه مردم را ازنفحات طیبه ظهورممنوع ساخته (ترجمه) " چه لبریز وتلخ است جام انسانی که از اجابت ندای الهی که توسط مظهرکلی او بلند شده محروم مانده و مصباح اعتقاد خود رلسبت به خالق خود تاریک کرده و آنهمه اطاعتی راکه به خدای خویش مدیون بوده نسبت بخدایان ـ مخلوق خود داشته وخود را بمفاسد ومعایبی که لازمه چنین تعویض است آلوده کرده))

و درپایان این فصل بشرخطاکاری راکه ازاوامر الهی سرپیچی کرده وازحق روی برتافته مستحق " قصاص" و "تنبیه" الهی دانسته درباره اش چنین میفرمایند : ((... خداوند در مقابل اعمال خلاف ابناء خود تنهابه مجازات اکتفانمی کند خداوند قصاص میکند چه که عادل است و تنبیه میکند چه که محبت دارد وهمینکه آنها راتنبیه نمود نظر برحمت کبرای خود آنها را بخود وانمیگذارد وبا نفس عمل تنبیه آنانرا برای انجام ماموریتی که آنها را برای آن بوجود آورده آماده میسازد

لهیبی که عدالت ملکوتی اورافروخته نوع بشر غافل را تطهیرکرده وعناصرمتخالفه متنازعه آنرا چنان تطهیروالتیام میدهدکه هیچ عامل دیگری ازعهده آن برنیاید . این نار صرفابرای مجازات وخرابی نیست بلکه قوه تهذیبیه خلاقه است که منظورش نجات تمام اهل ارض بوسیله وحدت است خداوند خفیاومتدرجا ومصرا نقشه خود رابانجام میرساند . هرچندآنچه دراین ایام بنظرما میرسد منظره عالم درمانده است که در دامهای خودگرفتارونسبت بندای ملکوتی که مدت یك قرن است اورابخدا میخواند بکلی بی اعتناوازروی بیچارگی مفتون نداهای فریب دهنده ای شده است که میخواهدآنرا بگرداب عمیقی بکشاند .))

##

درفصلی تحت عنوان " منظورالهی " درباره آینده بشریت چنین میفرمایند : ((خداوندجز این منظوری ندارد که باوسائلی که اوبه تنهائی قادر به تمهیدآن است ومعنی کامل آنرا خودبه تنهائی میتواند درك نماید برای نوع بشرکه مدتها متفرق و معذب بوده آن قرن ذهبی عظیم راایجاد نماید . اوضاع کنونی وحتی آینده قریب درحقیقت تاریك و تاریکی آن غم انگیز است ولی مستقبل بعید درخشنده ودرخشندگی آن باجلال است آنقدر درخشنده است که هیچ چشمی نمیتواندآنراتصور نماید .))

((آنچه ما درحال حاضریعنی دوره (وخیمترین بحرانهای تاریخ مدنیت) مشاهده میکنیم — این اوقاتی که زمان (زوال و تولد ادیان) رابغاطر میآورد مرحله عنفوان جوانی دوره تکامل تدریجی وپر زحمت انسانی میباشد ومقدمه وصول بمرحله رشد و بلوغ است که وعده آن ضمن تعالیم مبارکه مندرج و درنبوات حضرت بهاالله مودوع است اغتشاش این دوره استحاله ازخصائص حدت وغرائزکم خردی جوانی است که نادانی هاواسرافها ونخوتها واعتماد به نفس ونافرمانی وبی اعتنائی بنظم وترتیب ازمختصات آن است)) .

##

هیکل اطهر درباره قرن عظیم آینده و بلوغ — عالم انسانی چنین میفرمایند : ((قرون مافولیت وصباوت بشراکنون گذشته ودیگر بازنخواهدگشت در حالیکه قرن عظیم که نتیجه تمام قرون ونشانه بلوغ تمام نوع بشراست باید درآینده ظاهرشود .

تشنجات این دوره استحاله واغتشاش عظیم درتاریخ عالم انسانیت از ضروریات اولیه ومبشرقرب وقوع حتمی آن اعظم قرون (آخرالزمان) است که درآن سفاهت و آشوب جنگ وجدال ازاول طلوع تاریخ بشر صفحات وقایع آنرا سیاه کرده بالاخره منتهی بعقل ودرایت وآسایش و صلح ثابت وعمومی ودائمی خواهد گردید ودرآن قرن اختلاف وانشقاق — ابناء بشرجای خودرا بصلح وآشتی عمومی و وحدت کامل عناصرمختلفه متشکله جامعه انسانی واگذارخواهد کرد .))

((این درحقیقت اوج شایسته سیرکمالی خواهد بودکه ازخانواده یعنی کوچکترین واحدی در مراتب تشکیلات جامعه بشری شروع شده وبایدپس از آنکه متتابعاقبیله وشهر وملت رابوجودآورد عملیات خود را ادامه داده منجر بوحدت تمام عالم انسانی گردد که آخرین منظورتاج افتخارتکامل انسانی دراین سیاره است . بارفع این مرحله است که نوع بشر خواه یاناخواه وبناچارنزدیك میشود — برای — وصول باین مقام است که این بلای دامنه دارو — مبرم که نوع بشر بدان دچار شده خفیاجاده را هموارمیسازد . باین مقام است که تقدیرات ومقصد اسرحضرت بهاء الله باور انفکاك ناپذیر بستگی دارد . . . انجام این سیرکمال همواره باقرن ذهبی امر آن حضرت توام شمرده خواهدشد بنیان نظم بدیع جهانیش که اکنون در رحم موسسات اداری که خودآن حضرت پدیدآورده در جنبش وحرکت —

است ونمونه وهسته مرکزی آن هیئت جمعیت جهانی خواهد شد که سرانجام قطعی وحتمی امم و ملل ارض است .))

# # # #

در فصل " دیانت وتکامل اجتماعی " که از آخرین فصول این سفرکریم محسوب میشود بتفصیل در باره مراحل تکامل وحدت نسبی نوع انسان در ظل ادیان مختلفه که بتدریج پیموده شده و وسیعتر وکاملتر گردیده تا به ظهورحضرت بهاالله جل اسمه الاعلی رسیده بیاناتی میفرمایند از جمله :

" مقامی که دنیا اکنون بآن نزدیك میشود همین مقام وحدت عالم انسانی است وچنانکه حضرت عبدالبهاء موکدا میفرمایند در این قرن البته تحقق خواهد یافت .))

# # # #

خاتمه این سطور رابه نقل آخرین قسمت این سفرجلیل که بنام " انجمن عالم " نامیده شده و موید آینده امید بخش بشر رنجدیده ومحنت کشیده است زینت میدهیم ـ لیکون ختامه مسك :((تا کنون در ضمن نامه های سابق خود درباب جنبه کلی وخصوصیات ومشخصات این انجمن عالم که باید دیر یا زود از میان کشتاروسکرات وویرانی این تشنج عظیم دنیا سردرآورد اشاره کرده ام . کافی است بگوئیم که این نتیجه نهائی طبیعتا عبارت ـ از یك سلسله وتایع تدریجی خواهد بود که بفرموده حضرت بهاء الله باید ابتدا باستقرارصلح اصغر منجر شود همان صلحی که ملل ارض بی خبرازظهور او مبادی عمومی نازله اش را ندانسته اجراء می کنند خودشان آنرا مستقر خواهد ساخت ـ این اقدام عظیم وتاریخی که متضمن تجدید بنیان نوع بشراست ودرنتیجه اعتراف عموم بوحدانیت و جامعیت نوع انسانی حاصل میشود بنوبت خود به بیداری حس روحانیت جمهور منجر خواهد شد واین نیز نتیجه معرفت مقام وشناسائی دعاوی امرحضرت بهاء الله است که شرط ضروری امتزاج نهائی تمام اجناس ومذاهب وطبقات وملل میباشد دراین امتزاج نیز نظام بدیع جهانی حضرتش را باید اعلام دارد . آنوقت است که دوره بلوغ تمام نوع انسانی اعلام وتمام ملل ارض آنرا جشن خواهند گرفت . آنوقت است که علم صلح اعظم بر ـ افراشته خواهد شد . آنوقت است که سلطنت جهانی حضرت بهاء الله متوسس ملکوت اب آسمانی که این پیشگوئی فرموده وتمام انبیاء الهی چه قبل و چه بعد او نبوت کرده اند شناخته وبا شعف و وجد استقبال وبانهایت استحکام استقرارخواهد یافت . آنوقت است که یك مدنیت عالمگیر تولد شده ورونق یافته وباید ارخواهدماند . مدنیتی که مظاهرحیات بتمام معنی چنانچه دنیا هرگز ندیده ودرك نکرده درآن جلوه خواهدکرد . آنوقت است که عهد ابدی بطورکامل تحقق خواهد یافت . آنوقت است که مواعید مندرج درتمام کتب الهیه بانجا خواهد رسید وتمام نبواتی که پیغمبران سلف بدان تکلم فرموده اند بوقوع خواهد پیوست و رویاء پیشگویان وشعراتحقق خواهد یافت . آنوقت است که کره ارض باایمان عمومی تمام ساکنین آن بخدای واحد واطاعتشان بیك ظهور مشترك صیقل یافته درحدود مراتبی که برای آن مقررشده تجلیات لمیعه سلطنت حضرت بهاء الله راکه باشد اشراق از جنت ابهی میدرخشد منعکس ساخته و محل عرش رفیع خداوندی گشته وباسروروشعف بهشت دنیوی شناخته شده وقادربرتحقق آن سر نوشت غیر قابل وصفی خواهد شدکه ازاول لا اول براثر حب وحکمت موجدآن برایش مقبررشده است .

ماکه موجودات حقیری هستیم نمیتوانیم درچنین مرحله بحرانی تاریخ طولانی وبرحوادث نوع بشرراواضحا کاملا درك کنیم بشر آغشته بخون که از بدبختی خدای خودرا فراموش کرده ـ وبحضرت بهاالله اعتنانموده چه مراحل متتابعه

دیگری ازعذاب وفنایش تارستاخیزبه نجات نهائیش باید طی گردد . همچنین ماراکه شهود حاضره قوت غالبه امر اوهستیم هر قدرهم ذلت محیط بسر عالم شدید باشدنرسیده است که در قدرت حضرت بهاالله چون وچراکنیم باچکش اراده اش و آثار مجازات وبر سندان این قرن پر مشقت برای التیام این عناصرمتخاصمه متفرقه یک دنیای متجزی فاسد میکوبدتا بصورت خاصی که فکرمقدسش ابداع فرموده یعنی یک واحدکامل ثابت غیر قابل تقسیمی در آوردکه بتواندنقشه حضرتش رابرای ابناء نوع انسان مجری سازد .

بلکه وظیفه ما آن است که باوجود مغشوش بودن اوضاع و مظلم بودن مناظر حاضره ومحدود بودن وسائلی که در دسترس داریم با کمال مسرت و اطمینان واستمرار زحمت کشیده بهر وسیله که ممکن باشد بسهم خودکمک کنیم تا قوائی که حضرت بهاء الله ترتیب داده وادار ه میفرمایدبجریان اوردهنوع انسان را از وادی بدبختی ومذلت باعلی رفرف قدرت وجلال برساند))

" تسمتی ازبیانات حضرت "
روحیه خانم ایادی ممتاز
امرالله در کنفرانس کامپالا

" ما اکنون هم خوشحالیم و هم متاثر خوشحالیم برای اینکه این نقشه موفقیتهای گذشته را بما نشان میدهد و متاثریم ازاینکه این نقشه آخرین چیزی است که از هیکل اطهر داریم "سپس فرمودند" اینجا تاریک است احتیاج بنور بیشتر دارم" — بعد از اینکه چراغ نزدیک گذارده شد چنین ادامه دادند : " هیکل مبارک ده ساعت تمام روی این نقشه کار کرده اند — میدانیدکه در سپتامبر مریض شدند بعد ازکسالت هر چه ازایشان خواهش شد که استراحت بفرمایند قبول نفرمودند وتکمیل این نقشه را ترجیح دادند وقتی روز شنبه شروع بکار کردند بارها التماس کردم که کار را رها کنند وقت بیسیار است فرمودند خیرخیر امشب باید تمام شود حتی صندلی پشت پای مبارک قرار دادم که جلوس فرمایند قبول نفرمودند وسه ساعت تمام روی پا ایستاده بودند و استدعای مرا قبول نفرمودند ."

بیاد حضرت ولی امرالله

سید غلامرضا روحانی

از افول ماه تابان در سماء امر ابهی — روز شد چون لیل مظلم صبح شد چون شام یلدا
حضرت شوقی ربانی ولی امر یزدان — آنکه آثار بدیعش امر حق را زینت افزا
آنکه در فتح اقالیم است فرمان جهادش — آنکه در گیتی است آثار فتوحاتش هویدا
آنکه جاری شد ز توقیع منیعش امر هجرت — وز مهاجر در همه آفاق برپا گشت غوغا
آنکه سعی حضرتش از در آثار است ظاهر — هم علو اهتمامش در مقام رب اعلی
آنکه خود فرمود تعیین پسر امر الله ایادی — وان ایادی را بامر حق مقامی داد والا
آنکه آنانرا موظف در حفظ و حراست داشت — تا مصون ماند بعالم این اساس عالم آرا
آنکه هر دم قلب پاکش را بنوعی ساخت محزون — مبغض ناکس بغفلت ناقض ناکث بعمدا
آنکه دایم در سی و شش سال بود شر ماتم و غم — گه ز مظلومیت یاران و گاه از ظلم اعدا
آنکه زاول قطع گشت از رگهش پای اعادی — عاقبت کوتاه شد از دامنش دست احبا
بود تنها ذات پاکش لایق امر ولایت — زان ولی امر شد چون ذات حق بیمثل و همتا
جاودان از خاک کویش تودهٔ غبرا معطر — تا ابد از خلق و خویش گلشن گیتی مصفا
در سخن اوصاف آن مولای بیهمتا نگنجد — قطره ناچیز چه تواند که گوید وصف دریا
حرقتی از فرقتش افتاد در دلهای یاران — کز غمش ماتمسرا شد سربسر اقطار دنیا
بخت وارون بین که چون محروم ماندیم از لقایش — وای از محرومی ما وای از محرومی ما
از صعود غصن ممتاز بها محبوب عالم — زاری احباب از این ماتمسرا شد بر ثریا
دیده اهل بهاء گر دید گریان زین مصیبت — چیره شد نیروی ماتم زین الم بر ملک دلها

تسلیت بر بانوی اهل بها فخر ایادی
گفت روحانی که خود سوخت زین ماتم سراپا

سردلبران در حدیث دیگران

مقاله ای که ذیلا بنظرخوانندگان گرامی میرسد ترجمه فصلی است از کتاب CIRCLE OF FAITH که دکترمارکوس باخ استاد ادیان در دانشگاه یسووا آمریکا درسال ۱۹۵۶ نوشته است دکتر باخ که ازنویسندگان مشهور امریکادر رشته ادیان است چهل هزار میل راه رابرای ملاقات ومصاحبه پنج تن ازشخصیت های بزرگ جهان طی نموده ازجمله در ارض اقدس بزیارت حضرت ولی امرالله نائل آمد وشرح آنرا درطی یکفصل ازکتاب خود منتشرکرده محفل ملی امریکا درمجله بهائی نیوز این کتاب رامعرفی کرده و نوشته اندکه هرچند نویسنده ارجمند این کتاب حقایق امررا کماکان درنیافته ومقام ولایت امری نبرده ولی احساسات واحترام وتجلیل اونسبت بامر وولی امرقابل توجه است. دوستان فارسی زبان ما باملاحظه این مقاله که برای رعایت اختصارقسمتهائی ازآن در ترجمه حذف گردیده درمی یابند که تنها شیفتگان امربها نبوده اندکه در زمان حیات آن جان عالم ومولای امم پروانه آسا بآتش عشقش پر وبال میزدند وبعد ازصعودش در اجرای اوامرش جان برکف ایستاده اند بلکه کسانی ازشخصیت های بزرگ جهان که بهائی هم نبوده اندبسیك نظرعاشق روی آن سرورخوبان وجان جهانیان گردیده اند و ترجمه این فصل ازکتاب فقط برای آنست که دوستان باوفای آن مولای بیهمتا قصه جمالش رااززبان دیگران بشنوند ولذت برند

خوشتر آن باشدکه سردلبران
گفته آید در حدیث دیگران

دراینجاباید ازسرکارخانم هره خانم جذاب (علائی) تشکرنمایم که چون نسخه این کتاب دردسترس مترجم نبود قبول زحمت نموده تمام فصل مربوطه را از روی اصل کتاب تحریر وتدریجاازایتالیا بایران فرستادند. اجرهاالی الله تذکردیگرآنکه آنچه مولف ازحضرت ولی امرالله نقل نموده مطالب شفاهی است وبرای اهل بهاء نصوص معمول بهاست وبس.

+ + + + + + + + + +

درتلگرافی که بسژنونام من ارسال شده بود ودرارض مقدس بدست من رسید چنین ذکر شده بود (شوقی افندی آماده ملاقات شماهستند وقت

ترجمه : روح الله مهرابخانی

ورود خود را بایشان اطلاع دهید) ایشان در حیفا بودند و من در اورشلیم وبین ما دروازه Mandelbaum قرار داشت واین دروازه تنها دالان بین اعراب و اسرائیل بود که باز بود ولی البته این دالان از — طرف اردنی ها مطلقا یک طرفه بود باین معنی که اگر مسافری باسرائیل میرفت بایستی در همانجا بماند ویا راه خود را بطرف یک کشوری طرف ادامه دهد این روش سیاسی اردنیها بود البته چند استثناهم داشت که وضع من یکی ازآنها بود .

وقتیکه من وارد این دروازه شدم ودریک راه سیصد پائی بی طرف براه افتادم محبت و — لطف مامورین هردوطرف را نسبت بخود بیادآورده آرزو کردم که ای کاش دارای علم جادوئی وحکمت پنهانی بودم ومیتوانستم اعراب واسرائیل رامتحد نمایم . در پشت سرمن لژیون عرب قرار داشتند ودر طرف دیگر اطفال اسرائیلی بازی میکردند . من کیف دستی خود را دست گرفته راه میرفتم ودر باره فرمولی فکر میکردم که بواسطه آن هرکدام ازطرفین بتوانند نسبت بطرف دیگر اعتماد درخود ایجاد نمایند . من درباره شوقی افندی فکر میکردم که آیا او قادر بانجام این کار میباشد؟ آیا امروشریعتی که اوزندگی خود را وقف آن نموده ونهضتی که اوقائد آنست دارای این نیروی سحر آسا هست ؟ کلمه ای که او اعلان مینماید (بهائی) است ومن درضمن قدم زدن درآن محیط آمیخته بسکوت وبدگمانی که غروب تاریک یکی ازروزهای ماه فوریه برشوی آن محیط میافزود برای این کلمه معانی تازه یافتم شاید کلمه بهائی بیشتر از یک اسم ساده ای — که بیک دیانت جدید گذاشته شده باشد مفهوم دارد مترادف انگلیسی کلمه بهاء LIGHT (نور) است وشوقی افندی تصریح کرد که این کلمه بمعنی نوراست ولی نوربمفهوم معرفت — نوربمفهوم حقیقت ونور بمفهوم انصاف وعدالت این کلمه بمعنی ایمان وعقیده نیزهست باین معنی که هرجا خدا هست درآنجا وحدت است وخدا درهمه جا هست .

بهائی یعنی زائیده نور وپیروبهاء الله — یک پیغمبر ایرانی که درسال ۱۸۶۳ خود را رجعت مسیح اعلان نمود (نویسنده چون مسیحی بوده بتصور خود نوشته است) وشخصی راکه من بملاقات او می رفتم مستقیما ازاخلاف بهاء الله وپیشوای حالیه بهائیان بود ویک ملیون بهائی درسرتاسر دنیا بکمال ارادت اورا ولی امرخود می دانند به آنهائیکه مسیحی هستند میخواهند ثابت کنند که بهاء الله همان تسلی دهنده ایست که مسیح وعده آمدن انرا داده است آنها به یهودیان میگویند که این همان کسی است که مقدر بوده برکرسی داود تکیه زند آنها مسلمانان رابا این حقیقت دعوت مینمایند که بهاء الله آمده تا دیانت آنها را حیات جدید بخشد وآنرا پاک و — طاهر نماید . به زردشتیها میگویند که بهاء الله همان (دوست بیمانند) است که شمامنتظر آنید بالاخره بهائیان به پیروان تمام ادیان بزرگ عالم اعلان مینمایند که بهاء الله (مالک اسماء) و محور وحدت وصلح وسلام است .بهاء الله بملل جهان وطن نموده است که : دنیا واحد است ومن علی الارض اهل آن .

در آن هوای سرد ماه فوریه که من در آن راه میرفتم این کلمات مثل اینکه بی تناسب وبی اثر بنظر میرسیدند چه که سراسر آن زمین را یاس و خونریزی فراگرفته بود . سربازان برفراز ساختمانهای بمباران شده تفنگ در دست ایستاده بودند وارد وی طرف مقابل هم آماده جنگ درصورت بروز کوچک ترین حادثه مرزی — بودند . ولی باوجود این من وقتیکه درباره اعراب ویهود ودرباره شرق و غرب — ملل — اجناس و طبقات در روی کره زمین فکر میکردم از بزبان آوردن این جمله نمیتوانستم خود داری کنم وبیش خود میگفتم (مطمئنا یک عقیده ومبدئی هست که ما مشترکا بدان بستگی داریم . یک حقیقتی هست که ما نمیتوانیم خود را از آن دورنگاهداریم آنکه ما را

بوجود آورده منشاء وسرچشمه مقدس هرنوع حیاتی درزمین است دراوما همه یکی هستیم واگر درطی این زندگی مختصروفانی باهم بجنگیم چنان است که بجنگ خود رفته باشیم ونیزبااوکه سرچشمه حیات است بستیزه برخاسته باشیم))

من راه خودرا بسوی عکاادامه دادم این بندری بودکه بهاء الله ازبغداد بآنجاتبعید شد و سال های سرگونی خودرادرآن گذرانید بسوی این نقطه دورافتاده استکه Francis d'assis وقتی سفر نموده . . .

(فرانسیس آسیس (۱۱۸۲– ۱۲۲۶) یکی از مقدسین مسیحی ازاهل ایتالیاوموسس فرقه (فقرای مسیحی) است این شخص شرط وصول بحیات مسیحی را انقطاع صرف وفقرمیدانست پیروان او با خشن ترین لباسها زندگی میکردند وتن به پست ترین کارها میدادند حتی غذای یومیه خودرا با گدائی تامین میکردند این فرقه راپاپ هم تائید کرد ونفوذ وانتشارعجیبی دراروپایافتند مبشرین اولیه مسیحی درامریکاازافراد این فرقه بودند که درسفر دوم کریستف کلمب با او بامریکارفتند .فرانسیس آسیس بعنوان نمونه انقطاع وروحانیت ویکی از مقدسین مسیحی شناخته شده است) مترجم

من واردا این شهرشدم جائیکه نزد بهائیان به (سجن اعظم) موسوم است جائیکه بهاء الله ۲۵ سال درحال اسارتدرآن بسر برده . وقتیکه من دراطراف آن دیوارهای کهنه وآن زندان تاریک گردش میکردند تاریخ بهائی درنظرم زنده شد . . .

شوقی افندی کسیکه من بدیدنش میرفتم نوه ارشد دختری عبدالبهاء ونسبت دوری با باب داشت عبدالبهاء در وصایای خود تنصیص نموده بودکه شوقی افندی اداره جامعه را بعهده گیرد . شوقی افندی درموقع فوت پدربزرگش در سال ۱۹۲۱ جوان ۲۵ سالگی بودکه دراکسفوردلندن تحصیل مینمود تابدستور عبدالبهاء زندگی روحانی خودرا باانقطاع ادامه دهد .

مدتی پیش در مدخل مشرق الاذکارامریکاخانمی بمن گفته بودکه (من درحیفابوده وحضرت ایشان را دیده ام من هرگز درمدت عمرم بچنان چشمانی ننگریسته ام اطاعت اواطاعت خداست و اعراض از او اعراض از خدا .)

درشیکاغو مردی که برای اولین بار مرا با آثار قلمی شوقی افندی آشناکردگفت(تمام کسانیکه ولی امر را ملاقات میکنند شدیدا تحت تاثیر اوقرار میگیرند) او میگفت حضرت عبدالبهاء درالواح وصایای خویش بمادستور فرموده اند که کمال مواظبت را ازایشان معمول داریم تا عبار کدر وحزنی برخاطر انورش ننشیند و روز بروز فرح وسرور وروحانیتش زیاده گردد تاشجره امر الهی بارور شود)

یکی از پرفسور های دانشگاه بیروت ولی امر را بعنوان یک نابغه بمن معرفی نمود و یک بهائی درژنواز من خواهش کرد که بعد از تشرف ازاریق ژنوازگردم تا اودستی راکه دست شوقی افندی را فشرده بفشارد .

از عکا بسوی بهجی که شش کیلو متر راه بود رفتم اینجا قصر شیخ است همان محلی که بهاءالله بقیه عمر خودرا بعداز خلاصی از زندان درآنجاجلا زندگی کردودرهمان جا در سال ۱۸۹۲ فوت نمود این نقطه مقدسی است که مسیحیان – مسلمانان – یهودیان و بودائیان وزردشتیهاوسائیهامیآیند تا برای فقدان بشیرالهی سوگواری نمایند ومقام اوراتجلیل کنند بهائیان حتی حالیه از مرگ بهاء الله سخن نمیگویند بلکه ازصعوداونام میبرند .

من ازکوچه بسوی عمارتی بزرگ رفتم در چشم انداز بسیار زیبائی عده ای کارمیکردند

آنچنان بساختن باغچه‌های زیبای بهجی مشغول بودند که حتی سرشان را بالا نمیکردند من به مرد جوانی برخوردم که حاضر شد مرا بداخل قصر بهجی راهنمائی کند او کاری بنام ولیت من نداشت و برایش همین کافی بود که دانست من (محقق) هستم اوبا برخورد آرام وگفتار ملایم خود چنین نتیجه گرفت که اگر کسی بحقایق ادیان مختلف توجه ودقت کند ودرآنها تحقیق نماید مطمئنا راه صحیح را درمی یابد ما درآستانه دری که باطاق زیبا و مجللی که مرقد بهاء الله در آن قرار داشت وارد شدیم ومدتی درمقابل مرقد زانو زدیم . همراه من بخواندن مناجات پرداخت و من بخود اندیشیدم که آیا در این دم که ما اینجا زانو زده ایم چقدر ازمردم در مقامات متبرکه کثیره مشغول دعا هستند . همه دعا میکنند وبدون توجه باختلاف وجدائی هائیکه ازهم دارند صدای همه بوساطت پیغمبران و موعودهای آنها بآسمان بلند است. درغارها درکلیساها درمراقد ودرمعابد این لحن ابدی ادامه دارد . فکر میکردم که آیا کی وچگونه این الحان نامتوافق وناهم آهنگ که بسوی خدا بدرآسمانی سروده میشود بتوافق وهم آهنگی در برادری نوع بشرتبدیل میشود . این امر برای من سری بود ومشکل مینمود ولی برای بهائیان موضوعی ساده بنظر میرسید آنها میگویند این معما آنوقت حل شد که بهاء الله بسوی مردم جهان آمد ووقتی صورت تحقق بخود میگیرد که جهانیان بسوی بهاء الله آیند .

من بکمک راهنمای خود درطاقهای مجلل که درآنها آثار وکتب وعکسهای متعلق به بهاء الله قرار داشت وراهنمای من با احترام با آنها برخورد مینمود گردش کردم ازحجره درسالن مستطیل بزرگی که دریك طرف آن سکوی کوتاهی بود وسجاده ای در آن قرار داشت وارد شدم .

راهنمایم گفت این همان سالنی است که مستشرق مشهور ادوارد براون درآن بهاء الله را زیارت کرده بود وبیان احساسات او درهمه جا منتشر شده وهر بهائی آنرا بخاطر دارد که گفته است : ((دوچشم من بجمالی افتاد که هرگز فراموش ننمایم وازوصفش عاجزم حسّت بصر ازآن منظر کشف رموزدل وجان نمودی و قدرت وعظمت ازآن جبین مبین نمودار بودی به ظاهرعلامات سالخوردگی ازسیمانمایان ولی گیسوان و محاسن مشگین که برهیکل افشان منافی این تصورو گمان . مبرس درحضور چه شخصی ایستادم وچه منبع تقدیس ومحبتی تعظیم نمودم که تاجداران عالم غبطه ورزند وامپراطورهای امم حسرت برند))

راهنمای من زیرلب گفت میخواهید ایشان را ببینید ؟

— که را ؟

— ولی امر را

شوقی افندی را .

ایشان همین جادرحدائق هستند بیائید ازاین پنجره نگاه کنید — آه شما نمیتوانید ایشان را به بینید زیرا کارگرها ایشان راا حاطه کرده اند .

— من امشب ایشان راملاقات خواهم کرد

شخص بهائی برگشته ومثل اینکه عوضی شنیده باشد گفت : معذرت میخواهم . . .

— من امشب با ایشان درحیفا وعده ملاقات دارم . راهنمای من دوباره بمن نگاه کرد وگفت : یعنی ایشان شخصا منتظرملاقات شما هستند ؟

— بله اینطور قرار شده است .

ایشان کمتر اجازه مصاحبه میدهند مانند بهاء الله آثار صادر میکنند ومثل عبدالبهاء برای ایجاد وحدت عالم انسانی نقشه میکشند آنقدر کار میکنند تا ملکوت الهی درزمین استقرار یابد . درحالیکه این کلمات الهام آمیز در گوش

من طنین انداخته بود از کوچه ای که در کنار بیشه زیتون بود گذشتم وپیاده بعکا آمدم وازآنجا با اتوبوس بحیفا رفتم .

بیت مسکونی ولی امر بهائی در دامنه کوه کرمل قرار دارد این کوه مقدس وسبزاست اشیاء نیز آنرا بملکوت خدا تشبیه نموده ایلیای پیغمبر شاگردانش را درآن محل تعلیم داد دراینجا پتیاگورس برای مراقبه آمد . ناپلئون درآنجا معبد تاسیس کرد ومقدسین وشهدا اخاره ها وقبرهای خود را در آن برگزیدند ودرهمین جاست که بهاء الله درآن خلوت گزید واعلان کرد که حیفا مرکز انتشار وسرچشمه امر بهائی قرار خواهد گرفت .

مقام باب درکوه کرمل جلوه وکمال جواهر آسای (تاج محلا) را دارد ستون های بزرگ آن روبروی بندر حیفاقرار گرفته مثل اینکه پیشگوئی بهاء الله تحقق یافته است که فرموده ((کسیکه بالای قله کرمل قرار گیرد ومسافرینی که باکشتی بسوی آن بیایند عالیترین وباشکوه ترین منظره دنیا را درآن خواهند دید))

درداخل دیوارهای این مقام مقدس بقایای جسد باب وجسد عبدالبهاء قرار گرفته است.

وقتیکه من به نمره ۱۰ خیابان ایرانی که مسافر خانه بهائی درآن قرار دارد رسیدم خانم Ethel Revell منشی هیئت بین المللی بهائی مرا استقبال کرد . این خانم بمن گفت که حضرت ایشان شام را باما خواهند بود وقتی این مطلب را گفت بمن نگاه کرد تا ببیند آیا من بی باهمیت این افتخار برده ام .

خانم مذکور درباره ولی امر صحبت میکرد من از شوق وذوق او تصور کردم که اوتازه بهائی است وباصطلاح در اول عشق است ولی بعد دانستم که این تصور اشتباه بوده آشنائی او با امر از زمان کودکیش ازچهل سال قبل در فیلادلفیا شروع شده . مادرش وی راموقعیکه عبدالبهاء قائد سالخورده جامعه بهائی بامریکا مسافرت کرده بود بایشان معرفی نمود وایشان هم کودک مذکور را درآغوش گرفته پیش بینی فرمود که او وقتی درمرکز امرالله (حیفا) بخدمت اشتغال خواهد یافت او وخواهرش (جسی) درسال ۱۹۴۵ بحیفا آمده بودند تا درآنجا نزد ولی امرکمال شوق وذوق خدمت کنند بدون اینکه در ازاء کاری که میکنند توقع حقوقی داشته باشند و یا اجری دنیوی طالب باشند هنوز بعد ازهشت سال کار وخدمت هیچ چیزی برای آنها عادی نشده بود حیفا درنظر آنها نقطه نشاط بخش عالم بود چه که ولی امر درآن محل سکونت داشت . افتخار خدمت درآنجا برای آنها ذی قیمت بود چه که این خدمت منتهی آمال وآرزوی هر یك از بهائیان عالم است .

او بمن گفت ((شما مورد لطف بزرگی قرار گرفته اید وقتی که شما ولی امر را ببینید بکلی عوض خواهید شد)) و این کلمات طنین آشنائی درگوش من داشت .

او (ولی امربهائی) هرنوع انسانی باشد این مسلم است که اجناس ــ مذاهب وصاحبان افکار وعقاید مختلف رابهم گردآورده ویك جامعه از آن ساخته است. مردم ازبزرگ وکوچك با او بسوی مقصد وحدت عالم انسانی درحرکتند .

فقرا واغنیاء اعلا ازنظر عاطفه و عقیده یك زمینه مشترك را دریافته اند . قوی وضعیف در راه یك هدف راه می پیمایند . آن حضرت همه این گروههای مختلف را بسوی پیام جهانی و عالمگیر بهائی رهبری میکند .

و آنهاکه بدنبال اومیروند معنی این راخوب میدانند

من درحالیکه این حقایق رابیش خود مجسم میکردم ودروقتیکه خانم (روال) برای من میگفت که چگونه دیانت بهاء الله درعصر حاضربطورحیرت

انگیزی ظاهر ومنتشر گردیده است . دربازشد و خانم مرتب وآراسته وجذابی بدون اطلاع و اعلام قبلی وارد شدا مانند یك ملکه شرقی راه میرفت درحالیکه امریکائی بنظرمیرسید . خانم روی صندلی نشست و بلافاصله فرمود ((خوب بسرای من ازخودتان بگوئید. شما بادیان علاقمند هستید بگوئید ببینم در ضمن این تحقیقات چه یافته اید))

این نوع شروع به صحبت برای من غیر منتظره بود اغلب بهائیان درشروع بصحبت در باره آنچه خود یافته اند سخن میگفتند معمولا مقصد آنها این بودکه بدون تامل ارزش و حقیقت امر بهائی را بمن بنمایانند ولی این چه نوع هواخواهی است که ازمن میخواست که از خودم برای او بگویم .

من صورت اسامی ارقی راکه مورد مطالعه قرار گرفته بودند برای ایشان بیان کردم و وقتی افزودم که بنظرمن همیشه زمینه برای توافق و حسن تفاهم فراهم تراست تا اختلاف او بامن موافقت نموده گفت : ((ادیان الهی جدا ازهم قرار ندارندحقیقت همه آنها یکی است هر یك از ادیان دارای حقیقتی حیاتی هستندکه شخص محقق میتواند آنرا دریابد))

سپس با بیان مطالب دیگر رشته کلام را ادامه میداد ولی هنوز ذکری ازبهائی وبهاء الله و ولی امر بمیان نیاورده بود . آیااین خانم کیه بود ؟ وچرا خانم رول آنرا بمن معرفی نکرده بود شاید هنوز فرصتی نیافته بود . ایشان سپس فرمودند ((هر یك ازادیان بسرچشمه حقیقت منتهی میشوند . درهرکدام حقایقی الهی وعظیم وجود دارد ادیان همه اوراق یك شجرند . شخص محقق میتواند وبایدکه بین پیغمبران الهی هم آهنگی ملاحظه نماید وبین آثار آنها وحدت مشاهده کند .))

ازطرز گفتار ایشان چنان مینمودکه این وقت ومذاکرات برای ایجاد آشنائی کامل با امر بهائی اختصاص یافته استو من چیز دیگری نیز درگفتار ایشان احساس کردم وآن این بود که او بطریق تغزل وشاعرانه باهمان سبك و روش بهاء الله صحبت میکرد وتشخیص آنکه از این افکار که بیان می شدکدام به بهاء الله وکدام بخود اومتعلق است خیلی مشکل بود مطمئنا اینها فلسفه بهائی بودکه بیان می شد ولی او چنان طبیعی بیان میکرد که تصور می شد از خود اوست .

سپس فرمود ((شما میدانیدکه هرکس به وحدانیت خدا معتقداست باید درهر یك از مخلوقات جلوه الهی رامشاهده کند آنهائی که بوحدت الهی پی برده اندخودآنها قبل از همه جلوه حق را درخود مشاهده میکنند))

نفهمیدم چگونه صحبت ماازمسئله طلب و تحری بکشفیات وتحقیقات اوکشید سپس او از موفقیت های زندگی ولذائذحیات وتغییراتی که دراثر درك الوهیت و ورود درداثره روحانیات درانسان حاصل میشود سخن گفت و مسائل دیگری ازاین قبیل مطرح کردودرباره آنها توضیح داداو درباره غم ومصائب زندگی که بنوبه خود باعث ترقیات روحانی میگردندبیان کرد . دراین موقع که تحت تاثیرسخنان او قرار گرفته بودم گفتم امیدوارم زیادکنجکاونشده باشم ولی ممکن است بفرمائید که با چه کسی افتخار ملاقات دارم ؟

خنده مختصری نموده گفت : داستان زندگی من مختصر است من درکانادا متولد شدم فامیل من بهائی هستند وازچند سال پیش افتخار همسری ولی امرالله را پیدا کرده ام .

من ازاین توضیح متعجب شدم وخواستم بگویم : ((من نمیدانستم که ولی امر ازدواج کرده است

این شهرت واهمیتی که ولی امر دارد درنظرشما که همسر اوهستید چگونه است چرادرجوامع غیربهائی کمتر درباره شما شنیده ایم)) ولی بجای همه اینها گفتم ((ازملاقات شما خیلی خوشحالم)) — متشکرم کمی بعد شام را دورهم صرف — خواهیم کرد — سپس ایشان بیرون رفتند .

شوقی افندی برای صرف شام نیامدند وتاسف خودراازاین جهت بوسیله تلفن اطلاع داده گفتندکه کارشان در بهجی طول کشیده و وعده دادند که بلا فاصله بعد از غذا درمنزلشان مرا ملاقات خواهند کرد ولی عدم حضور شان در سر میز غذابرای مهمانها وحرم ایشان — بسیار موجب تاسف بودو گفتند ((ایشان بطور خستگی ناپذیر کار میکنند)) و یکی ازخانمها افزودندکه ایشان روحا باما هستند .سپس باطاق دلگشائی درطبقه پائین برای صرف غذا راهنمائی شدیم . خانم ربانی درانتهای یك میز بزرگی — نشستند درکنار ایشان دکتر لطف الله حکیم یك طبیب مسن ایرانی که از دوستان نزدیك ولی امربودقرار داشت ودربهلوی ایشان خانم امیلیا کالینز از بهائیان برجسته امریکائی نشسته بود در کنار من خواهران رول و مسیس سیلویا آیواس خانم منشی محفل روحانی نشسته بود وقتیکه پیشخدمت با سینی غذاوارد شدخانم ربانی از من خواست تا دعائی بخوانم بوی خوش وسوسه آمیز غذای ایرانی مرا وادارکرد تاخداوند را برعمومیت غذاوعمومیت امرش ثناگویم من شکر خدا را برای امربهائی وبرای هرکوششی که انسان را بر تحری حقیقت وصلح مدد نماید بجاآوردم .

بدون شك آن غذائی که شامل جوجه پخته پلو — بادام کوهی بوداده و موزسرخ شده بود انسان را برای هرنوع صحبت های سرسفره آماده میکرد لذا همانطور که غذا صرف میشد من جوابهای قانع کننده ای برای سئوالات خودم درباره نهضت بهائی می یافتم . من ازدکترلطف الله حکیم و خانم ربانی این را آموختم که دعاوتوجه بخدادردیانت بهائی یك امر اساسی است وفرا گرفتم که شخص بهائی وقتی براستی بهائی است که درطی اجرای فرمول قدیمی (خادم حق بودن) حس آگاهی ازحق دراو بوجودآید واین فرمول بمفهوم توجه وتفکروتذکر است مطمئنا دربسیاری ازکلیساها عقیده دارندکه بهائیت یك نظم اجتماعی است. خیلی ازدوستان کاتولیك وپرتستان من خیال میکردندکه بهائیت عبارت ازیك نظم پر زرق و برق برای ایجادبرادری وبرابری بین مردم است با امیدواری باینکه وقتی بتوانند دنیا را بوطن واحده تبدیل کنند . ولی من دراینجا درقلب حیفا — در کنار این سفره مهنا این نکته را دریافتم که دیانت بهائی همانقدرکه به اجرای یك نقشه جهانی مبادرت میورزد بهمان اندازه علاقمند به ترقی روحانی فردیست وبی بردم که اجرای نقشه جهانی عملی نخواهد بود مگر آنکه ترقی روحانی برای افرادبشر حاصل شود واین عبارت که در سرآن میز شنیدم ((شمانمی توانیدجهان را تغییر دهید مگر آنکه خود را تغییر دهید)) مطلبی بودکه بلا برخورد با بهائیان در سایر ممالك نشنیده بودم .

این نکته بمن ومطمئنا بهمه کسانیکه گذارشان بمنزل شماره ۱۰ خیابان ایرانی افتاده معلوم میشدکه بهائی واقعی باید زندگیش بر اساس تذکر وتحری استوار باشد ونیز بداندکه ((وحدت وآرامش از روح اوست)) و تاآنرا شخص خود احساس نکند نمیتواند بدیگران القاء نماید . ساعت ۹ بودکه بطرف بیت ولی امر روان شدیم چراغ هادرکوه کرمل روشن بود ویك راهی ازنور تامقام اعلی ادامه داشت هوای خشك معطروسکوت سرور انگیزی همه جارافرا گرفته بود .

درنقطه دورچراغ برج راهنما درگردش دوری خود مرتب ظاهر ومخفی میشد ودرنظرانسان حالت طلوع وغروب نور را درادوار پیغمبران مجسم میکرد . خانم ربانی مرا باطاق بزرگی که اثاثیه مختصری درآن قرار داشت راهنمائی کرد وگفت من میروم تا ببینم آیا حضرت ایشان آماده ملاقات هستند ؟

کمی بعد خانم باهیکل بلند وبرازنده خود در وسط در ظاهرشده اظهار کردند ایشان لحظه دیگر اینجا خواهند بود وامیدوارم شما از ملاقات ایشان محظوظ شوید . درصمیمیت و شوق اوهیچ شك نبود سپس نظری گرم و دوستانه ای بمن کرد مثل اینکه نگاه ایشان میگفت ((منهم وقتی مثل تودر مرحله تحقیق بودم منهم درصدد یافتن چیزی بودم که بتوانم زندگی خود را بدرستی وقف آن نمایم))

سپس دیدم شخصی درحالیکه بسبك غربیها ملبس بود ولی فینه ای بر سرداشت ازاطاق مجاور ظاهر شدند . قامت باریك ایشان حکایت از نیروی شکست ناپذیری مینمود با سری برافراشته چنان راه میرفت که گوئی جمعی ازمومنین وفادار ایشان را مشایعت مینمایند . سرخود را بطور نامحسوسی فرودآورده سپس دست خویش را بطرف من دراز کردند ما باهم مصافحه کردیم در این حال لبخندی برلب داشتند که مانع از آن نمی شدکه من عظمت موقعیتشان را در مقابل خود احساس نکنم .

ایشان برخورد مرا چنان باصمیمیت تلقی کردند که گفتی حال مرااحساس میکنند .حالت چشمان سیاهشان حکایت از یك روشن بینی و قضاوت درونی درباره آنچه احساس شده بود نه آنچه شنیده شده بود مینمود .

درقیافه ایشان متانت واستغنا آشکار بود شنیده بودم که ایشان ۷۵ سال دارند ولی ازقیافه ایشان بر میآمدکه ۴۰ ساله باشند هرچند من یك سر و گردن ازایشان بلندتربودم ولی درمقابل ایشان کوچکی احساس میکردم . من نسبت باطمینان روحی و ماموریت مقدسش که تمام روح او رابا اعتماد کامل من دون شك وتردید فرا گرفته بود رشك میبردم . ایشان یك لحظه مستقیما بمن نگاه کردند مثل اینکه میخواستند دراین نگاه دریابند که آیا من یك زائرواقعی هستم یا از آن دسته کسانی میباشم که برای کسب اخبارهیجان انگیز درباره ظهور یك فرقه ای براه می افتند .ظاهرا مثل اینکه خودرا قانع کرده باشندکه من هرگز برای این مصاحبه بسوی اوراه نپیموده ام مرا با حرکت سر بطرف یك صندلی راحتی هدایت کردند وخود درکنارصفه ای نشستند سپس افکاری را که درخاطرم میگذشت با لبخندی که حکایت از درك آن میکرد برلب آوردند .

آیا آمده بودم که یك رشته سئوالات عمومی کنم ؟ مقصد من ازاین ملاقات چه بود؟ وقتیکه جواب دادم که علاقمندی بمسائل دینی حس طلب را درمن ایجادکرده وباعث این سفر شده سری بعنوان درك مقصد تکان دادند واین دست شبیه بآن بودکه من یك جریان الکتریسته را وصل کرده باشم چشمانشان درخشید . بله اومیدانست من چه میخواهم بگویم یك انسان نمیتواند مدت درازی درمیان جنگل ادیان جستجو کند مگر آنکه بخواهد یك اثر پائی بیابد و یا یك راهی بخارج جستجو کند . آری راهی بسوی روشنائی ونور نور همان چیزی است که مردم محتاج آنند .

دنیای ما چقدر مضطرب است چقدرکار جهان گره درگره افتاده است چقدر مردم شدیدا محتاج پیام جدیدند محتاج این پیام وبشارت که کلیه انظمه عالم در شرف انقراضند وملکوت الهی در حال تاسیس است . ایشان یك مرتبه

و کاملا مرا وارد قلب دیانت بهائی کرد هر چند من در باره او از دیگر افراد داستانها شنیده بودم ولی معذلك این یك تجربه تازه ای برای من ازملاقات قائد یك دین بود که ازکلیسه کتابهای آسمانی دفاع میکرد ونه تنها ازبرای یك موعود بلکه از برای پیغمبران اقامه دلیل مینمود . او فقط یك راه رانشان نمیداد بلکه از طرق مختلف درباره خداحرف میزد و میگفت ((دیانتی که با نام حضرت بهاء الله شناخته شده قصد ندارد که مقام هیچیك از پیغمبران گذشته را کوچك نمایدیا ارزش تعالیم آنهارا کم جلوه دهدو یا تابش نور آن ادیان راولو بطور مختصر مخفی نمایدو یا جلوه آنرا ازقلوب پیروانش بزداید و یا اصول اساسی آنها رانسخ کند و یا هیچیك از کتب منزله آنها رارد نماید و یا آرزوهای مشروع پیروان آنها را ازبین ببرد . حضرت بهاء الله با رد ادعای اهل ادیان در باره اینکه آخرین ظهور الهی بین بشرند با اعتراف باین حقیقت که ظهور خود او نیز آخرین ظهور نیست اصل اساسی نسبی بودن حقایق دینی را تعلیم میدهدو وحدت مظاهر الهیه و ادیان الهی را تائید میکند .مقصد او توضیح اساس ادیان است که تاکنون درعالم ظاهر شده اندو شرح وتفسیر رموزی است که در کتب الهی مندرج است حضرتش حقایقی راکه در ادیان هست ازخرافاتی که علماء روحانی بدان افزوده اند جدامیکندو بر روی این اساس امکان اتحادآنها را استوار میسازدوانجام قطعی آمال عالیه آنها را پیش بینی میفرماید .

اینست آن روشی که اوامر بهائی رابدان وسیله اعلام مینماید . دین عبارت از استمرار ظهورات الهیه است واوخود ش یك وسیله ای برای این مرحله ازادیان است بهاء الله این پیام را آورده و ولی امر آنرا برای متحدکردن جهانیان بکار میبرد .

این بود شخصی که من برای ملاقات با او آمده بودم . کسیکه اگر دراین مقام نبود میتوانست یك تاجر موفق . یك هنرمند ویك معلم باشد ــ مردی که چشمان نافذش پیوسته افکار مرا قبلا میخواندوفکر نقادش جواب آماده برای سئوالات من درهمان لحظه پرسش داشت .

برسیدم : آیا دیانت بهائی حقیقتا اساسش در دنیا در شرف استواریست ؟ انقلابات دینی وتحولات اجتماعی وقوای متمرکز سیاسی با اشراق امر بهائی مضطرب شده اند . یك مدنیت جهانی درحال تولدویك روز جدید در شرف طلوع است. ولی آیاواقعا دردنیای امروز ما بیشتر از سابق احساس علاقه بدین درمردم میشودوآیا دنیابیشتر بسروحانیات متمایل است؟

انسان ازخدا غافل شده است ولی خدا او را بحال خودنخواهد گذاشت ادیان باید با صداقت درکنار هم قرار گیرند باید دیانت و مظاهر ظهوری را که میتواند آنها را متحد کندقبول نمایندانسان بقدری درتحصیل ــ تئولوژی غرق شده است که مطالعه درزندگی را ازیاد برده است.

کلمات او جرقه هائی بودندکه ازسندان باب بیرون میجستندو اشعه ایکه ازنور شمع بهاء الله می درخشیدند ــ این بزرگان جرات داشتندکه سلاطین وعلمای روحانی را به سوء استفاده از نیروی الهی متهم کنند وبرای آنها درقبال اعمالشان مجازات های هولناك پیش بینی نمودند و حال ولی امر آنها بیان میکرد که این مجازا ها چه بوده است . سقوط تاسیسات دینی و درهم شکستن قدرت و اساس روحانیت جنگ در داخل مسیحیت تجزیه قوای دنیاوظهور خدایان سه گانه تعصبات ملی وجنسی وکمونیسم

از جمله آنها بوده اند .

من قبلا سرنوشت امپراطورهائیکه پیغـــام بهاء الله را رد کردند خوانده بودم که چگونـه همه آنها محو و معدوم شده اند . ایـــن حقایق را شوقی افندی درکتاب (روز موعـــود فرا رسید) برای تنبه اهل جهان نوشته اند .

ایشان همچنان سخن میگفتند عباراتشـــان با لحنی شاعرانه ولی محکم ادا میشد به انگلیسی شیرین وبدون اشتباه حرف میزدند . چنان محکم و با اقتدار سخن میگفتند که گوئی هـــر چه میگویند ازطرف خدا حق گفتن آنرا دارنـد ایشان جریان وسیع وقایع جهان را درقرن ـ اخیربر محور سال ۱۸۶۳ که درآن سال بهاء الله شریعت خویش را به اراده الهی وامر اوتاسیـس نموده توجیه میکردند . تصریح نمودند که طرح اتحاد جهانی درآثار بهاء الله وعبدالبهاء وجود دارد و اشاره باین مطلب کردند که تمام آنچه برای نظم عمومی عالم پیشنهاد شده ازمجمع اتفاق ملـل گرفته تا سازمان ملل متحد همه ازاین سرچشمه الهی الهام گرفته اند واینها پرتوی هستند از نوری که ازنورانیت دنیای بهائی تابیده اســت ولی چه فکر میکنید درباره اینکه با وجود یکـــه امر بهائی با سرعتی کمتر از آنچه که انتظـــار میرفته تا کنون انتشار یافته است .

نفوذ ما را از نمیتوان ازنظر عده حساب کرد ولی درعین حال در دنیای بهائی بسیـــار بزرگ وقوی است .

گفتیم : کریستیان سانیس (کریستیـــان سانیس Christian Science)

یك فرقه مسیحی است که توسط ماری بیکردامریکا بوجود آمده این فرقه تمام احتیاجات رابا روش روحانی قابل رفع میدانند حتی امراض را بوسیلـه اعضای کلیسای خود قابل علاج میشمرند .کلیسای اصلی آنها دربستن امریکاست و کلیســـا های فرعی آنها درامریکاست.) که شروعش تقریبـا بهمان سال ۱۸۶۳ برمیگردد اکنون اقلا نیم ـ میلیون پیرو درامریکادارد .

ادونتیست ها Adventists

(چند فرقه مسیحی هستند که عقیده بقرب ظهور مسیح دارند ـ این مذهب بوسیله(ویلیام میلـر) از اهالی نیوانگلاند درسال ۱۸۳۱ بوجود آمـد که آمدن مسیح رابین سالهای ۱۸۴۴ـ۱۸۴۳ پیش بینی کرد واز آن وقت ببعد چند وقت دیگر نیز تعیین کردند وچون ظهور مسیح ونزول اورا از آسمان بظاهر تعبیرمینمایندلذا از ظهورالهی محروم مانده اند) که درحدود یك قرن ازپیدایش آنها میگذرد درحدود ۳۰۰۰۰۰ نفرند .

یهو ویتنسز Jehonoh's Wi tnesses

گواهان یهوه (فرقه ای هستند که مسیحیت را بـا روشی جدیدی تعلیم میدهند موسس این فرقـه شخصی بنام (چارلزتیزراسل) کار خودرا ۱۸۷۲ شروع کرداین فرقه کشیش وکلیسا ندارند همـه افراد فرقه از زن ومرد و جوان وپیر وظیفه بشارت و دعوت را انجام میدهند و بجای آنکه مردم را بکلیسا بخوانندخود بدر منازل اشخاص میرونـد این دسته درحالیکه انجیل را بهمه وعظ میکنند معتقدند که خدانشناسان وشریران قابل ورود بـه ملکوت الهی نیستند و نیزعقیده دارندکه ازپیروان این مذهب فقط صدوچهل وچهارهزارنفر باسمان میروند یعنی درپایان جهان خدا جنگی برعلیه شرارت میکندپس این عده درآسمان با مسیـــح سلطنت آسمانی او را شروع میکنند و بقیه درزمین مانده از زندگی ابدی برخوردار میشوند . این فرقه فعلا پر سروصداترین وفعال ترین فرق ـ مسیحی در اروپا وامریکا هستند . این فرق بنوعی که ذکر شد هیچکدام دینی از ادیان نیستند کـــه پیشرفت آنها با دیانت بهائی مقایسه شود بلکـه فرق دیانت مسیحی میباشند . ظهوروپیشرفت ـ

فرق مذهبی مانند خلیجهای بسته بیك دریاآسان است ولی تاسیس شریعت فقط کار حق جل جلاله است (مترجم) . درحدود .....ه جمعیت دارند واین جمعیتها درهمین یك قرن اخیر پیدا شده اند .

جواب فرمودند : مشکل کار با این جمعیتهای تازه اینست که آنها همیشه چیزی را بمردم پیشنهاد میکنند . مردم اغلب بیك دین تازه یا کهنه ازاین نظر متوسل میشوند که منافعی از آن برای خود حاصل کنند ــ ولی بهائیها معتقدند که آنها چیزی را نیز باید بدهند . سپس توضیح دادند که دیانت مسیحی بعدازآنکه بغرب رفت مسیحیان فرصت طلب ومصلحت بین شدند و گفتند که نوع عقیده غربی اینست که من چه میتوانم ازدیانت بدست آورم و چه نفعی درآن برای من موجود است ولی در دیانت بهائی شخص از خود میپرسد ــ آیا من چه‌چیز خود را حاضرم در راه دیانت بدهم ؟

پیروان اولیه مسیح از دیانت مسیحی چه ــ میخواستند؟ بجز یك چوبه دار ..

وقتیکه اینرا میگفتند برای من شکی باقی نبود که خودشان حاضرند چوبه دار رادر راه عقیده خود بدوش خویش بگیرند . ایشان قصد دیگری نداشتند جز اینکه ماموریت خود راانجام یافته ببینند . امرالله را تاسیس نمایند .بنای مقامات را بانجام رسانند . جامعه راحفاظت و هدایت نمایند . دشمنان امر رامقاومت کنند آن صفحه ای که ایشان برآن نشسته بودند جای آن داشت که تختی باشد وکلماتش کلمات یك پادشاه .

در موقع صحبت ازکار وزندگی ولی امر فرمودند افراد دارای دوبالند دانائی وایمان ــ وقتیکه این دو کاملا با هم هماهنگی داشتند روح انسان بکمال الهی خود میرسد .

راجع به ارتباط علم و دین فرمودند دین در مخالفت خودبا علم راه خطائی رفته است دین حقیقی وعلم حقیقی طبعا باهم دشمن نیستند بلکه بمعاونت یکدیگرما رابخدا میرسانند ایشان شر رافقدان خیر تعریف نمودند چنانکه تاریکی فقدان نور است واینکه چرا انسان بیشتر طالب شر است تاخیروچرا بدنبال تاریکی میرود تا روشنائی ازجمله اسرار زندگی است.

شوقی افندی سپس فرمودند ــ نباید افراد در زندگی احساس یاس نمایند . انسان چرا باید تعادل خود را ازدست بدهد این حالات نقطه نتیجه فقدان ایمان واطمینان است آنهائیکه عاشق نورند نباید ازتاریکی مضطرب شوند باید بدانیم که تمدن بشریت درمراحل ترقی وتکامل مانند هیکل انسانی است درحال رشد و نمو اضطرابات و هیجانات ازعوامل این تکامل و ترقی است . زندگی بشر بسیار جوان است و مدنیت دوران صباوت خود راطی میکند . صباوتی توام با غفلت . ولی بهر حال خداوند ناظرومواظب است که بکمال وبلوغ لازم برسد .

ایشان سپس درباره حیات بعد ازممات سخن گفتند واظهار کردند که تعلیمات بهاء الله در این باره ارزش آن دارد که بعنوان یك عقیده اساسی مورد مطالعه قرار گیرد از جمله نقل ــ کردند ((فاعلم انه یصعد حین ارتقائه الی ان یحضر بین یدی‌الله فی هیکل لا تغیره القرون‌والاعصار))

ایشان تاکید کردند که بزرگترین مظاهر قدرت و اثر درجهان ما پیغمبرانند بوسیله آنهاست که عرفان الهی حاصل میشود و مدنیت پیشرفت مینماید آنها بشیر های الهی هستند بین خلق تا وقتیکه آنها بین مردم هستند خدا درمیان خلق زندگی ــ میکند و وقتیکه آنها سخن میگویند کلام آنها کلام ــ خداست ...

لحظات میگذشت و وقت کم کم طولانی میشد من

یك دفتر یادداشت داشتم ولی آن شب آنرا باز نکردم چه که لحظات میگذشت فقط میتوانست کلمات ایشان را برای من ضبط نماید نه قدرت ایمان حضرتش را این چیزی بودکه بایستی احساس نمود و نقش ضمیرکرد . احساس وآگاهی وی از خداوند ما فوق تصور بوددر نظر ایشان همه چیز بارادهٔ الهی منوط بوده و پیغمبران واسباب ظهور آنند .

نزدیك نیمه شب بود که ولی امر ازجا برخواستند دست خود را برای فشردن بالای من دراز کرده واظهار امیدواری نمودندکه باز همدیگر را ببینیم پس بر گشتند واز راه اطاق دیگر بیرون رفتند .

درخارج منزل در نور ماه بمنظره مقام اعلی در دامنه تپه سبز، که بکوه کرمل موسوم است خیره شدم . کاتولیك ها رئیس دارند ومسلمانها مکه پرستانها به بیت‌اللحم متوجهند ویهود یها باورشلیم بهائیها هم کوه مقدس (کرمل) در حیفا دارند .

این جا مرکز تلاقی است اینجا مرکز ترکیب ادیانی است که بر اساس الهی تاسیس یافته اند و حقایق آنها امروزه درنظم بدیعی جلوه نموده که ولی امر هادی آنست . آیا کوه کرمل ـ تخت خدا خواهد توانست که جهان را درزیر سایه خود آورد . در اطاق من در مسافرخانه بهائی یك ظرف میوه روی میز گذاشته شده بود بعلاوه چند مجلداز کتب فلسفی و دینی که ازجمله آنها یك جلد از آثار بهاء الله ترجمه شوقی افندی بود وهمچنین یك نسخه از کتاب تازه (دستور زندگی) تالیف خانم ربانی در ضمن آنها بود . او دراین کتاب بطور موثری عقیده ثابت خود را در باره آنکه سرنوشت فردای جهان بستگی بنوع روشی داردکه ما امروز در مقابل این دیانت جهانی اتخاذ نمائیم شرح داده است .

موضوع این کتاب و مطالبی که ولی امر فرموده بودند برای چند روز زمینه تفکرات مرا تشکیل میداد علی الخصوص روز جمعه سیزدهم بین ساعت سه تا پنج که من بسارف اورشلیم از دروازه Mandelbaum برمیگشتم . آیا این نوری که شوقی افندی آنرا روشن نگاه داشته خواهد توانست یهود واعراب را متحد کند؟ آیا اوخواهد توانست که صلح را در ارض مقدس یا هر مملکت دیگری که قوای نظامی درسرحدات آن آماده اند مستقر سازد جهان امروز ممکن است درحال صباوت باشد ولی آیا هرگز بمرحله بلوغ خواهد رسید تا قبول کندکه همه مردم جهان بندگان خدایند و به لطف او مخصوص؟ من درباره شوقی افندی فکر میکردم وگوئی می شنیدم که صدای خود را ماورای اختلافات دنیا بلند کرده با اعتقاد کامل میگفت :

صلح وسلام دردنیای ما وقتی ایجادخواهد شدکه ایمان ویقین درآن جای زور وانتقام نشیند و وحشت واضطراب به اعتماد و اطمینان تبدیل گردد و وحدت بین بشر زمانی عملی خواهد شد که افراد امم این کلمات ـ بهاء الله را بعنوان قانونی اساسی درکشور خود بپذیرندکه (لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم) انتهی

بدرالدین حصاری

هله‌ای مسیح دمـی‌که جـــان بجهان دمیده توئی توئـــی
تو بیاکه پـــرتـو آرزو که‌بدل رسیده توئی توئـــی

بدرون دیـده توئـــی توئـــی بدل رمیده توئـــی توئـــی
بهرآنچه رشته زنـــدگـــی هـوســی تنیده توئی توئـــی

تو سـرشـگ دیـــده عاشقـــی تو نوای سینه بیـــــدلان
کسی ار ز آتش واشـــگ وخـون دلی آفـریـــده توئی توئـــی

اگر آنچه هست در این جهـــان اثـــرازمحبت و دوستـــــی
بشـود ســرشگ وشـــود عیـان بســواد دیده توئـی توئی

بسحـــر نسیم سپیـــــده‌دم چـــو وزد بـــرنُّه زیـروبـم
دودم ز شـــوق بـدیده نـم که‌مگـر سپیده توئـی توئـی

چـو باشگ گـرم سحـــرگهـی بـــدوام عشق دعـــاکنـــم
چـــه دعا کنـم چه رجـا کنم که دعـــا شنیده توئی توئـی

سپـرم براه رضـــای تـــو دل وجـــان بتیـــر بلای‌تـو
کـه‌خدنگهـــایی صیـد دل بکمـــان کشیده توئـــی توئی

برضـــای تو همه‌جا خـوشـــم ببـــلا خوشـــم بجفا خوشم
که صفـــای دل چو بهای جـان ببـــلا دمیده توئـــی توئی

بفـــروغ دیده‌توئی توئـی بـــدل رمیده‌توئـی توئـــی
بهر آنچـــه رشته‌زندگی هوسی تنیده توئی توئـــی

##

##

آهنگ بدیع

و خوانندگان

هیئت تحریریه آهنگ بدیع باین آرزو واشتیاق قدم در راه تنظیم این شماره نهاد که بتواند مجموعه ای ازهر جهت شایسته در دسترس احبای عزیز الهی قرار دهد دراین راه از هیچگونه تلاشی دریغ نشد و ازجمیع امکانات موجوده استفاده گردید . معهذا این مجموعه هر اندازه جامع و کامل باشد نه شایستگی آن را خواهد داشت که مبین عظمت مقام ولی فرید و وحید امرالله باشد ونه قدرت آن که مساعی و زحمات آن هیکل انور را در دوران سی وشش ساله ولایت متجلی منعکس نماید پس چه بهتر که بااعتراف باین مطلب عذر تقصیر بخواهیم ولب ازسخن فروبندیم باین امیدکه شاید نسل های آینده در عهود واعصار آتیه این دور مقدس بتوانند تجلیل شایسته ای را که درخور شان ومقام آن ودیعه ربانیه الهیه است بعمل آورند .

ضمنا لازم میداند تشکرات خاضعانه خود را حضورایادی ممتاز امرالله امة البهاء حضرت روحیه خانم که بمناسبت انتشار این شماره وبرحسب استدعای هیئت تحریریه آهنگ بدیع پیامی برای خوانندگان ارسال فرموده اند عرضه نماید ونیز از حضرات ایادی امرالله علیهم بهاء الله که خاطرات مسرت بخشی را از ایام حیات مبارک دراختیار ما گذاشته اند خالصانه تشکر میکنیم وبالاخره از کلیه نفوس محترمی که در تنظیم و تکثیر این مجموعه بنحوی از انحاء باهیئت تحریریه همکاری نموده اند بی نهایت سپاسگذاریم .

"هیئت تحریریه آهنگ بدیع"